

فیلماتی ۱۵ غروشد

عبدالحق حامد بک حق طبعی (آثار مفیده
کتابخانه سی) نه منحصر اولان کلیات آثاری :

۱۶ جملہ	۱ الہام وطن
۱۷ دیوانہ لکرم	۲ ماجرای عشق
۱۸ سفیلہ	۳ صبر و ثبات
۱۹ زینب	۴ ایچلی قیر
۲۰ ساودانا پال	۵ دختر ہندو
۲۱ فینن	۶ نظمیقہ
۲۲ ایلخان	۷ صحرا
۲۳ والدہم	۸ نسترن
۲۴ طرخان	۹ طارق
۲۵ بالادن برسس	۱۰ تزر
۲۶ طیفلر کچیدی	۱۱ اشبر
۲۷ عبداللہ اصغیر	۱۲ لیبرتہ
۲۸ ابن الموسا	۱۳ مقبر
۲۷ ہپ - یاخود ہیچ	۱۴ اولو
۳۰ مکتوبلر	۱۵ یونلر اودر

(آثار مفیده کتبخانه سی) هیئت واسطه سیله
نشر اولنان کتابلر :

عبدالحق حامد بک کلیات آثارنامه :

الهام وطن (سلیمان نظیف بک مقدمه سیله) .
فینتن .

(سلیمان نظیف بک طرفندن
تخشیه اولنه رق)
مکتوبلر) ک برنجی وایکنجی جلد لری
طارق بن زیاد .

عبدالحق حامد بک آثارنامه بر قاج کونه قدر
انتشار ایدمه بک :

ابن موسی .
طیفار کچیدی .

آثار اسمو فرمه :

دیوان یحیی (ابن الامین محمود کمال بک مقدمه سیله) .
هرسکلی عارف حکمت بک دیوانی (محمود کمال بک مقدمه سیله)

تمامیله تأمین ایدمه مدیکنی اعتراف ایدر . حرب عمومیدن
متولد مصائب و مشکلاتک حشر و نشر اولدینی بر زمان
و مکانهدها زیاده کمال کو سترمک آسان دکلدی . مع مافیه
خطوات مساعیمزک بر فراز تکاملده قطع مسافات ایتسنه
مستمراً چالیشه جغز . اللهدن توفیق دیلرز .

استانبول ، • رمضان ۱۳۳۴

سلیمان نطیف جناب شهاب الدین اسماعیل حقّی

محمود کمال عثمان کمال



اساسده کی بواطراد سزلق اشکالدهده مشهود اولور :
مثلا شاعر اعظم عبدالحق حامد بک شمدی به قدر
انتشار ایتمش اولان یکر می بی متجاوز اثر لری مختلف کاغذ لر
اوزرینه ، مختلف شکل وقطعهده باصلدیغدن بونلردن
اوج، دوت دانه سنی بریده جمع وتجلید ایتک قابل دکلدر .
اساسندن بریشان قلمغه محکوم اولان آثار مطبوعه نك
کتبخانه لرده نه قدر مدت پایدار اوله بیله جکی ایسه معلوم !
معارف ناظری شکرى بک افندی آثار

قدیمه بی ، متوالیاً تهید ایتکده اولان آفات ضیاعدن
ومؤلفین جدیده بی ده طبع آنارده متمادیا مصادف
اولمقده بولندقلری مشکلات و تردددن وقایه وتخلیص
مقصیدله (آثار مفیده کتبخانه سی) هیئتنی تشکیل
وبوهیئتک ریاستنی بالذات درعهده ایده رک وسائط موفیقی
احضار صور تیاه وظیفه سنک امر ایفاسنی تسهیل بیور مشلر در .
کرك بوكتاب، كرك بوندن بویله ساحه انتشاره چیقه جق
آثار ، مساعی واقعه نك درجانی کوسترر .

هر تشبثك بدایتده بر چوق نواقص بولنق غیر منکر درر .
(آثار مفیده کتبخانه سی) هیئتنی آرزو اولنان مکملیتی

خوغنك و اك قيعتلى و دكرليرينك نسخ موجوده سی
آزاله آزاله تداركى كسب عسرت و، ينه مثلا، برقاج سنه
اول يكرمى، اوتوز غروشله ممكن التدارك اولان بر
نديم ديوانى بوكون يوز اللى، ايكي يوز غروش راده سنه
ترفيح فيئات ايتمشدر.

مطبعة عامره و مصر مطبعه سيله مطابع و طباع سائر نك
الى الابد حافظه آراى شكران اوله جق صورتده خدمت
ايتمش اولمقله برابر، انتخاب آثار خصوصنده دائما اصابت
ايد مامش اولدقلىرى آثار مطبوعه كوستريور. مثلا
شيخ الاسلام يحيى افندى كى لسان واديباتمزده
اساتيد معدوده دن اولان برذاتك ديوانى اهام اولنه رق،
سنبليزاده و سبى وعينى ديوانلى كى قيمت تاليه يى حائز
اولر باصله مشدر. استانبول لهجه بياننك شعر مزده استاد
اولى اولان باقى نك ديوانى بيله بواهمالدين قورتوله مادي.
آلمش، يتمش سنه اول طاش باصمه سيله و غايت نامطبوع
صورتده طبع و تمثيل اولنان مجموعه اشعارى - كه بوكون
ناياب ويا كميابدر - بيوك مطبعه لر مركز تفريق و انتخاب
آنارده كى لاقيديسى كوسترر.

آثار مفیده کتبخانه سی

آثار مفیده منسوب اولدقلری ملتک سامان عرفانی
احتوا ایدن برر خزینه در . بونلرک ضیاعی، حیات امتده
تضمینی ناقابل ضرر لر ایقاع ایدر . بر طرفدن متوالی
ومستولی حریرلر ، دیگر طرفدن قدر شناسان اجانبک
بذل ایتدیکی نقود قارشیشنده اراده لری صار صلان ومغلوب
اولان اصحاب ویا حفاظ کتبمزک لاقیدی وجدان سوزی
یادکار اسلافک بر قسمی کتبخانه فایه ، بر قسمی ده
اوروپا و آمریقایه طاشیمقدمه در . اوایل بر حالده که کونک
برنده خزان عرفانمزک بسبتون بوشانمسندن قور قولور! ...
کتب غیر مطبوعه مزک حال ومقدراتی بو . مطبوع
اولانلرینه کلنجه : بونلر میاننده، مثلاً، مطبعه عامره ایله
مصر بولاق مطبعه سنک و قتیله فوق العاده التزام دقت
واعتنایده رک طبع وتمیل ایتش اولدینی کتابلردن بر

فهرست

بهاء الدین بکه .	۳۰۳
بهاء الدین بکه .	۳۰۷
بهاء الدین بکه .	۳۰۹
رفیق بکه دائر .	۳۱۰
علی سعاوی افندی به دائر .	۳۱۳
تشکر .	۳۱۴
فهرست اسامی .	۳۱۵
فهرست	۳۳۴



سامی پاشا زاده نجیب پاشایه .	۲۱۹
سلیمان نظیف بکه .	۲۲۴
پیری زاده عثمان بکه .	۲۲۵
پیری زاده صاحب بکه .	۲۲۸
پیری زاده ابراهیم بکه .	۲۳۰
بهاء الدین بکه .	۲۳۲
بهاء الدین بکه .	۲۳۴
بهاء الدین بکه .	۲۳۷
بهاء الدین بکه .	۲۴۱
بهاء الدین بکه .	۲۴۴
بهاء الدین بکه .	۲۴۹
بهاء الدین بکه .	۲۵۲
بهاء الدین بکه .	۲۵۶
بهاء الدین بکه .	۲۶۲
بهاء الدین بکه .	۲۷۵
بهاء الدین بکه .	۲۷۷
بهاء الدین بکه .	۲۸۱
بهاء الدین بکه .	۲۸۵
بهاء الدین بکه .	۲۸۹
بهاء الدین بکه .	۲۹۴
بهاء الدین بکه .	۲۹۷
بهاء الدین بکه .	۲۹۸
بهاء الدین بکه .	۲۹۹
بهاء الدین بکه .	۳۰۲

پیری زاده ابراهیم بکه .	۱۲۵
صاحب بکزاده لره .	۱۲۷
رجائی زاده اکرم بکه .	۱۲۹
پیری زاده عثمان صاحب بکه .	۱۳۲
پیری زاده ابراهیم و عثمان بکلرله حسنی بکه .	۱۳۳
رجائی زاده اکرم بکه .	۱۳۵
تأملیات .	۱۳۷
الحاج ابراهیم افندی به عائد بر مقاله .	۱۴۴
شاعر عرب بشاره عائد بر مقاله (معلم فهمی افندینک) .	۱۵۵
رجائی زاده اکرم بکه .	۱۸۴
تبریک و تشکر (تعلیم ادبیاته تقریض منظوم) .	۱۸۶
کمال زاده علی اکرم بکه .	۱۹۲
عبدالله جودت بکه .	۱۹۵
عبدالله جودت بکه .	۱۹۶
عمود کمال بکه .	۱۹۸
جلال نوری بکه .	۲۰۰
جلال نوری بکه .	۲۰۱
بر ورقه .	۲۰۱
حسین افندی به .	۲۰۲
رجائی زاده اکرم بکه .	۲۰۴
سامی پاشا زاده نجیب پاشا .	۲۰۷
سامی پاشا زاده عبدالحلیم و عبد الرحمن حسن بکلره .	۲۱۰
سامی پاشا زاده نجیب پاشایه .	۲۱۲
سامی پاشا زاده عبدالباقی بکه .	۲۱۶

بهاء الدین بکه تذکره .	۵۴
پیری زاده عثمان صاحب بکه .	۵۵
رجائی زاده اکرم بکه .	۵۸
پیری زاده ابراهیم و عثمان بکترله حسنی بکه .	۶۰
پیری زاده عثمان صاحب بکه	۶۲
پیری زاده اسماعیل بکه .	۶۵
پیری زاده اسماعیل بکه .	۶۸
رجائی زاده اکرم بکه .	۷۰
برهان الدین بکه .	۷۱
برهان الدین بکه .	۷۲
ناظم بکه .	۷۴
محمود کمال بکه .	۷۶
رجائی زاده اکرم بکه .	۷۷
محمود کمال بکه .	۹۵
پیری زاده ابراهیم بکه .	۹۶
رجائی زاده اکرم بکه .	۱۰۰
محمود کمال بکه .	۱۰۲
باکودارالمعلمین اسلام مدیری محمدجودت بکه .	۱۰۴
سامی پاشا زاده نجیب پاشایه .	۱۰۸
پیری زاده اسماعیل بکه .	۱۱۳
حقوق مأذونلرندن محمدجودت بکه .	۱۱۶
پیری زاده ابراهیم و عثمان بکترله حسنی بکه .	۱۱۷
پیری زاده ابراهیم بکه .	۱۲۰
پیری زاده ابراهیم بکه .	۱۲۲

ایک نیجی جلدک فہرستی :

صحیفہ	
۳	پیری زادہ ابراہیم بکہ .
۵	پیری زادہ ابراہیم بکہ .
۸	پیری زادہ ابراہیم بکہ .
۱۰	فاطمہ فخر النساء خانمہ .
۱۲	صاحب بکزادہ لره .
۱۴	صاحب بکزادہ لره .
۱۵	رجائی زادہ اکرم بکہ .
۱۸	رجائی زادہ اکرم بکہ .
۲۲	ناظم بکہ .
۲۴	پیری زادہ عثمان صاحب بکہ .
۲۶	رجائی زادہ اکرم بکہ .
۳۶	رجائی زادہ اکرم بکہ .
۴۰	محمود کمال بکہ .
۴۲	رجائی زادہ اکرم بکہ تلغراف .
۴۳	حسنی بکہ .
۴۶	پیری زادہ ابراہیم بکہ .
۴۸	رشاد فوآد بکہ .
۴۹	رشاد فوآد بکہ .
۵۱	کمال زادہ علی اکرم بکہ .

و

- واصل بن عطا ، ۱۸۰ .
وفیق بك (مدحت پاشا دامادی) ، ۲۶۹ ، ۲۷۲ .
ولید (خلیفه اموی) ، ۱۷۴ .
وولتر ، ۸۹ ، ۹۰ ، ۹۱ ، ۹۲ ، ۱۵۱ ، ۱۵۴ .
ویقتور هوغو ، ۹۱ .
ویقتوریا (انکلتزه قرائیجه سی) ، ۱۹ ، ۱۳۳ ، ۲۷۱ .
ویقتورین ساردو ، ۳۱۱ .

ه

- هو مر ، ۸۶ .

ی

- یعقوب بن داود ، ۱۸۳ .
یوسف آغا ، ۱۱۸ .



، ۲۵۸ ، ۲۵۷ ، ۲۵۴ ، ۲۴۵ ، ۲۰۵ ، ۱۹۴ ، ۱۹۳ ، ۱۹۲
 ، ۲۵۹ ، ۲۶۲ ، ۲۸۸ ، ۲۹۰ ، ۲۹۲ ، ۳۰۰ ، ۳۱۱ ، ۳۱۳ .
 نجیب پاشا (سامی پاشا زاده داماد شهریار) ، ۴ ، ۴۰ ، ۶۰
 ، ۱۰۸ ، ۲۰۷ ، ۲۱۰ ، ۲۱۲ ، ۲۱۳ ، ۲۱۹ ، ۲۲۲ ،
 ، ۲۳۷ ، ۲۵۸ ، ۲۵۹ ، ۲۶۴ ، ۲۶۵ .
 نجیب بك (نجیب پاشا حفيدی) ، ۶۲ ، ۶۳ ، ۲۲۵ ،
 ، ۲۳۲ ، ۲۳۶ ، ۲۳۷ ، ۲۴۰ ، ۲۴۳ ، ۲۴۸ ، ۲۴۹ ،
 ، ۲۵۰ ، ۲۵۲ ، ۲۵۳ ، ۲۵۶ ، ۲۵۹ ، ۲۸۳ ، ۲۹۰ ، ۳۰۰ ،
 ، ۳۰۳ ، ۳۰۵ .

نجیب پاشا ، ۶۲ ، ۲۰۷ ، ۲۳۲ ، ۲۳۷ ، ۳۰۰ .

تركسی ، ۱۵۰ .

نژاد اکرم بك (رجائی زاده) ، ۳۶ .

نسب افندی ، ۴۵ ، ۳۰۴ .

نصری بك (فراتقو پاشا زاده) ، ۲۴۷ .

نظیف بك ، ۷۲ .

نعمت خانم (رشاد فوآد بكك والده سی) ، ۴۸ .

نقی ، ۷۴ .

نورالله بك ، ۲۶۳ .

نوری بك ، ۵ .

نیلی خانم ، ۱۰ ، ۳۷ ، ۳۹ ، ۴۹ ، ۶۲ ، ۶۳ ،

، ۱۱۳ ، ۱۲۹ ، ۱۳۰ .

مکتوبلر

- . مسیح (علیہ السلام) ، ۹۱۰
 . مصطفیٰ آغا ، ۱۱۸
 . مصطفیٰ بك (ادھم پاشا زادہ) ، ۱۱۷
 . منیف پاشا ، ۲۰ ، ۲۷۱ ، ۳۱۲
 . موسہ (آفرہ ددوموسہ) ، ۸۸
 . مولیہ ر ، ۸۴ ، ۹۰ ، ۱۴۹ ، ۲۹۰
 . مہر النساء خاتم ، ۸۲ ، ۱۲۸ ، ۲۳۱
 . مہران آغا ، ۱۱۸
 . میرایو ، ۱۵۱ ، ۱۵۲ ، ۱۵۳ ، ۱۵۴
 . میشلہ ، ۱۵۳

ن

- . نابغہ ، ۱۷۸
 . ناپولئون (فرانسہ ایمپراطوری اوچنچی) ، ۲۷۰ ، ۲۷۱ ، ۲۷۲
 . ناپولئون (فرانسہ ایمپراطوری برنجی) ، ۸۳ ، ۱۵۳ ، ۲۶۹
 . ۲۷۲
 . ناجیہ خاتم ، ۱۱۴
 . ناظم بك ، ۲۲ ، ۷۴
 . نامق کمال بك ، ۵ ، ۱۶ ، ۲۸ ، ۳۳ ، ۳۸ ، ۵۱ ، ۵۲
 . ۵۵ ، ۵۸ ، ۷۷ ، ۷۸ ، ۷۹ ، ۸۳ ، ۸۴ ، ۸۵ ، ۹۱
 . ۱۰۰ ، ۱۰۴ ، ۱۳۶ ، ۱۴۱ ، ۱۴۷ ، ۱۸۴ ، ۱۹۱

لوئی فیلیپ (فرائسہ قرالی) ، ۲۶۷ ، ۲۷۰ .

لوئر ، ۹۱ .

لوسیہن خانم ، ۷۱ ، ۷۲ .

م

مارا ، ۱۵۳ ، ۱۵۴ .

محمد (علیہ السلام) ، ۱۸۲ .

محمد جودت بك (باكو دارالمعلمین اسلام مدیری) ، ۱۰۴ .

محمد جودت بك (دارالفنون حقوق فاكولتہ سندن مأذون) ، ۱۱۶ .

محمد علی پاشا (مصر والیسی) ، ۲۶۸ .

محمود بك ، ۱۱۷ ، ۱۱۸ .

محمود كمال بك ، ۴۰ ، ۷۶ ، ۹۵ ، ۱۰۲ ، ۱۹۸ ، ۳۱۰ .

محمود ندیم پاشا (صدراعظم) ، ۲۵۵ .

محی الدین بك (حكیم باشی زاده) ، ۳۰۴ .

مدحت پاشا (صدراعظم) ، ۷ ، ۴۳ ، ۴۴ ، ۶۱ ، ۹۷ ،

۱۲۰ ، ۱۲۱ ، ۲۳۰ ، ۲۶۶ ، ۲۶۹ ، ۲۷۰ ، ۲۷۵ ، ۲۷۶ .

مدیحہ سلطان ، ۲۵۹ .

مراد بك ، ۹ ، ۲۵۰ ، ۲۵۲ ، ۲۵۳ .

مراد خان خامس (سلطان) ، ۲۴۲ ، ۲۴۶ .

مروان (خلیفہ اموی) ، ۱۷۴ ، ۱۷۵ .

فہمی اقدی ، ۶۵ .

فہمی اقدی (بغدادی) ، ۱۴۸ ، ۱۸۳ .

فہیم بك (سفوت پاشا زادہ) ، ۱۰۸ ، ۱۱۱ ، ۲۴۳ ،

۲۵۴ ، ۲۶۴ .

ق

قرہ بانوس ، ۲۶۸ .

قورنہی ، ۸۹ ، ۹۰ ، ۹۲ ، ۹۳ .

ك

کاظم بك ، ۲۸۸ .

کاظم پاشا ، ۱۲۰ .

کانی پاشا ، ۲۴۵ .

کسری (ملوک عجمدن) ، ۱۷۳ .

گیب ، ۲۰ .

گیزو ، ۲۷۰ .

ل

لعلفر قالفہ ، ۱۱۸ .

لوئی (فرانسه قرالی اون آلتنجی) ، ۱۵۲ ، ۱۵۳ ، ۱۵۴ .

لوئی (فرانسه قرالی اون دودنجی) ، ۸۴ ، ۱۴۹ .

غ

- غازی عثمان پاشانک حرمی خانم ، ۳ .
 غازی محمد پاشا ، ۱۲۳ .
 غورچاقوف (پرنس) ، ۸ .

ف

- فاطمہ خانم ، ۴۷ ، ۵۶ ، ۱۲۴ ، ۱۳۰ ، ۲۰۵ ، ۲۲۲ ،
 ۲۳۱ ، ۲۳۳ ، ۲۹۴ .
 فاطمہ فخر النساء خانم ، ۹۷ ، ۱۰ ، ۱۲ ، ۵۶ ،
 ۱۱۵ ، ۱۱۸ ، ۱۲۱ ، ۱۲۴ ، ۱۳۲ ، ۲۳۱ .
 فاطمہ منتہا خانم ، ۹ ، ۲۵ ، ۲۵ ، ۴۲ ، ۵۶ ، ۶۷ ،
 ۱۱۵ ، ۱۱۸ ، ۱۲۴ ، ۲۳۱ .
 فخرالدین رشاد بك ، ۱۵ .
 فرانقو پاشا ، ۲۴۷ .
 فرحنا خانم ، ۹ ، ۱۱۸ ، ۱۲۴ ، ۲۳۱ .
 فرہ درلق (پروسیا قرالی ایکنجی) ، ۹۰ .
 فرید پاشا (داماد شہریاری اعیانند) ، ۲۵۰ ، ۲۵۴ ، ۲۵۹ ،
 ۲۶۴ .
 فوآد پاشا (یکہجی رادہ صدراعظم) ، ۱۱۲ ، ۱۲۸ ، ۲۳۳ .

- عثمان پاشا (غازی) ، ۳ .
- عثمان صاحب بك (پیری زاده) ، ۱۲ ، ۲۴ ، ۵۵ ،
- ۵۶ ، ۶۰ ، ۶۲ ، ۶۹ ، ۸۶ ، ۱۱۵ ، ۱۱۷ ، ۱۲۴ ،
- ۱۲۶ ، ۱۳۲ ، ۱۳۳ ، ۲۰۴ ، ۲۲۵ ، ۲۲۸ ، ۲۳۰ ، ۲۳۱ .
- عدنان بك (پیری زاده) ، ۱۱۵ .
- عزت افندی ، ۲۵۰ .
- عزت پاشا (اعیانندن) ، ۲۲۴ .
- عزت پاشا (کچه‌چی زاده فوآد پاشا حقیدی) ، ۱۱۲ .
- عطا بك ، ۶۰ ، ۱۱۱ .
- عقیف بك (کوپرلی زاده) ، ۲۹۱ .
- علقو پاشا ، ۲۶۸ .
- علی آغا ، ۳۱۰ .
- علی حیدر بك (مدحت پاشا زاده) ، ۲۶۹ .
- علی روحی بك (ویس پاشا زاده) ، ۲۶ ، ۲۷ .
- علی سعاوی افندی ، ۲۴۵ ، ۲۴۶ ، ۲۵۵ ، ۲۵۸ ،
- ۲۵۹ ، ۳۱۳ .
- علی فرخ بك ، ۱۳۶ .
- علی فوآد بك (عالی پاشا زاده) ، ۲۶۴ .
- عقیل بن کعب ، ۱۶۱ .
- عیسی (علیه السلام) .

، ۲۳۹ ، ۲۴۰ ، ۲۴۳ ، ۲۴۵ ، ۲۴۸ ، ۲۵۰ ، ۲۵۱ ،
 ، ۲۵۳ ، ۲۵۵ ، ۲۵۸ ، ۲۶۰ ، ۲۶۱ ، ۲۶۶ ، ۲۶۹ ،
 ، ۲۷۴ ، ۲۷۵ ، ۲۷۶ ، ۲۸۰ ، ۲۸۴ ، ۲۸۶ ، ۲۸۸ ،
 ، ۲۹۱ ، ۲۹۳ ، ۲۹۵ ، ۲۹۶ ، ۲۹۷ ، ۲۹۸ ، ۳۰۱ ، ۳۰۲ ،
 . ۳۰۶ ، ۳۰۸ ، ۳۰۹ ، ۳۱۳ .

عبدالحق حسين بك ، ۳ ، ۱۴ ، ۲۵ ، ۶۳ ، ۱۱۳ ، ۲۳۱ ،
 . ۲۸۳ ، ۳۰۰ .

عبدالحق منلا ، ۲۶۸ .

عبدالحاميد بك (سامى پاشا زاده) ، ۲۱۰ .

عبدالمجيد خان ثانى (سلطان) ، ۴۳ ، ۶۱ ، ۱۲۰ ،
 . ۲۴۶ ، ۲۵۰ ، ۲۵۵ ، ۲۶۹ ، ۲۸۴ .

عبدالحالق نصوحى بك ، ۲۲ ، ۴۵ ، ۵۳ ، ۶۷ ، ۸۲ ، ۹۶ ،
 . ۹۷ ، ۹۹ ، ۱۰۲ ، ۲۰۲ ، ۲۱۶ ، ۲۲۲ ، ۲۲۸ ، ۲۳۳ ، ۲۹۷ .

عبدالرحمن حسن بك (سامى پاشا زاده) ، ۲۱۰ .

عبدالعزيز خان (سلطان) ، ۷۳ .

عبدالله جودت بك ، ۱۹۵ ، ۱۹۶ ، ۱۹۷ .

عبدالله (رسام) ، ۱۰۳ .

عبدالمجيد خان ، ۲۶۳ .

عبد . ۱۵۹ ، ۱۶۱ ، ۱۶۲ ، ۱۶۴ ، ۱۶۵ ، ۱۶۶ .

عبيدالله افندى ، ۵۲ ، ۵۳ ، ۶۳ ، ۲۲۷ .

طاهر ملا ، ۹۷ .

طرخان پاشا ، ۱۲۶ .

ع

عاصم بك ، ۱۱۵ .

عاكف پاشا ، ۲۶۸ .

عالى پاشا (صدر اعظم) ، ۲۶۴ ، ۳۱۰ ، ۳۱۱ ، ۳۱۲ .

عائشه خانم ، ۲۳۲ .

عباس بن محمد ، ۱۶۹ ، ۱۷۰ .

عبدالحق حامد بك ، ۱ ، ۴ ، ۷ ، ۹ ، ۱۱ ، ۱۳ ، ۱۴ ،

۱۷ ، ۲۱ ، ۲۳ ، ۲۵ ، ۲۶ ، ۳۵ ، ۳۹ ، ۴۱ ، ۴۲ ،

۴۵ ، ۴۷ ، ۴۸ ، ۵۰ ، ۵۳ ، ۵۴ ، ۵۷ ، ۵۹ ، ۶۱ ،

۶۴ ، ۶۶ ، ۶۷ ، ۶۹ ، ۷۰ ، ۷۱ ، ۷۳ ، ۷۵ ، ۷۶ ،

۸۷ ، ۹۴ ، ۹۵ ، ۹۹ ، ۱۰۳ ، ۱۰۷ ، ۱۱۲ ، ۱۱۳ ، ۱۱۵ ،

۱۱۶ ، ۱۱۹ ، ۱۲۱ ، ۱۲۴ ، ۱۲۶ ، ۱۲۸ ، ۱۳۱ ،

۱۳۲ ، ۱۳۴ ، ۱۳۵ ، ۱۳۶ ، ۱۳۹ ، ۱۴۱ ، ۱۴۳ ،

۱۵۴ ، ۱۸۵ ، ۱۸۷ ، ۱۹۱ ، ۱۹۴ ، ۱۹۵ ، ۱۹۷ ،

۱۹۹ ، ۲۰۰ ، ۲۰۱ ، ۲۰۳ ، ۲۰۶ ، ۲۰۹ ، ۲۱۱ ،

۲۱۳ ، ۲۱۵ ، ۲۱۶ ، ۲۱۸ ، ۲۲۱ ، ۲۲۲ ، ۲۲۳ ،

۲۲۴ ، ۲۲۷ ، ۲۲۹ ، ۲۳۱ ، ۲۳۲ ، ۲۳۳ ، ۲۳۴ .

مکتوبلر

- شیخ حسین افندی ، ۶۰ ، ۲۰۲ .
شیخ شامل ، ۱۲۳ .
شیخ عثمان افندی ، ۶۱ ، ۱۲۱ .

ص

- صائب بك (داخله كاتبي) ، ۲۳۲ ،
صاحب بك (پیری زاده) ، ۴ ، ۱۰ ، ۵۶ ، ۶۵ ، ۶۹ ،
۷۰ ، ۱۱۵ ، ۱۱۹ ، ۱۲۱ ، ۱۳۲ ، ۱۳۵ ، ۲۲۸ .
صاحب بكنزاده لر ، ۱۲ ، ۱۴ ، ۲۰ ، ۶۷ ، ۱۲۷ ، ۱۳۵ ،
۲۲۸ .

- صادق پاشا (باش بكید) ، ۱۱۲ ، ۲۴۳ .
صبحی پاشا ، ۲۲۰ .
صبيحه خانم ، ۲۳۲ .
صفوت پاشا (صدراعظم) ، ۱۰۸ ، ۲۴۳ .
صلاح الدين بك (زيور پاشا زاده) ، ۲۶۴ .

ض

- ضيا پاشا ، ۴۴ ، ۸۴ ، ۸۵ ، ۸۶ ، ۲۴۵ ، ۲۵۷ .

ط

- طاهر بك (منمنلی زاده) ، ۲۰۴ ، ۲۰۵ .

مکتوبہ

۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۶، ۲۱۹، ۲۲۱، ۲۳۷، ۲۵۳، ۲۵۸،
۲۵۹، ۲۸۵ .

سزایی بك (- امی پاشا زادہ) ، ۲۰، ۲۸، ۵۸، ۶۳،

۷۰، ۸۴، ۱۳۵، ۲۰۶، ۲۲۰، ۲۲۷، ۲۸۸ .

سعد اللہ پاشا ، ۸۲، ۲۲۱، ۳۱۱ .

سعدی شیرازی ، ۱۷۹ .

سعید بك ، (سلیمان نظیف بكك بخدومی) ، ۲۲۴ .

سعید بك ، (کمال پاشا زادہ) ، ۸۵ .

سعید پاشا (صدراعظم) ، ۴۱ .

سلیمان سودی افندی ، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۲ .

سلیمان نظیف بك ، ۲۳، ۱۶۶، ۲۲۴ .

سلیم خان اول (یاوز سلطان) ، ۵۲، ۲۹۹ .

سیلویو پالیقو ، ۱۴۱ .

ش

شارل (فرانسه قرانی اونجی) ، ۲۶۷ .

شکسیر ، ۹۰ .

شکيب بك — (شریا پاشا زادہ) ، ۲۴۲، ۲۴۳ .

شمسی بك ، ۲۳۰ .

شناسی ، ۷۸، ۸۳، ۱۴۲، ۱۴۷، ۱۵۰، ۲۷۱ .

مکتوبلر

- رضا توفیق بك ، ۲۲ ، ۷۵ .
 رفعت افندی ، ۴۴ .
 رفعت بابا ، ۱۱۸ .
 رفعت بك ، ۲۹۱ .
 رفعت بك (كانی پاشا زاده) ، ۲۴۵ .
 رفعت بك (منمنلی زاده) ، ۱۹۲ .
 رفیق بك ، ۳۱۰ ، ۳۱۱ ، ۳۱۲ .
 رويسپیه ر ، ۱۵۳ ، ۱۵۴ .

ز

- زیور بك (زیور پاشا حقیقی) ، ۲۳۲ ، ۲۴۰ ، ۲۶۱ ،
 ۲۸۰ ، ۲۸۱ ، ۲۸۳ ، ۲۸۴ ، ۲۸۶ ، ۲۸۸ ، ۲۹۱ .
 زیور پاشا (شیخ الحرم) ، ۴۴ ، ۵۴ ، ۷۹ ، ۲۳۲ .

ژ

- ژورژ ساردو ، ۳۱۱ .

س

- ساره خاتم ، ۱۱۵ ، ۲۲۵ .
 سامی بك ، (صبحی پاشا زاده) ، ۲۲۰ .
 سامی پاشا ، ۴ ، ۶۰ ، ۸۴ ، ۱۰۸ ، ۲۰۷ ، ۲۱۰ ، ۲۱۲ .

مکتوبر

- خلیل شریف پاشا ، ۹۶ ، ۹۹ ، ۱۱۷ ، ۱۲۱ .
- خلیل غانم ، ۲۶۸ ، ۲۶۹ .
- خواجہ عبداللہ افندی ، ۱۱۸ .
- خواجہ مجید افندی ، ۳۱۰ .
- خواجہ محمد افندی ، ۱۱۸ .
- خیراللہ افندی ، ۶۶ .
- خیرہ ، ۱۵۵ .

د

- دانتون ، ۱۵۴ .
- دروبرہ زہ (مارکی دو) ۱۵۲ .

ر

- راسین ، ۸۹ ، ۹۰ ، ۹۲ ، ۹۳ ، ۱۴۹ .
- راشد افندی ، ۱۱۸ .
- راشد پاشا ، ۲۳۸ .
- ربیعہ خانم ، ۱۲۱ .
- رشاد فواد بك (کچھ جی زادہ فواد پاشا - حفیدی) ، ۴۸ ، ۴۹ .
- رشید بك (جمیل پاشا زادہ) ، ۲۶۴ .
- رشید بك (عالی پاشا زادہ) ، ۲۶۴ .
- رشید پاشا (صدراعظم) ، ۲۶۴ ، ۳۱۱ .

ت

- تشودور قصاب افندی ، ۲۶۹ .
- توفیق فکرت بك ، ۱۷ ، ۱۴۹ .
- تیهر ، ۲۶۷ ، ۲۶۸ ، ۲۷۰ ، ۲۷۲ ، ۲۷۳ .

ث

- ثریا پاشا ، ۲۴۲ .

ج

- جاحظ ، ۱۵۷ ، ۱۷۹ .
- جریر ، ۱۵۷ .
- جلال بك (وجائی زاده) ، ۱۸۴ .
- جلال ساهر بك ، ۳۸ .
- جلال نوری بك ، ۹۰ ، ۲۰۰ ، ۲۰۱ .
- جمالفر قالفه ، ۱۱۸ ، ۱۲۴ .
- جمیل پاشا (رشیدپاشا زاده) ، ۲۶۴ .

چ

- چرکس حسن ، ۲۳۸ .

برد ، ۱۵۵ .

برمکی ، ۳۰۰ .

برهان الدین بک ، ۷۱ ، ۷۲ .

بسمارق ، ۲۷۳ .

بشار ، ۱۴۸ ، ۱۵۵ ، ۱۵۶ ، ۱۵۷ ، ۱۵۸ ، ۱۵۹ ،

۱۶۲ ، ۱۶۳ ، ۱۶۴ ، ۱۶۵ ، ۱۶۶ ، ۱۶۷ ، ۱۶۸ ،

۱۶۹ ، ۱۷۰ ، ۱۷۱ ، ۱۷۲ ، ۱۷۳ ، ۱۷۴ ، ۱۷۶ ،

۱۷۷ ، ۱۷۸ ، ۱۷۹ ، ۱۸۰ ، ۱۸۲ ، ۱۸۳ .

بووالو ، ۹۲ ، ۱۴۸ ، ۱۴۹ .

بهاء الدین بک (زیورپاشا زاده) ، ۲۰ ، ۴۴ ، ۵۴ ،

۷۹ ، ۲۳۲ ، ۲۳۴ ، ۲۳۷ ، ۲۳۸ ، ۲۴۱ ، ۲۴۴ ،

۲۴۹ ، ۲۵۰ ، ۲۵۲ ، ۲۵۶ ، ۲۵۷ ، ۲۶۲ ، ۲۶۴ ،

۲۷۵ ، ۲۷۷ ، ۲۸۱ ، ۲۸۵ ، ۲۸۶ ، ۲۸۸ ، ۲۸۹ ،

۲۹۰ ، ۲۹۲ ، ۲۹۳ ، ۲۹۴ ، ۲۹۶ ، ۲۹۷ ، ۲۹۸ ،

۲۹۹ ، ۳۰۲ ، ۳۰۳ ، ۳۰۶ ، ۳۰۷ ، ۳۰۹ .

بهیجه سلطان ، ۲۶۳ .

پ

پالمستون (لوزد) ، ۲۶۹ .

مکتوبر

اکرم بک (رجائی زادہ) ، ۱۵ ، ۱۶ ، ۱۸ ، ۲۶ ،
 ۳۳ ، ۳۶ ، ۴۲ ، ۵۵ ، ۵۶ ، ۵۸ ، ۵۹ ، ۷۰ ، ۷۷ ،
 ۸۲ ، ۸۷ ، ۹۴ ، ۱۰۰ ، ۱۰۱ ، ۱۰۴ ، ۱۲۱ ، ۱۲۹ ،
 ۱۳۱ ، ۱۳۵ ، ۱۳۷ ، ۱۴۱ ، ۱۴۷ ، ۱۴۸ ، ۱۸۴ ،
 ۱۸۶ ، ۱۸۷ ، ۱۹۰ ، ۱۹۱ ، ۲۰۴ ، ۲۱۷ ، ۲۶۳ ،
 ۲۸۲ ، ۲۸۸ ، ۲۹۰ ، ۲۹۲ ، ۲۹۴ ، ۳۰۱ ، ۳۰۵ ، ۳۱۴ .

اکرم بک (کمال زادہ) ، ۳۸ ، ۵۱ ، ۱۹۲ .
 الحاج ابراہیم افندی ، ۱۳۷ ، ۱۳۸ ، ۱۳۹ ، ۱۴۰ ،
 ۱۴۱ ، ۱۴۲ ، ۱۴۳ ، ۱۴۴ ، ۱۴۵ ، ۱۵۰ ، ۱۸۸ ، ۱۸۹ .

المہدی ، ۱۸۱ ، ۱۸۲ ، ۱۸۳ ،

المہلب بن صفرة ، ۱۵۵ .

امین بک ، ۱۲ .

امین پاشا ، ۷۶ ، ۹۵ ، ۱۰۳ .

ب

باقی بک (سامی پاشا زادہ) ، ۸۴ ، ۱۰۸ ، ۱۰۹ ، ۱۱۱ ،
 ۲۱۶ ، ۲۲۱ ، ۲۳۶ ، ۲۳۷ ، ۲۴۲ ، ۲۵۳ ، ۲۵۸ ،
 ۲۵۹ ، ۲۶۴ ، ۲۷۸ ، ۲۸۱ ، ۲۸۲ ، ۲۸۳ ، ۲۸۵ ،
 ۲۸۸ ، ۲۹۰ ، ۳۰۱ .

- ابوجعفر المنصور (خلیفہ عباسی) ، ۱۷۲ .
 ابوکامل ، ۱۸۰ .
 احمد آغا ، ۲۳۳ ، ۲۹۵ .
 احمد بك (محبوب پاشا زادہ) ، ۱۱۸ .
 احمد پاشا ، ۱۷۹ .
 احمد مختار پاشا (غازی) ، ۸ ، ۴۶ ، ۱۲۲ ، ۲۵۵ ،
 احمد مدحت اقدی ، ۱۶ ، ۵۵ ، ۹۳ ، ۱۵۰ ، ۱۵۱ ،
 ۱۵۲ ، ۱۵۳ .
 احمد وفیق پاشا (باشوکیل) ، ۶۶ ، ۶۸ .
 ادمون روس ، ۱۵۳ .
 ادھم پاشا (صدراعظم) ، ۱۱۷ ، ۲۷۲ .
 ارجمند بك (رجائی زادہ) ، ۳۱۴ .
 استانلی (لورد) ، ۶۸ .
 استفان ، ۱۱۸ .
 استفانوویچ ، ۲۲۷ .
 استفنا کی ، ۲۶۸ .
 اسماعیل بك (پیری زادہ) ، ۸۴ ، ۱۲ ، ۵۶ ، ۶۵ ، ۶۷ ، ۶۸ ،
 ۱۱۳ ، ۱۱۸ ، ۱۲۱ ، ۱۲۴ ، ۱۲۶ ، ۱۳۲ ، ۲۲۸ ،
 ۲۲۹ ، ۲۳۱ .

برجمله دره اسمی صراحتاً و یا ضمناً مذکور اولاندر:

آ

آدم (علیه السلام) ، ۱۸۰ .

آرستیدی بك ، ۱۱۷ .

آلكساندر دوما ، ۲۶۹ .

ا

ابراهيم آغا ، ۳۱۲ .

ابراهيم بك (پیری زاده) ، ۳ ، ۵ ، ۸ ، ۱۲ ، ۲۶ ،

۲۷ ، ۴۴ ، ۴۶ ، ۶۰ ، ۶۱ ، ۶۳ ، ۶۷ ، ۹۶ ، ۱۱۵ ، ۱۱۷ ،

۱۲۰ ، ۱۲۲ ، ۱۲۵ ، ۱۳۲ ، ۱۳۳ ، ۲۲۵ ، ۲۲۸ ، ۲۳۰ ،

۲۵۸ .

ابراهيم پاشا (صائب بکرزاده) ، ۲۳۲ ، ۲۳۷ ، ۲۳۸ ،

۲۴۲ ، ۲۴۸ ، ۲۵۰ ، ۲۵۳ ، ۲۵۶ ، ۲۷۴ ، ۳۰۰ .

ابوالضيا توفيق بك ، ۸۵ ، ۲۰۱ ، ۲۴۵ ، ۳۱۰ .

ابوالعباس وليد ، ۱۷۳ ، ۱۷۴ .

شکر

کړک نشر اولنان ایکی جلدده مندرج بولنان، کړک بعدما
نشر اولنه جق جلدلره درج ایدیله جک اولان مکتوبلرک
مهم بر قسمی استاد اکرمک فرزند معارفندی رجائی زاده
ارجمند بک افندی اعطا ایتدیکی کبی، پدرینک جداً قیمتدار
اولان اوراق متروکه سندن استفاده ایتمه مزه ده مساعده
ایتمش اولدقلرندن کندیلرینه علناً تشکر ایتمکی وجائب
حق شناسیدن عد ایدرز .



علی سعادتی به دار:

علی سعادتی افندی حقنده بوجلدك ۲۴۵ و ۲۴۶ نجی صحیفه لرینه متن وحاشیه اوله رق برقاچ سطر درج اولمشدی. عبدالحق حامد بلك ۱۴ تشرین اول ۱۲۹۴ تاریخلی بر مکتوبنه جواباً نامق کمال بك طرفندن یازیلان تاریخلی نامقید برنامه مفصلك سعادتی به عائد فقراتی عیناً نقل اولنور:

..... سعادتی هیچده سنك تخمینك کی آدم دكل ایدی. برچهره نمایشنه آلدانمشك. هرکیم نه دیرسه دیسون، ایکی سنه ارقداشلق ایندم. او آدم اوپله «برازغرضکار، برازده مغلوب امل.....» دكل، دنیاده مثلی کورلدك برشارلاتان ایدی. بن قولایقله هر شیئه آلدانم. اوپله ایکن بکا کندینی - طوغری عربجه دن بشقه برلسانده برصحیفه اوقویه من ایکن - یدی، سکنز لسان بیلور صورتنده کوستردی. او قدر جاهل، جهالتیله برابر او قدرده مغرور ایدی که ترکیه اوچ سطر برشی یازسه مسخره عالم اولوردی. دها اوروپادن کله دن اول کندینی دعوت ایندیرمک ایچون اصول مشورت علیه یازدینی بندلر (وقت) غزته سنده قولاقلرینی صالایوب طور بیور. آمان اللهی سورسه ك، سنك ده ذاتاً حربی التزام ایندیك یوق یا!... آرقالیدی (اذکروا موتا کم بالخیر) امرندن بتون بتون خارجه چیقه جقدم ده عقلمه کلنی سویلیه جکدم. براقلم، اوقیلدن اولانلرك قولندن، فعلندن، وضعندن، طورندن، ذکرندن، فکرندن هیچ بروقت، هیچ بردرلو خیر متصور دکلدرد!...

احوال غزته سنده محرر ایدی - منحصرأ نشر ایتدیکی (مرآت)
نامنده کی رساله موقوته حقنده منیف افندیك [*] مجموعه فنونه
درج ایلدیکی برفقره یه مرأته ویردیکی جواب ، کندوسنك
افکار سربستی اصحابندن بولندیغه دلالت ایده جك مرتبه ده
احرارانه یازلمش ، یعنی تربیه رسمیه عداولنان لسان مسکینانه دن
عاری بولنش اولسی عالی پاشانك جانی صیقدیغندن مجموعه فنونه
ترضیه ویرمسنی و ویرمدیکی حالده رساله سنی قیامش عد ایتسنی ،
مذاهب مدیری وساطتیه کندوسنه امر ایتش ایدی. رفیق بك
ایسه ، مشرب آزادینسی هیچ برسبب و صورتله مسكنت آمرانه یه
تحويل ایده میان سر آزادكان فطرتدن اولدیغندن یدنجی نسخه سنده
مرأتنی کسر و افنای ذلیلانه ارتكاب ترضیه یه ترجیح ایده رك
حیثیت احرارانه سنی اعلا ایتشیدی .

عالی پاشا ، هیچ سومدیکی وسائط نشریه دن برینك بووجهله
اورته دن قالمش اولمسنه ممنون اولاق لازم کلوركن معینده
بولنان عادی برقلم کاتبك امرینه امثال ایتامسندن متحصل غضبی
بردرلوینه مامش و اوکونلرده مذاهب اوطه سنجه محلول اولان
برمعاشك کتبه یه تقسیم ناطق ، اصولاً مدیر طرفندن تنظیم
و تقدیم قلنان دفترده رفیق بك مرحومه ضم ایدیلان یتش بش
غروشی قلمیله چیزه رك حذاسنه سرخله (امکدار اولان اوطه جی
ابراهیم آغایه ویرلمسی موافق معدلتدر) عبارده سنی یازمقله ، کویا که
غیظنی تسکین ایشدر .

[*] منیف پاشا .



مکتوبلر

افندی تسمیه اولان بوزات، دیوان قلمنک الیوم مراعات ایدیلان مخصوصاتندن اولدینی اوزره (عالی) مخلصی آلمشدر. برایکی سنه او قلمده و آنک مهمه سنده بولندقدن صکره ۱۲۴۸ ایله ۴۹ آره سنده ترجمه او طه سنه نقل ایتیش و اوراده ایکن باب عالی ترجمه قلمی خلفاسی ایچون خارجییه دائره سی کتابخانه سنده فرانسه ترجمه تدریسنه مأمور بولنش اولان (ژورژ ساردو) دن - که فرانسه اقاده میسی اعضا سندن و ادبای بنامدن متوفی و یقتوریه ن ساردونک پدریدر - برسنه علی التوالی، برورزش مغرطله، فرانسه ترجمه بی تحصیل ایتدکدن صکره ، ۵۱ ده بیوک ایلیچیلکه پارس سفارته مأمور اولان رشید پاشا مرحوم ، مومی الیه ساردونک دلالتیه عالی افندی بی برلکده پارسه کونوره رک ، اکمال تحصیل ایچون (لیسه سن بارب) . قویمشدر . ایشه عالی پاشانک بوم وفاتنه قدر ثابت و صادق قالدینی مسلك سیاسیی ، بومکتبه آلدینی تربیه نتیجه سیدر . چونکه لیسه سن بارب ، پاپاسلر طرفندن کشاد و اداره ایدیلان مکتبلردن اولدیغندن، تدریسات و تلقیناتی بالطبع افکار احرارانه بی افنا ایله حب استبدادی الفا ایدمک حالانه مصروف بولنمق لازمکلوردی .

احتمالکه فطرة دخی او یوله میلانی بولنش اولسونده بو الفات، او میل فطری بی ایقاظ و تقویه ایتیش اولسون. هر نه صورتله ایسه ، عالی پاشانک دماغی اوراده زهرلنش واستعداد ذاتیسنه بوزهرک بیوک بر تائیری اولمشدر .

باخصوص فکر سر بستانه یه میلانی ایشیدوب کوردیکی کنج لارک خصم الدی ایدی . مذاهب او طه سی خلفا سندن رفیق بک - که زمانک سعدالله بک [*] و کمال بک کی اذکیاسندن معدود و ترجمان

[*] سعدالله پاشا .

رفیق بکہ دائر:

مکتوبہ بر ک برنجی جلدندہ کی مقالہ بی نشر ایتد کدن
 صوگرہ رفیق بک مرحومہ عائد بک آزمعلوماتہ دسترس
 اولہ بیلدک. اسمنک (مصطفی رفیق) اولدیغی رفقای کرامدن
 ابن الامین محمود کمال بک افندی سویلدیلر. بوندن بشقہ
 ابوالضیا توفیق بک مرحومک (یککی عثمانیلر تاریخی) ندہ
 رفیق بکہ عائد اولان شوسطرلردہ بالآخرہ مصادف نظر
 اولمشدر:

... عالی پاشانک ایچندہ طوغوب بیودیکی محیط ایله عہد شبابندہ
 آلدینی تربیہ علمیہ وغریبہ یکدیگریله قابل مقایسہ دکلدیر.
 چونکہ کندیزی سرای ہایوندن باغچہ قپوسی قپوجیلغنه چراغ
 اولدقدن صکرہ مصرچارشوسندہ عطارلغہ سلوک ایتمش علی آغا
 اسمندہ برینک اوغلی اولدیغندن، مسقط رأسی اولان مرجان
 محلہ سندہ کی یعقوب آغا مکتبندہ اوزمانک اصولجہ ختم قرآنی
 متعاقب پایزیدجامعندہ صرف ونوعو عربی تحصیل ایتمش وبوصورتہ
 ذہندہ اوپائمش اولان ہوس معرفت الجاسیلہ سلطان احمدجامعندہ
 دخی وواخر عمرینہ بتمشش اولدیغمز مشہور خواجہ مجیدافندیدن
 فارسی دخی تعلم ایلدیکندن ۱۲۴۵ دە اون بش یاشندہ ایکن
 دیوان قلمنہ کیرہ بیلیمکہ اظہار لیاقت ایلشدر. اوزمانہ قدرامین

بہاء الدین بلہ :

برادر محترم نورعینم افندم حضرتلری ،
مأموریت جدیدہ می [*] تبریک ایچون لطف ایتدیگک
تلعراقنامہ دن طولایی بیان شکران و منتداری ایدر
وبومنا مبتلہ استانبولہ کلہ رک ناصیہ نجابت و اخوتکی تقییلہ
موفق اولمنی جناب حق دن نیاز و تمنی ایلکده اولدیغمک عرضہ
مسارعت ایلرم .

باقی ہمیشہ جملہ صاغ و وار و بختیار اولاسکز افندم .

متحسر لر کدن

۲۷ مارت ۱۹۰۸

عبدالاحق ہامد

[*] مادرید سفارت سنیہ سی کہ - طارق بن زیاد - مبدع

بی نظیری اورایہ کیتہ دن بروکسلہ تحویل مأموریت ببورمشندی .



بربر مزی آق صقاللی ده گورورز . انسانک نفسنده
واخوان و او داسنده گورمک ایستدیکی رنکلكاڭ پارلانغی
او اولسه گرگدر . هر نه قدر ،

کینمشد ریباض ، اما او عین رنک ماتدر

مضر اعنی ده خاطره گتورر ایسه ده .
صکره نیم یروتده او غم ادیغم سیاهی بخت ایامنده سنک
بکا سوریه دن یازدیغک ،

بو بر کیدش که آنت احتمال عودتی یوق ! ...

مصراعی در خاطر ایدیلور ایسه اولکی سوزک تعریف
ایتدیکی کسوه کفن نمایه ممنوناً عرض تسلیمیت ایتمک لازم
گلور .

باقی امرکی رجا و عمر که دعا ایدرم قرداشم افندم .

۱۹ کانون ثانی ۱۹۰۸ متحسر برادرک

هادم



بہاء الدین بکہ :

نور عینم ،

بیلیم عجلہ یہ تصادف ، یوقسہ عثم تضاعف ایتد۔
یکند نمیدر ، نہ در ؟.. ہدیہ برادرانہک اولان رسمک
ایچون بوندن اولکی عریضہ مدہ تشکر ایتکی اونو تدم۔
شمدی خاطر مہ گلدی۔ اگر اونو تمزسہم بن دہ بومکتوبہ
بر رسم لف ایتک صورتیلہ حسیات شکرانیہ می تصویر
ایدہ جکم ۔ بو پریشانی افکار ، یرسز لکدن ، یاخود
بر چوق یرلرم اولمقلہ برابر ، آنلرک ہانکیسندہ قرار
ایتک لازم گلہ جکنی بیلہ مامکدن نشأت ایدیوردیہ بیایرم۔
ہر حالہ قصورمک عفویخی رجا ایدرم ۔ سنک بندہ مواسم
مختلفہ حیاتدہ آلمش دہ ویرلش برقاج رسمک اولدیغیچون
آنلری ہپ برآردیہ قویوب تطبیقات عمیقہ دہ بولنش
اولہ جغمی وکذلک کندمک دہ نہ حالہ گلدیکمک تعریف
وترسیمنی بونلر میانندہ بولہ جغمی البتہ تخمین ایدرسین۔
نہ دیہیم برادر !۔ انشاء اللہ گونک برندہ نصیب اولوردہ۔

یوق . برکره اورایه گورسهم گوررسکر، هیکزه اخراج
سنک ایدرم !. [*]

برادر متحسرك ۱۱ كانون ثانی ۱۹۰۸

عبدالحق حامد

[*] عبدالحق حامد بك كبی بهاء الدین بك كده سطرنبجه ، ابتلا
درجه سنده ، مصراق واردي . عبدالحق حامد بك الك كوزل اثرینی
الك حق ناشناسانه تنقید ایدنلره قارشى لاقیدطوررکن ، سطرنبجه کی
برمنصوبه سنه اعتراض ایدلمکدن متأثر و بونده کی مهارتنک تقدیر و ثنا
اولمسندن ، مثلاً (فینتن) ه ، (طارق) ه یازیله جق برتقریض
اطراکارانه دن زیاده ، مفتخر اولورلر .



مکتوبکڭ ماضی یه عائد فقراتی، هیچ بروقتده اویویه میان
خاطرات حزینهک برر ناثم سیار کبی منظره خیالمدن
مرورینه سبب اولدی. بونلر مزاردن چیقمش طیفلرده
بگزیورلر!...

نجیب بک تأهل ماده سنده نه قدرده اصابت ایتمش!..
حالات و حادثات عالمه رغماً یاپله جق نی اودر. جنتده
حورلرله اجرای سورلر ایدمک مظهریتنه بلکه اجداد من
مالک اولمشلردر. بزوا اسفا که او شهرام امیده سالک اوله میورز.
نجیب بگڭ بواز دو اجنی و آکاد لالت ایدن عرفان رندانه سنی
تبریک ایدرم. پک ممنون اولدم [*].

استاد مکرم اکرمده اوسمت یکانه تسلی یه سلوک
ایتمش. اگر گوریشیور ایسه گز آنکده آلرندن اوپه رک
بوموفقتنی تبریک و دوام بختیارینی تمنی ایتدی کمی لطفاً
کندیسنه تبلیغ بیور قرداشم.

باقی، نه امرک وارسه هان یاز. و آنی انفاذایله افتخار
ایده جکمدن ده امین اول ایکی کوزم.

آه شطرنج آم!... بوراده بنی مغلوب ایده بیله جک آدم

[*] مع مافیه نجیب بک افندی تأهل ایتمشدر.

اولدیغنی و فقط ویاندهده دها ماهرلری بولندیغنی و حالبوکه
 حکیم نه قدر ماهر و حکیم اولسه بورا حتمزلغه اوزاقدن
 چاره ساز اولمسی قابل اوله میه جغنی و بونک ایچون سمن
 زیورله برابر اورویایه سیاحتیه چیمه رق بزلی منون ایتمگک
 اقتضا ایده جگنی و امر تداییه بوموسمده مباشرت جائز
 اوله میه جغندن ایلات بهارده ایجابنه باقلمق مناسب و مؤثر
 اوله جغنی و بونکله برابر استانبولده دخی ماهر قولاق اطبایی
 موجود ایدوکنی و شوقدر وارکه بوراده کی متخصصلرک
 اسملری بیاسن لازم کلورسه در حال لیسته سی و بره جگنی
 بیان ایتدی [۱]. شمیدی بو آدمک شویاناتی بزما قریبامزدن
 بیگ باشی محی الدین بکه [۲] سویلیه رک آنکه برمذا کرده
 بولمغاغکی رجا ایدرم. کندیس قولا ق هکیسی در. و پک
 ماهر در. اقامتکائی مجلس مالیه ده کی نسیب بکدن صوروب
 او کریمک قابل در. قولاق خسته لغنک صور جدیده تدایسی
 جقنده آندن معلومات مکمله دخی آله بیلور .

[*] عجله صورتده یزیش اولدیغنی آکلاشییمقده اولان نوموکتوبنر
 شوققره سی عیناً استنباخ ایدلدی .

[۱] حکیم باشی زاده محی الدین بک .

بهاء الدین بکه :

نورعینم برادر عزیزم اقدام بهاء الدین ،

لطفنامه برادرانه که در حال جواب تقدیمده قصور
ایتدیکمدن طولایی عفوکی تمنی ایدرم . بوکا کثرت
مشاغلدن بشقه سبب اوله میه جغنی بیانه حاجت گوره مم .
صاغرلق کیفیتک گولنج طرفنی نجیب بک برادر مزه
حواله ایله کندم شایان تأسف اولان جهتیه متأثر اولدم .
مملکت مزده ایشیدلمسی ناخوش پک چوق سوزلر دوران
ایتدیکندن آنلری ایشیتماک ایچون انسان آراده صاغر
اولمغی تمنی ایدرسهده بو برمدت صکره ینه اعاده عافیت
ایتمک وخوش سوزلر ایشتمک شرطیه در . بو خصوصده
غایت حاذق بر طیب ایله استشاره ایدم . اول امرده
آدرسنی گوندردیگک حریفک بر شارلاتاندن بشقه برشی
اولمدیغنی سویلدی که او حالک قوقوسنی غزتهده کی اعلانی
او قورکن طویمش اولدیغکی کندکده یازیورسین . دیدیکم
طیب بوراده [*] بر چوق قولاق هکیملری موجود

[*] بروکسلده .

بہاء الدین بکہ :

نورعینم محترم برادرم افندم ،

مأموریت جدیدہ می [۲] تبریکہ مصروف اولان ہمت
وعنایت برادرانہ گزردن طولانی عرض شکران و مفخرت
ایدرم . و یقیندہ سزگدہ معاونلکدن والیلکہ ارتقا
ایتدیگیزی گورمکی عونباری والطف شہریاریدن بکلر
ودیلرم .

استانبولہ گلدیگیزی وزریہ ایندیگیزی بیلیدم
البتہ زیارتدہ قصور ایتزدم . صاعلق اولسون . صاعلق
اولنجہ نیجہ طاغلقلرک باغلق اولدیغی گوریلور .
دون سلیمان سودی افندی بی گوردم ، سزہ برکاغد
یازہ جغمی سویلدم . بنملہ برابر اودہ کوزلرگزردن اوپیور .
باقی اخوت .

یوم عید ، ۱۰ ذی الحجہ ۱۳۱۲ برادر حسرتزدہ کز

عبدالحق مہامد

[۲] لاهی سفارتی



سن اورادہ ، بن بورادہ مخفی . باقینک حالی ایسہ برسر
مجهول وخفی !...

دہا نہ دیہہ جکدم ؟ .. آ رہ صرہ خبرلشسہک نہ خوش
اولوردی . اولمش فکرمت فوسفوری قبیاندن اولان
بومکتوبمی بیلیم نصل تلقی ایدہ جکسین ؟ ...
اکرمک طرابلس سیاحتہ بالواسطہ مطاع اولمشیدم .
اللہ خیرلیسیاہ عودتنی مقدرایتسون [*] . او بی چوقدن
بری وفات ایتمش ظن ایدیورایسہدہ ، بن آنک حیاتہ دعا
ایلہ مشغولم .

اشتہ بویاہ برادر ، آرتق سوزی کسہ جکم . ہمیشہ
وار وختیار اول آمین .

برادر متجسسک

۲ شباط ۱۳۰۶

عبداللہ مامر

[*] رجائی زادہ محمود اکرم بک شورای دولت اعضاسندن
ایکن ۱۳۰۶ سنہ رومیہ سندن خلندن وقوعبولان بعض اخبارات
ومشتکیاتی تحقیقہ مامور عیثلہ برلکدہ طرابلس غربہ عزیمت
واتمام وظیفہ ایلہ عودت ایتشدی .



نه ديهه جگدم ؟.. اوت ، اوغلم بوراده ، مکتبده ،
 قزمده استانبولده ، مکتبده . سن عائله کله برابر سين ،
 بختيار سين . بن عائله سزم ، فقط عائله سزد کلم . حتم رخنه دار
 اولدی . آندن طولاني اوروپادن بر درنو استفاده نصیب
 اولیور . اوصاندم ، بيقدم .

سودی افندی ایله سنک دوگونده بولنشسز . لیکن
 ایکیمزده بر بر مزی خاطر لایه میورز .

أوت ، برادر طاغلق ، طاغلق . نجیب ، عاشق لردن
 بشقه هر کسه اوزاق کورینان بغدادده ییلاندی [۲] .
 ابراهیم ، عالم بالاده [۱] بولنیور . کمال عرش اعلايه چیقدی .

[*] نجیب بك جداغلاسی نجیب پاشا مرحومدن منتقل بعض
 املاك و اراضیده کی حقوق استیفا ایچون و برق آیی اقامت ایتک
 نیتیه بغدادده کیده رک ، فقط اون ایکی سنه اوراده قالمش و بالاخره
 مکتوبنجی ده اولمشدی . مشاهیر متصوفیندن برینه نسبت اولنان
 (بولورساق ایشار ایدرز ، بولمازساق شکر ایدرز) قولانی نجیب
 بك افندی ، هر یرده اولدینی کی ، بغدادده ده شعار اتخاذایده رک ،
 موروث و مکتسب ، آله کچن هر پاره یی بذل ایله اسمنی حرکاتنه
 صفت ایدنشدر . اورانک نعم دیدکار . یارانیه فقراسی حالا نجیب
 بك مناقبنی حکایه ایدر لر . و (بر مکیلردن اولسه یدی ، ابدال
 و سماحتده ده بيوک نام بر ایدردی) دیر لر .

[۱] ابراهیم پاشا اوصیره ده خارجه تشریفاتیغلیله مابین
 هایونده بولنیوردی .

بهاء الدین بکه :

برادر عزیزم ، دوست قدیم بهاء الدین ،
مکتوب ظهورات اسلوبگی آلام. سودی افندی یه [۲]
اولان مکتوبگی ده ویردم. بو آالش ویرش بنم پک خوشمه
گیتدی . تشکر لر ایدرم .
أوت، بزم لوندره اقامتی برازاوزون سوردی . صانکه
استانبولده ، یاخود بشقه یرده بولنسه م بربر مزدن دها
زیاده می استفاده ایده جکدک ؟... بو بزم افتراق لر ،

به جمعیت دهاست پریشانی [۱]

قیلندن ده دکل . ماضی بی تخیل ایله استقبال ایچون اللهه توکل
ایتمه دن بشقه چاره یوق .

[۲] مشاهیر رجال مالیه دن (دفتر مقتصد) مؤلفی سلیمان
سودی افندی مرحوم .

[۱] جنتمکان سلطان سلیم خان اول حضر تلیزینک غزل
مشهورنددر . ومصرع اولی ،

در سفر کشتن و این بی سرو سامانی

در .

بهاء الدین بک:

۱ حزران افرنجی ۱۸۸۵

برادرم افندم بهاء الدینم ،

اخیراً آلدیغم ایکنجی اخوتنامه که جواب اوله رق
شامه گیتمک ایستردم. لکن آدمک ایستدیکی دائماً حاصل
اولورمی؟.. اشته بن بوگون هیچ ایستمدیکم بر صورتده
استانبوله گیدیورم. امید دورادورم ایلولده بومبایه گیتمک
اوزره ینه بورایه گلیمکدر . باقه لم هر ایستدیکنی یاپان
جناب الله نه یاپار!... اشته اوزمان، یاخود صاغ اولورسه ق
بر بشقه زمان گوروشورز. شمذیلک سنی بتون فاملیاک
اعضاسیله برابر جناب حقّه امانت ایدرم قرداشم .

برادرک

عبدالحمید حامد



ہناء الدین بکہ : [*]

برادر ام ایکی کوزم ،

تسلیتنامہ برادرانہ کی آلام . بنی اورایہ دعوت ، یعنی
کدرمہ اشتر کہ قرداشجہ رغبت ایدیورسین . بوگونلرده
بورادن گیتہکی ، محضاً برادر مک یانندہ بولمق وبربرمزی
یالکز براقمامق ایچون اختیار ایدہ مم . کدردن ، دیدیگٹ
گی ، فائدہ اولہ مامق بدیہی ایسہ دہ ، کدرایتمدن کندینی
منع ایدہ مامک دہ طبعی در . شمدی بن سکا رجایدرم کہ بنم
بو حال پر مالام ایچون صاقین کدرایتیمہ سین . یقین ، اوزاق
اللہ ملاقات مقدرایتدی سہ سنکله گوریشور ، قوکشور ،
دردلشورز قرداشم .

برادرک

جمعہ ، ۲۴ نیشان ۱۸۸۵

عبدالحمید حامد

[*] بومکتوب قورشون قلملہ ، بیروتدن شامہ یازلشدر .



سن نه ياپورسين باقهلم؟.. بن سگا شمدی اوزون
 اوزادی یه بورانك حالنی یازدم . اوشه نیورم . سن ده
 ایسترسه ن بیان عافیتله اکتفا ایت . فقط عافیتکی بیانده اعتنا
 ایت . حرمك، چولق چو جق نه عالمده سگزی؟.. ائی سگزی!..
 اشته بویله . باق سنك بر گولشكك تخطاری بکا شو . مکتوبی
 یازدیردی . بهاجم، ایکی کوزم قرداشم ، اللهدن دیلرم که
 صحت وعافیتک بردوام اولسون . همیشه اکلن . گول، گولشك ده
 بویله یاران جانگه عین الهام اولسون . باقی اخوت ابدیه .
 ۲۵ کانون اول ۱۲۹۹ برادر متحسرك

عبدالطهر صامر



بر مملکت. لکن مصرفز پک چوق اولیور. استانبولده کی ندیم ناخاصم، مرتبی بی اختصاصم احمد آغا کراته سی بنمله برابر گلمکه تنزل ایتدی که آچدیغم سفاهت قبولرینی بند ایتسون [*].

لطیفه خوش آما، سفاهت فلان دکل. هر شیء پک بهالی. آت، عربہ آلمق مجبوریتلری، یکر می قدر اوشاق. قلم دائره سی شهرده، اقامت محلی صیفیه ده اولمق گبی شیلر. آرده ضیافت ویرمک، ضیافت اعاده ایتمک، اولک اون بش اوطه سنده، آزالقارنده، بوجاقلرنده هر گیجه آیدینلق بولندیر مق، خلیفه روی زمینک شهنشدرلکنی عظمتی، احتشامی گوسترمک گبی حالات. بونلر هب ضروری.

[*] احمد آغا بالاخره بومبایه کتیمشدر. بونی اوتوز سنه صوکره استاد هم محظوظ، هم متأثر بر صورتده بویله حکایه ایدیوردی:

... برادرمه یازده یازده احمد آغایی نهایت بومبایه کتیردک. کله جکی زماندن خبرم یوقدی. برکون (پونا) ده، صیفیه ده ایدک. بومبایه کلدیکی احمد آغا بزه یالکز پساپورطنی کوندرمکه بیلدیردی. چولوق، چوجوق هپ سوندرک همان شومندوفره قوشدق، وبرقاچ ساعت یوجلیغی اختیار ایتدکن مرکز، احمد آغایی آلر ق، صیفیه ده دوندک. اووقتدن تا لوندیه کیدنجیه قدر یانمدن آیرلادی. هم بی پک زیاده سوره هم هر حال و حرکتیه وبالخاصه یاره صرف ایدیشمه اعتراض ایدردی.

عبدالحق حامد بکک (خاطرات) نده احمد آغایه عائد اولان سطرلر بوجلدک ۲۳۳ نجی صحیفه سنده در.

بہاء الدین بکہ :

— بوم پایدن —

برادر اعزتم،

ہانی سنک دو کوننگدہ، آقشام ییکنندہ بزا کرملہ
یان یانہ اوتور مشیدق . سن آیاقدہ ایکیمزک اورتہ سنہ
اگیلدکدہ گولہ رک برشی سویلدک . اشته اوگوزل گولش
شودقیقہدہ گوزمک اوگنہ گلدی دہ سکا بومکتوبی یازیورم .

بنم استانبولده نہلر چکدی کمندن، بالاخرہ قالقوب
قاملی ساملہ برابر بورایہ گلدی کمندن خبرک وارمی ؟.. آہ
استانبولده نہلر چکدم بن !.. اطبا حرمہ ورم دیدیلر .
اشتہ سکا بو قدر جق سویلک الویرر . صگرہ یولہ چیققدق .
یولہ چیقدیغمز گوندن بوگونہ گلنجه قدر گورن ہکیملر
حرمی اوخستہ لغہ، فقط یالکیز مستعد بولدیلر . واواستعدادک
ازالہ سنی قابل گوستردیلر . اشته شمدی حکیم مطلقدن امید
شفا ایدیورم .

ہب بومبایدہ یز . بوراسی فنا یردکل، عادتا پک گوزل

مکتوبلر

(بنده مخصوص آلرندن اوپرم) دیدی . چوجوقلرده
آلرگدن اوپرلر .

آیاغکی اوپهیم به! .. نی آرده صررده یاد
ومکتوبلرگله حالمه امداد ایت . باقی اخوت ابدیه .
۷ کانون ثانی ۱۲۹۸ برادرک

عبدالحمید مامد



خلق اولمیش اولور مطالعه سیله ایدی بز بوراده قالدق.
چوریورز . کله لی برسنه اولدیغی حالده عمرمک یاریسی
چکدی صانیورم . بر طرفدن ده گونلر او قدر چابق کچورکه
او گسده کی « قالاندیری » نك [*] اوراقنی چویرمه وقت
بوله میورم . باری اداره ایددی یاسدم . اوده یوق . هر آی
اون لیرا بورج ایدیورم . عمر لر فانی اولسه بومشاق
ومتاعبه هیچ اهمیت ویرمزایدیم . لیکن معلوم آ...! بوگون
وارسه ق یارین یوغز . شمدی راحت ایتمز ایسه که نه زمان
مستریخ اولد جغز...! مزارده ، ییلانلر ، چیانلر ایچنده می...!

آز قالدی اونوده جقدم که علمده نه قدر
ناموسه طوقور شیلر یاردیغنی گورمشسین در . آنک ایچون
محکمه ده اقامه دعوی ایدم جگم . بوکا نه دیر سین ؟ . کمال ،
کرم اویله توصیه ایتمدیلر .

انسته بها جقم ، بوراده سوزی کسورم . بشقه
یازه جق شیء یوق . وارسه ده بنده مجال جیجوس .
قایم حسنی یکی بیایرسین آ...! شمدی یانمه گادی ، (کیمه
یازیور سین ؟) سؤالنه جواباً سگما یازدیغنی سویلدیکسده

[*] Le calendrier تقویم .

زمانه مزده کیمده انسانیت قالدی که تعیشنی انسانیتک
دوام امراضنده آرایان هکیملر انسان اولسون! ...^[*]
اوعدلیه مفتشی مرحوم رفعت بک یچاره سی^[۱] بنم
خاله زاده میدی. قراجمدن زیاده بنی تأثرده بولندیران شی،
مرحوم مشارالیهک درایت ولیاقتی مسلم ایکن ضیاغنده
برمنتسب ادب و تربیت مفقود اولمیدر. کیم بیایر، آنک
یرینه هانکی هرزه وکیلی کوندرمشلر؟ ... یازق! ..

سنده، زیورده انشاءالله شمدی ایسکزدرد.
زیور فرانسزجه اوقیور آ!.. ها کرچک!.. غزته لرده
گوردم، سن رتبه آلمشین. تبریک ایدرم. رتبه نث
حد ذاتنده اهمیتی یوغیسه ده. سنک وجودکله برمرتی
گورلمش اولور. بنم اعتقاد بویله در.

سنی استانبوله عودته تشویقم، بنده بیلمم که، نه ایچون
ایدی!.. بلکه سن استانبوله بولنورسهن بنی ده بورادن.
تباعده، اختیاری انفصاله تحریک ایده جک بر سبب

[*] اوزمان غلوسده، کیم بیلیر نصل، برتأثرک سوقیله
یازلمش اولان بوسطرلر برانفعال سریع الزوالی افاده ایدر. یوقسه
طبابت انسانیت کبی انسانیت اطبایه ده شاعر اعظمک برقاعت راسخه
ایله حرمتکار اولدینی محققدر.

[۱] کوپرلی زاده غفیف بکک دامادی ایدی.

مکتوبلر

دوشونمسه اولیه جق . یاتدیغم زمان دوشوننامکه قرار
ویریورم . او قرارک اقتضاسنجه دوشوننامگی دوشونمک
بلاسنه اوغرایورمده ینه اویقوم عدم کسب ایدیور .

کیملرله مخابره ایدیورسین برادر ؟ .. بن هر هفته
اگرمدن ، آردهده کمال ایله باقیدن مکتوب آلیورم .

غزته لرده کی ردالتلرینی گوریورمیسین ؟
آز قالدی بنی ده ایده جکدی .

سنک نجیب نسترانیدن کاغد آلدیغک وارمی ؟ ..
سن استانبولده بولمیسین که او اوغلان براز گسب صلاح
ایتسون . لکن بها ، جمعیتمز نه قدر تارمار اولدی ،
گوریورسین ! ... عجباً بردها برلشه جکمی یز ؟ ..
برلشه میه جکسه ک یوف او ! ..

خسته لغتکدن طولایی اطبا حقنده سویلدیگک سوزلر
طوغریدر . بیلیرسین که برگون مولیر ، کندیسنی زیارته
کلن طیبیه خدمتجیسيله (آمان بوگون خسته می ! ..
بشقه برگون تشریف بیورسونلر .) اعتذارینی ایتمشدر .
اطبا اوگون نه ایسه بوگون ینه اودر . فنون طیبیه ترقی
ایتمش ایسه ده انسانیت، اطبا گیتدکجه تدّتی ایدیور . ذاتاً

بهاء الدین بکه :

نور دیدم افندم بهاء الدین ،

آمان قصور، پک چوق ...! ابتدا آنی عنوایت ده
صکرده سویاشلم .

۳۱ تموز ۱۲۹۸ تاریخلی مکتوبیگی وقتیه وقتنده
آلشیدم . جوانی شمدی ویردیگمه نه دیرسین ...
آد بن اغورسز، پک تئبل اولدم بها ...! لکن بیلیرسین که
حسیات اخوتکارانه مه خال گلسک احتمالی یوقدر . معذافیه
صاقین بنم بواهمال واهماله مقابله ایتمه . او وقت بنی پک
مشکل بر موقعده بواندیرمش اولورسین .

مکتوبت ایجه اوزون ایدی قرداش . نه سولیم ...
الله سنک ده عمریگی اوزون ایلسون . مخبره من دیدیگم
شرطله اولورسه ورسول مکاتب امین اولور . سنک
مکتوبلرک اوزرینی فرانسه جه یازدیغک حالده بگا بش،
اون کونده وصول بوور .

آمان او او یقوسزلق خسته لغی بندده وار ...!

مکتوبلر

اوتوره جغم . لکس قویاً مأمول و جناب حقندن تمنی ایدرم که
قیشین استانبولده بولنهیم .

کاظم بك [*] یکیشهرده ، قومیسینونده مأموردر .
بوصباح بورایه مسافرکلدی، شودقیقهده گزمگه چیقدی .
گلدیکی وقت البتہ سکا سلام سویلر . آنک ایچون اشته طرفدن
بالوکاله بن اورسمی ایفا ایدیورم .

زیور بگک گوزلرندن اوپرم . بگا براز احوال
خصوصیه کدن خبر ویر .

کمالدن ، اکرمدن ، سزاییدن ، باقیدن صیق صیق
خبر آلیورم . سندن خبر آلمازایسه ، هپ برابر بولندیغمز
بر مجلسده سنک بولنیشک قدر گوکلمه سوء تأثیر ایدیور .
اشته شمیدیک بو قدر آلویرد . هر حائده صاغ و وار اول .
و همیشه بختیار اول . باقی اخوت ابدیه .

برادر احقرک

۷ تموز ۱۲۹۸

عبدالحمید حامد

[*] خارجیه مأمورلرندن ایدی .



اولسون؟.. هپ یادماضی منسی ایله می تسلیتیاب اوله جغز؟..
 استحضار مستقبله هیچمی غیرت ایتیهلم؟... مستقبل !..
 مستقبل !.. هیات !... ینه مراقانیورم بهاءالدین !...
 بزم که ماضیمز ، رفته رفته پذیرای انطفاء بر شعله‌دن
 عبارتدر ؛ بزم که استقبالمز، درجه درجه قسوتی متزاید
 بر سحاب ظلمتدر ، عجبا نه جرمنز واریادی که بو ستمگاه
 دورانه القا اولندق !... ایکی آدم بر برینی سومکه اولسون
 میدان بوله میور. انصاف !... ایکی گوکل بر برینه مربوط
 اولور اولماز انفکاک ایدیور. عالمک هیچ برحالی معقول
 گورمیان بر عقل ایله یشامقدن ایسه کاشکی مجنون اولسیدق !..
 بزمی جاهلنز ؟.. مشهوداتمزمی مجهول ؟... مشهوداتمز
 مجهول اولدیغیچونمی جاهلنز ؟... آ کلایه مدم گیتدی...
 هر نه ایسه صوسه لم .

کیفسزلگک نه ایدی ؟... مأذونیتله گیتمکه عارضه
 وجودیه سبب اولنجه اولیه ممالکتدن فرار ایتک اقتضا
 ایتزمی ؟... طوغریسی سکا خود نخود چوق سرزنشلر
 ایدیورم .

نم بوراده کی حالمی صورمه. ثباتسزلق شهرتی قزاندیغم
 جهتله او شهرتی تکذیب ایچون بر قاج آیلر دها بوراده

بک چوق شیده یأس ، امیدہ ترجیح اولنسه لایق .
 بومکتوبک منحصراً استخبار عافیتله تأمین مخبرہ اسبابک
 استحضارینہ دائر ایدی . اشته سنی تأمین ایدرم کہ مأموریم
 نامنہ اولہ رق ، اولجہ یوللادیغک گی ، بکنا نہ وقت مکتوب
 کوندر رسن واصل اولور . و تعہدلی یوللارسن مقصد
 دها چابق حاصل اولور . (قافیہ مہ اعتراض ایتہا !!)

ایکنجی مکتوبکده برکیفسزک کچریدیکنکی وزیورک
 آرده صرہده کیفسزلندیکنی سویلیورسین . ظن ایدرم کہ
 استانبوللہ بتون بتون قطع علاقہ بیور مامشسکزد در !!
 (شام ہواسی غربا چوجوقلرینہ ہیج یرامیور) دیوبده
 چوجوغی ینہ اوہوادن تنفسہ مجبور ایتک ، طارلمہ اّما ، براز
 اغویستلک [*] اولمازمی ؟ .. کندکده آرتق شام مکتوبجیلغناک
 ایجنہ ... تہلیہرک استانبولہ عودت ایتلیسین ، اورادہ شانکہ
 لایق ، آرزوگہ موافق بر مأموریت بولمیسین . او حالده بزده
 برساقہ عودت بولمش اولورز ، پریشان اولان جمعیتمزینہ
 طوپلنور . لایقمی کہ بر حیات اولدیغمز حالده ابدی مفارقتلہ
 بگزرافتر اقلر چکہ لم ؟ ... لایقمی کہ بہا حامدک نظرینہ یالکنز
 بر خیال ، حامدسہ بہانک نزدندہ بر ظلّ متقارب الزوال

[*] Egoïste خودکام ، خوداندیش .

بهاء الدين بکه :

برادرم افندم بهاءالدينم ،

باقی منلانیك [*] مکتوبندن چیقمه بر محبتنامه کئی
آلوب محظوظیت فوق العاده معتاده ایله او قودم .
۹ مایس ۱۲۹۸ تاریخلی و مختصر ایدی . غلوسدن کوندر دیکم
کاغدمه یازدیغک جوابی آلمشیدم . اوده ۶ مارت ۹۸
تاریخلی ایدی . بودفعه قباحث طالع سزلکده ، عدم
اقبالده دگل . بنم گوستردیکم تکاسل واهمالده در . بونک
ایچون عفو کئی دیلرم . وشم دلفسکره بر مانع مشروعه
مستند اولم دجه شومثللی تقصیر اتده بولنمه جغمی وعد
ایلرم . گله لم جوابه :

اولکی مکتوب کده حال اغترابدن شکایت ایدیور سین .
بزده او حالده یز . اما سنک مدت غربت امتداد ایلد کجه
ایلدی . آرده ده صرده ده استانبوله گیتمک امید ی آئی برشی
دگل . آدم امیدینی اجرا ایده مزسه پک محزون اولیور .

[*] سامی پاشا زاده باقی بک .

مكتوبلر

تلقى اولنيور؟... خريستانلر فرانسه يه ، مسلمانلر مدنيته
ترقي يه مائيدرلر، دكلى درلر؟.. حريّت فكري طوغشمى؟
الته اورانك عرفاي عالمشناسى بيوك برپادشاهك دور
عدالتنده بولنديغمزه مطلع شيلردر . هر نه ايسه ، آرتق
سوزى كسه لم . سنك واوغلنك گوزلريگزدن اوپرم .
ومكتوبكه انتظار ايلرم . باقى اخوت .

برادر ك

۹ شباط ۱۲۹۷

عبدالحميد مام



نجیبی استانبولده برتصادفله گوردیم. اویچاره کیفسز
ایدی. بنده الله بیلیر نصل مشغول ایدم!.. شوتصادفه
باق که آنکله دخی بوراده غیاباً گوروشمک لازم گلیور.
باقیایله یازیشه جغمز شیر پک معلوم ایمش گی چوقلق
مکاتبه ایتیمورز، یالکمز واسطه لردن استخبار عافیتله اکتفا
ایدیورز.

قرداش، سن بکا براز اوراده کی حالکدن بحث
ایتسه که. نه یاپیورسین؟.. ادبیاتدن نه ایله مشغولسین؟..
راحتمیسین، خوشمیسین؟.. یوقسه سکا دخی کثرت
مشاغل رسمیه، نیم بوراده متحسری اولدیغیم او محبوبه
وجدانی گوسترمیورمی؟..

بن بوراده حسینی برفرانسز معلمه سنه کورندریورم.
سن زیوری نه یاپدک؟..

اوراده قونسولوسلرله اختلاط ایدیورمیسین؟.. آه
برنصیب اولمدی که شو عربستانی گورمک بکا!...
اوتر فلرک عالم آبلری پک خوش اولور دگلمی؟.. جانم
بهاءالدین!... بکا براز اورانک اگلنجه لردن بحث ایت.
عربجه یی البته تمامیه او گرنمشین در، اویله دگلمی؟..
اوراده افکار عمومیه نصل... مصر احوالی نصل

آه بیلسه ن برادر! .. هم وطندن اوزاقدہ اولمق ،
همده وطندن آیرلمش بر مملکتده بولمق نه مشکل حال
ایمش! .. بولندیغم مملکت دخی بنم گبی غریب الدارویاوطن
جدا در [*] . بوراده کی مأموریتی بگا پوتیده ایکن ویردیله .
استانبوله گلدیگمده او قدر استعجال عزیمت ایتدیله که
فاملیا جه هیمز تداوی یه محتاج اولدیغمز حالدہ یگر می گوندن
زیاده اوتورمق قابل اوله مدی . سوریلور گبی بر سر عتله
بورایه گلدک ، دوشدک .

استانبولده باقیله ، اکرم لره بر قاج کره ملاقات
اولندی . عجا هیچ بر اجتماعز وارمیدی که آندہ سنک
افتراق کدن فریاد ایتیه لم! ... بز الله عشقنه بویه رؤیا
اشخاصی ویارومان ههرو [۱] لری گبی هپ غائبانه می
گوروشوب گیده جکنز ، کاغدلر اوزر لر نده می برلشه .
جکنز? .. گچمشمز حزین بر خیال ، حالمز او خیاله بر
جلوه گاه ، استقبال مز ایسه نه قدر ... امانه قدر ظلمت آباد!

[*] آه اوت! .. برلین قونغرہ سنک یونانستانه پیشکش
ایتدیکی او کوزل تسالیامزک فاجعه تسلیم وتسلمی اوصرده
وقوعه کلشدی . شوایکی سطرک سادکی بیاننده نه قدر بیوک
ونا قابل تقلید بر بلاغت صمیمیه مند مجدر! ...

[۱] Héros قهرمان ، بر حکایه نیک ویا تیاترونک باشلیجه

شخصی .

بهاء الدین بکمه :

برادر محترم افندم بهاء الدینم ،

برلینه گوندربلش بر مکتوبکی پوتیده آلمش ایدم .
ودر حال جوانی یازوب گوندرمش ایدم . بوکا قارشولق
گلمدی . بیلیم که او مکتوبی آله مدکده آنک ایچونمی ؟...
آله مدکسه تأسف ایدرم . زیرا قورقارم ینه حقّمده
وفاسزلق توهملرینه باشلار سین .

استانبولده باقیه بر مکتوبک گلدیکنی و بی صور دیغکی
ایشیتیمش ایدم . بن اشته شمدی غلوسه گلدیم . بوراده فاملیامله
برابرم . نه فائده که فاملیامک قسم عظیمی ینه یانمده دگلدیر .
لکن برادر ، بز سنگله آریله لی نه قدر چوق انقلابلر
اولدی !... هر انقلابه رسملر من ، یعنی چهره لر من برر
آینه در . شمدی سنک بنده اوچ دانه رسمک وار . چو جو غنگله
برابردوت دانه رسمک وار دییه بیلیرم . بونلرک هر بری
بردور محبتک یاد گاریدرد گلمی ؟.. باق ، بن ده سکارسمی
گوندر یورم . باق ده تغیراتی سیرایت .

مکتوبلر

معهود مسئله سی اعتراض و همیسنده نه قدر حقسنز
بولندیغکی ایسه اوزمان ویره جکم تفصیلاتدن آڭلار سین.
شم دیک سنی اللهه امانت ایدرم . مخدومکک گوزلرندن
اوپریم . آتی یه حاضر اول . باقی محبت و اخوت .

برادرک

۲۰ کانون اول ۱۲۹۶

عبدالله صامد



جاده لر آچلدی؛ تیاترولر، موزه خانه لر یاپلدی؛ فکرلر
اضائه، سوقاقلر تنویر اولندی؛ گيجه ايله گوندزك،
سیاه ايله بیاضك فرقی یوق اولدی؛ باب عالی ایسه برقات
دهااعلا اولدی؛ قرائخانه لرك، دارالفنونلرك حد و حسابی
یوق. برآسایش، برسعادت حال، بر وسعت اداره که
صورمه [*]. مملکت مزك شو حالنه تحسّرندن اولملی، آسمان دن
برده برکوکب [۱] نزول ایدوب ابدی صورتده اختیارقرار
ایلدی!... شمدی بن بر قسمی سماوی، بر قسمی اسفل سافلینده
بو انان بومملکتی نصل ترك ایدوب ده برلین کبی بریخستان
برودت انگیزه گیده حکم بیلمم.

بوگون کانون اولك اون طقوزی [۲]، جمعه ایرتسی در.
نصیب اولورسه ان شاء الله تعالی ایکی گون صکره هوجه بک
طریقله روان اوله جنم. مکتوبمک جوابی اورایه گوندرمکی
رجا ایدرم. و بنده مقابله ایده جگمه، حتی سنی اوصاندر-
نجیه قدر یازوب چیزه جگمه تعهد ایلم.

[*] ایضاح ایتک ایستمزکه بوسطرلر اوزمانکی محرومیتلره
قارشى برراشمئزاز استهزا و یا برر استهزای کریاندر.

[۱] ییلدیز سرائی.

[۲] مکتوبک نهایتده ۲۰ کانون اول تاریخی محرردر.

مکتوبلر

و موافقت اخلاق ایله حصوله کلمشدر . هر نه حال ایسه شمدی بوندن بحث ایتمکی زائد کوررم . سن بنی عفو ایتده بشقه لاقردی یه باقهلم .

بوندن برسنه اول بر مکتوبکله بر رسمکی آلمشیدم . مکتوبک ، نه یالان سویلیم !.. یانمده دکل ، فقط رسمک گوزمک اوکننده در . حتی برلینهده برابر کیده جک . صقالسز رسمک پارسی کورمش ایدی . صقاللی رسمکده برلینی گوره جک .

باقی یه یازدیغک صوگ مکتوبکی اوقودم ، سلامکی آلم . سنک مکتوبجیلک پک اوزادی . سوزکدن اویله آکلاشیلورکه اوصامشسین . واقعا حقک وار . بن سنک یرکده اولسه بر آراق ماذونا استانبوله گلیر و بر متصرفلق استحصالنه چالیشیرم . متصرفلق اولماز ایسه ینه مکتوبجیلقله بشقه بر ولایت گیتمک هیچ اولماز . استانبولدن تباعدی اختیار ایتدکدن و مکتوبجیلقلده قالمق ایستدکدن صگره هوا جهده ، موقعجهده سوریه هر یردن اعلا در . بونکله برابر بر کره بورایه گلوب و قتیله بر اقدیغک شوبدویت عالمی مدنیت جهاننه تحوّل ایتش گورملیسین . آرتق استانبولک حالی غبطه آفاقه سزا اولدی ؛ جسم جسم کوپریلر ،

بهاء الدین بکه :

برادرم ایکی گوزم اقدام بهاء الدینم ،

قصورم او قدر چو قدر که تعداد ایدم . قباحتم او در جهده .
 بیو کدر که معذرت قبول ایتمز . بنم ویرمش اولدیغم سببیتله
 برخیلی زماندنبری مخابرۀ قلمیه من منقطع اولمش ایدی .
 فقط مصاحبت وجدانیه من باقیدر . وجدانمه مراجعت
 ایتدکجه بنم اونهایتسز اولان قصورمله برابر بکا وفاسز
 دییه میه جککه حکم ایدیورم . بن سنک حقکده نصل
 وفاسز اوله بیلیرم که ترجمۀ حال شبایم بر کتاب حاله قونیه .
 جق اولسه همان هر صحیفه سنده سنک اسمک گوریلور .
 بن بوندن اون ایکی ، اون اوچ سنه اول هیچ برشی
 بیلیمدم ، فقط سنی بیلیردم . معلومات ابتدائیه مک
 حقیقۀ مستفید اولدیغم قسم اعظمی سنک الفت و معارفه کدن
 عبارتدر . محبتنم اخوت درجه سنکده فوقنده در دیه .
 بیلیرم . چونکه اخوت محبتی من طرف الله پیدا اولمش
 خلقی و ضروری بر محبتدر . بزم محبتنم ایسه تطابق افکار

مکتوبلر

کلدیکندن مخبره کسلمشیدی . اشته عبدالحق حامد
او یادکاردره . پاشا اقدامزه لازم کلن سوزلری سویله یگزده
شوبی چاردی اورایه جلب ایدیگز . قائم مقاملغهده راضیدر .
باقی ، همیشه باقی اولگز .

قرداشکنز

۲۱ ل ذی القعدة سنه ۱۲۹۶

عبدالطوف حامد



بہا الدین بک :

مکتوب یازمن مکتوبچی بک ، وفاسز بہا ، ینہ سویلیر
قرداشمنز ،

ملفوف مکتوبی ولی نعمت پاشا افدمزہ [*] سز
تقدیم ایدہ جگسگز نہیہ دائر ولد یغنی سزہ مدلیدن
یازمشلردر . تقدیم ایتد کدن صکرہ نہ ارادہ بیوررلرسہ
عبدالحق حامدہ یازہ جقسکز . اشته بو بر جای اجبار
کونہ در .

عبدالحق حامدی البتہ اونو تمامشسگزدر . کندیسیلہ
اون ایکی سنہ لک بر حقوقگز [۱] واردر . بر بچق سنہ
اولہ کلنجہیہ قدر حتی مکاتبہدہ ایدردیکز . آنجق
صکرہ لری سزہ کوندرمش اولد یغنی مکتوبلرک جوابلری

[*] مدحت پاشا مرحوم کہ او وقت سوریه والیسی ایدی .

[۱] بورادہ کی (حقوق) استعمال عوامہ تبعیتلہ مناسبت
ودادکارانہ معناسنہ قولالایش در ، (حق) ک جمعی دکل در . بناءً علیہ
ادات وحدتک التحاق ایتسی غلط عد اولنہ ماز ظنندہ یز .

شمديك پارسى ترك ايتامك مجبوريتنده يم . عزل ايدرلر سه اوراسنى بيلم .

صور مشاغل مأموريتكز حقنده ويرديكز معلوماته تشكر ايدرم . فقط مشغوليتكز بنى جوابسز بر اقمغه قدر سزى مجبور حصرو وجود ايدر سه پك چوق شكاياتمه هدف وستملرمك تأثيريله دوچار اسف اوله جفكزى شمديدن اعلانه شتاب ايدرم ، يعنى عتاب ايدرم . چونكه گر ك اهامال ، گر ك اشتغال نتيجه سى اولسون ، سزى قطع اظفار سنت سنه سنك ايفاسنده او قدر امهاله سوق ايدن بر حال درپيش خيال ايديلير سه بزم مکتوبلرك جوابندن قطع نظر ايدوبيله جك كزدهده احتمال ويريلير . باق صكره ديلدن ، المدن قورتيله مزسكز . ابراهيمه ايتديكم گي سزدهده غضب ايدرم . ودليل اوله رق ،

نه قدر اولسه بنم دست اميدم کوتاه ،

يتشور دانمكى طومتغه بركون ناكاه !.. [*]

ديرم . او جهتله « نه ديه يم !.. » احسان جواب ايت ، تصوير ثواب ايت . باقى اخوت ومحبت . اوكلين پارسده ، سفارته يازلدى . برادريكز

عبدالحق حامد

[*] بيت عبدالحق حامد بكك در .

کندیسنه گوندردیگنر مکتوبدن بحث ایتدی . بوجهته
مکتوبگزی آلوب آلمدیغنی بیله م .

بنی صوریورسگنر . عالمندن یوقاریده بالوسیه بحث
ایتدم . دها تفصیلاته گیرشسه م پک اوزون اوله جق .

معاهده نامه سنک حین امضاسنده و وطننه قبول ایتدیریلن شرائط
قاهره قارشیسنده آغلامغه باشلایان تیره قارشی بسمارک « بو محاربه ده
اک بیکناه اولان فرانسه سزایکن ادا اول آغلایان فرانسه یسه سز
اولدیکنر ! » دیمش اولدینی مشهوردر .

تیره عزیم ودرایتیه وطننک بقیه السیوفنی اجابدن تخلص
وتطهیر ایتدیکی کبی ، هزیمتی متعاقب پارسده ظهور ایدن قومون
ناثره اغتشاشنی دخی خون و آتشله سوندوردی .

فرقه و حزبلر آراسنده کی اختلاف ، موسیو تیره رک مملکتنه
اک زیاده خدمت ایتکده اولدینی برزمانده و ۱۸۷۳ سنه سنده
موقع اقتداردن بالاختیار تباعدنی انجاب ایتدی . صوک پارلامنتو
استیضاحاته جواب ویررکن ، محافظه جاه قیدندن تمامیه بری
کورونه رک ، یالکنر کندی مسالک و معاملاتنی تجیل واختیار ایتک
اوزره بولندینی عزالته شان و شرف تأمین ایتک ایستمشدی . بو
صیره ده سوزینی کسمک ایستین بر آدمه برطور و قورانه ایله و بریدیکی
شوجواب ، اوزماندن بری عادتاً بر شهرت تاریخیه اکتساب
ایتمشدر .

« ... خایر ، کندی نام و یادم ایچون قورقیمورم . چونکه
فرقه لرک محکمه سی اوکنه حقیقمق نیتنده دیکم . و او محکمه ده بولمیه جنم .
فقط حضور تاریخه حقیقه جنم . و بو حضورده بولمغه لائقم ! ... »

سیاسیاته کیریشور ایتش . وفیق بک دائماً سزک حقکزده
 اداره حسن لسان ایدر طور ردی . فقط حمدی [*] واسطه سیله
 تخصیص ایله نائل اتحاد وحتی دول معظمه میانه اصعاد ایتدی .
 بر دولت متحده صورتنده تشکانه موسیوتیه رک کمال شدتله مخالفت
 ایتک ایتمیش اولدینی ایطالیا ، فرانسه یه اولان ایلك جزیه شکرانی
 آلمانیا و اوستریا اتفاقنه داخل اولقله ، و بواتفاق سایه سنده احراز
 ایتش اولدینی موقعله استحصال ایتدیکی منافعک بدل محمدتی ده
 حرب عمومینک انضلاقی متعاقب سلاح اهانتی متغذینه چور مکه
 ادا ایتشدر . ایطالیانک بو حربدن صوکرده وحتی بلکه بو صیره ده
 فرانسه یه ده نه کبی ضربات خیانت حاضر لادینی زمان کوستره جک !...
 غم مظلمنک اثر و اثرینی ، فقط بشقه برطور و طریق ایله ،
 تعقیب و تقید ایدن اوچنچی ناپولئون ده پایختی اجنبی اردوسنه
 بر کره ده چکنتهک ایچون نه قدر خطا قابل ایسه هپسین ارتکاب
 ایدیوردی . پروسیایه اعلان حرب ایتسنه موسیوتیه رینه شدنله
 مخالفت ایتشدی . بویوزدن یالمنک مستبدک غیظنه دکل ، خیر و منفعتنه
 چالشمق ایستدیکی وطنداش لرینک ده حقارتنه هدف اولدی .
 آلمانیا اردولری برسه طیانجه ، اک بیوک ، اک آغیر وظیفه
 تیره رترب ایتشدی : اوروپایی پایخت پایخت طولاشه رق قپوقو
 حمایه و صلح دیلندی سده هپچ بر فائده استحصال ایده مدی .
 زوالی تیه ر !... تحوٹ ایتامسی ایچون او قدر صرف مساعی
 ایتش اولدینی بر حرب مشئومده فرانسه نک دامن دشمنه اوزانان
 ایلك یداستمانی اولیوردی . بوکاده تحمل ایتدی . فرانقفورت
 [*] صدر اسبق ادهم . پاشا زاده حمدی بک مرحوم .

قرالیه‌دن باشلیه رق کافه رؤسای دولته عظامی ملت
و مشاهیر اصالتله گوریشور و هر یولده سر اترکاهان

ناپولئون قارشی مجاهده یه آرتق باشلایوردی. بودساس و حریص
ایمپراطورک ملتلی برلشدریمک یولنده فرانسه نیک یالکیز نفوذونقودینی
دکل، قاتی ده اسراف ایتسنه مخالفت ایدیور و بوندن بشقه حریت
داخلیه بی ده متوالیا ایندر برلکده اولان ضربات مهنینانه دن وقایه
ایتمک چالشیوردی .

ایتالیا مسئله سنده ایراد ایتش اولدینی نطق مشهور، اوزمان
شناسی مرحوم طرفندن اسمائزه ترجمه ایدلمشدی . « کتبخانه
ابوالضیا » اجزاسی میاننده انتشار ایدن « منتخبات تصویر افکار » ده
بونطق قسماً مندرج و فوق العاده شایان مطالعه در . و ،

On vaut plus par les égards que l'on observe
que par ceux que l'on obtient.

جمله سی عادتاً ضرب مثل صورتنده حافظه اخلافة انتقال ایتشدور .
شناسی مرحوم « حیثیت ذاتیه مظهر حرمت اولمده دکل ،
ایفای حرمت ایتکده در » عباره سیله اوجمله نیک روحی اسمائزه
نقل ایدورک یالکیز بیوک برمنشی دکل، بی نظیر بر مترجم اولدینی ده
کوسترمشدی . « روعده ، محال اولمجه ، ممدوح اوله ماز ، سوزی ده
اونطقک اجزاسنددر .

اوزمان عالمه ولوله رسان اولان بو آبدء بلیغه سیاستک دیگر
بر ترجمه سی ده (مجموعه فنون) ایله انتشار ایتشدی . و مترجمی ده ،
ظن ایدورم که ، منیف پاشا مرحومدر .

ناپولئونک مساعی خونینی ایتالیایی اوستریا اداره سنددر

گیدرسه برابر گیدرلرایدی . مدحت پاشانک مجالس اکابره دوام ومدعوتی انکلترده کثیرالوقوع ایمش . اوراده

طریقلرینی ده فرانسه نك نفوذی آلتنده بولندیرمق املنی تعقیب ایدیوردی . وقایع ، تصوراتی ده تحت ریاستنده کی هیئت نظارکی هرج ومرج ایتدی . ویرینه مشهور (کیزو) کلدی .

برعثمانلی ترکی حسیله دکل ، بیطرف بر ناقل قاعیتله بیان ایتمکدن چکنمیز که موسیوتیه رک مصر مسئله سنده کی مسله کی - پک واسع مقیاسده ذی نصیب بولندینی افعال و آثار یله مثبت اولان - عقل ومنطقدن زیاده حسه وهم شخصی ، هم ملی حرصه مستنددر . او، جداً بیوک، دیپلوماتک مجله افعالننده اک قاریشیق صحیفه نك مصر مسئله سی اولدینی ادعا ایدلسه مبالغه اولماز .

فرانسه انقلاب کیرینک مورخ نامداری ، حکومت ریاستدن مخالفت موقعنه کچمشدی . ایش باشنده کوستردیکی رویت ومهارنی ایش قارشیسندده ابراز ایتدی .

لوی فیلیپک سقوطیله اوچنچی ناپولئونک ، ریاست جنهور طریقیه ، فرانسه ایمپراطورانی تختنه تسلطنی متعاقب موسیوتیه ر حبس وتغریب ایدلدی سده برمدت صوکره وطنه عودت ایتسنه مساعده اولندیغندن حیات عمومی دن تباعدله کچن سنه لرینی اون طئوز جلددن عبارت اولان « قونسولا وایمپراطورلق تاریخی » آدلی اثر معظمنی اتمام ایتکه حصر ایتدی . بوکتابه ۱۸۴۰ ده باشلامشدی ، ۱۸۵۵ ده اکمال ایتدی . اطناب وطمطراقده مبالغه لریله برابر اک آئی اثر تاریخیسی بودر .

۱۸۶۳ سنه سنده پارسدن مبعوث انتخاب اولندی . اوچنچی

یچاره سی قصاب حال خراب [*] مدحت پاشاده خانکی
ایدیلر. دامادی و فیک بک، مخدومی علی حیدر بک نره یه
اولان لورد پلرستونک مهارت سیاسی قارشیسنده مغلوب اوله رق
موقع اقتداردن سقوط ایتدی.

مصر مسئله سنده موسوویه هر هم فرانسه ملیتپرووران مفرطنک
تمایلاتنه خدمت ایتک صورتیه تحکیم مقام، هم ده برنجی ناپولئونک
اوروپایه چکنتدیکی فرانسه یی ۱۸۱۵ خاطراتک حزن و عارندن
کویا تجرید ایچون مصر مسئله سنده قوی پنجه کوسترمکه تطمین
حسن اتمام ایتک ایتدیکی کبی، هندستانک سویش و فرات وادیسی

ایتمشدر. عثمانلیقله یالکز برعلاقه منفیه سی اولدینی، یعنی بوبیوک
کتله سلطنتک - نهو ذباله - انحلالنه آرزو کش و ساعی بولندینی
حالده احرا رات میانه قارشیر و عرشیه قارشیر بر آدم ایدی.
بالاخره فرانسه تابعیتی احراز ایده رک منوی مکتومنی ده اظهار
ایتدی. عبدالحق حامد بک استهزا و تمسخر عادت اولمادینی حالده
خلیل غانمک اولنه (ایکی کوزم جانم) کله لرینی وضع ایتسی بو کرانجهان
حرینی تا او وقتدن بحق طائیش اولدینی اثبات ایدر. حالبوکه
فسادخانه دهره وداع ایتدیکی زمانه قدر بک چوق آدم لرمن،
بو قلاش حریفه آلدانملردی.

[*] خیال غزته سی صاحبی ثودور قصاب افندی در.
زماننک جداً ذکی بر آدمی ایدی. مطبوعات ملیه مزه خدمتی
سبق ایتمشدر. آلکساندر دومانک (مونه قریستو) سنی
قیمماً ترجمه ایدن ثودور قصاب افندی در. خاقان سابقک اک
زیاده سومدیکی آدم لر دن بری ایدی.

عالمقورلر [*] خرستا کیلر [۱] قره پانوسلر [۲] مجلسنی ترک ایتمزلر ایدی . ایکی گوزم جانم سوریه لی خلیل غانم [۳] وخیالچی

مصر مسئله سی حاد بردوره یه داخل اولیوردی . دول معظمه نك لهمزده کی اتقاقنه قارشى ، محمد علی پاشانی مطالب مفرطه سنه نائل ایتک ایچون فرانسه نك مسلحاً مداخله ایتسنی التزام وحقی پارس شهرینی تحکیمه قیام ایتدی سه ده فرانسه لرك خصم ائتلافنا پذیرى

[*] وزرادن علقو پاشاکه آوروپاده بر چوق سر سر یانه کشت و کذار ایتد کدن صو کره وفات ایتدی . غایت خائن بر نمکبحرام سلطنت ایدی . عا کف پاشانک (تبصره) سنده (استغنا کی کافری) دییه مسجل اولان حریف ، بوخائن علقونک باباسی در . استغنا کی حقنده استادک بیوک پدری عبدالحق منلا حضر تلی شو یتى انشاد ایتشدی .

بر مرتبه مردار قوقیور اوستی فنا که

معدم بولانور کلدیکی کون استغنا کی

[۱] اغنیای صرافاندن ورتبه بالا رجانندن خرستا کی

زو غرافوس افندی .

[۲] ناردده شهرنده تولد ایتمش و مختلف سفارات سنیه کتابتنده

بولمشدر . مسقط رأسی اولان ناردده نك بر این قونعده سی طرفندن

یونانستانه ترک ایدلدیکی زمان ، یونان تابعیتنی قبول ایدرک دولت

جدیده متبوعه سنک خارجیه نظارتیه دیگر بعضی نظارتلرنده

بولمش ایدی .

[۳] سوریه نك عریجه ایله متکلم اهالی خرستیانیه سندندر .

اوزمان سوریه مبعوثی ایدی . اون ، اون ایکی سنه اول وفات

فقط يك معدود در. موسیوتیه [*] له چوق گوریشیردی.
عثمانلی اوله رق زواری پارسده موجود اولان عثمانلیلر ایدی.

[*] موسیوتیه Alphonse Thiers فرانسز رجال حکومتک
اک بیوکار نندر . ۱۷۹۷ سنه سنده مارسیلایده تولد ایدرهک،
۱۸۷۷ ده پارس جوارنده کائن سن ژهرمن آن له ی قصبه نده
وفات ایتشد.

تحصیل اعدادی بی مستطرا سنده اکمال و (اکس) دارلفنونندن
علم حقوق شهادتنامه سنی استحصال ایتدکن صوکره، یکرمی درت
باشنده پرسه کیتدی. و ذکای مستثناسیله آزمونده تحیز ایتدی.
زمانک رجال مهمه سیاسیه سیله تأسیس مناسبت ایدرهک
فرانسه قرالی اوننجی شارلک اداره سنه مخالف طرفه التحاق ایتشدی.
اون جلددن متشکل فرانسه انقلاب کبیری تاریخی بو صیره ده
ودرت سنه ظرفنده تحریر و نشر ایتدی .

لوئی فیلیپک تخت حکمداری به قعودینی متعاقب موسیوتیه رده
مناصب اقباله طوغری رهیاب صعود اولیوردی. بری بری اوزرینه،
شورای دولته اعضا، مبعوث، مستشار ونهایت داخلیه ناظری
اولدی . کرک اعمار مملکت، کرک تسکین فتن وفساد خصوصنده
کوستردیکی فعالیت وعزم ایله موسیوتیه ر ذاته معطوف اولان
اعتمادلره لایق بردولت آدمی اولدیغنی اثبات ایدیوردی. داخلیه
ناظری اولدقدن اوتوزسکز سنه صوکره فرانسه یی فلاکتلرک اک
مده شندن تخلیصه اوزانان بازوی همتنده کی اقتدار بوزماندن اعتباراً
حسن اولمغه باشلامشدی .

۱۸۳۶ ده خارجیه ناظری ورئیس وکلا اولدی . بو صیره ده

مکتوبلر

پارسدہ باشلامق ویا خود ختم ایتمک اوزره بوراده شمديک
قطع کلام ایدہلمده هم پوسته گونی مناسبتيله حکم ایجاب
مصلحتہ اقتفا وهمده
. اظهار صورت وفا ایتمش اولالم . شمديک
- اورده ووار - [*] .

جمعه ۷ تشرین اول ۱۲۹۴ صباحین کویده یازلدی . برادرک

صامر

بوندن صکرده سی پارسدن :

بر رسممی ایستیورسگنز . ایشته لفاً گوندریورم .
فقط مقابله ایتزایسه گنز فوق الحد حدت ایدرم . ورسممی
گری ایسترم .

مدحت پاشا اکثر اوقاتنی انگلتردهده گچیردی . فقط
هیچ اولمازسه بر بحق آیدہ بر کره پارسه گلیردی . بزده
هرگون حضور یله تشرف ایدردک . گریده گیتمنه مساعده
ویریلنجیه قدر بوراده اعاضله اختلاط ایتما مشیدی . وکلادن
برقاج کشینک - سواره - ^(۱) سنه دعوت اولندی ایدی .

Au revoir [*] تکرار کورشمک تمنیسنی متضمن فرانسزجه

بر تعبیر وداعدر .

[۱] La soirée مسامره ، اقسام دعوتی .

فرید بوراده در. سلامگزه تشکر و مقابله ایدر. آنکله
بن غالب بوراده حشر اولوب گیده جکز. بر مأمور منر دها
گدی: جمیل پاشا مر حومک اوغلی رشید بک [*]. ظن ایدرم
طانیاز سکز. ینه طانیه یکز.

فهم بکک یرینه ایکنجی کاتب اولوب، گله جک هفته
وصوله انتظار اولنان، ذات ایسه ینه رشید بک نامنده هیج
بیلدیگکز بریدر. (کیمدر؟...) دیرسه گز عالی پاشا
مر حومک مخدومی رشید بکدر که علی فوآد بکک برادری
و برادر بک افسدی مر حومک قاینلری در [۱]. البته
طانیاز سکز، دکلی؟.. باقه لم گلسونلرده نه قاش اولدقلرینی
سزه تعریف ایدرم.

اؤ تحفی نره سی؟... بزم نجیب محترمده بوراده.
برادری باقی قسطمونی یه اعزام اولندقدن آرزوگره نجیب
بککده عارضه وجودیه سندن ناشی، تبدیل هوا ضمنده،
بر آوروپا سیاحتی اختیار ایتسنه اراده افاقته عاده پادشاهی

[*] صدراعظم مشهور مصطفی رشید پاشا زاده جمیل پاشا.
[۱] بهاء الدین بکک بیوک برادری صلاح الدین بک عالی
پاشانک دامادی ایدی. تصادفات غریبه دن اوله رق عالی پاشانک
بیوک مخدومی علی فوآد بک ویرکو، یعنی دفتر خاقان امینی، کچوکی
رشید بکده دفتر خاقانی امانت معاونی ایکن وفات ایتملردی.

مکتوبلر

کندیسندن مقدما آکا یقین حمده آدیغم رساله‌نک
جوابی ایدی. جوابی ایدی، اما دها مفصل ایدی فقط ذات
محترم، جوابنک جوابی اوله رق ایکی خطابی حاوی برور قپاره
صاووردی. یازدیغم شیلری یارد، یا خود قبول، والحاصل
نصل تلقی ایتدیکنی بیلملیم که بیان افکارده دوام ایدیم.
دکی یا؟.. مع مافیه کندیسنه برقاج کتره مکتوب باشلادم.
او گجه باشلادیغمی ایکی کون صکره امواج اوراق ایچنده
غایب و صکره باشلادیغمی ا کمال ایده مامک موفقیتسز لکنده
دور تجارب ایده ایده نهایت قطع امید ایله برخیلی زمان
امرارنده مضطر اولدم. بودفعه کی اخطار گز اوزرینه
— اهماله غایبه ایتدیکم حالده — امهال ایتیم ظن ایدرم.

ا کر مه، حمده [*]، سزه بوندن اقدم، بنم آثار مدن
اوله رق برر کتاب [۱] یوالا میشیدم. حمید تشکر یوالادی.
ا کر م مواخذہ یازہ جقمش. سز سکوت ایتدیگز. عجباً
کتاب فصاحت خطابی آلمدیگز می؟...

[*] نورالله بک زاده حمید بک که سلطان عبدالحمید خانک
کریه لرندن بهیجه سلطانک زوجی ایدی. سلطان حضرتلری
ازدواجندن اون ایکی کون صوکره، دها اول مبتلی بولندی ورمدن
وفات ایتشد.

[۱] نسترن.

بہاء الدین بک :

برادر محترم افندم ،

برنجی دفعہ اولہرق محل مأموریت گزرنے دن [*] بر مکتوبہ بگزی آدم . اورایہ عزیمت گزرنے برقاچ گون اول استانبولدن یازدیغ بگزی مکتوب ، مأموریت گزرنے رتبہ گزرنے دائر معلومات لازمہ یی ویرمش ایدی . غیر ی آدرس سوائے حاجت قالمشیدی . بوبایدہ بیان ممنونیتہ نہ حاجت !.. بیلیرس گزرنے حصول امل مظہریت گزرنے طولانی بلکہ سزرنے زیادہ ممنون اولمشمدر . بن یالک گزرنے تبریک ایدہ یمددہ بشقہ لاقیردی یہ باقہ لم . مکتوب گزرنے جوابی خاتمہ مقالات گزرنے باشالایہرق اعطا ایدہ حکم . مدللای مایکیله [۱] گچر کن گورشمش گزرنے سزرنے کاغذہ ملفوفاً آدیغ مکتوبہ جواب یازمیدیغی بیان بیورمش . بن او ذات محترمہ براندازہ آئندہ صحیفہ لی اولمق اوزرہ اون ، اون بش صحیفہ لک بر مکتوب یوللا مشدم کہ

[*] شامدن .

[۱] نامق کمال بک .

مکتوبلر

شمندوفر وقتی ده گلدیکندن ختم کلام ایده جگم . جواباً
بر مکتوبکی بکلام . چو جو غنک گوزلرندن اوپرم .
وجله گزی اللهه امانت ایدرم . باقی اختوت .

جمعه ، ۱۴ تموز ۱۲۹۴ قرداشکر

عبدالحمید حامد



کبی اوتوردیغم اولک پنجره لری دخی بوسناعی و طبیعی
منظره لرک ایکی سنه ده نظارت ایدیور [*]. بریاند کی پنجره دن
باقسم بر دریای نورانی حالده پارسى گوریورم . اوتنه کی
پنجره یه کنججه ، طبیعت صفای سکونت عظیمه سنه ، گیجه نك
سیر ظلمات شاعر پسندینه غرق اولدیغم حالدہ شفق سو کیور .
آنکندہ برده گول وار . اطرافى آغاج لر له محاط . بو آغاج لرک
ایچندہ کبرای شهرک دانشین کوشک لری ، بلبل آشیانی ،
گل فدانی دینمکه سزادر . گولک اورتہ سنده برده کچوک
بر آطه وار . غیر مسکون ، فقط غایت منتظم ، غایت لطیف .
کیجه او آطه یه گیدوب ده کندی کندیمه - خصوصاً مهتابه
قارشی - وطنی دوشومک انک بیوک مظهریتلر مدن در دیه بیلیرم .
(آطه یه نه ایله گیدیور سین ۰۰۴) دیر سه گز ، صندال ایله .
همده کندم کورک چکیورم [۱] .
بو گون پوسته گونی اولدیمندن پارسه گیده جکم .

[*] عبدالحق حامد بک افندی قرق سنه دن بری تک کوزلک
استعمال بیور لرلر .

[۱] عبدالحق حامد بکک (بلده - یاخود - دیوانه لکرم)
عنوانلی مجموعه اشعارنده ،

آنککک باغچه سنده ، باغنده

داممی بر سحر تقرر ایدر ...

بیتابه باشلایان کوزل رمضونه سی واردر .

مکتوبك بورايه قدريني پارسده يازدم . بوراسني ده
فرنگ قلميله - آنکن - دنيلان کويده يازيورم . بنم عالمدن
بيقمش اولديغم اچونميدر ، نه در بيلمم ، نمونه عالم اولان
پارسينه بر دنيا مودلي ديمك اولان اكسپوزيسيون مناسبتيله
عالم عالم اچنده عالم اولدي . بنابرین بنده بر کويده بر جهان
اعتزاله چکلمکه مجبور اولدم . جمعه کونی پوسته ني (سفارته ده)
چيقاردقدن صکره شمندوفره بينوب فريده برابر کويه
گليورز . تا بازار ايرتسي صباحنه قدر پارسه کيتميورز .
بازار ايرتسندن جمعه يه قدر گوندوزلري پارسده ، گيجه لري ده
کويده بولنيورز . بوکوي هم بزم مملکتک مواقع لطيفه
طبيعه سني آنديرر نواحي يي جامع ، همده پارسک اطرافده
بولنان اک مدني ، اک معمور نواحي دندر . مثلاً کويک بر
جهته بر جنتلمن سوسيله گيتمک لازم گليور . ديگر جهته
کيجه لك البسه ايله گيدلسه جالب دقت اوليه جق . نظرم

.... بن باقي بکله شمدی مخبره دکل ، محاربه ايديورم . آنک قومانداني
سعاوي ، بنکي نيسه کالدر . باقلم هانکي طرف مغلوب اوله جق ؟! .. الله ويرهده
صريلار کي هم مغلوب اولوب ، همده غالبيت ادعا ايتسیدی !...
سعاوي وقعهي اوزرينه باقي بکده انتظار شک وشبهه توجه
ايدهرک قسطلموني ولايتي مکتوبخيلکيله پايتختدن بر مدت تبعيد
ايدلشدي . برادري نجيب پاشا اوزمان مديحه سلطان حضرتلرينه
نامزد بولنيوردي . بو حادته مصاحره ايراث خلل ايتامشدر .

ایتدیگنز . . . مصره گیتدیگنر زمان ، بگا اورانك عادتابر
تاریخی، برخریطه سنی، بلکه ده بررسمنی یوللادیگنز. حالبوکه
شامدن نه محمل مأموریتگیزی، نه محمل اقامتگیزی یازدیگنز.
حتی اورایه گیتدیگنر بشقه لرندن طویدم. بوغیوبت
غریبه ائناسنده سزه مکتوب یازیشم هاتفه خطاب ایتك
قیلمدن ایدی .

باقیدن جوان آلام، نهایت کیتمش . مأموریتی گوزل
ایسه ده مأموریتك محلی خوش دکل . او جهته یچاره نك
حالی بگا شدله اثر ایتدی. اوت، سامی پاشایه دعا ایتسون .
اگر باقینك سعاوی پیرو لکی فاملیاسنی ده هم نصیب ایتك
لازم کلیرسه نجیبك مصاهرته خلل گتیریه جکندن، ظن
ایدرم که ، سعاوی پرستك ندامتده باقیدن زیاده نجیب
ابراز وجود ایده جکدر . [*]

[*] باقی بك علی سعاوی افندینك شهرت کالاتنه مجلوب
اولانلردن ایش . او قدر که نامق کال بکه بیله ترجیح ایتك ایستمی
اوزربنه عبدالحق حامد بکه آراننده اوزون بر مباحثه قلمیه تگون
ایدر . استادك همشیره زاده سی ابراهیم بکه پارسدن یازدینی
۸ کانون نای ۱۲۹۲ تاریخی بر مکتوب - که (مکتوبلر) ک برنجی
جلدینك ۲۴۷ دن ۲۴۹ ه قدر اوچ صحیفه سنده مندرجدر -
شویله بر فقره یی ده محتویدر :

آن آزگوروب، بریوزالی سطردها اوله بيله جك شيلريازمغه
قالقشيورم. بعض كرده ده بالعكس. ايكي كلمه لك بر مکتوب،
برسلامنامه يازمغه موثق اوله ميورم. يازمق دكل، فامليامدن
آلديغم بر عافيت مکتوبني بيله اوصانچ ايله اوقييورم. وطن
مصائبك تائير اتندن ديسهم ينه دكل، چونكه اوحالده
على الدوام يازمامق لازمكدير.

ينه آدرس گوندرمديگنز. مأموريتگنز[*] اجرا سندن
صكره يوله حيقه حقه شمسگنز. آي يا، آبرادر!.. مأموريتگزي
يازسه گنز نه اولوردی؟.. نه اولوردی كه بن سرك مأموريتگزه
- اكر بجاي ايسه - يالگنز بر عرض تبريك ايدردم.

سوريه ده ضيا [۱] ايله نصل گچنديگنز؟.. اها ليدن
نه صورتده لذتياب اولديگنز؟.. نه ياپديگنز؟.. نه فكر پيدا
[*] سوريه ولايتي مکتوبجيده كي.

[۱] ضيا پاشا، سوريه واليه كيله شامه كيدر كن، بهاء الدين بي
ناعق كمال بكك توصيه سيله كاتب خصوصي اوله رق برابر كوتورمش
ايدى. بهاء الدين بكك انخنا ناپذير اولان درستي اخلاق و معاملاتندن
متضرر بعض منافع جويانك تسويلاتنه مقابله و پاشانزدنده كي موقعي
بو صورتله محافظه ايتمهك نزل ايتديكندن بر مأموريت رسميه ايله
كتابت خصوصيه دن چكلمش و ضيا پاشانك قونيه به عزيمتنده برابر
كيتمديكي كي، بالاخره سوريه مکتوبجيسي اولمشدر.

بهاء الدین بک :

برادرم بکم اقدام عزیزم ،

جواباً بر تاریخ سز مکتوب گزی آلام . ستملر مه مقابله
ایدیور سگز . ایسترا ! . بر بریمزه بویه یاسم ، یا خود
تشکر لر یاز ملی یز که سوز بولنش اولسون . (سیاستدن
بحث ایتیمورز . چونکه بحث اولنه حق اولسه طبعه او قدر کلال ،
قلبه او قدر ملال که جک که انسان ، آغرلق باصمش آدم گی ،
اولدینی یردن فرلامق ایستیه جک ده پارمغنی قلدا تمغه گوجی
یتیمه جک .)

سزی ابراهیم لر ، نجیب لر گی وفاسر عدایت سیدم صره سیله
مکتوب گوندردم دیک گز ایچون متأثر اولماز ایدم . آنلر ده
بی وفا دیمکده کندی پک حقی گوره میورم . زیرا زمان
اولیور که بنده بو یولده وظائف محبتک ایفا سنده قصور
ایدیورم . حالبو که بو قصور ایفا ، مستند فقدان وفادکلدر .
نهیه مستند اولدینی تعیینده ده عاجزم . (عطالت) دیسه م
دکل ، زیرا بعض کره یوزاللی سطرلق برشی یازدیغم حالد

مکتوبلر

اویله برشیؑ یاپارسه گز ، هم سز ممنون اولورسکمز ،
هم بزی ممنون ایدرسکمز .

سعاوینک مجنون اولدینی تبین ایتدی . فقط مجنون
حمیت ایش ، بکا اویله گلیور .

محمود [*] ینه دوشمش ، قالقماز اولسون !..

مختار پاشانک [۱] تبدیلی غرائبندردر . خنکار خلقک
النه سلاح ویریورده ینه کیمسه قیملدانمیور . قوس
قوجه ملت عثمانیه ایچنده سعاوینک تفرّدی هم موجب
عاردر ، همده ، عثمانیلرک اک کوتوسندن اک گوزل بر
حرکت واقع اولمش دیمک اولمق حسبیله ، شایان افتخاردر .
مکتوب ملفوفه تشکرایدرم . غیری سوزی کیورم .
باقی اخوت .

عبدالحمید همام

جمعه ، ۲۶ مایس سنه ۱۲۹۴

[*] محمود ندیم پاشا .

[۱] غازی احمد مختار پاشا .



شامک هواسیله حسن امتزاج ایدیشکزه مئون اولدم .
سببده بوايمش که اوتوریورسکمز . بن ، بوابتلا مراقدن
کلیور صانیوردم . ظنم خطا ايمش . عفو ایدرسکمز .

بزم پارس اقامتی آنجق زوکورداسکدندر . یوقسه برگون
طور میوب فرار ایدردم .

سوریهده آدره سگزی ایسترم . بو آدره سنی صاقلامقده
موده می اولدی ، نه دندر؟ .. قاچدر صوریورم ، (صکره
یا زارم) بیوریورسکمز . آدره سنی صاقلامق ، یعنی سویله مامک
عادتتی بر سزده ، بر کالده ، برده بورانک نازینلرنده
گوریورم . آنلر کی استغنا ی حسن در ، بيلم سز گکیلرده
ناز محبت می اوله جق ؟ ..

فریده سلامگزی سویلدم . تشکر و مقابله ایدیور .
حتی دمنجک کنديسیله سزک لاقر دینگز اولدی . (آه
ممکن اولسه ده کتابتله بورایه گلسه ! ...) دیوب
طوردق . گل برادر ، شو ایشه بر تشبث ایت . فهمیم بک
صدراعظم زاده اولدی . آرتق بورایه گلمز صانیرم .
ایکنجی کتابتله بورایه ، آنک یرینه گل می ایستدیگنر حالده
سزدن دریغ ایتزلر . بنمکی بر خاطره در ، یازیورم .

حامدك مکتوبلرني بكاویرمك ایستدی ده آمادم (دیر. مراد
بك شاشیرر، سزاینار، یاخود اینا مازسکزر. بن حد تلنیرم،
نجیب بك گولر.

پادشاه تنبلان ابراهیم نازانه گلنجه : بندن یدی، سکزر
مکتوب آلدیغی حالدده هیچ برینی شایسته جوابمی گورمز، نه در
بیلم؟. آلدیغدن بیله خبرم اولماز. بر طرفدن ده ینه جواب
ویرمامك ایچون بش، آلتی مکتوب دها بکزر.

باقی ملاده [*] کثرت مشاغلدن طولانی، یاخود
قونسولیده لرک برپاره ایتدیکنی گورمك ملالندن ناشی،
بزمله مخابرده نی کسدی، دولت عثمانیه نك بو حالنه بن سبب اولشم
گبی، نظر توجهنی اوزرمدن اسقاط ایتدی. ایچکزرده مراد
بکدن ثباتی یوق. او جهتله بن ده آکا هر هفته مکتوب
یازیورم. نه ایسه. آرتق شکایتی براقه لم.

یقینده سزده امضاسز، فلان بر کتاب [۱] گوندره جکم.
بنمدر. بوراده [۲] طبع ایتدردم. امضاسنی حك ایتدیکم
هم سزی، هم کندی محافظه ایچوندر.

[*] سامی پاشا زاده باقی بك .

[۱] نسترن .

[۲] پارسده .

بهاء الدین بکه :

جوابكم جوابنه جواب

نور عینم برادر ،

۱۶ مایس ۱۲۹۴ تاریخلی بر محبتنامه گزی آلام. بیان
ممنونیمه لزوم یوق. فقط پک مختصرایدی. بیلیرم که بوبکا
مقابله ایتمش اولمق ایچوندرد. چونکه ایشکزه کلن شیرده
مقابله ایتمک اوتهدن بری معناد گزدر. فقط بن طوتسه مده اللی
صحیفه لك بر مکتوب یوللاسه م آکا مقابله ایتمز سگنز، مع مافیه
اللی سطرلق بر مکتوب یازار سگنز. وینه مثلاً، بنم بر طاقم
مانع اولسه ده اوچ آی قدر سزی مکتوب سز براقسه م، مقابله
بکا آلتی آی سلام یازماز سگنز. نجیب بك ایسه اوده
بشقه دولو بر نازنین. مثلاً بزم مکتوبلره جواب یازارده
کوندرمیوب جیبنده حفظایدرد، صکره وصوللرینی اشعار
ایتمدیکم ایچون بکاستم یازار، آنی ده قرق ییلده بر یازار. مراد
بکدن بنم سزه اولان مکتوبلرمی ایستر، آلیر. صکره (مراد بك

مکتوبلر

وحیاتمزدہ آنلرک حیاتنی نوعدنددر . شمدنصکره بزم ایچون
تبدیل قالب و قیانت ایتمکدن بشقه برچاره قالمادی .

دولتلی ایدرسه کر تبدل ،

ملت نه دن ایلسون تحول؟..

سؤالنی ایراده صلاحیتمز وارددر . دکللی ؟..

مام



مکتوبلر

دکلی ...؟ گرچکدن ده مسئؤل سکنز . (شامده بهاء الدین
 بك افندی) دیه بر مکتوب یازوب یوللامقله ایصال
 ایدمه مامکده معذورم . هفته آتی یه اوزون یازارم . شاید
 گیتمش بولنورسه گزمکتوبلر مک نره یه ایصالی لازم کله جکنی
 مراد بکه سویله یکنز . شمدیلک گوزلرکدن و یگاکلرکدن
 و آنلرکدن اوپه رک ختم کلام ایدرم . اللهه امانت اول .

۲۸ نیسان ۱۲۹۴ قرداشک

صام

هامش :

بوراده رفقامدن بر فرید بك [*] واردرکه سزک اوراده
 قومشو کز عزت افندینک مخدومی در . سزی پک زیاده سویور .
 وسلام کونه اظهار محبت ایدیور . یازمقلغمی اصرار ایتدیکنندن
 یازدم . اوده سزک مشرب و مزاجده غایت ذکی ، مستعددر .
 نجیب بکه هر نه قدر کوسکون ایسه مده ینه لطفاً سلام ایدرم .
 ابراهیم محبت نافهمیه کذلک . دولتک صورت وفاتی ر اتحار
 ارذلانه دن عبارت اولدیغنی کیم انکار ایدر ؟ .. بز ، مسقوفلر ایچون
 عبدالحمید کبی بر حکمدار معنی ایده لم . اوزمان عثمانیلرک پرتو
 سلاحی پترزبورغ شهرینک معموره لرینی یخپاره لرکی اریده جکنده
 شبهه قالماز . اوت ، بز اولدک . بو کون وطنم زده کوریلان
 حرکات حیاتیه اولمش بروجوده استیلا ایدن قوردلرک حرکاتی

[*] اعیاندن داماد شهریاری فرید پاشا .

بهاء الدین بله:

ایکی گوزم برادر ،

هله بر مکتوبکنزی آله بیلدم . براز قیسه ایدی ،
اما عافیتکنزی تبشیر ایتدیکندن سونجمدن نه یاپه جغمی
بیلمز اولدم . فقط شمدن صکره نصل مخازه ایده جکز؟..
ینه شامه کیده جکم شسکنز . گوزل ، اما بزم مکتوب
سزی شامده نصل بوله جق؟.. اوجهته برظرفک اوستنه
بکا آدرسکنزی یازوب درحال گوندریکنز .

برده بوشام ابتلاسی زره دن چیقدی؟.. وکلای فحام
افدیلمزگی - اولی ده شام ، آخری ده شام - قاعده سنه
رعایت ، هر منظور وطن ایچون فرض اولدیه بیلیم .
یوقسه شامده اضاعه وجودایدیشکنزده برمعنا گوره میورم .

بن سزه مکتوب یازمقده قصور ایتدم . نجیب بکک
اهمالیه بن مسئول طوتیه جق اولورسم ، بنم مکتوب
یازمامقلمله سزک مسئول اولیه جگنزی کیمسه ادعا ایده مز .

مکتوبلر

اوله رق و همکنزی گوستریورسکنز ، صکره ینه گیتمک
ایستوریورسکنز!

رمضان دن سزه نه ؟ .. اودن چیقمه نه لزوم وار ؟ ..
بیایرسکنز که بزاوروج ییک ایچون دائما سنک دولتخانه کره
کلیردک .

نجیب بک افندی یه شمدی ده سویله یکنز که آکامکتوب
یازمق نیتنده ی . فقط بونیت وقت ملاقاته قدر فعله چیقامن
صانیرم .

ابراهیم بگک بنی برسلامله بیله یادایتماسی طوغروسی
گوجه گیتدی . برنجی وایکنجی مکتوبلر مه - حال کدرده
اولدیغیچون - جواب ویرمامکده معذور کوریرم . فقط
اوچنجی یه ده مقابله ایتاماسی تعجبیدن وبلکه تأسفدن بشقه
هیچ برحسسی موجب اولمور . باقی اخوت .

برادرک

پنجشنبه ۱۶ ، رمضان ۱۲۹۳

عبدالحق مامد



یوزغاد مسئله سی [*] مأمول اولنان اهیتی کسب ایتدی . فقط ایلریده بیویه جکدر صانیرم [۱] . انکلین غزته لری - که بلغارستا مظالم مخیله سی اوزرینه علیهمزده تشدید لسان ایتدیلدی - مؤخرأ روسیه نك منویات فاسده سنی آکلادقلری جهته یینه لهمزده یازمغه باشلادیلر . پارس اوراق حوادثنده گوریلان بهتانلره سفارتدن مقابله اولنان ردیه لرك ساده اولدیغنی بنده اعتراف ایدرم . بزده نقایصمی آراسکنز ؟... فرانسیزجه یی پك اعلا بیلیر برنصری بکمز وار [۲] . فقط نه فائده که آل دکل ، آلتدر ؛ یعنی یازیجی دکل ، قلمدر .

مصره کیتمکه قالمششکنز . غریبدر که کیتمکه سبب

[*] اصلنده (یوزغاد) یازلمش ایسه ده (بورغاز) اوله جق ظن ایدرم . مع مانیه اوزمانك احوال و حادثات سیاسیة سنی تخطر . سنم مساعد اولنادینی کبی ، آلدن تفصیل وقایع ایدیه بیله جك اثرده بولنادیغندن بوتصحیحده نه قدر مصیب و یا مخطی اولدیغمنجه معلوم دکل در .

[۱] نصل که بیودی ، وپك زیاده بیودی . ۹۳ اهانتنه وسیله ایقاع اتخاذاولنان اسباب وتزویراتك بری بواولشدی .

[۲] فرانقو پاشا زاده نصری بك که او تاریخده پارس سفارت سنیه سی باش کاتبی ایدی . و یانه سفارتنده مستشار ایکن وفات ایتشد .

بندن بکلدیکنگز تفصیلاتی قریباً سزه شفاهی اوله رق
عرض ایده جکمی مأمول ایدی ورم. استد لالم اویله در. بویوله
استد لالتمک اکثری ده موافق حقیقت تصادف ایدر.
پادشاه جدیدی پک آلقشلامیورسکنز . فقط ملت
مجلسی اوله حق . سلطان نامراده قالسیدی ده امتداد
ایده جکدی . طنطنه پرست اولمی حقیقه کی اخبار گزده
سائر روایاته مخالفدر . بکا بالعکس خستندن و تصرفه
رعایتندن بحث ایدیورلر . اما سنزک یازدیغکنزی ده صحیح
گوره جکم طبیعی در [*]

ولوله لی براسم براقش اولان بو آدمک ، ماهیت ذاتیه سیله افعال
وحرکاتنک سوائی تحدثنی تمامیه تعیین ایده جک خاطرات و معلوماتک
تدوین و نشر ایدلامی ینه تاریخمز اینچون بر نقصان و بر ضرردر.
چونکه سعاوی، هر نه اولورسه اولسون ، حیات و حادثات ملیه ده
برنام و بر اثر بر اقوب کیتدی .

« حقسنز شهرتلی زمان استرداد ایدر » دیرلر، طوغریدر.
فقط وسائط استرداد اعداد ایتک ده اقتضا ایدر . سعاوی یی
یا طوغریدن طوغری به ویا قریبلی واسطه سیله طائیش اولان
ذوانک حالا بر چوغی بر حیاتدر . ایسته لر تاریخک بو صحیفه مظلمه سنی
تنویر ایده بیلیرلر .

[*] حقیقت حالده سلطان عبدالحمید هرا یکی خصلت متضاده یی
نفسنده جمع ایتشدی : هم طنطنه یی ، هم پاره یی سوردی .

بدايعدن نه كوره جكم؟.. پارس بر بديعه ديمك دكلى در؟..
وقتكم امرارى تحصيل ايله؛ فقط باشليجه بر درسه باشلامدم.
حمد اولسون، هيچ برقارى ايله آلس و يریشم يوق. اوزاقدن
سيرايله اکتفا ايدورم.

سعاوى ايله پك چوق گوريشيورم. حالى، فكرينى
ايتديكمدن، بکلديكمدن اعلا بولدم. بز ه زيان ايدلمسى
عادت اولان افاضلن و پايال حقارت ايديلن دفينه لردن برى ده
سعاوى افنديدر. بش اون كونه قدر استانبوله گيديور. ظن
ايدرم كه آنى دخى كمال بك كې، شورای دولته طيقارلر. [*]

[*] على سعاوى افنديك كرك فضل و معلوماتى، كرك حيت
و استقامتى خصوصنده كى قناعت و روايتلر پك مختلفدر. بومكتوبيله
حسن شهادت ايدن عبدالحق حامد بكك سعاوى حفنده كى ايلك حسن
نظرينى محافظه ايدمه مامش اولديغنى مكاتيب تاليه سى كوسترديكى كې،
بوخصوصده ياكلمش اولديغنى ده بالدفاعا كنديسندن ايشيتدم.
ضيا پاشا، على سعاوى افندى يى هيچ سومر مش. نامق كمال بك ايسه
كنديسندن نفرت ايتديككى قلميله و دائما اعلان ايدر طورردى.
بوعلامه نك بيوك مقياسده بر شارلاتان اولديغنى كانى پاشا زاده
رفعت بك تشرىحاتى و دلائيله اتيان اتمشدى. ادراك ايتديكى زمانك
رجال و مشاهيرينى بحق طانيان ابوالضيا توفيق بك ده سعاوى
علينده كى قناعتى هرمناسبتله اظهار ايدردى. تاريخم زده بو قدر

بهاء الدین بکمه :

قرداشم ،

چَن هفته بر عافیتنامه گزی آلم . وجودجه برار
یحضور اولدیغمدن جوابنی بودفعهیه تعلیق ایتمشیدم .
استانبولده بر طاقم مواعد محبتله افتراق ایتدیکم برادر لرمک
ایچنده سزی دخی انجاز وعده همت ایدنلردن کوریورم .
مکتوبگنز طرفینده اولان محبت برادرانه یی هم تبشیر ، همده
تأکید ایدیورم . مصرده مجرب باتگنزدن اولان آلام اغترابیه
حائنده بولسان بر آدمه بالطبع مرحمت ایده جکگنزدن
شمدنصکرده فرصت بولاجقه بر ایکی سطر تسلی یازمقده
تکاسل ایتیه جکگنزی بیایرم .

آبرادر ! ... احوال ذاتیه مدن نه یازدیم ؟ .. گلدم گله لی
حواسمه استیلا ایدن و بیکه طونه بویندن پارسه قدر بنمله برابر
گلوب ، حتی یتاق او طه مدد بیله تجسم نمای دهشت اولان
محاربه خیالاتیه ذهنم لبالب ؛ افکار می جمع ایدوبده بر کون
نه اولدیغمی بیلمدم .

مکتوبلر

مکتوبگنزك تاريخي پك اسكى . نه دن او قدر كچيكمش ؟ ..
 .نم مکتوبم مختصر اولديغي چون سزده مفصل يازما مش سگنز .
 باقه لم ، بوم مکتوبلر مك جوابي نه يولده ظهور ايده جك ؟ ..
 بن سزگله مخا بره يي پك آرزو ايدييورم . ظن ايدر م كه
 سزده اوشم سگنز .

سفير پاشا [*] بر آي قدر استحمام ايتك اوزره صولره
 گيدييور . بوجمه گوني عزيمتي مقرر در . يالگنز قاله جغز ،
 آني دوشونيورم .

بوراده كي فهمم بك [۱] شكيب بك اخلاقنده بر ذات در ؛
 لكن برنجي ايكنجي قدر چالشقان دكلدر .

نجيه اولان مکتوبمي ويريكز . ايكيگزدن ده جواب
 ايسترم . باقي الله ، حافظك اولسون .

برادرك

۱۱ اغستوس ۱۲۹۲

عبدالاحمدهامد

[*] اسبق باش وكيل صادق پاشا .

[۱] صدر اسبق صفوت پاشا زاده فهمم بك .



ملت مجلسنك يقيديغنى [*] ايشتم . تأسف اولنور كه
آنك خرابى پك چوق ابنه عالمه نك منقلب انقاض اولمسه
دلالت ايديور . ياپلديمى كه ييقله جق ؟ .. تملى قونولمش
كبي ايدى . بزدن نه موفقيت بكنلير ؟ .. خلع واجلاسده
موفق اولديغمزه حمد ايدلم !!

پادشاهك خسته لنى ذهنه طوقنور برشيدر . تأسف
اولنور .

اوقورم ، فقط ايسديكم قدردكل . مع مافيه استفاده دن
خالى اولديغم يوقدر .

حكمتك أونده كچردىكى تهلكه يى باق يازمشيدى . بنده
اوبابده كى فكر مى بالمقابله يازدم . صوروب آگلایه بيليرسكز .
شكيب بلك سپارشى نه در ؟ ... ابراهيم بكدن مکتوب
آلادم كه بيلهيم . شكيب بك آنقره يه گيتديمى ؟ .. يوقسه
گيتدى ده گلديمى ؟ .. [۱]

[*] يعنى ، ملت مجلسنى كشاد اميدى ايله اجلاس ايدلمش
اولان سلطان مراد خامسك ويا زمانى زمامدارانك مشروطى
تأسيسده تردد ايتديكنى ..

[۱] شكيب بلك پدرى ثريا پاشا اوتارينخده انقره واليسى
ايدى .

بهاء الدین بکمه :

برادر ،

اوبرمکتوبمده نه یازدم ایسه توبه لراولسون ! . . نه
غریب درکه اوستمنامه بی ا کمال ایدر ایتمز بر محبتنامه گزی
آدم ! . . بود لالت ایدر که جناب حق بنم سزه بی وفادیدیکمه
فائل اولمامش . مکتوبگزه نه قدر ممنون اولدمسه او گجه یازدیغم
سوزلر ایچون ده او قدر نادم دوشدم . دیدیگم کی مکتوبم
سزه کیچ واصل اولمش ، قباحته بنمدر . او جهته شمدی ده
بن استغفای قباحته ایدرم . لکن بر طاقم وهم انگیز ستملریگن
وار ، آنلری قبول ایتم . بر بریمزی سودیکمزی ایکیمزده
بیلیرز . بر طاقم شبهاته دوشمکده ایکیمزده حق سزلق ایتمش
اولیورز .

ز کورد لکدن سن ده شکایت ایدیورسین . اویله ایسه
هم خلقه ، هم ده کندیمزه آجیه لم . قائمه امیدی نه قدر هوایی
شی ! . . . قائمه حجت افلاسدر ، بروقنده سند تأمین اولماز .

مکتوبلر

وياخودنه قید سز بردارلر سگنر! ... بن سزلردن ده مکتوب
آمازایسه م کیمدن بکله ایم که فاملیه سز بر آدم ولسه م معاوتنه
مراجعت ایده جک سزی بولوردم . ایشه بویله ! .. سزه
ونجیب بک برادر مه گوجنمدم دیه م .

بورانک احوالندن نه بحث ایده ایم ؟ .. افکار عمومیه
علیه مزده . هر کسک دعاسی دشمنلر منک سلاح شقاوتنه در .
اوغلکک گوزلردن اوپرم . باقی اخوت .

قرداشکز

۱۱ اغستوس ۱۲۹۲

عبدالحق مامد



ایکی بردارک حسب حاله نیچون مانع اولسون ؟.. انسان بویله برزمانده ، بویله برزمان ایچون بحث ایتمکی ده از یاده ایسته ملی در . او بایده حسب حال ، البته سکوتدن زیاده تسلی ویرر . سزینه وطن گزده سگزر . بن ایسه غریم . انسان وطنک مصائبندن حال غربتده دها چوق متأثر اولور . یأس سزه سکوتی ترجیح ایتدیریورسه ، مراقده بکا خبر آله یی مرجح گوستیریور . نه اولور ؟... برگون اوتوروبده بکا برقچ سطر شی یازسه گز !.. انسان دوشوندیکی شی یازمقله اوشی دوشونمکدن محروم اولمش اولمازا !.. یازارکن دوشونیور دیمکدر .

شمدی سزدیر سگزر که : (حامد پارسده صفاسوریور . هرأ کلهجه سی مکمل . برده طور مشده بندن مکتوب ایستور !) . ائی بیلگزر که بنم بوراده بولدیغم شیلر حقیقه آراددیغم شیلر دکل در . حقیقه آراددیغم ، سزک گی برادرلر مک مکتوبلری در که ایکی آیدن بری بوله مادم . وجودلر مز افتراق ایتدی ایسه گوگلر مزده می برابر مفترق اولدی ؟... افکار مزده می بر بندن آیرلدی ؟... وطن ایچون غریب ایسه م اخوانم ایچون اجنبی می اولدم ؟... پارسیه گلدیگم ایچون فرانسز لقمی ایتدم ؟... نه غریب آدملر ، نه وفاسز

بن اشته سلام بيله يازدميه جفي زمانه تصادفاتشم ديمك اولور. ضرري يوق. آتي اميندر. البته بركون مخبريه باشلاوز.

لكن سزه نه اولدي؟ سز سوزيگزه طورمه يي ايستر ايد يگزه. وعد، عندگزه قيمتلي ابدى. بزويرديكمز سوزي يرينه كتيرمز ايسه كاعتراض ايدرد يگزه [*]. شمدى نصل اوليور كه تعريض ايتمكي بزه بر اقيور سگزه؟

ابراهيم بك برادر مزدن جواب آلامد. فقط آنلري شوكدر حالده معذور گوردم [۱]. سزك نه گزه وار؟ وطنمزده اولان غوائل ذهنكزي آنكله اشتغاله حصر ايتدير يورسه اوانديشه گزه بنده مشترك. عظمت وقايع،

[*] بهاء الدين بك خداوندگار والى معاونى ايكن ولايت مکتوب خلد كيله شريفاب زفاقتي اولشدم. يرلى، يابانجى، مدت عمر مده بك آز آدمه مصادف اولدم كه حيات ومعا لائنده مرحوم قدر درست ومنظم اولسون. بهاء الدين بك فضائل ومثانت اخلاقك مثال مشخصي ابدى. وذات نجيبنده وقار ايله نزاكتى، برى ديكرينى اكمل وتزيين ايددهك صورتده، جمع ايتشدى.

[۱] ابراهيم پاشا، چركس حسن طرفندن شهيد ايدلمش اولان خارجيه ناظري راشد پشانك دامادى ابدى. (كدرلى حال) تعبيرى اوصيره ده تحدث ايدن بو وقعه يه اشارتدر.

بهاء الدین بکه :

برادر ،

سنه مکتوب کوندر رسه م جوابی آله جقدم. وعد گز
 او یله د کلی ایدی؟ ... بن مکتوب کوندر دم. هانی جواب؟ ...
 بردن بره و فاسزلغ گزله حکم ایده مم. بوکئا، اولسه اولسه،
 بر اثر اهامال دیر مده تسلی بولورم . بوندن اولکی مکتوبم
 ابراهیم بکه [*] یازدیغم کاغده ملفوف ایدی. عجبا گچمی
 آلدیکیز؟ ... یوقسه هیچمی آلمادیکیز؟ .. نجیب بک ده [۱]
 حالا جواب کوندر مدی. او، نجیب بکدر، احوال غریبه
 اصحابنددر. نه یاپسه فوق العاده گورلمز. مثلاً آدمه ایکی سنه،
 اوچ سنه بر سهلام بیله گوندر مزده صکره بر زمانی گلیر که
 او سهلام یازم دیغی محرومه بر سنه متمادی اهر گون مکتوب یازار.

[*] بهاء الدین بکه اولان مکتوبلرد مذکور ابراهیم بک ،
 عمومیتله او ایکی مکتوبده ایضاح اولنان ابراهیم پاشادر.

[۱] ینه بهاء الدین بکه اولان مکتوبلرد مذکور نجیب بک،
 نجیب پاشا حیددی اولدیغندن ، سامی پاشا راده نجیب بکه (پشایه)
 تعلق ایدر سه حاشیه ایله کوستریله جکدر .

بوگون استانبولدن چیقہ لی یکر می بر گوندر . حالا
فامایادن ده خبر آلامد . بر اندیشه ایچنده یم که صورمه .

بو مکتوب می باقی بگٹ مکتوبنه لف ایدہ جگم . جوابی
سزده باقی بگہ گوندر یگز . ملفوفا سزہ یوللادیغم مکتوبی ده
نجیب بگہ ویر مگز ی وقارشولغنی آلمگز ی رجا ایدرم .
باقی دعا ، حقہ امانت اول .

۳۰ حزیران ۱۲۹۲

امضاسزدر



سزك شو سؤا - مقدر كزه - والله برادر !! . پاریسی
گوردیگمه منونم ، فقط پاریسده اوتورمنی برذرلو گوزمه
كسديره میورم - دیمكدن بشقه جواب حاضرلیه م .

بن استانبولده پاره خرج ایتمزایدیم . بنمله برابر هر كس ده
خرج ایتمز گوردیم . چونكه استانبوللیلرده پاره اولمدیغی
گبی ، بزله ایچون آرزو ایده جك برا گلنجه محلی ، بر پاره
طوزاغی ده بولمازایدی . فقط بوراده نفس آلمق پاره ایله در .
وملكتک هر طرفی پاره صرف ایده جك بر مسیره در .
بنده ایسه پاره بی صرف ایتمك شویله طورسون ، پاره یوق .
ویانه بورادن ده اوجوز . ایکی گون اوتوردیم .
هر طرفی ، هر گوریله جك یرینی گزوب گوردیم . صرف
ایتدیگم پاره یوزفرانقندن زیاده دگل در . پاریسه آلتی یوز
فرانقله گirdم . هیچ بر بیوك مسیره یه گیتدم . بونكله
برابر بوگون جیلمده قالان پاره قرق فرانقندن نقصاندر .
طونه دن گچرکن محاربه سوزلری اولیوردی .
واپورده نه قدر قورقدیغمی بن بیلیرم . استانبولدن ویانه یه
قدر اوچدرت ساعت او یودمسه آنجق !! . والله برادر !! .
محاربه افکارمی قارشدیریور .

بهاء الدین بک :

برادرم اقدم ،

بنم بر وقتیم بر وقتمه اویمیور . بعضاً نشئه اولیور .
 او نشئه حالنده نه یازار سهه ، نه سویلر سهه ایشیدوب
 او قویانلر بر معنا جیقاره بیلیر . بعضاً ده خنبل اولیورم . بو
 حالده سویلیوب یازدیغم شیلرده مخاطبه القای صداع ایدر .
 پاریسده هر صباح سر سیم . صباح طعماندن صکره و ظم ،
 احبام ، عالم ایچون بر اشتیاق حالنده و بو اشتیاقدن طولای
 کدرلی بولنیورم . اخشامه یقین سوقاغه حیقدیغم زمان بر از
 نشئه یاب اولمغه باشله یورم . (نصیب اولور ه شو مملکتده
 بر قاچ سنه اوتوردیم) دییورم . برده گیکجه اولیور ، سفارته
 عودت ایدوب او طه مدده یالکنز قالدیغمده (آدمکن اولسه ده
 فاملیام طرفدن بر خیرلی خبرله استانبوله جلب اولنسه !...)
 دیهرک سویلنه سویلنه صباح ایدیورم که نه قدر اضطرابلرله
 احیی لیل ابتدیگمی تعریف ایدم . شمعی سز
 دیر سگزر که : - عجب حامد پاریسدن منومنی در ؟ ... - بنده

[*] آکلیه بیلیر سگزن. حالبوکه مرقومک ده لسانی بزم یازوگی برشبدر. بناءً علیه اوده آگلاده مزایسه اراده افندمکدر. حکمته [۱] کوسکون

حامد

[*] احمد آغا که عبدالحق حامد بک مدت مدیده خدمتکار اعنی ایتشدی. استادک هنوز انتشار ایتماش اولان (خاطرات) نده احمد آغایه عائد شو سطرلر، بوختیار خدمتکارک. کفافة محله صدقاتی در:

... بوکون مالی ۱۴ حزیران ۱۹۰۴. برادرمدن دون ایکی مکتوب آلدیم. بیچاره احمد آغا وفات ایتمش. بوخیزران افرنجینک یدتچی کوندن بری (یالکزسروی) دنیلان مزارستانده یاتیور. الله رحمت ایتسون. کندیسلی خیلی اختیارلامشدی، عته بیله کتورده شدی. اؤمزده اوتوز سنده دن زیاده اُمکی واردر. ادرتهده ایکن یانمزه کلشدی. (قورد موسی) دیردک. هرکس بو قورد موسایه طاقیلوردی، قورد موسی بئم پک چوق مسرت و کدورتلرمده حاضر بولندی. پوتیده، بومبایده و بومبایدن عودتمده بیرونده برابریدی. بیرونده (مقبر) ی یازدیغم بریرآلتی او طه سنده یانمده یاتان بو ذات ایدی. کندیسنک هم اوغلی، هم افندیسی کی ایدیم. هندستانده کیجه لری ییکدن سکره یانمده، دکن کئنا رنده برابر ساعتلرجه کزردک. بومبایدن بیروته کاورکن بحر محیطه ندیده، عمانده، بحر احمرده خسته بولنان سوکیلی رفیقهمک صوک نئسنه انتظار ایله کین او الیم لیائی سیاحتهمده بو آدم بئم یانمده بولنیوردی. بیرونده ظهور مصیبتک عقبیده رفیقهمک جنازه سی بیکلرجه خلق ایله مزاره کید یورکن نخی بو آدم برعربه ایله شهرک خارجه کورتوریدی. مرحومه نک مزارینی قرق کون اقامتم مدتیجه بیرونده کیجه وکوندوز بو آمله برابر زیارت ایدیه ردق. بوندن یکریمی سنده اول مرحومه ایله مرحوم هندستانده طاولا اوینا بولوریدی. شمدی بو آدم ملرک بری اون طقوز سنه ایکی آیدنبری بیرونده، ساحلده یاتیور، بریسیده برهفته دن بری (یالکز سروی) دنیلان قبرستانه چکامش. مرحومه یکریمی بش یاشنده ایدی. مرحوم اوچ کره او قدر کورونیوردی. آتقیق اولدکدن سکره یاشلی، چولوق چوچق هب بردر. (آخرته هرکس بریاشنده بولنور) دنیلمسی بوندن طولانی اولسه کرکدر.

[۱] کچه جی زاده قوآد پاشا حفیدی.

زیورپاشا زاده بهاءالدین بکه : [*]

افدمنر ،

بوگون ابراهیم بکک^[۱] اوندۀ اجتماع ایتک تصّورندۀ
بولدیغمن دن ذات عالیگزک تشریفگزى رجایدرز . گلوب
گلمیه جگگزى اشعار ایدیکز . وگله جک اولدیغکز حالدۀ
نجیب بگهده^[۲] برخبر کوندریگز . ساعت یدی بچقدۀ
بزه اوغرایه سگزر . بودادن برلکده ابراهیم بکه کیدرز .
بوکاغدی قرانلقده یازیورم . شاید او قومغه مقتدر اولمیه جگگز
بر صورتده یازلمش ظهور ایدرسه مرادمی حامل عریضه دن

[*] زیور پاشا زاده بهاءالدین بک مرحومه مختلف زمانلرده
یازلمش اولان یکرمی برقطعه تذکره و مکتوب مشارالیهک نجلنجیبی
زیور بک افندی طرفندن عیناً تودیع اولندیغدن تاریخ صیره سیله
درج اولندی . ایلك تذکره تاریخمزدور .

[۱] تشریفات عمومیه ناظری و دیوان هایون ترخانای ایکن
وفات ایدن وزرادن ابرهیم پاشا که (داخلیه کاتبی) عنوانیه
مشهور اولان بیکلی صائب بکه ، عبدالحق حامد بکک بیوک خالہ سی
عایشه خانم افندیکن کریه سی صبیحه خانمک مخدومی ایدی .
ابراهیم پشانک کتابۀ سنک مزارینی استاد ، پک مؤثر صورتده
نظم انشاد ایتشدور .

[۲] نجیب پاشا حفیدی .

والده لریگز خانم افندیلرک آللرندن اوپرم . عجا بنی
کوره جکلری کلشمی در ؟ بنم آنلره حسرتیم ، هیگزه
اشتیاقم تعریف اولنماز راده لره کلدی . حتی بعض کتیه
اویانقلغمدهده صایقلیورم . بوکون براز پاره بولسم
ایرتسی کون چیقاردم .

اسمعیل بکلک کوزلرندن اوپرم . او نه اوقیور ؟...
چالیشیورمی ؟... کلستان مطالعه وترجه سی گوزل ، امابونی
اصلاحس ایتدیرمیورسکلز . مکتوبکلزک خط واملاسنجه ،
افاده سنجه ترقی کوره میورم . ترقی وارسهده بنم ایستدیکم
قدر دکل .

مهرالسانک ترقیسنی بکلندم . عثمان بکلک گوزلرندن
اوپرم . بنم اوسنده ایکن یازم ، خدا بیایرکه ، شمدیکی
یازمدن کوزل ایدی . آکاده اوقدر سویلرم .

فرحماخانمک آللرندن اوپرم . چاملیچه یه کیدوب فاطمه
خانمه حسینی دکلز حمامنه بنم طرفدن دعوت ایدرسه ممنون
اولورم . سائر قالفه لره و آغالره سلام ایدرم . باقی اخوت .

نچشنبه ۲۹ حزیران سنه ۱۲۹۴

برادریکز

عبدالاحق صامد



پیری زاده ابراهیم بکه :

برادر ،

بر سرزدن ، برده عثمان بکدن ایکی مکتوب آلدیم .
مدحت پاشا لایحه می ده برابر ایدی . پاشا اولکی کون
ینه لوندره یه کیتدیکندن بونی آندن صور مغه امکان یوقدر .
اخطار گزوجهله لایحه بی اعاده ایدیورم .

عثمان بکک کوز راحتسزلخی شمسبی بکک قولنج
مراق ایدجک برشی دکمش . بو اخبار کزه ممنون اولدم .
چونکه مراق ایدیوردم . فقط باری لازم کلن تدابیر
و مداوانده قصور ایدلمسه . عثمان بکک کندیسنه قالسه
وظیفه ایتمز ، بیلیرم . کوزلرم ضیادن حفظ ایتیمور دیه عنادینه
اون موم یاقارده اوتورر . بنمده طبعتم او یله در . اوده
اخلاجه بکا بکزه دیکندن نه یاپه جغنی بیلیرم .

حسنی بکک گوزلرندن او پریم . بی اونو نیمه جغنی تأمینه
حاجت یوق ، حالبوکه اونو تسهده غرابت یوق . زیرا
بعض کیره آدمه نشئه منزلت کندینی ده اونو تدیریور .

ایدمکده بولندیغندن ، نیت چا کرانهم اثم شکل منصوبه لردن
 بعضیلرینی بکله دخی بوندروب حل ایتدیرمکدر. ظن
 ایدرم که اسماعیل بک ایچلرنده برنجی چیقار . کیجه لری
 بشقه مشغله اولدیغندن قولکیز برزماندنبری بومنصوبه لرله
 مشغول اولورم .

رسم سلام واحترام معلوم. هر حالده جملة صاغووار
 وبختیار اولاسکز آمین ، بحرمة سیدالمرسلین .

۳۲ اشرین ثانی سنه ۱۹۰۵ کوله لری

عبدالحمید صامی



پیری زاده صاحب بکه :

ولی نعمتم افندم حضرتلری ،

عید سعید فطرک شرف حلولی مناسبتیه مبارک دست
ودامن ولی النعمیلرینی تقیل ایله تبریکات و تمنیات مفروضه یی
عرض وادا ایدرم. هر نه قدر بکلرله [*] مخابرده ایدیله مامکده
ایسه ده برادریم بک افندی حضرتلرندن جملة عافیتده
بولندقلری دائماً استبشار اوله رقی جناب حقه حمد و ثنالر
قلنمقده در. مخابرده معروضه یه عارض اولان انفصاله
کنجه ، بونک مسئولیتی تمامیه کوله لرینه راجع اوله میوب
بو خصوصده بکلرکده ذی مدخل اولدقلرینی عرض واثباته
لزوم کورم .

لوندرد غزته لری ، اربابی طرفلرندن حل ایدلمک
اوزره صیق صیق سـطرنج منصوبه لری اعلان ایتکده
اولدقلرندن وبونلر بعضاً طرف عاجزانه مدن دخی حل
[*] صاحب بک افندی بک مخادیم کرامی ابراهیم ، عثمان ،
اسماعیل بکلر .

یولنده تسیلر . براز گوج ، لکن بنجه فنا اولیور . ذاتاً
قولای ایش کورمکدن طبیعتم حظایتمز . براثر هم مصنع ،
هم طبیعی اولسون ایستیهورم . فقط کوریورم که ستم
آرتدجه اقتدارم آزالیور .

جانم ، سزك شو استفانوویچ ایشی نه نتیجه کسب
ایتدی ؟.. پك مراق ایدیورم . هانی برشیلر اوله جقدی ،
یاخود اولیه جقدی ده سزلردن بریگزك بو طرفلره سیاحت
ایتمسی ممکن کورنمکده ایدی . اوت ، سزی وهپگزى پك
کوره جکم کلدی . اکر فکر می دیکشدیرمك ایجاب
ایتمز سه مارتك نهایتته طوغری نظارت طریقيله مساعدده
ایستیه جکم .

عبیداه افندی برچوق دعالر ، سلاملر ایدیور . سزای ده
مکتوبلرنده دائماً سزی سورار ، طورر .

رسم سلام معلوم . باقی همیشه جمله صاغ و وار و بختیار
اولاسکز آمین بحرمه سیدالمرسلین .

خال متحسرك

۷ ل شباط سنه ۱۹۰۷

عبدلرهم صام



و مملکت ده عسا کر عثمانیه دن خالی بر اقلمد فجّه تهلیکه یو قدر.
ا کر مملکتی اجنیلرک آلمسنه محل قالماق ایچون بزکندمن
ویرسه ک آکا برشی دنیلهمز، دکلّی ؟..

سزک هپکیزک بر در رسملرگز ی ایسزم . زیرا پک
کوره حکم کلدی .

سطنج مشغله سنه براز فاصله ویردم . شو آراق و قتیله
یازمغه باشلادیغ ایلمخان نامنده کی منظوم فاجعه یه دوام
ایدیورم . بونده اشخاصک هر بری بر بشقه وزنده تسکلم
ایدیور . مثلاً :

شجنونی ایلمش دیه لم بر نخدره ؟

خیانت ایتمامک اوزره امانت پد ره ...

خیل اولانلری البت قبوا ایدر بو مقام .

اعمال ، فقط نه دن اولیور بجمت اتقام ؟..

مشکل ، فقط سن ایستر ایسن سهل اولور بو کار .

ینه بر کار مشکل وار که اولماز قایل انکار .

پیری زاده عثمان بک :

نور دیدہم افندہم عثمانی ،

سلانیکہ گیتمک اوزرہ ایکن یازدیغک مکتوبی حسرت
ومسرتلہ آلدہم ، اوقودہم . نہ قدر ممنون اولہ جغمی بیانہ
حاجت یوق . جوابی اورادہ کی مکتوبجی نجیب بکہ تودیعی
صورتیلہ کوندرمک صدندہ ایدہم ، اولہ مدی . قریباً استانبولہ
عودت ایدہ جککزی استخبارایتدی کمندن اشته شمدی
یازیورم . ان شاء اللہ سارہ خاتملہ [*] وبکی ایلہ برابر
سالماً عائلہ من نزدیکہ عودت ایتمشکندرد . اورادہ البتہ
نجیب بکی کورمکہ وقتک اولمشدر . او بندن بر کتاب ایستمش
ایدی . همان بولوب یوللادمسہدہ وصولنی بیلدیرمدی .
بلکہ سکا سویلشدرد . مکتوبجیلر مکتوب یازمغہدہ اوشہ .
نورلرسہ بوعالمده نہ ایش کوررلر بیلیم !..

سلانیک احوالی نہ مرکندردہ بولدک ؟ . . گاوور
غزتہ لری اورالری بک قاریشیق وپک قرا گلق کوستریورلر .
حسین حلمی پاشایہ تصادف ایتدگمی ؟ . . ظن ایدیورم کہ
آنککہ معارفہ کنز وارایدی . بچہ اوزات اورادہ قالدقہ

[*] پیری زاده ابراہیم بکک کریمہ محترمہ لری .

سليمان نطف بكم :

ایکی گوزمك نوری ،

بر مانع ظهور ایتدیکندن بوگون عزت یاشا حاضر تلمری
تشییعہ گیدہ میہ جکم [*] . قلم بر چوق تسمیات ابلہ مشحون
اولہ رق کنسیدیلرینک معیتلرنده بولنه جقدر . اولنلرہده ،
مخدوم عالیگزہده و دیگر رفقای عزیم و رزمیلریندهده الله
سلامت ویرسون . و موفقیتلرله عظمیٰ انہ عودت نصیب
بیورسون .

گوزلرگزدن اوپر و ناصیہ عرفان و اخو تگزہ عرض
تخیلات ایدرم افندم .

عبدالحمید مامر

۲۶ نیشان ۱۳۳۲

[*] ایکنجی اردوی هایون قوماندانلیغله قفقاس جبهه سنه
عزیمت ایدن حربیه ناظر سابق اعیان کرامدن عزت پاشا
حضر تلمریذر . عبدالحق حامد بک افندی اوکون احتیاطاً بوتد کره یی
یازمقله برابر ، اقتحام مانع ایدهرک (حیدر پاشا) غارینه کلش
و مجلس عالی تشریعهده رفیق و وطننک اک رفیق بر قسمنی ، عرق
ودیننک اک بی امان دشمننه قارشی ، مدافعه یه عازم اولان کتیبه
جلادتک سردار متین و شهنقی بولنان بو بیوک عسکری بیوک بر
صمیمیتله سلام لامشدی .

مکتوبلر

باقی ، الذبیوک افندیکی افند مزدن بکلدی کمزک عرض
وتکرار یله ختم کلام ایلرم . هر حالده لطف و احسان
وامرو فرمان ذات عالی ولی النعمیلرینکدر .

بنده لری

فی ۱۲ مارت سنه ۱۲۹۸

عبدالحق امام



مکتوبلر

احقری مخاطبہ رسمیه ایله تعذیرہ لائق کور ماملیدر ظن
ایدرم [*]. مع مافیہ مشاغل معلومہ داورا کر میلری زماننده
بو بی چاره حامدی در خاطر بیورمش اولدقلری ایچون ،
یمین ایدرم که ، احیا بیوردیکز .

برادر حقنده اولان جمله جمیلہ لطفیه بی عینیلہ کندیسنه
یازدم . هیچ شبهه ایتم که اودخی قولکنز کی بر چوق دعالر
ایده جکدر .

[*] زواللی نجیب پاشا ! .. استانبولک اکزیده وجهانک اک
مسعود بر کنجی ایکن ، پدری کبی طول عمره مظهر اولق
شویله طورسون ، حیاتنک اک فیاض بردمنده و اوئوز یاشنده
سفر بر آخرت اولدی . مرحومی یاقیندن طائیش اولانلر ، مزیات
نجیبانه سنی تقدیر ایله افول ناهنکامنه تلہفخوان اولقده متفقدرلر .
ارتحاله زماننک اک اصیل کوزلری آغلادی : اوچنجی (زمزمه) نک
صوک صحیفه لری (نجیب پاشا) مرثیه لرله ماتمر نکدر . داماد
نامرادک حین فوتنده بیرونده و رفیقہ حیاتنک یکی قازلش اولان
مزارای اوکنده مفتور بحران اولان استادک بو محب نجیبنه توجه
ایدن این یادی (مقبر) ک شہقات مخلده سنه بیله قارشیدی .
(مقبر) ده مندرج ،

بر غملی خبر طویوب دیمشیدم ،

آگاه ایدهم او غمکیساری .

یتنده کی (غملی خبر) نجیب پاشانک پیام ارتحالی در .

مکتوبلر

یادکارندن هنوز رها بولامدیغیچون عشرت ایدمه دیکی محرر
و بر طرفنده دخی صباحلردنینه صباحلره قدر استعمال
مسکرات ایلدیکی سوزلری مکرر در که بوده آپسنت ایچدیکنه
دلالت ایدر. بنده گز چکدیکم جور و جفایه مغلوب اوله رق
ایچیورم. آنکی سوردیکی ذوق و صفایه مجلوب اوله رق
ایچمکدر. کندم ناقابل افلاح ایکن ویره جکم جوابده آنک
اصلاحنه اوغراشه جغم.

باقی بک افندیدن خبریوق. استخبار عافیتلرینه بالواسطه
دخی موفق اوله میورم. نه یاپه یم بیلیم !!

احساننامه جناب ولی التعمیلرینی شمدی بر کرّه ده
او قودم. حالاده اوقیورم. و ایچنده اسکیدنبری مألوف
اولدیغم (سن) خطابنه مظهر بیورلمدیغمه باقیورم.
جنتمکان که [*] بر کوله سی اولمقله مفتخر بر کوله سی
ایدم، بنی حامد دیه تطیب و الطیف بیوررایدی. افدمز که
او آسوده نشین عالم غفرانک بو جهانده ان شاء الله تعالی آندن
دها پیر و اوقدر مقدس و محترم بر وزیر اعظم اولمسنه
روز و شب دعا ایتدیکمز بر قائم مقام سامی سیدر، بو عبد

[*] عبدالرحمن سامی پاشا مرحوم.

اوله رق عزیمت حقنדה تفصیلات ویره مدیکم ایچون (پک خوش کور یلده مدی) عبارده سیله نهایت بولان فقره یه براز محزون اولدم، لکن ینه زیاده ممنون اولدم . ممنونیت شونک ایچون که فقره نك مفهوم اولی حق چا کرانه مده حسن نظر محبت اثر خدیو یلرینک دوام و بقاسنی تأمین ایدیوردی . محزونیت دخی شوندن نشأت ایلدی که مضمون ثانسی اوتوجّه عالینث تقدیر قیمت مسلمه سنده قصور ایش اولدیغمی تعیین ایدیوردی . عائله عاجزانه ماحوالندن بحث ایتدیگمه سبب، مجرد تصدیعدن احتراز مقصدی دکل، حاللرندن عرض معلومات ایده جک اولسه م تأسف بیور یله جغنی و کندم ده هدف اغبرار و توبیخ اوله جغمی بیلیردم . بورایه گله لی یتش بش کوندر ، بو مدت ایچنده اومزه حکیم یالکمز بش کرّه کلامشدر . مع مافیه شکر لر او حکیم مطابق حضر تلرینه که کیف سز لک کسب خفته اندفاعه مائل و بر طاقم قورقولی خیال لر زائل اولدی .

سزای بک افنیدین بو کون دخی پک اوزون بر مکتوب آلام . لوندرده یالکمز بر حاله صیقیلیورم : آپسنت ایچيور مش!... مکتوبنک بر طرفنده سامی بک [*] یادکاری

[*] صبحی پاشا زاده .

سامی پاشا زاده داماد شهریاری نجیب پاشیه :

معروض عبد خالصدر :

محض اثر لطف و عنایت اولدرق احسان بیوریلان
گر منامه بنده نواز فخیانه لرینی تکریم و احترام ایله اخذ
و مطالعه ایلدم. ۲۷ شباط تاریخیله موشح و اقدمجه تقدیم
ایتدیکم عریضه نك جواب عالیه سیله منقح ایدی . بوگا
موفقیتدن تحصیل ایدن ممنونیم تعریف اولماز بر درجه یه
پیوسته در . التفات آمیز احتوا اولدینی کلماتک هر بری
مکارم اخلاق اصیلانیدن برر نشانه معنیدار ایدی که آثار
محاسن توجهات چا کر پروریلریله تزین ایدن ویرانه
خاطر پر ظلامه نثار ایتدیکی انوار نوانو تسلیتله نجم خوابیده
طالع بیدار و چهره منکشف استقبال ایسه گولهرک بیدار
اولدی . آنجق بو بنده عاجز تصدیعدن نه مرتبه لرده محترز
اولدینی نزد سامی منعمانه لرنده مجرب بولندیغدن هر بر
حرکت منحصراً او احترازه حمل بیورلمق لازم کلیر ایکنینه
بشقه جه بر التفاته شمولی منکر اولمیان و در سعادتدن سبکبار

مکتوبلر

ایتدیرمکدن بشقه چاره‌م یوقدر. بنمله بو بابده وبشقه
بابده مخابره ایتمک ایستر وشومکتوبمه جواب ویرر ایسه‌ن
بنم دخی او خصوصده قصور ایتما مکلکمه برکوزل وسیله
اولور. باقی محبت و موّدت .

عبدالحق مامد

۱ حزیزان ۱۲۹۷



غزته لرده بر غزینہ اوراق کوریورم . ایچنسد
 بتون سودیکم اسملر وار . اطرافدن یازدقلرینه نظراً
 مؤسسلدن بریده سنمشسک . اکرم بکمزہ بر مکتوب
 یازوب بوانجمن ادبایہ بنمدخی کیرمک آرزوسنده اولدیغمی ،
 یعنی اوخزینہ مرصعاته برده عادى برطاش آتلسه خوش
 اوله جغنی بیلدیردم ؛ برده نمونه گوندردم . باق ، ایشکزه
 گلیرسه قبول ایدرسکمز . منظومدر . اکرم سزه اراؤه
 واعطا بیوره بیلیر .

خزینہ اوراقدن یانمده برنسیخه اولسه مندرجاتی
 آکلارده آکا کوره شیلر یازوب یوللاردم . اکرمه
 یوللادیغم بر واعظ برموعظہ در . بوکا ممائل و اخلاق
 وعادات و ادیان اوزرینه مباحثاتی شامل بنده بر قاج
 منظومه‌دها اولدیغی کبی ، بر پرستار خیالک یازه بیله جکی
 صورتده شاعرانه ، عاشقپسندانه بر طاقم هذویات دخی
 واردر .

ریزه ده مطبعه یوق که آثارمی استانبولده یاپدیغم کبی ،
 مجموعه مخصوصه اوله رق باصدیریم . شمدی بوش طور-
 مامق ایچون یازدیغم شیلری بویله پراکنده اوله رق طبع

سامی پاشا زاده عبدالباقی بکه :

کندینه بر مسلك تعیننده عاجز اولان بنم کبی بر
حریفك قصورینی عفو ایدرسین [*]. مفارقتمزدن بری
سکا مکتوب کوندره مامك بنم ایچون حقیقه پك تأسف
ایده جك شیردندر . فقط شو زمانده کیم نه یاپه بیلور که
قصور اولسون !..

آلمانیا به کیتمك نصیب اولمدی . او یله بر یرده یم که
ایچنده کندی حاملدن بشقه بحث ایده جك برشی بوله .
میورم . بنم حاملی ایسه سن پك اعلا بیلیر سین . اکیوک تأسفم
آرده صرده سز لری گوره مدیکم و مجلس و مسیره لر گزده
بولنه مدیغم ایچوندور .

[*] عبدالحق حامد بك اوصرده ده تعین ایدلمش اولدینی برلین
سفارت سنیه سی کتابتنه کیتامش و مأموریت تالیه سی اولان
پوتی شهیندر لکنه کیتکده ده بر آراق تردد ایدهرک ، برادرینک
متصرف لقه بولندینی لازستان سنجاغنک مرکز اداره سی اولان
ریزه قصبه سنده یرمدت اختیار اقامت ایتشدی .

مکتوبلر

مظهریتله مسرور و شادان گورده لم . بوندن زیاده نه
بنده گزده تحریره مجال ، نهده افندمزده قرائته حال
اوله مامق امرطبیعی بولندیغندن آغلامق ، ینه آغلامق
اوزره فریاده ختام و یورم .

تصدیع ایلده بوآه وزارم ،
عفو ایلده که یوقدر اختیارم !...
هرکیم وار ایلده بوکون جهانده ،
نابود اوله حق یاقین زمانده .
سن حکمته بندن آشناسین ،
مستقی 'عالم فناسین .
بندن سکا تسلیمت نه ممکن !...
کیم بندهده وار او حزن مزمن !!!...
عبدالرحمن مامر



مکتوبلر

مَسْرَت و مصاهرتی گورر گورمن ترک جهان فانی بیور -
 مشلر در که نزد خداده اولان محرمیتلرینه بر علامت معنویه در .
 سورعالی دولتلرینک تبریکنی اللهه قارشو عهد ایتمش
 اولدیغمدن ایفای تهنیه جسارت ایدرم .

یارب ، بو نه رقت انگیز مَسْرَتدر ! . . شهر آیین
 سرورک لیه ماتمله محاط گورلمسی و چهرهٔ امید نو حصولک
 گریه ناک الم اوله رق گولمسی نه حکمتدر ! . . او فجر نورانیدن
 صعود ایدن دود سیاه ، کیملره موجب ابتداء اولمق ایچوندر ؟ ...
 مغفور مشارالیه هر کسدن زیاده معبودینی سورمش که
 بزلری بویه متحسّر براقه رق مرجع اصلیمی اولان
 پرورد گاره گیتدی ؛ الله ایسه هر عبدندن زیاده عبد الرحمن
 مشارالینانی سورمش که جمله مزک دوام مَسْرَت و ممنونیتنه
 بدل او جنت مکانک حصول مرادینی تقدیر ایتدی . اشته
 فقیرک حکم ایده بیلدیکی حکمت بودر ! . .

شمدی واجب تعالی حضر تلرندن شونی تمنی ایدرز که :
 مرحوم مشارالیهک ذات قدسیتی بارگه کبریایه قرین
 و یاد سرمدی حزینی وجدان اسلامیتده دفین اولدقجه
 کافهٔ اعضای خاندان عالیشاننی نعم والطف الهیه سنه

مکتوبلر

واه او بدبختان استقبالده که تماسای لقای روحنینه
مهتر اولیه جق ! . . . واه او مشتاقان دور حاضرده که
تجلیگاه فیض و معرفتدن محروم قالدیلر ! . . .

علما و فضلانک بدرقه دل آکاهی ، ادبا و شعرانک
اک قدیم امیدکاهی ، ضعفا و فقرانک اژیوک پناهی نظر-
لردن نهان اولمش . خدا بیلیر که بو مکتوبمی گریان
گریان تحریر ایدیورم . گوردیکم لطف و مرحمتلر ،
آلدیغم پند و نصیحتلر ، او قودیغم درس عبرتلر آغلار
کوزمک اوکندن برر برر گذار ایدیور [*] . یا نصل
آغلامیم که او قدر بیوکلکیله برابر بنم گی بر فقیره پدر
معامله سی ارزان بیورر ایدی . بونده چاکرلری دخی
تسلیمی محتاج اولدیغمه الله شاهد اولسون ! . . .

اولکی راحتسزقلری زماننده لسان کرامتلرندن
صادر اولان بر خبر او کرامتک وجودینه ظاهری بر
برهان ایدی . بوکره ایسه عمر عزیزینک یادکار بهتریخی اتخاذا
بیوردقلری مخدوم ادیب و نجیب محترمترینک سـور

[*] سامی پاشا ، بعض اولاد واحفادیه برلکده عبدالحق
حامد بکه حافظ شیرازی دیوانی تدریس ایتشدی .

سای پاش زاده داماد شه یاری نجیب ماسیه :

ایتمدی سرینی عظم تمیز ،
خامه حیرتی ایتدم تیز ،
نه عیجر که یازارمش آدم ،
تغزیتنامه تبریکت آمیز ...

جهان ادبیاتده قیامت قویمش ، بزم بوراده خبرمن
یوق . انسان کامل صورتنده مجسم بر عصر عظیم معارف
فنا آباد ماضیه انقلاب ایتمش ، ادوار آتیه ادب سهرنت
ماتم اولسه بجادر ! . . .

بالجمله علما و ادبا آغلاسونلر که قطب کریم و محتر -
ملرندن دور اولدیلر . بوندن بویله مکان مقدسی آراندجه
عرش اعلایه باقلسون ؛ نام — می ، مبارکی یاد اولندجه
(الله الله ! . .) دیسونلر ! . .

تسلیت و تعزیتہ محتاجم . بنم یکانہ ولی نعمتم کیتدی .
فلک او محبت اخوتکارانه ایله دوام ایدن جمعیتمزی پریشان
ایتدی . مادام که نہایت بویله محروم و مأیوس و مکدر
اوله جقمشم ، کاشکی متحسر قالدیغم لقای روحانیسنک
تماشای فیض انکیزینه اولدنبری مظهر اولمسیدم !!

فریاد بسی کردم و فریاد رسی نیست
گویا که در این کنبه دوار کسی نیست !!

بویله ظهورات مؤلمه یه مقابل آه و زار ایله اظهار
ناتوانیدن بشقه چاره سی اولمیان بنده لری کبی عجزه
مخلوقاتک تدبیر و طالعیرینه یوف !... کندمی طوتوب
« رسمه رعایه تسلیت و یردیم » دیرکن باقکز بی اختیار
اوله رق ندلر یازدم . اشته ینه او عجز بشری و یا خود
او مغلوبیت طبیعیه نك مقتضیات ناچارندن اوله رق قضایه
رضا کو ستر مکدن غیری بر شیئه قرار و یرزه میورم . تمنی
ایدرم که ، ولی نعمتم مظهر نعم ابدیه اولدقجه ، بالجمله اعضای
خاندان جلیلی نائل عمر مستدام و بقای عزّ و سعادت لری
تسلیت بندکان نا کام اولسون . باقی هر حالده امر و احسان
افدیلر مکدر .
بنده لری

عبدالحی حامد

ریزه ، ۲۳ مایس سنه ۱۲۹۷

سامی پاشا زاده عبد الحکیم و عبد الرحمن حسن بکلمه :

معروض فقیرانه مدر ،

صانکه نجیب بک افندمزک دو کونلری ایچون سوینش
ایدک . کؤک یوزندن بزه (سنمیسین سوینن ؟ ..)
بویوردیلر . آل سکا بر کدرکه اولنجیه قدر اونوتیه -
سین! ... سبحان الله! .. شوالک بدیهی و بدهتی درجه سنده
ایم اولان حقیقت بنده کزیه یالان کبی کلیور . بردرلو کو کلم
ایناقم ایسته میور . هیات که بویالاندن اولان حیاتک الک
طوغری بر نتیجه سنی کوردک .

شو ضایعه ناکه ظهوره یالکز ذات دولتری کزله
بنده کز دکل ، ملت آغلاسون ، اسلامیت آغلاسون ،
قدر عالیسنی تقدیر ایدنلرک نظرند بوفنا عالمنک آرتق
هیچ بر اهمیتی قالمسه بجادر . جنته کان بنمده معنوی
برپردر منعم ایدی . دنیاده حالمه آجیر بر ولی نعمت ،
مستغرق بحر مغفرت اولان آب محترم و مکرّمکز ایدی .
مجلس عرفان و ادب بنده کسب تربیت ایتدم . مکتبندن
یتشدم . بو بابده ذات عالی لری کزه نه سویلیم که کندم دخی

مکتوبلر

حکومتہ متعلق امور و مصالح تشویشدہ ، اصلاحہ غیر صالح بر حالہ و بناءً علیہ امر ادارہ بی در عہدہ ایدن بالطبع یأس و ملالہ در . بوفقیہ بی نوایہ کلنجہ ، روزن بیت الحزن دن امواج کوه مثا ایلہ سلسلہٴ جبالہ ربط خیال ایلک کبی (تنبل پسندانہ) براشتغال والحمد لله تعالیٰ مشاہدہ اولاد و عیال ایلہ منبسط البال ایسہم دہ لاهوتدن ناسوتہ انتقامدنبری راہبر و برابرم اولان درد سردن بورادہ دخی حالم بتر وشو کونلردہ ارادہٴ قدر تعلق ایدرسہ برلینہ فرار ایتکلکم مقرر در . باقہ لم ربمزنہ قسمت ایدر! ..

تبریک سور و منشور و وزارت لرینہ موفقیتک ہنوز عدم تیسری کو کلرک باعث ازدیاد تأثری ایسہدہ صحت و عافیت کہ اک بیوک دولتر - آکانسبہٴ دخی قرین اولویت اولدیغدن شمدیلک بونکلہ اکتساب تسلیت وان شاء اللہ الرحمن عن قریب الزمان او مقصود مسعودک دخی استخبار حصول میمنت افزودی وسیلہٴ تسعید و تہنیت قلنور . ہر حالہ امر واحسان اقدمز کدر .

بندہ لری

۹ ل مارت سنہ ۱۲۹۷

عبدالحمید ماسد



ملاقات وایکی اوج ساعت قدر اضاعه اوقات ایدیلرک بعده
بر نقطه مرتفعه ده انتخاب اولنان بیت قریب الساحله نقل عائله
و بمنه تعالی او محله اراحت و جود ایلر ختم مشغله و غائله قانیدی.
ریزه ، بالاده اهتزاز آور خامه افاده اولدینی مثللو ،
زیر و بالاسی زمهریر شریر سم تاثیر ایلر صبا ی دلربای صحت
بخشایه کشاده و ممالک محروسه سلطنت کافه بلدان آبادانی
کبی ، معموریت طبعیه می عمران صنایع بسندن بیگ قات زیاده
بر موضع خوش وضعیت در که دامنده بحر سیاه کف افشان
حدت و شدت و دوشنده شواحق بیضا چهره نمای عظمت
و وحشت در .

بیروننده هیچ بریر بیابان اولیوب هر جایی خیابان
ایکن ، دروننده هیچ بر جهت آبادان اولیوب هر طرف
ویراندر که اشته بوگا بناء فکر و نظر انسان دائما داخلندن
خارجنه شتاباندر .

سوق و بازار بر رشوره زار و بیوت و مساکن استیلای
فقر و ضرورتدن جای قرار آه و زار اولمقله برابر مالا مال
اشجار و خصوصیه لیمون و پورتقال و فواکه سائر
آغا جلری شمیدین پوشیده بردوش رنگرنکی ازهار
اولدیغندن دوردن باقیلنجه منظر فوق العاده کوزل
و حوزده سنه دخولنده هر شی سفیل و مبتذل کورونیور .

سامی پاشا زاده داماد شهریاری نجیب پاشیه :

معروض کمتری ،

ادای وجبیه وداعه وجاهاً موفق اوله مدیغمدن
متأثر الجنان و فقط تلقی سلام عافیت انجام دولترینه
مظهریتله متشکرا احسان جناب رب المنان اولدیغ حالده
قیصریه نام سفینه کاورفتاره را کباً داردیرین سطوت
قرین خلافتدن مبادت وایکی کون قدر مدت میانه بحر
زاخرله باد صرصرده تحمل مشاق بی غایتدن صکره
جبال قاف امثالک اسفل ممالک اولان ساحات سفلیه سی
آرامگاه بهار دلستان کوروندیکی حالده ، آستان ملائک
اولان طبقات فوقانیه سی همرنک زمستان و مرکز لوای
فقر احتوای لازستان (ریزه) قصبه وحشت مصطبه سنه
مواصلت اولندی . بو ووصول سهل الوصولی متعاقباً جم غفیر
مستقبلین آره سندن گذار ایله اولجه تهیه واحضار و قدوم
قدمای متصرفینه وقفه کاه اولین اعتبار اولنان ساحلخانه
لطافت آشیانه ده گروه پراندوه مأمورین و وجوه ایله

صاندم . جنت طعامی ایتدک دیهیم می ؟ ... بوباغچه آلتی آی
بو حالده دوام ایده جک ایمش . بزم ده حیات دوام ایدرسه
نه موطلو ! .. دها نه یازهیم ؟ .. شمدی قالقوب گینمک
ایجاب ایدیور . هرکون ده مکتوب یازارکن برایش
چیقمور .

سزایی استانبوله کلدی می ؟ .. شمدی ده بن سندن
صورهیم . باقی صحت و عافیتک دائم اولسون ، اخوت
ابدیه منزله برابر ، قرداشم اقدام .

فی ۲۳ نیسان سنه ۱۳۰۲ برادر حسرت پرورک

عبدالرحمن مامد



اوقودم یا. طاهر بك اوکا بر مقابله حاضر لامش او یله می ؟..
صانیرم که مقابله سی تشکر دن عبارت اولور . زیرا طاهره
دوشن اودر .

حضرت استاد محترم دن مکتوب المشیین . تبریک
ایدرم . جواب یازدیغک وقت سنی تبریک ایتدیکی
واشتیاق و حسرتله آللرندن اوپدیکی ده یازار سهن مندارک
اولورم . آه بن انک محتاج خطابیم، امانه یاپیم !..

دون بوراده هندستان اکسپوزیسیوننی [*] آچلدی .
هندستانده هندستان بوقدر کوریه مز. دائرة لری، دکانلری
آره سنده کز رکن حریمی آرایه حق کبی اولدم . کچه لم .

شمدی طاهر دن بر مکتوب کلدی . بوکون وقتم
اولور سه جواب یازارم . ایستدیکم « غیرت » لری [۱] آلمق،
کورمک نصیب اوله مدی . آقشام اکسپوزیسیونده
بر رستورانده [۲] طعام ایتدم که قنديللرله — یلدیزلر
اینمش دینه جک درجه ده — دونامش ، باغچه سی پر یلرله
طولوایدی . خدمتجیلر حوری اولدیغدن کندمی جتده

[*] L'exposition شهرکاه ، سرکی .

[۱] منمنلی زاد. طاهر بك او صیره ده نشر ایتکده
اولدینی هفته لق ادبی بر غزیه .

[۲] Le restaurant لوقنطه .

رجائی زاده اکرم بک :

برادر محترم اقدام اکرم ،

۱۹ نیسان سنه ۱۳۰۲ تاریخچه شمسی بر اخوتنامه کی
آلدم . صباحین سنک سوزلرکله اویانمق نه قدر روح پرور
اولیور . مخبره صیق اولسونده مکتوبلر قیصه اولمش
ضرری یوق . ذاتاً بن غلوسده ایکن سنکله بو قیصه
یازمق یولنی بولمشیدقدده او سایهده اوزرن اوزادییه
کوروشوردک .

« تقدیری » [*] بکا عثمان بک^[۱] کوندردی ، سنک
کوندردیکک واصل اولمدی . بوراده اولدیغی کبی
استانبولدهده بر کتاب پوسته سی اولسیدی بو اندیشه لره
دوشولمزدی . کیم بیلیر ، آنی بزم پوسته خانه مز کیمه
اوقوتمشدر . نه ایسه بن عثمان بکک کوندردیکی تقدیری
[*] (تقدیرالحان) که منمنلی زاده طاهر بکک (الحان)

نامنده کی مجموعه اشعارینه بر التفاتنامه در .

[۱] پیری زاده عثمان صاحب بک .

ایدرمیسین؟ .. لوندره یه موصلتم تارینخندن اعتباراً
ویریه جکسه تاریخ وصولم ۱ شباط سنه ۱۳۱۵ در .
لاهی سیاحتی تخمینک وجهله اولدی .

بونک حسنی مکملسه انک نقصانی یوقدر هیچ! ...
مصراعنک دلالت ایتدیکی حال باقیدر . نه یاپه لم قرداش؟ .
انسان بویله، دنیا بو! .. باقی کوزلر کدن اوپرم . وجوابگی
بکلم عزیزم .

مشتاقک

حامد

سلام ایتدکلرک سلام ایدیورلر .



حسین افندی : [*]

۸ مایس سنه ۱۹۰۰

نور عینم حسین افندی ،

سال جدید تبریکنه دأر اولان محبتنامه کئی آلدیم .
تشکر ایدرم . سال جدید وعتیق بنجه ناقابل تشخیص
وتفریق اولدیغندن سنک بومکتوبک بکاللی یاشنه باصدیغمی ،
دها طوغریسی طیائلز حاله کلن یاصدیغمی اخطارایتدی .

معاش مسئله سنک حلی ایچون صرف ایتدیگک مساعینک
تشکرندن عاجزم . برخوردار اول اولاد !... آنجق
خارجیه محاسبه جیسنی کوروب بزم خانه کراسنی قنخی
تاریخه قدر ویردیلرایسه ینه اوتاریخدن اعتباراً ویرمه
دوام ایتملرینی و آکا کوره بانقه یه معلومات اعطاسنه همت
بیورملرینی رجا ایتدیگمی مع سلام واحترام تبلیغ

[*] حسین افندی ، عبدالحاق نصوحی بک مرحومک کاتب
خصوصیسی ایدی . بدایت انقلابده مأموراً بولندیغی مناسترولایتک
قرشوه ناحیه سنده وفات ایتشدر .

جلال نوری بکمه :

نورعینم جلال نوری بک افندی ،

بالا دن برس منظومه سنک او یله منتظم صورتده

طبعیله نسخ متعدده سنک طرف عاجزانه مه اهداسنه عنایت
بیورمش ایدیگز . بو لطفکزدن بحث ایدن غزته لرده
ککش ایدی . شمدی ایسه اثر ذکا و عرفانکز اولان
و کندی نقطه نظرکزدن بر محاکمه حکیمانه یی ناطق
بوانسان (حقوق دول) کتاب حقایقنصابنه مظهریتله
کسب ممنونیت ایدیورم . خاصه عرض تبریک ايله بیان
تشکرات ایدرم ایکی کوزم اقدام .

عبدالحق حامد

بروکسل ، ۱۵ حزیران ۱۹۱۲

برورقه :

ابوالضیا توفیق بک افندی حضرتلریله کورشمک
اوزره بروکسلدن کلن عبدالحق حامد بک جلال نوری
بکه عرض اخلاص ايله ورقه ملفوفه یی تقدیمه اجترأ و ما لئک
ایجاب ایدنلره تفهیمنی رجا ایدر .

نوندره : ۲۲ تموز ۱۹۰۹

جمال نوری بکمه :

میر ادیب ونحیم اقدام ،

تعزیتنامه کردن پک زیاده متحسس و متسلی اولدم .
 کرک مرحوم برادرمه ، کرک بنده کره اولان مهر
 و محبتکزک بر نشانه حقیقسی دها کورمش اولیورم .
 وسز بوتسلیمکزله نیم قلمی واونک روحنی شادایدیورسکز .
 مدوح اوله رق اولمک و اولدکن صکره چهره بختی
 گونمک هر فردده نصیب اولان موفقیتلردن دکلدر .
 مرحومده بو مظهریتی کوریورم ، احبسا و آوداسنک
 دلالته کوریورم .

معهود منظومه [*] حقنده کی وعدکزی اطفاً انجاماز
 ایده جککزدن امینم . کوزلرکزدن اوپر ، عرض حرمت
 و محبت ایدرم اقدام .

عبدالحق صامد

بروکسل ، ۱ مارت ۱۹۱۲

[*] (بالادن بر سس) .



بو حقیقت دوشونلورسه سزك بزدن دكل ، فقط بزم
 سزدن استفاده ایتكده اولدیغیزی اعتراف ایتك لازم
 كلور . هر حالك ، هر شیئك بلکهده هر شخصك مسبب
 اولی محبت اولدیغینه بودیدیكم حقیقتده دلالت ایدر .
 محبت اولسه بتون انسانیت پیچ ، بلکهده بتون مکونات
 هیچ اولور ، اویله دکلکی افندم ؟ باقی بقای محبتکز ، بقای
 محبتمز تمیسیله ختم کلام ایدرم .

عبدالرحمن مامد



ابن الامین محمود کمال بک :

مستدار التفانی اولدیغم اقدام ،

بو دفعه بر تلطیفنامه کوزه مظهریتله کسب شرف
و مفخرت ایلدم . اظهار بیورلمقده اولان آثار توجه
و محبتک حقیقه تشکرندن عاجزم . عریضه تقدیم ایتکده
چوق قصورم اولیور . بوایه اول امرده صحتک و ثانیاً
اوصحتی دها زیاده اخلاص ایدن مشغولیتک مساعدده سز .
لکندن ایلری کلیور . آثار عاجزانه می تنزلاً تقدیر
ایدنلردن اولدیغکزی بیلیورم . انلرک بر مزیتلری و ارسه
ذات فاضلانه کز کی بنده کزه متوجه و ملتفت بولنان
ارباب فضل و کمالک حائز تقدیر و تحسینلری اولمقدن
عبارتدر . بویله حقوق شناسلق و خاطر نواز قلر یوزندن
دکلی درکه عالم ادبیاتده بنده کزکده بر صیتم بولنیور .
چوق کرّه بر شاعریک حسن اشتهارینه کندی فضائلندن
زیاده محبلرینک فضائی سبب اولور . ایشه بنده کزده
اوشاعرلردنم ، سزده او محبلردنسکز .

مکتوبلر

بنده یالکیز ادبیات ایله دکل ، برازده تداویء درد
حیات ایله مشغولم . بوطرفه سیاحت ممکن دکل ایسه
باری نقل مأموریت ایده بیلسه کز بی یکی جهتله احیا
ایتمش اولوردیکز [*] . باقی پایدار و بختیار اولاسکز
عزیزم اقدام .

۱۰ تشرین ثانی سنه ۱۹۰۲

مشتاقکیز

عبدالاحیو مامد

[*] اوتاریخده عبدالله جودت بك. ویانه سفارت سنیه سی.
طبابتنه مأمور ایدی .



عبد اللہ جودت بک:

عزیزم جودت بک افندی ،

ایک نئی ہدیہ ادبیہ کزنک [*] تشکرینی هنوز ایفا
ایده مدیکم ایچون پک محجوبہ . شمدی اووظیفہ اخوتکا۔
رانہ نی ایفا ای دیورم . فرانسیز جہدہ اولان بواسعار عثمانیہ
حقنہ کی مطالعہ مک خلاصہ سی حیرت و تقدیر دن عبارت
اولہ جغنی تخمین بیورہ بیایر سکیز . اوروپانک صاحب
سینف اولد قلرینی بالتجربہ اعتراف ایتدیکی ترکارک صاحب
قلم دہ اولہ بیلہ جکلرینی بر مہارتلہ کوستریور سکیز . جواب
یاز مقدمہ وقوعہ کلن تأخرہ کثرت مشاغلدن بشقہ سبب
یوقدر .

سزی بومایدن عودتہ چاملیجہدہ طائیش ایدم .
آندن صکرہ کی مصاحبہ امتز قسم اعظمی اعتباریلہ غیابی در ،
دکلی ؟ ... کوکل بعضاًدہ مصاحبات و جاہیہ آرزوسندہ
بولنیور . سزیالکیز ادیب دکل ، ہم دہ طیب سکیز .

[*] Rafale de Parfum عنوانی بجمرعہ اشعار .

عبد اللہ جودت بک:

عزیزم جودت بك افندی ،

ہدیۂ ادبیہ کزدن [*] بك ممنون اولدم . ملتزمك
نام وشانی اعلا ایتدیك کزدن طولای سزده ، بزده
افیخار ایتلی یز . بواثر کز استعداد شعری وفابایت
ادبیہ مزی اوروپالیلره کوسترمك ایچون بنمده چوق
زماندن بری آرزو ایدوبده نائل اوله مدیغم بر موفقیتدرکه
حقیقۂ جدیر تبریک وتمنیتدر . باقی بیان تشکر و بقای
توجہ ومحببتکزی رجا ایله اکتفا ایدرم افندم .

لوندردن ، ۲۴ حزیران ۱۹۰۱

عبدالحق صامد

[*] عبد اللہ جودت بک Lyre turque عنوانی فرانسیزجه
مجموعۂ اشعاری .



مکتوبلر

سرلوحه لری ایله تشهیر ایتدیكك حدایق ادبیه یی کزدم.
 خصوصیه قبرستانی بر قبرستان قدر علوی و او قدرده
 پر معانی بولدم. -- عشق منلی عسکرینه -- اولان خطابك
 - که ۲۵ نجی صحیفه ده ایشیدیلور - جتیمکانك منظومه
 مشهوره و محروورده سنه ینه او رقت و شدتده بر نظیره
 عد اولنمغه سزا و مرثیه کاله کلنجه ، اوده کمالگدن بر
 جزء لایتجّزادر . بونلردن صگره ، کیم بیلور ، دها
 بکنه حکم کبی نه لر واردر . تبشیر ایدرم که ظلال الهامده
 حشویاتدن عد اولنه حق بر کلمه یه تصادف ایتدم .
 ونقایص ادبیه دن همان سراپا عاری بولدم . مطبوع و
 منتظم و مکمل بر اثر !.. تبریک ایدرم .

لکن شو معزولیت کیفیتی بر حسن نتیجه یه اقترا
 ایتسون . بگا آنی ده یازده مایوسیتکدن متحصل محزونیت
 برطرف اوله رق سنی بویله بر اثر یکانه ادیبانه نك مؤثری
 کورمکدن حاصل اولان ممنونیت و مباهاتم برکال اولسون .
 عید سعیدی تبریک ایله کوزلر کدن اوپه رک سنی اللهه
 امانت ایدر و مکتوبکی بکلم اوغلم اقدام .

متحسر عمجه ک

۱۴ تشرین اول ۱۹۰۹

عبدالحق حامد

عدایک حالنده مالکسین، لکن آنک محبتلری جاودانی
وعداوتلری آنی ایدی. ال قوی خصمانی ده عفو ایتمه
منون اولوردی. جنتمکان پدرکک مرور زمان ایله بو
میراشنده قونملیسین اوغلم! ..

اگر ایستر ایسه ن انسان کامل نامکه دینسین
نه سن برکیمسه دن اینجین، نه سندن کیمسه اینجین! ..

بیت مشهورینی تکراره نه حاجت! ..

— **فطال المام** — ده کلدی. آلتش بشنجی
صحیفه سنه قدر او قودم. بونلرک ایچنده ال زیاده بکندیکم
— **فریاد** — منظومه بيمشالی در. بوندن صکره
— **وصیت** — کلورکه آنک ده بر مثلنی ده اینه
انجق سن یازدهیلورسین. اللنجی واللی برنجی صحیفه لره
عودت ایدنجه — **الواح طبعندن** — لوحه غراسیله —
— **برایتمک** — نشیده حساسنه تصادف اولنیورکه
بونلرده بدایعدندر. صکره — **یاد جانان** — له —
کلنجک — و — **قبرستان** — و — **بوکورتمان** —

کمال زاده علی اکرم بک

نورعینم اوغلم اکرم ،

مکتوبک بنی پک متأثر ایتدی . بن سنی کندی
آرزوڭ ایله انفصال ایتش بلیوردیم . یاخود دها ائی
برمأموریته تعین ایدمک اوزره استانبوله جلب اولمش
ایدوڭکه ذاهب اوله رق بر خبر مسرت بکلیوردیم . حالبوکه
ایش او یله دکیش . مکتوبکدن سنی سیبسنز و حقمنز
اوله رق عزل ایتدکلی واستفسار واقعکه حالا جواب
ویره مدکلی آڭلاشیلیور . رسماً جواب آله مدکسه البته
حسین حلمی پاشا سکا برشی دیمشدر . حق پرور اولان
اودات سنک حقکی کورمز می ؟ .. و سنی حمایه ایتزمی ؟ ..
انشتهڭ رفعت نه دیور ؟ .. الحاصل بونلره دائر سندن
تفصیلات بکلم . اسملرینی صایدیڭک ذواتک بوايشده
دخلمری اولسه کرکدر . بن آنلری ده سورم . کوریوم که
پدرک جتمکانک فضل و کالنه وارث اولدیڭک کبی برآدمه
بردن بره محبت ایتمک و یاخود ینه بریسنی بغته دشمن

مکتوب

حامد نه سویلسون که برملت ایتدی تحسین

استادایسه بیورمش : نامک سکا ئنادر [*]

۱۸ ل کانون اول سنه ۱۲۹۸ تلیذک

عبدالحمید مامد

عامش

ترجمان حقیقت غزنه سیله نشر واعلانہ سزا کوریاور ایسه
عبدالحمید مامد افتخار ایده جکدر .

[*] نامق کمال بکک تعلیم ادبیاتہ یازدینی تقریضده کی
(... مزیاتی افهامه نامی ذکر ایتک کافی اولان ادیب معرفت پرور
اکرم بک ...) عباره سنه ایمادر .



مکتوبلر

برانجمن قراری بر فرد رأی دبر که
قانون اولور او بر دم ناقابل قنادر.
عصره کوره ولکن معلومدر که هر شی
تدریج ایله دکشمک مشروع و مجتبادر.
ماهیت اعتباری، تنقیدلر ارادی
ذاتنده هر حقیقت عینیه خولیا در.
(عینیه خولیا در) فکری دخی تخیل
اولاسی اعتبارده جمهوره اقتدا در.
جمهور ایسه جهانده جمعیت بشردر،
قومیت انده آخر بر بحث معتنا در.
قومیتی ارار سهق ترکله عرب دکل در.
همدینی یز او قومک کیم بور جمز شنادر
عثمانیلرجه اما تعلیمی اول ادیبک
اس الادب بیلنمک توجیه بی ریادر.
استادلق نشانی گوردیم بن اول اثرده
شا کردی یم وظیفه تبریکه ابتدا در.

ضمیمه

اکرم، ایرشدی کوردیم مشکور بر گذارک
وجدان لسانی عاجز، جان چشمی روشنا در.

مکتوبلر

دوران کری دوزمی اغراض صدمه سیله ...
 هراقلابی دهرک آتی یه رهنادر .
 مقتوهرلر شبا به حکم ایلک خیالی
 پیر سپهره دهشت بخش ایلسه بنادر .
 قاصر کلیر عقوله محدود اولان قواعد ،
 آتی یولنده رجعت منفور اذ کیادر .
 افکار، سرمدی در، ایتز قبول تحدید ،
 اللهه منصب اولمش بر بشقه ماجرادر .
 بالتجربه شنو ثابت بر مقتضای خلقت :
 نزدنده هرزه گونک هر فرد ژا رخادر!..
 البته ذوق وجدان اول زمره یی طویورمز،
 صوره سق پلاو وزرده شیرینترین غدار [*]
 جائز می بر خیالی عندی دیوبده تزییف ؟
 هر شیئه بزجهانده عندی دیسه ک روادری .
 بر نوظهور علمک ماضی یه استناداً
 انکارینه تصدی بیلم نه ادعادر ! .
 تأسیس ایدن اساسی بر فکر در مسلم
 مقصوده « منطبقسه » هر خاطره بنادر .

[*] الحاج ابراهیم افندینک عبارة معنوده سنه تلمیح .

منطق ا کا صورارسه ن مهتاب، یاچندر
 جمعیت معارف کرداب، یاسپادر .
 پیش فطانتده تعریض فتنه جویان
 برق مهیب اوکنده شبتاب بی مرادر .
 جهلک قیلوب دلالت ظاهر اولور حقایق
 فردای شب همیشه صبح بدیهه زادر
 انصافه کل مصحح، [*] یاد ایتدیکک خطالر
 کوستردیکک صحیحه نسبتله هب عطادر.
 اسفلکزین اولاندر علوی نه در بیلیمی ؟
 الوانی فرق ایدرمی برکوزکه برعمادر ؟ [۱]
 حمقک ذکایه قارشو تعریفی شویله طورسون ؟
 تبریکی برنقیصه، تقریضی بر بلادر .
 اهل کماله طعنی فریادی در حسودک
 نارحسد دلنده بردائمی جزادر .
 نفرت قیلان اوزندن تقییح ایدر عمومی،
 مأیوسدر اوبی کس ظن ائمه خودستادر .

[*] الحاج ابراهیم افندی مرحوم .

[۱] مرحوم ماده‌ده ضعف بصرله معلول ایدی .

اکرم کبی دهایه وجدان ایدر دلالت،
 کوستر دیکی قواعد آثار کبریادر .
 آثار قلب صافی زینت رس حقیقت
 انوار فکر پاکی پرتوزن دهادر .
 نثرین کورن صائر کیم رقص ایتمده کواکب ،
 شعرین طویان کورر کیم حوران نغم سرادر .
 گه ماهتابه بگزر برحس روح پرور ،
 گاهی شفق مثالی بر فکر دلبرادر .
 عقل شمس فرود تنویر ساز فکرت
 وجدانه شعله کستر ، معنای مهلقادر .
 گاهی قیلار خیالی شام غریبی اخطار
 برنازنین اسمر ، برحزن ذی صفادر .
 گاهی بیوکلکندن مظلم کلیر عقوله
 شبدرکه اخترانی بالاتر ذکادر .
 (عرفان) مکتبده (تکویندر) کتابی [*]
 استادی اول ادیبک مولادر ای مناظر !.

[*] نوندن اولکی حرف مدی اشباع ایتک محسنات
 نظمیه دن دکل سه دهه ، استاد بوخصوصده پک زیاده مسامحه کار
 اولان قدماتیه بوراده اتباعدن منع نفس ایده مامش دیتک .

تبریک و تشکر

اکرم کہ عصر مزده استاد مقتدار ،
 درس اولسونمی برسوز اندن اولنجه صادر ؟ ..
 کلک بیانی اولمش صان شاهبال جبریل ،
 افلاک ایدرکہ انشا پیوسته خدادر .
 دستنده بحر معنی بر موجہ کف افشان ،
 وجہندہ برج دانش شوق آور ثنادر .
 چشم دہا پسندی صبح صفای وجدان ،
 پیشانی بلندی علویۃ سمادر .
 آثارینہ نظر قیل وجدانگی کوروسین ،
 تعریضدن حذر قیل مولایہ افتدادر .
 شامل کتاب ذاتی اسرار کائناتہ .
 ہر آچدیغم صحیفہ بردور اعتلادر .
 لفظ وکلامی لازم کورنم بیان حالہ .
 دللردہ کی ماآلہ حقیلہ آشنادر .

دها اوقویه مدم . کله جک هفته اعاده ایدرم . شمدی
 اوقوسه م بیله ، سکا یمین ایدرم که ، آگلایه مم . ایکی
 کوندر حاضرلدیغ بر منظومه یی سکا تقدیم ایده جکم .
 بن هیچ بکنمیورم . بر کرده سن ده اوقو . بکنمدیکک
 یرلرینی بکایاز . اصلاح ایده یه . اشته سوزی کسپورم قرداشم .
 سنک وچولق ، چوجفکک بقای عمر وعافیتکزه دعا
 ایدرم و متحسر اولدیغ آلرکدن اوپریم . باقی احترامات
 بی نهایت . مفتونک برادر مکدرک

فی ۱۸ کانون اول سنه ۱۲۹۸

عبدالحق حامد

(جمعیت معارف کرداب ، یاسهادر) مصراعی غالباً
 بر بشقه یرده دخی یازلشدی . منظومه باصدیریلورسه خوش
 اولور . لکن تصحیح اولنه جق یرلری وارسه رجا ایدرم که
 بی طرفانه خبرویر . بربرمنزه مداهنه دکل آ . مقصد معارضلرک
 بورتنی قیرمق .



رجائی زاده اکرم بکه:

آه اکرمم قرداشم!

بو کون مکتوبکی نه قدر بکلیوردم! کور کورینه بر
انتظار، کاشکی بکلمسیدم. کاغذک بنی آغلالتدی. آغلامغه
آلشغم. آنک اهمیت یوق. آغلانان خبر [*] یمان. اما نه
چاره قرداشم! هب اوله جکیز. ذاتاً دنیاده چکدیکمز
آیریلقدن عبارت دکلی در؟ سکا تسلیت ویره مم. بلکه
المکی آرتیررم. یوق، بلکه آنی ده یاپه مم. چونکه سن
حیاتی ده، مماتی ده بندن آیی بیلیرسین. برادرک وفات
ایتمش. واد اکرمجکم!.. سن صاغ اول. آه کاشکی
یانکده بولنسیدم!.. بز نه بدبخت آدملرز. کور یور-
میسین؟ پک مراقلندم اکرم!.. بو خبر پک فنا حالده بکا
طوقوندی. سن صاغ اول، سن صاغ اول قرداشم.
مکتوبکی شمدی آلام. جوانی بر بیوک کتاب اولسه
یتشمز. حضرت استادک مکتوبنی لف ایتمشسین.

[*] رجائی زاده جلال بکک خبر ارتحالی.

مکتوبلر

عفریتلره محاطدر. ایکسی ده هاروت وماروت حقنده کی مسوفاک
کبی نه کورونورلر ، نه ملاقاتلرینه احتمال واردر . • دیمکدر .
خلیفه مهدی ، بونی اوقوینجه مسأله یه غرض قارشمش
اولدیغنی واقامه اولنان بینه نك ده شهود زور اولدقلرینی
آ کلامش وهجو قطعه سنده ذکر ی کچن آل سلیماندن
پولنان وزیر ی یعقوب بن داودك بشار حقنده کی سعایتندن
طولای حدتله رك ایتدیکنه اظهارندامت ایتشددر .

دارالفنون عثمانی

تاریخ ادبیات عربیه معنیه

فرهی بفرادی



حدّ ضرب، بشارك شهرت ادبیه سنی و خلق نظر نده کی
موقع و حیثیتی خلل دارایتدیکندن، برده خلیفه نك غضبه
معروض قالمق تهلکەسی ملحوظ اولدیغندن نغشی یالکز
ملك یمینی اولان سیاه برخالایق طرفندن غریبانه تشیيع
اولونمشدر (۱۶۸) .

وفاتی متعاقب، خانه سی حلیفه نك امریله تحری
ایدیله رك برطومار بولونمشدر؛ طومارده شو جمله لر یازیلی
ایدی .

« بسم الله الرحمن الرحيم . بن، آل سلیمانك هجویی
تصمیم ایتمش ایدم؛ فقط حضرت فخر کائناته اولان
قرابتلرینی درخاطر ایتدم؛ پیغمبره حرمة وازچکدم؛ مع
ما فیه، شوقطعه یی سویله مکدن کنیدی آلامادم :

دِنَارُ آلِ سَلِیْمَانَ وَ دِرْهَمُهُمْ
كَالْبَابِلِیْنِ حُقًّا بِالْعَفَارِیْتِ
لَا یُبْصَرَانِ وَلَا یُرْجَى لِقَاؤُهُمَا
كَمَا سَمِعْتَ بِهَارُوتَ وَمَارُوتَ

یعنی :

« آل سلیمانك دینارلری ده درهلری ده بابیلر کی،

طُبِعْتُ عَلَىٰ مَا فِيَّ غَيْرَ مُخَيَّرٍ
هَوَايَ وَلَوْ خَيَّرْتُ كُنْتُ الْمُهْدَبَا
أُرِيدُ فَلَا أُعْطَىٰ وَأَعْطَىٰ فَلَمْ أُرِدْ
وَقَصَّرَ عَلَيَّ أَنْ أَنَالَ الْمُغَيَّبَا
فَأَصْرَفُ عَنْ قَصْدِي وَعَلَيَّ مُقَصِّرُ
وَأَمْسِي وَمَا أَغْقَبْتُ إِلَّا التَّعْجِبَا
دیورکه :

« بن ، غیر اختیاری اوله رق بو فطرتیه مفطور اولشم ؛
احتیارم اولسهیدی ، بالطبع مهذب وکامل اولفی ترجیح ایدردم ؛
بن ، ایستهرم ؛ فقط ، ایستهدیکم ویرلز ؛ بکا ویریلیر ، فقط ،
ایستهمدیکم شیر . . علمده مغیبه قارشی قاصردر . ایسته ،
علم قاصر اولدینی حالده مرامدن کری بر اقلیرم ؛ اقشام
اولونجه ، باقارم که بو محیط اینجده براقیدیم اثرلر ، بر سورو
تعجیلردن عبارتدر . » دیمکدر .

کرك بوكی بیتلردن و كرك احضار اولنان شهودك
شهادتندن استتباط ایدیلن حكمه بناءً خليفه (المهدى) نك
امریله بصرهده ضرباً جزالندیرلش واون اوچنچی
دكنی متعاقب متأثراً تسلیم روح ایتشدر .

یعنی :

کره ارض ، مظلم ، آتش ایسه شعله فشاندیر ؛ آتشدده
آتش اولای معوددر .

گویا بوندن مقصدی ، ابلیسک نظر به سنی تصویب ایتمکدر ؛
ابلیس ، هلاکته کرامه رغماً حضرت آدمه سجده اینمکدن
امتناع ایتمش ایدی . بویابده کی مدافعه سی ، کندیسناک
آتشدن وحضرت آدمک طوپراقدن یارادلمش اولملری

اساسنه مستنددر . [خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَ مِنْ طِينٍ]

بوعتقاد ، ابوکامک تأسیس ایله دیکی « الکاملیه »
طائفه سناک جمله اعتقاداتنددر .

بشار ، گویا برمدت کاملیه نک عقیده سنی قبول ایتمش
ایمش ؛ دیگر بروایته نظراً کلامیوندن واصل بن عطانک
جاماعتدن ایدی ؛ صوکره بومذهبه ده ده تردد کوسترمش
و بر زمان کندیخی هیچ برمذهبله تقیدایتمه مشدر . وفاتندن
صوکره نه ونده اجرا اولنان تحریاتده یسه ، عقیده سینه
دائر هیچ برشیئه تصادف اولنه مامشدر .

عقیده سی حقه ده جریان ایدن برمباحثه ده کندیخی اوزون
اوزادی به مدافعه ایتدکدن صوکره شو بیتلرله مباحثه به
خاتمه ویرمشدر :

اوتهدده بریده طاغلمش اولان خطا قیرینتیرتی الکلہ
طوپلایوب تعمیر ایتهددیکک بر آرقه داشکی غائب ایدرسک . درت
باشی معمود بر بابا یکیت وارمی؟! ، دیمکدر .

شاعر حکمت نثار شیرازی ده بومسلک حکیمانه یی
پسند ایتشدرد ؛ سعدی دیورکه :

یار بی عیب نجو تا که نمائی بی یار

بومهمه اجتماعیه ، عثمانی شعرای بنامندن بروسه لی
ولی الدین زاده احمد پاشانک ده نظر عارفانه لرندن دور
اولماه شدرد ؛ شیرازینک مصراعنی ترجمه یه نقل ایدهرک :

یار سز قالمش جهانده عیب سز یار ایستین

شکنه افراغ ایتشدرد .

بشارک عقیده سنه کلنجه :

(جاحظ) ک روایتنه نظراً بشار ، الحاد ایله اتهام
ایدلمش ، الحادینه کوستریلن دلائلدن بری شو بیت ایمش :

الْأَرْضُ مُظْلِمَةٌ وَالنَّارُ مُشْرِقَةٌ

وَالنَّارُ مَعْبُودَةٌ مُذْ كَانَتْ النَّارُ

إِذَا كُنْتَ فِي كُلِّ الْأُمُورِ مُعَاتِباً
صَدِيقَكَ لَمْ تَلُقَ الَّذِي لَا تُعَاتِبُهُ
فَعِشْ وَاحِداً أَوْصِلْ أَخَاكَ فَإِنَّهُ
مُقَارِفُ ذَنْبٍ صَرَّةٌ وَمُجَانِبُهُ
إِذَا أَنْتَ لَمْ تَشْرَبْ مِرْاراً عَلَى الْقَدَى
ظَمِئْتَ وَآيُ النَّاسِ تَصْفُو مَشَارِبُهُ
ديمك ايسته يوركه :

« اولور اولماز شيلردن دولاي آرقه داشكي مسؤل ايدرسهك؟
مؤاخذه ايدليهك بر آرقه داش بولامازسك؟ يا، تك باشكه
ياشامفه قرار وير وياخود آرقه داشكه قاووش، آرقه داشك،
كاه خطا ايدر، كاه ايتز، اكر بولانيق صودن ايچمه مكه قرار
ويررسهك، صوسز قاليرسك، دائما صاف و براق صوايچن
كيدير؟ ! . »
بشار، بونظريه اخلاقيه شعراي جاهليه دن ملهم
اولشدر. نابغه دييوركه :

وَلَسْتَ بِمُسْتَبْقٍ أَخَالَا تِلْهُ
عَلَى شَعَثِ أَيْ الرِّجَالِ الْمَهْدَبُ؟

مکتوبر

استشارہ دن ماعدا بر خلیفہ یہ مقتضی اولان اوصاف
میانندہ اہمیت مخصوصہ بی حائر بولنان حزم و احتیاطی دہ
توصیہ ایدیور ؟
دیور کہ :

وَحَلَّ الْهُوَيْنَا لِلضَّعِيفِ وَلَا تَكُنْ
نَوْمًا فَإِنَّ الْحَزْمَ لَيْسَ بِنَائِمٍ
وَحَارِبٌ إِذَا لَمْ تُغَطِّ إِلَّا ظِلَامَةً
شَبَّ الْحَرْبِ خَيْرٌ مِنْ قَبُولِ الْمَظَالِمِ

ترجمہ سی :

« ذلت و مسکنتی ضعیفہ براق ! خواب غفلتہ طالع ، زیرا ،
حزم دینلن سبجہ او یوماز ؛ دائمی بر تجاوزہ معروض قالیر سہک ،
محاربہ ایت ! محاربہ نک قدیجنہ راست کلمک ، ظلمی قبول ایفکدن
اولادر . »

بشارک ، اصول معاشر تدم کی نظریہ سی ایسہ ، اودایہ ،
اخوانہ قارشی مسامحہ کار طاور اتمق ، عیب جو اولما مق
اساسی اوزرینہ مبتیدر . آتیدہ کی بیتلر ، بونی ایما
ایدیور ، دیور کہ :

آفتلردن حذر ایتمه یورسک شیمدی ؛ یا ابن سلامه ! کندیکه
برملجاً آراء، چونکه: یا بر مظلومک و یا بر ظالمک الله دوشه جکسک ..»
بشار، مرضی بوتون عوارضیه کشف و امثالی
کوسترمکه تشخیص ایتدکن صوکره اصول معالجهیه
چکور، دیورکه :

إِذَا بَلَغَ الرَّأْيُ الْمَشُورَةَ فَاسْتَعِزْ
بِرَأْيِ نَصِيحٍ أَوْ نَصِيحَةٍ حَازِمٍ
وَلَا تَجْعَلِ الشُّورَى عَلَيْكَ غَضَاضَةً
فَإِنَّ الْخَوَافِي قُوَّةٌ لِلْقَوَادِمِ
وَمَا خَيْرٌ كَفِّ أَمْسِكَ الْغُلِّ اخْتِهَا
وَمَا خَيْرٌ سَيْفٍ لَمْ يُؤَيِّدْ بِقَاعِمٍ

یعنی :

« ایش، استشاریه منجر اولورسه، طورمه ! هان بر
خیر خواهک رأیندن و یا بر حازمک وعظ و نصیحتندن استمداد ایت!
استشاره بی کندیکه دشمن عدايته ! قوشک آرقه ده کی قنادلری،
اوکده بولنان قنادلری ایچین بر قوتدر؛ بر تکی، زنجیر بند اولان
برألك؛ یا خود، بر قبضهیه استمداد ایتین بر قلیجک نه خیری
اولور !؟ »

وَقَدْ تَرَدُّ الْإَيَّامُ غُرّاً وَرُبَّمَا
وَرَدَنْ كُلُّوْحاً بِأَدِيَاتِ الشَّكَايِمِ

یعنی :

مروان ده بو عاقبتنه اوغرادى ، اونك ده باشى اوزربنه
مصیبت دكرمنى دوندى ؛ حال بوكه : اونك جرمى ، سنك ارتكاب
ایتدیكك جرائمه نظراً آز ابدى ؛ اوت ، زمان بعضاً پارلاق
كورونور ؛ فقط ، اونو تاملى كه بعضاده عبوس و غضوب برسما
كوستر ... »

تاریخی مثالرله حقیقی ایضاح ایتدکن صوکره
خليفة نك مستلزم فلاکت اولان مسلکنى بیان ایدیور
و دوچار اولاجنى مدهش عاقبتى کندینه اخطار ایدیور ؛
دیورکه :

فَاصْبَحْتَ تَجْرِي سَادِرًا فِي طَرِيقِهِمْ
وَلَا تَسْقِي أَشْبَاهَ تِلْكَ النَّقَائِمِ
فَرُمْ وَزَرًا يُنْجِيكَ يَا ابْنَ سَلَامَةِ
فَلَسْتَ بِنَاجٍ مِنْ مَضِيمٍ وَضَائِمِ

یعنی ،

» سنده ، اونلرک طوتدقلری یولی تعیب ایدیور و او

احوالی خلیفه نك نظرگاه عبرتنه عرض ایتمک ایچین
ولیدك حال غفاتی تشریح ایدیور، دیورکه :

وَقَدْ كَانَ لَا يَخْشَى انْقِلَابَ مَكِيدَةٍ
عَلَيْهِ وَلَا جَرَى النُّحُوسِ الْأَشَائِمِ
مُقِيمًا عَلَى اللَّذَاتِ حَتَّى بَدَتْ لَهُ
وُجُوهُ الْمَنَايَا حَاسِرَاتِ الْعِمَائِمِ

یعنی :

«ولید ، او قدر غافل ایدی که بر کون علیه بر جریانك
سرزده ظهور اولاجغنی ، منحوس بر فلا کته معروض قاله جغنی
خاطره کتیرمزدی : ذوق و صفایه طالمش ، هوا وهوسه
قالمش ایکن اولوم ، بوتون دهشتیه قارشوسنده تجسم ایدی
ویردی .. »

بشار ، تاریخن اوچنجی بر مثال ده ابراد
ایدیور ؛ دیورکه :

وَمَرَوَانٌ قَدْ دَارَتْ عَلَى رَأْسِهِ الرَّحَى
وَكَانَ لَمَّا أَجْرَمْتَ نَزَرَ الْجَرَائِمِ

اونك ينه بر نهايتي وار ؛ چوق كچمز ، راحت دوشكنده اولان
ارباب سلامتده او نعمتدن محروم اولورلر ، صاحب جبروت
اولان بر پادشاه ، كون كليركه فلاكت ييغينلري آلتنده كنديني
بولور و طار بر كچيدك اوزطه سنده كي ملحه ده ييقيلير . . . »
ديمكدر .

بو حقيقي بوتون وضوحيله بيان ايتدكن صوكره
تارينخن مثال كتيرمكه ، بياناتي تايد ايديور ،
دييوركه :

كَأَنَّكَ لَمْ تَسْمَعْ بِقَتْلِ مُتَوَجِّعٍ
عَظِيمٍ وَلَمْ تَسْمَعْ بِفَتْكِ الْأَعَاجِمِ
تَقَسَّمَ كِسْرِي رَهْطُهُ بِسُيُوفِهِمْ
وَأَمْسَى أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْلَامَ نَائِمٍ

ترجمه سي :

« غالبا ؛ سن ، هيچ بر قهار حكمدارك قتلندن خبردار
دكلسك ؛ عجملك بطش و تسكيلندن ده معلوماتك يوق ؛ بيلمه .
يورميسك كه كسري ، تبعه سنك سيف انقاييله پارچه لاندی
و ابوالعباس اولان وليد بن يزید ، احلام نائمه دوندی ؟ ! . »
بشار ، بعده پادشاهلر ايچين موجب فلاكت اولان

بشار، اجتماعیات وادیسندہ پک چوق نظریہ لڑ
سرد ایتش؛ مثلاً: فرصت بولدجہ حاکمیت ملیہ بی
مدافعہ، اصول مشورتی خلفایہ توصیہ ایتشدر . .

بر قصیدہ سنده دیورکہ :

إِذَا الْمَلِكُ الْجَبَّارُ صَعَرَ خَدَّهُ

مَشَيْنَا إِلَيْهِ بِالسُّيُوفِ نُعَاتِبُهُ

صاحب جبروت اولان بر حکمدار، حقدن روگردان اولورسه، درحال
قلیجلی مزہ صاریلیر، مؤاخذہ سنہ قوشارز . . .

خامیہ ابو جعفر المنصورہ خطاباً انشاد ایندیکی دیگر
بر قصیدہ دده شو صورتہ اداره کلام ایدیور؛

أَبَا جَعْفَرٍ! مَا طَوَّلَ عَيْشٍ بَدَائِعِمْ

وَلَا سَأَلُ عَمَّا قَلِيلٍ بِسَائِلِمْ

عَلَى الْمَلِكِ الْجَبَّارِ يَتَّقِ حِمُّ الرَّدَى

وَيَضْرَعُهُ فِي الْمَازِقِ الْمُتَلَا حِمِّ

دیورکہ :

یا ابا جعفر! حیات، نه قدر امتداد ایدرسه ایتسین؛

يَا بِنْتَ مَنْ لَمْ يَكُ يَهْوَى بِنْتَا
مَا كُنْتَ إِلَّا خَمْسَةً أَوْ سِتًّا
حَتَّى حَلَلْتَ فِي الْحَشَى وَحَتَّى
فَقَتَّ قَلْبِي مِنْ جَوَى فَأَنْفَتَا
لَأَنْتَ خَيْرٌ مِنْ غُلَامٍ بَتًّا
يُضْبِحُ سَكْرَانٌ وَيُمْسِي بَهْتًا

ترجمه سنی :

« ای اولجه قیزلری سه و مک طرفدار ی اولمیانک قیزی !
سن ، آنجق بش آلتی سنه لک ایدک ، قلبمک اعماقنه کیردک
وصوکره جکریمی کوکندن قوباردک ، سن ؛ صباح سرخوش ،
اقشام سرسم وعانی اولان برارکک اولاددن خیرلیسک . »
بشارک دقایق شعریه سنک بوتون صفحائنن ، بوتون
خرده لکلرندن بحث ایتمک وهر وادیده سویله دیکی
نوادردن مثال کتیرمک ، بو مقالهنک حد استیعایی
خارجنده در : آنجق اجتماعیاته عائد اولان آئارندن ولوکه
آزاولسون برر نمونه ایرادی ، قیمت ادبیه سنی انظار ادبایه
عرض ایتمک و ترجمه سنی بوتون بوتون ناقص برامامق
ایچین الزم کورلمشدر . .

أُورِقْ بِخَيْرٍ تُرْجَى لِلنَّوَالِ فَمَا
تُرْجَى الثَّمَارُ إِذَا لَمْ يُورِقِ الْعُودُ
بُثَّ النَّوَالِ وَلَا تَمْنَعُكَ قِلَّتُهُ
فَكُلُّ مَا سَدَّ فَقْرًا فَهُوَ مَحْمُودُ

ترجمه سی :

« عباسی، ثروت و ساماندن بر ظل ممدود احاطه ایتش ؛
حال بوکه اونک قلبی و شتۀ بخل و امساک ایلہ باغلا نمشد؛ سخی،
مضایقه سنی سندن اودر جده کیزلرکه محتاج اولدینی حالده اونک
زنکینلکنه حکم ایدرسک ؛ بخیل ایسه، اونک ثروتی اوزرینه
دائما کوزی کور بر طاقم بهانه لر ، چوکر و اونک اوزرنده ده
یوزی قره جهره لر طورور ..

سن، اگر آز ویرمکدن چکنیر و سعه حالده مقتدر اولمازسه ک، ساحتک
یوزی کور نماز اولور ؛ اوزرکده برخی و منفعت یاپراقلی کورلسون که
سنکده ساحتک اومولسون ؛ چونکه ، اغاج یاپراقلا نمازسه ، میوه سی
اومولماز .. بٹ جود و سخا ایت ! آزلقدن چکنمه ، احتیاجی دفع ایدن
هرشی ، مستلزم شکر و محمدتدر .. »

کوریلہ یورکه بشار، معرض هجوده ده حکیمانه سوزلر
سویلر ، تجاوز بی ادبانه ده بولونماز .. رثا و ادیسنده ده
طبیعیلکی التزام ایتشددر ؛ وفات ایدن کریمه سنه مرثیه
سویلر کن دیمش :

ایچین ایکی درنو مجد و شرف واردو . بری یکی ، دیکری قدیدر : اوندن
اول مظهر عاطفت اولمق استهیلر فقره دلالت ایدن بر اغظ ایله یاد اولونور .
لردی ؛ آره لرنده افاضل و اعظم دخی اولسه ، اونره سألده دینیلردی ؛ خالد
ایسه ، ارباب مراجعتک قدر و حیثیتی وقایه ایدهرک اونره زوار نامی ویردی
وبو صورته استعطاف ایدنلری ، انظار یار و اغیاره قارشى ستر ایتش اولدی .»
دیمکدر .

بشار ، ایام شبابنه عائد هجویات و هزلیات مستثنی
اولارق هجوندهده مبالغه دن توقی ایتش و تصویر حقیقت
مسلکندن ایرلامشدر ؛ مثلاً عباس بن محمدک هجونده
دیورکه :

ظِلُّ الْيَسَارِ عَلَى الْعَبَّاسِ مَمْدُودُ
وَقَلْبُهُ أَبَدًا فِي الْبُخْلِ مَعْقُودُ
إِنَّ الْكَرِيمَ لَيُخْفِي عَنْكَ عُسْرَتَهُ
حَتَّى تَرَاهُ غَنِيًّا وَهُوَ مَجْهُودُ
وَالْبُخِيلُ عَلَى أَمْوَالِهِ عَلَلُ
زُرْقُ الْغَيُّونِ عَلَيْهَا أَوْجُهُ سُودُ
إِذَا تَكَرَّهْتَ أَنْ تُعْطِيَ الْقَلِيلَ وَلَمْ
تَقْدِرْ عَلَى سَعَةٍ لَمْ يَظْهَرَ الْجُودُ

مکتوبلر

خالد بن برمکک زماننه قدر وزیرایه مراجعت ایدن
مستعطیفینه (سُئوال) یعنی سـأله دینلردی ؛ خالد بو
تعبیردن خوشالامیه رقی رینه (زوار) دنیلمسـنی امر
ایدر ؛ او صیرهده حاضر بولانان بشار ، بالبداهه شو
یتلری سویله مشدر ؛

• حَدَا خَالِدٌ فِي فِعْلِهِ حَدَّ وَبَرَّمَكَ
فَجَدُّ لَهُ مُسْتَرْفٌ وَاصِيلٌ
وَكَانَ ذَوُّوْا أَمَالٍ يُدْعَوْنَ قَبْلَهُ
بِإِفْظٍ عَلَى الْإِعْدَامِ فِيهِ دَلِيلُ
يُسَمُّونَ بِالسُّؤَالِ فِي كُلِّ مَوْطِنٍ
وَإِنْ كَانَ فِيهِمْ نَابَةٌ وَجَلِيلُ
فَسَمَّاهُمْ الزَّوَارَ سِتْرًا عَلَيْهِمْ
فَاسْتَارَهُ فِي الْمُهْتَدِينَ سُدُولُ

دیورکه :

" خالد . اعمالنده پدری بر مکان اثرینی تعقیب ایدیور . شیمدی اونک

بر مکینک دوچار تأخر اولان بر وعد لطفکارانه سنی
تذکیر مقصدیه برکون مشارالیه ، جامعه کیدرکن ،
بشار یاناشارق استرینک زمامتی الده ایدر وشو قطعه یی
سویلر :

أَطَّاتْ عَلَيْنَا مِنْكَ يَوْمًا سَحَابَةٌ
أَضَاءَتْ لَنَا بَرْقًا وَأَبْطَارَ شَاشِهَا
فَلَا غَمِّهَا يُجْلِي فَيَسَّ طَامِعٌ
وَلَا غَيْثُهَا يَأْتِي فَيَرْوِي عِطَاشُهَا

خالدک وعدینی ایتاء دییورکه :

« برکون سزک طرفکزدن محیطمزی بر سحاب پاره
قابلامش ایدی ؛ شمشکی چاقدی ، فقط یاغموری نزول ایتهدی ؛
نه اونولوت آچیلیورکه امید وار اولانلر مأیوس اولسونلر ؛ نه
یاغموری کلیورکه تمنه لری سیراب اولسونلر .. » دیمکدر .

بونک اوزرینه خاد ، بشاری برابر کوتورور و بر
مدت خانه سنده آلیقور و « او سحابک یاغموری سنی
صیرصاقلام ایصلا تمداجه ، سنی براقماز . » دیر . .

بشار ، بر چوق یرلرده بالبداهه شعر سویله مشدر ؛
وقعه آتیهدده اولدیغی کبی . .

دیگری :

هَوَى صَاحِبِي رِيحَ الشِّمَالِ إِذَا جَرَتْ
وَأَشْفَى لِقَلْبِي أَنْ تَهَبَّ جَنُوبُ
وَمَا ذَاكَ إِلَّا أَنَّهَا حِينَ تَنْتَهِي
تَنَاهَى وَفِيهَا مِنْ عَيْدَةٍ طَيِّبٍ
عَذِيرِي مِنَ الْعَذَالِ إِذَا يَعْذُلُونِي
سَفَاهًا وَمَا فِي الْعَاذِلِينَ لَيْبٌ

دیورکه :

« آرقه داشم ، شال روزکاری آرزو ایدر ؛ [*] قلبك آلامنی تسکین
ایچین ایسه ، روزکارک سمت جنوبدن ائسمسنی ائسترم ؛ چونکه جنوب
روزکاری ، منتهی اولدیغی سمتی عیدته نیک عطریاتی نقل ایدر ؛ بنی جهلاً
مؤاخذه ایدنلره قارشى مدافعه ایده چک کیسه یوقی ؟ بن ، مؤاخذه ایدنلر
آره سنده برلیب کورمیورم . . . »

دیمکدر .

بشار، عتاب، مؤاخذه و مدح وادیلرنده کی شعرلری ده
مفرطانه سوزلردن ، مبالغه لی تعبیرلردن آزاده در ؛ خالد

[*] عراق جنوب روزکاری مخنق ، تحمل سوز ، باد شمالی ایسه بالعکس
چکرنواذر . بو حال تفکر اولنورسه بشارک شعری ده زیاده کسب رقت
ایدر . س. ن

مکتوبلر

« ایکی کومکم ایچنده کومولن جسم نالام، اودرکدیه ایندی که
اوزرینه اتکا ایتسه م، ضعیفدن یقیلر . . »
فقط ؛ بوقدید ، اصیل بر خیالک ، اصیل بر
غایه سیدر . .

(عبده) نك بصره دن وقوع مفارقتی ، بشارك
قریحه سنی ده ا زیاده جوش و خروشه کتیره درك اوکاپك
چوق، مضمونلر سوبالتمشدر ؛ از جمله شو :

يَقُولُونَ لَوْ عَزَّيْتَ قَلْبَكَ لَارْعَوَى

فَقُلْتُ وَهَلْ لِلْعَاشِقِينَ قُلُوبُ

إِذَا نَاطَقَ الْقَوْمُ الْجُلُوسُ فَإِنِّي

مُكِبٌّ كَأَنِّي فِي الْجَمِيعِ غَرِيبٌ

قطعه نك مضمونی ، او قدر طبیعی درك بشارك
موقعنده اولان هر عاشق بویله بر بحران کچیرمشدر ؛
قطعه نك ترجمه سی :

« بکا دییورلر ، قلبکه تسلی ویر ، بلکه واز کچر ،
حال بوکه عاشقلرک قبی اولورمی ؛! اطرافده بولونانلر ، قونوشد-
قلری زمان نیم باشم یزه اکلش ؛ هر موقعده ، هر بحثده غریب
کیمی . . »

بشار، بو بیتلرده بر عاشق حالت طبیعیه سنی تصویر
ایدیور؛ دیورکه :

بنم میچم ، اوزامادی ، فقط ، بن اویوماهم ، اویقومی قاچیران مستولی
بر خیالدر .

شبهه یوق که بو خیال ، عبدهنک خیالی ایدی اونک
ایچین ، ایهامدن صوکره تشحیص ایدیور؛ دیورکه :
« یا عبده ! بنم موجودیم اتدن وقاندن هبارتدر : بنی . بر آزلوسون
یالکز براق ! »

بو خطابدن بو تمیندن مقصدی ، عبدهنک خیالندن
آیرلق دکل ؛ بونی تعقیب ایدن نتیجه ایچون مقدمه
حاضرا مقدر ؛ نتیجه بودر : اتدن وقاندن تشکل ایدن
بر وجود ، صورت دایمده آلام عشق آلتده چیرپنیرسه ،
زبون اولور ، مضمحل اولور و اونک غایه املی اولان
او خیالدن محروم قالیرکه بر عاشق ایچین بو ، پک وخیم
بر نتیجه در ؛ بر عاشق حیاتی ، حیاتدن قالمش اولان رمقی
وهر شئی سودانک مطای اولمق ایچین ایستر ؛ ذاتاً معشو -
قهنک خیالندن آیرلق ، بر عاشق ایچین ، جانندن آیرلق
دیملدر ؛ اونی آرزو ایتمک ایسه ، یأسدن متولد بر
حالت روحیه درکه علی الاغلب حیاتدن قطع امید ایدنلره
عارض اولور ؛ بو درجهیه واصل اولان یأس ، عشق
اصالتنی تمثیل ایدر ؛ ایشته غایه . . بشار ، دیورکه

إِذَا قَامَتْ لِمَشِيَّتِهَا تَثَنَّتْ
كَأَنَّ عِظَامَهَا مِنْ خَيْرِ رَانَ

دیورکه :

« معد قبیله سنه منسوب اودختر سیه چشمك گفتاری ،
میوه بهشتی به بکزر ؛ یورورکن اوقدر اکیلیر ، بوکولورکه
میکلری خیزراندن ظن اولونور.. » دیمکدر .
بشار ، سائر ارباب عشق وعلاقه کی اویقوسزلقدن
شکایت ایتمش فقط ، کیجه یه اسناد جرم ایتمه مشدر ..
بالعکس کیجه نی تبریه ایتمشدر ؛ دیورکه :

لَمْ يَطْلُ لَيْلِي وَلَكِنْ لَمْ أَنْمِ
وَنَفَى عَنِّي الْكَرَى طَيْفٌ أَلَمْ
رَوْحِي عَنِّي قَلِيلًا وَعَلَمِي
أَتْنِي يَا عَبْدُ مِنْ لَحْمٍ وَدَمٍ
إِنَّ فِي بُرْدِي جِسْمًا نَاحِلًا
لَوْ تَوَكَّاتُ عَلَيْهِ لَا نَهْدَمُ

أَصْبَحْتُ كَالْحَائِمِ الْخَيْرَانِ مُجْتَنِبًا
لَمْ يَقْضِ وَرْدًا وَلَا يُرْجَى لَهُ صَدْرُ

ترجمه سی :

« عبده نك علاقہ سندن قلبك متأثر اولدیغنی حس ایدن
عقیل بن کعب قبیلہ سی ؛ بکا، دیورلرکه ؛ سن، اونی کورمه مشك،
نه دییه صایقلاوب طورییورسك ؟ دیدم : قلب ، او قدر نافذ
برقوتدرکه بعضاً کوزك کورمه دیکنی کورور ؛ بوکون، بنم حالم،
صویك اطرافنده دولاشان صوسز فقط ، محترز برقوشك
حالندن فرقلی دکلدر ؛ نه صو ایجه بیلیر ؛ نه قاچغه امکان بولور .. »

بوتشبییه ده نوادر دندر ؛ بر طرفدن سوکیلیسنك صوك
درجه مناعتده بولنان عفت و عصمتنی ، دیگر طرفدن
اوکا قارشى اولان شدت ابتلاسنی تمثیل اییدیور :

بشار، غزلنده محیطك الهماتندن وشرقك مبذول
محاسنندن اولان سیاه کوزله ترنم ایتمشدر ؛
بوقطعه اوجمله دندر :

وَدَّ عَجَاءِ الْحَاجِرِ مِنْ مَعَدٍّ
كَأَنَّ حَدِيثَهَا ثَمَرُ الْجَنَانِ

وَلَا تَسْمَعُ الْأَذْنَانُ إِلَّا مِنَ الْقَلْبِ
وَمَا الْحُسْنُ إِلَّا كُلُّ حُسْنٍ دَعَا الصَّبَا
وَأَلَفَ بَيْنَ الْعِشْقِ وَالْعَاشِقِ الصَّبَّ

ترجمه سی :

« عېده یه مفتونیت می بعض آدم لرتقید ایدوب بی اوندن تبریده
چالیشورلر ؛ اونلرک قلوبلری علاقه دار اولسادینی ایچین ، قېمه
قارشى طیبی برحزب مخالفدر ؛ بنده اونلره جوابم بودر ؛
قلبی ، پسندیده سیله براقك ؛ عاشق ، کوزایله دکل ، قلب ایله
کورور ؛ معرض غرامده کوزلر وقولارقلبدن باشقه برواسطه
ایله نه کورورلر ، نه ده ایشیدیرلر ؛ حسن حقیق ، اودرکه سودایی
دعوت وعشق الله عاشقك بینتی تألیقه وساطت ایدر »

دیگری :

قَالَتْ عَقِيلُ ابْنِ كَعْبٍ إِذْ تَعَلَّقَهَا
قَلْبِي فَأَصْحَى بِهِ مِنْ حُبِّهَا أَثَرُ
أَنْيَ وَلَمْ تَرَهَا تَهْدِي فَقُلْتُ لَهُمْ
إِنَّ الْفُؤَادَ يَرَى مَا لَا يَرَى الْبَصَرُ

يَا قَوْمُ أَذِنِي لِبَعْضِ أَخِي عَاشِقَةٍ
وَالْأَذُنُ تَعُشَقُ قَبْلَ الْعَيْنِ أَخِيَانَا
قَالُوا بَيْنَ لَا تَرَى تَهْدِي فَقُلْتُ لَهُمْ
الْأَذُنُ كَالْعَيْنِ تُوْفِي الْقَلْبَ مَا كَانَا

ترجمه سی :

« ای بنم قوم! قولانم، قیلەنک بر قیزینه عاشقدر؛ قولاق،
بعضاً کوزدن اول اعلان عشق ایدر.. بکا دیورلر؛ سن کور-
مه دیکک بر قیز حتمده نه هذیان ایدوب دوریورسک ؟ دیدم :
قولاق، کوز کیدر؛ قلیه حادثاتی نقل ایدر . »

دیگری :

يُزْهِدُنِي فِي حُبِّ عَبْدَةٍ مَعَشَرٍ
قُلُوبُهُمْ فِيهَا مُخَالِفَةٌ قَلْبِي
فَقُلْتُ دَعُوا قَلْبِي وَمَا اخْتَارَ وَارْتَضَى
فَبِالْقَلْبِ لَا بِالْعَيْنِ يُبْصَرُ ذُو الْحُبِّ
فَمَا تَبْصُرُ الْعَيْنَانِ فِي مَوْضِعِ الْهَوَى

وَكَأَنَّ تَحْتَ لِسَانِهَا

هَارُوتَ يَنْقُثُ فِيهِ سِحْرًا

یعنی : « بر حوریدرکه باقدینی زمان، ایکی کوزیله سکا، می
ایچیرو؛ سوزنده کی مقطعلر، کسوة از هاره بورونمش برر
قطعه کلساندر؛ کویا دیلنک آلتنده هاروت سحر دوکیور .. »

بوتشیهلری بولق کیفیتنی ایضاحاً دیمشدرکه : عما،
ذکائی تزید ایدر، قریحهیه کشایش ویرر، غیر محسوس
شیلری محسوسات درجه سنده کوسترر ..

بشار آرزو ایتمه دیکی شیلری کورمه دیکندن دولایی
عمادن عادتاً اظهار ممنونیت ایدردی .

بشار، (عبده) نامنده بر قیزک اینجه، روح نواز
سنی ایشیده رک اوکا علاقه ایتمش وغرامیاته عائد
تحائف ادبیه سنی (عبده) نك نامیله توشیح ایلشدر .
اعمی اولدینی حالده اعلان عشق ایتمش، خلقک
تعریضنی دعوت ایتمش و بوتعریضده آثار ادبیه سنه بر زمین
بدیع تشکیل ایتشدر ؛

از جمله، افواد ناسده کثرت تداولی حسبیله ضرب
مثل حکمنه کیرن شوقطعه :

مکتوبلر

بیت انتخاب اولونسه ، شاه بیت اولارق اون اوچ بیک
بیت سویلش اولورم . « دیرمش .

اعمی اولدینی حالدہ تشبیهده کی نوادی موجب
حیرتدر ؛ مثلاً ، بر محاربه تصویر ایدرکن ،

كَأَنَّ مُثَارَ النَّقْعِ فَوْقَ رُؤْسِنَا

وَأَسْيَافُنَا لَيْلٌ تَهَاوَى كَوَاكِبُهُ

تشبیهنده کی ظرافت ، هر درلو تقدیرک فوقنده در ؛

بشار ؛ نه مشبیهی ، نه ده مشبیه بهی کورمه دیکی

حالدہ دیورکه :

« یردن قویان و باشلریمز اوزرینه دوکوان ذرات خاک ،

قلیچلرمنزک التماغاتی آردسندہ کویا برکیجه درکه کواکی ستوط
ایدیور . »

بر قیزی تصویر ایدرکن ، دیورکه :

وَحَوْرَاءَ إِنْ نَظَرْتَ إِلَيْهِ

لَكَ سَقَمَاتُكَ بِالْعَيْنَيْنِ خَمْرًا

وَكَأَنَّ رَجْعَ حَدِيثِهَا

قِطْعُ الرِّيَاضِ كَسِينِ زَهْرًا

جاحظ، [البیان والتبیین] نام اثرنده دیورکه: بشار،
 نثرده، رسائلمده، خطبه ایرادنده متفنین، مبدع و مخترع
 ایدی. هجّاوشهر (جریر) ک معاصری ایدی. و اونی
 هجو ایتدی؛ فقط، (جریر) اوکا مقابله ایتدی. بشار
 « جریر بکا جواب ویرمش اولسه ایدی اشعر شعرا نامنی
 احراز ایدردم. » دیردی. . اشعارنده شیوه عربییه
 مغایر بر تعبیرک، بر کله نک بیله بولونما دیغنک سببی ایضاحاً
 دیمشدرکه: « بن، بنی عقیل آره سنده دو غدم. و آره لرنده
 بویوادم، فصحاسندن سکسان استادک آغوش تربیه سنده
 بولوندم، بنی عقیلک فصحاسی دکل، قادیلری بیله شیویه
 مغایر سوز سویله مزلر؛ بکا خطا نره دن کلیر؟... »

بشار هر وادیده شعر سویله مش. غزل و مدحده
 قریحه سی دها زیاده کشایش بولمشدر. بشارک شعری،
 غایت سلس، آهنگدار و سهل متمنعدر. آثار ادبیه سنک
 رغبت عامیه مظهریتدن دولایی (خاتمة الشعراء) توصیفنده
 احراز لیاقت ایتمشدر. اموی و عباسیلرک دور سلطنتلری
 ادراک ایتمش، (مُحدّثین) دنیان اوچنجه طبقه شعرانک
 سرآمدانندن ایدی. اک زیاده رجز و قصیده لرده شهرت
 بولمش، « اون اوچ بیک قصیده واردر؛ هر برندن بر

لقیبیه تلقیب اولونمشدر ؛ (رعشه) رانک فتیحیه کویه
دیمکدر .

بشار ، (اگمه) یعنی ، آنادن دوغمه اعمی ایدی ؛
کینه سی ابو معاذ ... تقریباً هجرت سنیه نك طقسا تچی
سنه سنده تولد ویوز آلتش سکز سنه سنده وفات ایتش ،
یاشی یتشی متجاوز ، ایکنجی عصر هجرینک اعظم
شعراسندن ایدی .

بشار ، قویو اسمر ، اوزون بویلی ، طولغون اتلی ،
یوزنده چیچک آناری وار ایدی ؛ شعر سویلرکن ، چوق
اوکسورور ، اطرافه باقار ، صاللانیر و آللرینی بربرینه
اوروردی .

اون یاشنده اولدیغی حالدده شعر سویله مکّه باشلامش ،
اخیراً آنارادبیه سی اودرجه ده شهرت پیدا ایتش ایدی که
برزمان بصره و بغداد شهرلرنده بولنان عموم خوانندکان
ونوحه کران یالکیز اونک منظومه لریله ، مقطوعه لریله
ترنما ساز اولورلردی .

بشار - اجتماعی بر شاعر ، بوتون معناسیله ادیب
ایدی ؛ مبالغه دن ، افراط پرورانه توصیفلردن تحاشی ،
طبیعت ، طبیعه که پرستش ایدردی . .

بشار

بشار - شينك تشديد بله - بن برد ، برد بانك ضميله ،
بن یرجوخ ، يانك فتحيله در . اصلاً طخارستانلی در ؛
طخارستان ، ابن خلکانك افاده سنه نظراً ، طانك و رانك
ضميله ، نهر جيحون اوزرنده واقع بويوك بر شهر در ؛
بر چوق علما نك مسقط رأسيدر .

بشار ، بصره ده تولد ايتمش واو محيطده نشو و نما
بولمشدر ؛ پدری (برد) ، المهلب بن صفرة نك حرمی
(خیره) نك ملك يمينی ایدی ؛ (خیره) ، بردی بصره ده
بولنان بنی عقيل قبیله سنه منسوب بنی ربیعہ عالمه سندن
بر قیز ایله تزویج ایتدی ؛ اوقادیندن بشار تولد ایتدی ،
بشار دوغدقدن صوکره (خیره) ، بردی آزاد ایتدی .
اونك ایچین ، بشار ، « بنم اصلم عجم ، لسان و قیافتم
عربدر » دیردی .

بشار ، اخیراً بغداددهده بولمشدر . کوچوك ايكن
قولاغنه كوپه طاقلمش اولدیغی ایچین (المُرَّعَث)

میرابو لازم ونهده وولترک اقتضاسی وارددر - قیافتیله می
طوره جقسکزر ؟ ...

غلوسدن ، ۲۰ تشرین اول سنه ۱۲۹۸ **عبدالرحمن خامر**

قارشیدیرمیه جق وحکملرنده هیچ بروقت میرابو نامنی دانتون، روبسپیه
ومازا اسامی مشؤومه سنه تردیف ایخیه جکدر .
تاریخ، عدالتلرنی تقویم ایدر.

*

* *

برطرفدن متاعب سفاقت ، دیگر طرفدن مساعی^۲ سیاسیه
میرابو بی پک زیاده پیرانیدیرمشدی . ۱۷۹۱ سنه سی مارتناک،
یکرمی یدنجی کونی اوزون برنطق ایراد ایدهرک اسیر فراش
اولدی . ویدی کون صوکره وفات ایتدی . اجلی صورت
طبیعیه ده تقدم ایتسه یدی رفقای تاریخیه سنک ایدی^۳ اهانتیله
اعدام اولنه جنی محقق ایدی . نصل که وفاتنده (مدفن عالی)
اولان (پنته^۴ئون) ه مدبدب صورته دفن اولمش ایکن ،
قرالدن پاره آلدینی بالاخره آکلاشلمسی اوزرینه جنازه می
اورادن اخراج اولتی کبی برجزای بعدالموته دوچار اولمش در.



او قدر مستمدر. هله شونی تکرار تکرار صور مق ایسترز:
برأئنده کمالات غربیه افقنک سحاب رنگارنگی، برأئنده
وسعت قریحه دریاسنک امواج بی نهایتی ایله حضور محکمہ
افکاره چیقسان احمد مدحتک یاننده، سز بو - بزه نه

میرابو فرانسه انقلابنک اک بلیغ و ذکی بر مرد کزینی
و حریت عوامک طرفدار آتشی نی اولدینی حالدہ قرالک و قرالک
علینده بولنما مشدر. یالکز مشروطیت ادارهنک تأسسی اینده
ایدی. و بوفکرینی بالدفاعا و علناً اظهار و مدافعه ایتدی.

حیاتک هر دورہ شئونده اراده سننه حاکم اولان ابتلا
سفاهت، اوصیره ده قرالدن پاره آتقله میرابو نی مدخول و معیوب
ایتمه یدی، قراللق حقنده کی نیت و حرکاتی وجدانک اجتهاد
حق صورتنده تلقی اولنه بیلیردی. فی الحقیقه اوزمان میرابونک
ایستدیک کی بر حکومت مشروعه تقرر و قرالک موقع و وظائفی
تعین ایسه یدی، نه روبسپیه، مارا کی اسافل، تاریخک
اوصحائف مشعشع سنی مظلوم قانیله لیکه دار، نه ده ناپولئون کی
فرومایه بر بلای مستواینک حرص مجنونی، افکار احرارانه نک
هیجان و غلیانندن تولد ایتش اولان او یکی فرانسه یی تارمار
ایدردی. بونکله برابر میرابو^۱ اوبیوک دورک الک بیوک آدمی در. ترجمه
حالی یازمش اولانلردن ادمون روس Edmond Rousse دیورکه:

... میشله (L'histoire date ses justices) تاریخ، عدالتلری
تقویم ایدر) دیور. بتون خطا لریه برابر جلاد تکاران خیالی، تاریخ هیچ
بر وقت مجلس تنظیمات Constituante عصاة بلیغه سی، ۱۰ اگستوس
متهورلری، ایلول بوغازلیانلری و دور هولک la Terreur جلادلریله

اقتضای وارد بر « دیانلرک نه عثمانلیرد لزومی واردر ، نه ده
علمه یازی ماکنه سنک بونلر جانشین اولوب اولمیه جنی
سزجه نه قدر معلوم ایسه اولیه بر جانشین لزومی محال
فرض ایدنلر دخی هانکی یره کچمک لازم کله جکی سزجه

الغلاب کیرک مقدماتی محسوس اولغه بسلامشدی. تاریخک بوکی
وقایع عظیمه سی آرهنده تحیز ایچون ایجاب ایدن اوصافه
میرابو بالغاً مابذ مالک ایدی : جرأت و شدت کلامی ، اسلوب
آتشینی ، طعانت سیاسییه سی ، ذکای متفوق میرابوئی او بدره
تاریخیه نک اعظم رجالی میاننه اصعاعاد ایتدی . زادکندن ایکن
کندیسنی عوام طرفندن انتخاب ایتدیرمش و مجلس ملیده رهبان
وزادکان صنفینه مخالفت ایدهرک اهالی طرفنی التزام ایتشدی .
مجلسک طاغدیغنی قران اون آلتنجی لؤئی طرفندن تبلیغه مأمور
اولان (مارکی دودروبره زه marquis de Dreux-Brézé) یه
خطاباً ،

Allez dire à votre maître que nous sommes
ici par la volonté du peuple, et que nous
n'en sortirons que par la force des baïonnettes!...

یعنی : « بزم بوراده اراد دامتله بواندیغیزی و سونکودن باشقه
قوتله حقیقیه جغیزی کیدوب افندیکزه سویلیکزه .. » دیدیکی
مشهوردر . بسوزی میرابونک او کون بوصورتله سویلیمش
اوندیغنی و بو ماکده کی سوزلرک ده اول بشتیه لری طرفندن
ابرار ایدلدیکنی ، ترجه حالتی منقولات عوامدن زیاده تدقیقات
و وثائقه ابتیالیله تدوین اتمک چالشان ، مؤلفین جدیده بیان ایدور .

اولنور . ایکی یوز قدر مؤلفات ادبیه و سیاسیه سی ملتک
 آئنده اولان خارق العاده غیور و مقدم بر مؤلفک قارشیدنه
 سنز شو - م. حامد - نام اثر یکنزله می چیقہ جقسکنز ؟...
 بیورلمش که - بزم ترقیاته محتاج اولدیغمز ده شهبه
 یوق ایسه ده تغیر و انقلابه محتاج اولدیغمز دخی ارباب
 حقیقت و انصاف نزدندہ بدیهدر . - ارباب تعصب
 اصطلاحیده بر آرتهاجم کورسه کنز بلکه بو شهبه یی ده
 اختیار بیورردیکنز . محتاج اولدیغمز تغیر و انقلاب ترقی
 لوازمندندر . بلکه ترقیات ادبیه یی حصوله کتیرن وسائط،
 تغیر و انقلابدر . « بزه نه میرابو [*] لازم، نه ده وولترک

[*] میرابو، عن اصل ایتالیادن تبعید ایدیلهرک فرانسه ده
 توطن ایتش اولان برعائله اصیله نك عنوانی در . صاحب ترجمه
 (اونوره غابریل ویقتور ریکتی قونت دو میرابو - Honoré
 Gabriel-Victor Riqueti comte de Mirabeau) بوخانداه
 منسوب اولوب ۱۷۴۹ سنه سنده تولد ایتدی . فرانسه انقلاب
 کبیرینک خطیب اعظمی در . کنجاسکنک بر قسمی هوی وهوس
 بو هوائلکلرک ایجاب ایتدیکی بر چوق مشاق و محنه تحمل له
 امرارایتدن صوکره عائله سی طرفندن متروک و مردود اوله رق
 لوندره یه چکادی . وتهوین ضرورت مقصدیله بر طاقم رسائل
 سیاسیه نشر ایتدی . یازیلری انظار دقتی جذب ایدبوردی . بر
 مأموریت خفیہ ایله پروسیایه اعزام اولندی . فرانسه یه عودتندہ

هانکیسی دها سریع السیر ایسه ترقی یولنده آنی اتخاذا
ایده جکزر .

سزمعهود مقاله کرده - اسبی جملدن ، دشتی جملدن فرق
و تمیز ایده میان تعلیم ادبیاتمی بواسته ادب او کرده جک ؟ ...
سؤالی کیمه خطاباً ایراد ایتدیکز بیلمم ؟ . . .

ختم کلام ایتمدن اول :

بز خرافاتی بدایعه ، خراباتی معمورهیه ، بداوتی
مدنیته ، ماضی بی اس-تقباله ، تدنی بی ترقیه ، ترکسی بی
شناسی به ، حقیقه الیانی تعلیم ادبیاته ترجیح ایدن سعادتلو
الحاج ابراهیم افندی حضرتلرینه جواب ویررزکه :
اوت !

مقاله نك لاحقہ سنه ،

یاخود

ابراهیم افندی نك - م. حامد - امضالیننه :
یازی ماکنه سنك [*] میدانه چیقاردییی رومانلرک
ایچنده ارباب اعتراضه بکزر پک چوق مخلوقاتہ تصادف
[*] احمد مدحت افندی به چوق یازدینی ایچون (یازی
ماکنه سی) لقبی ویرمشلردی .

مکتوبلر

مؤلفاتنه استناد اولنه بیه جاک . - ایسترسه کز بشقه بر
یولده ایضاح ایدم - دوه لرله واغونلره باقه جغزده

عجوبیاتله منظوم مکتوبلری و (صنعت شاعریت L'art poétique)
آدلی اثری پک مشهور و مقبولدر .

عجوبیاتنده دائماً برغایه صنعت تعقیب ایدردی . شعرای
عادی نك مجاوبی امانی اولان بووالو، زمانك اولمای ادبی عشق
و شوق ایله مدافعه و حمایه ایتشدی : مولیهری اون دردنجی لوئییه
توصیه و بعض آثارینك حین انتشارنده رغبت عامه بی احراز
ایده مامسی یوزندن لرزیده عزم اولعه باشلایان راسینی منظوم
مکتوبلری و مدافعه لرله تشجیع و تقویه ایدن بووالودر. زمانك
ارباب کمال و استعدادی بو بیوک ادیب منقدی هر زمان کندیلرینه
مشفق برظییر و حامی بولوردی .

بووالو فرانسه ادبیاتنده انقلابات مهمه و مستحسنه ایقاع
ایتشدور . یا ایکنز قرینهنك لطف ابداعنه براقلیمه رق یازیلان
شیئرنك سعی مطرد و تصحیحات اعتنا کارانه ایله اکمال محاسنه
چالشمسینی توصیه ایدر. بواعبار ایله بزم توفیق فیکرت بووالونك
نصیحتیله دیندارانه عاملدر .

بووالویه کوره صنعتده حس و خیالندن زیاده عقل و محاکمه
اجرای حکم و نفوذ ایدر. وضع ایتدیکی قواعد ادبیه نك بر قسمی
زمانك و افکارك انقلاباتیه قیمت و اهمیتی غائب ایتمش سهده بر
قسمی حالا استعداد ادبه مرشد تکاملدر .

بووالونك، ضرب مثل صیره سنه کچمش اولان، La critique
est aisée et l'art est difficile یعنی : « مؤاخذنه آسان
ایسه ده صنعت مشکلدور. » سوزینی بیلدین و مناسبتلی ، مناسبتسز
تکرار ایتین بزده ده یوق کی در .

لسانده تکلم ایده مزسه انسانیتیه متعلق نه تعلّم ایتمش
اولور؟... اگر فرض محال اوله رق خاطر بکزه غرض سز
بر مؤاخذه وارد اوله جق اولور سه اوده یینه مفتون مآثری
بولندیغکنز قدمايه عائد اولمق اوزره - وقيله لسان
ییتی مزی تعریب ایتیانلر نه بیوک خطاده بولنمشلر!... -
دیه بیلیرسکنز. بزده هپ آلقش-لارز. حیفاکه شمدی
بوکا امکان متصور اولمدیغندن لسانمزجه لازم اولدینی
قدر عربدن استفاده و فوائد زانددی سزه ترك ایتمکه
اکتفایه مجبورز. و امید ایدرز که عربی و فارسی ایله قناعت
دخی ایتمز سهك معذور طوتلورز. چونکه بز السنه
غریبهك قواعد بیانیه سنی ده کوره جکزه. و شعر و انشا-
مزده اجرای تطبیقاتنه سعی ایده جکزه. - آکلا یورسکنز آ-
مثلا استعاره تمثیلیه دن کوستره جکمز بر مثال منحصرأ
بشار [*] ك ابیاتنه مستند اولمیه جق ، بوالو [۱] نكده

[*] اشماری فوق العاده مهم شمراي عربدن اولان (بشار) ه
دائر درانغنون عثمانی تاریخ ادبیات غریبه معلم مقتدری فهمی
افندی طرفندن صورت مخصوصه ده تحریر اولن مقاله واقماته
بومقالیه تئذیل اولنه جقدر .

[۱] بوالو (Nicolas Boileau) فرانسه قلاسیق ادبیاتك
ك بیوك استادی و منتقدی اولان اعظم ادبا دندر. ۱۶۳۶ ده
پارسیده تولدله ۱۷۱۱ سنه سنده یینه اوراده وفات ایتدی .

مکتوبلر

دکدر!... سزک کبی عربیده ناطقه‌لی بر پیر اولوب ده
السنه سائرده دیلمز بولمق ایسته مزلر!...

افندی، انسان نه قدر بر فردده غرضلی، یعنی سزک کبی
خصایه مرضی اولسه بشقه وسائطله بر ایکی سنهده ضبط
اولنان قواعدالیمای بکرمی اوتوز سنه بر حجره سفالته
ملازمتله یه او کرمامکی فقط نور ذکالرینک سوندیکنی
او کرندکدن صکره سزک کبی ظلمات یأس ایچنده قاله رق
او کردنله جک سیلری دخی کورمامکی بر قومه توصیه
ایده مز!... سزک کی یأس وفتورحالی اولدینی بی اشتباه،
خالقی ده او ظلامه دعوت ایچون انظار عبرت و انبیاغه
پرده چکمت کناهدر!.. بو کناد دخی سزه عائد اولوب
یوقسه کندینی یانلر ایچون مسلت فیض واعتلا، شناسینک
جمعینمزد کشاده وکلان واکرم بکلرک آماده ایش اولدقلری
شاعر اهدر!...

بر ترک اون سنه ظرفنده بش مکمل لسان تحصیل
ایدوب مقصده وصول بولور؛ عربجهده ایسه شمدیکی
اصول تحصیل ایله بو اون سنه‌یی او مقصدک اسباب
اولیه حصولی استحصالتیه حصر ایتمی لازم کیور.
یا انسان اون بش یاشدن اوتوز یاشنه قدر چالشدینی بر

بوئی چاردامته پک بیوک بر بخشش ایدر میدیکیز؟.. افندی،
سز بزه عربجه یی او کر نمه نك بر یوانی کوسترسه کز نصل
اولور عجا؟.. بر اصول تحصیل یابه بیا جه کمیسکیز؟.. یوقسه
عربستانه می کیده لم؟.. - بونه؟... بوداهیه غرض بوامتک
باشنه نره دن مسلط اولدی؟... طور مش ده لسانمزی
تعریب، وطنمزی تعریب ایتک ایستور!..

افندی، بز سزدن ترکستانده عربی تحصیل ایدنلرک
ایچنده لایقیله قواعد عربیه یی او کر نمش ده عربجه لاقردی
سویلر و یا خود او کر ندیکی قواعد سایه سنده عربجه یازی
یازار بر آدم ایسترز!... سز عربستانه کیمش، قواعد بیانیه
او کر نمش سکیز ده قانون مناظره بیلیمور سکیز!... بوکا
وجدان عمومی حکم ایشدر که سز بر مفتری، بر غرضکار
ذانسکیز!... بهتان و خصومت کز ده افراد دکل، جمعیه در،
جمعیه دکل انسانیته در. انسانیتی میال ترقی خلق ایدن
الوهیه ده بهتان ایتدیک کز دن امین دکلز!..

افندی، بوکونکی کنجلمز - که سز آنلرک یاننده
صایلردن عجمی سکیز - اصول تدریسک مفقود اولدیغی
بر مدرسه ده ییللر جه افاته فکر واستعداد ایله یشامق
وعته کیترمه نك یوانی دوشونه دوشونه بونامق خواهشکری

گرامات اولمغی قورمش! ... خسیده فکر شبروان که اَحیایه
لذائذ حیاتی مزارستانده، ادبایه قواعد بیانی وادی
خمشانده او کرده جک! ... مصنف یک اثر که یازدیغی شیلر
حیاتک تقدیرلوازمه قدر اولان اصحابی نظر نده سنک مزار
اوزرینه یازلمش سوزلر، بکئزر! ... مؤلف (حدیقه الیان) که
بدایع پسندان از باب شبابه قارشنی رفع ایتدیگی علائم
غلو، نور عرفانه تقابل ایدن کریه یأسک قوس قزحی در! ...
یعنی سعادتلو الحاج ابراهیم افندی حضرتلری که بر حکم
بی طرف قلمندن بداهت نثار ظهور اولان حقایقه زبون
اوله رق طرفدارانیه برابر ایقاد مشاعل حدتله مظالمه
نوردان جهال مخالفینی ایقاظ ایده جک : شمشکله آلتنده
آتش بوجکلی !!

مقاله ده کی خطابه جواب :

مقصد گز آکلاندی : بزهب جاهل، سزاعلم کامل :
عالم اولمق ایسه سزک فکر سیاهکنز جه قواعد عربیه
اوکر نمکله قابل !! او یله دکللی ؟

افندی، سز عربستاندن بشقه بر یرده، فکر اولسون،
سیاحت بیوررمیسکنز : ... افندی، سز براز سکوت ایله

اولمہ دن راہ رحمۃ عازم ،

سزہ بر حج ذبیوی لازم !.. [*]

طغوز تشرین اول تاریخی وقت غزۃ سندہ مندرج
مقالہ سنی اوقویان الحاج ابراہیم افندیہ بویلہ دینزمی ؟
افدینک زعمیجہ دنیادہ عربدن بشقہ انسان ، عربجدن
بشقہ لسان یوق ؛ مسیرہ فضیلتلری اولان عربستاندن
غیری دہ بردستان ادب و معرفت کوریلمیہ جک !
علامہ کھف آرا کہ فن معمارینک ترقیاتی اورومجک
یوارلندن استدلال ایتمش ! قطب حجرہ نشین کہ استقبالہ
یوارلنان جہان کمالاتی پنچہ سنہ آلوب ماضیہ فرلاتہ جق !
خطیب عمارت پیرا کہ لڈانڈ وجدانیہ ضیافتی اولان دار-
الحظوظ مدینتہ پلاوزردہ کاسہ لری ، چوق طبلہ لریلہ
ککش ! ادیب خیمہ کزین کہ بردوہ قطاریلہ برشمندوفرہ
میدان خوان مسابقت اولیور ! سیاح کلبہ پیمہ کہ بیت
الشفای خراباتی تعمیر ایچون معمورہ عقولہ زلزله بخش

[*] انتشار ایماش اولان مقالاتنددر .

و مؤلفی ادا بدن صایمه جغز . و محصور اولدیغیز ظلام جهل
ایچنده بارقه الهام ایله کوره جکمز حقایق هیچ بروقتده
آندن صورمه جغز . و

بابام ایچون اول ، نیم ایچون یشا ! ..

مصراعی کبی ادبا ایچون معنای و حقا ایچون لفظ و معنادن
عاری اولان سوزلرله ذکادن ذکایه ایصال ضیا قیلندن
اوله رق بر بر مرزه افهام فکر و مرام ایده جکمز . و سوزلر مزی
آکلامیان قدما ی بلغای کاتین کندیلری و کندیلرینه
مماثل کروه عنده متعصین اولدیغی کوردکجه قارئین کرامی
یمین ایله تأمین ایدرزکه افتخار ایلیه جکمز .

عبدالطیر مامد

غلو سدن ، ۷ تشرین اول سنه ۱۳۹۸



ادبیاته بر رنك تأسس ویرن تعلیم ادبیاتی، مؤلفك اسکی یولده عجز و نقصاتی دكل، فقط شناسی بدایعندن اولان طرز نوینك اسکی یوله رجحاتی اثبات ایتك لازم کلیلر . بونك خلاقه اوله رق آئی، فنا مطلق متقدمین اساسنه مستند اولان سوزلری ترجیح ایتك ایسه عبرانینك عربییه تقدیمی استلزام ایده جکندن بوکونکی احباب اعتراضه کندیلرینی بکندیرمك ایچون عثمانلی ادبای حاضره سنك یهودیه یازملرینی توصیه قیامندن اولور.

خاتمه:

علامه بزه متصل مستعارلله مستعارمهندن، تشبیهدن، مشبه بهدن، کتب عربیه قواعدندن، تعلیم ادبیاتك او قواعدد مخالف اعتبارات مختلفه سی بولندیغندن بحث ایدیور. هر نه دن بحث ایدرسه ایتسون، بزاواعتباراتی - اختیارات ادبا - اولمق اوزره قاعده اتخاذ ایده جکز . وخطا و صوابمزی قواعد عربیه دن زیاده او اختیاراته تطبیق ایلیه بیله جکز. و بدایع دشمنلرینك قال و قیلنی، دعوا و دلیلنی قبول ایتیه جکز. و حقیقه الیانی او قومیه جغز.

مکتوبلر

لسانی طوطی قوشلرندن او کر نك ایتنه مز . جاهلدر ،
فقط جهلندن متضرر اولدیغی قدر (تعلیم ادبیات)
معترضك ده علم کلیسنندن استفاده ایتمز . (نسترن)
مؤلفی نه فاتح مدرسه لرنده چالشمش ، نه پارس دارالفنونلرنده
اوقومشدر . لکن صاحب اعتراض افندی کبی ، پك
چوق خواجه لرك مبتدی صفتیه بیله کیره میه جکلری بر
مکتبه طوغوب بیومشدر .

لاحقه :

خاطر مزده درکه تعلیم ادبیات مؤلفنك ادبیات
جدیده دن زیاده ادبیات عتیقه یه مقارن بر طرز ایله
یازلمش - مه پریزون - نامنده [*] بر اثری و برده اکثر قصائد
ونشاندی قدما یولنی آندیرر - نغمه سحری - واردر .
بونلر مؤلف مشارالیهك انشاء قدیم ارباب تمایزی ایچنده
دخی حائر نصاب اقتدار اولدیغی کوستردیکندن متعاقب
الظهور اولان نوزمین اثرلری و تخصیص ماحضر

[*] ایته لیا متأخرین ادبا سنندن (سیلویو پولیقو) نك اثر مشهوریدر که
عنواننك معناسی (محبسلم) دره . قرق ایکی سنه مقدم محمود اکرم بك طرفندن بر
قسمی ترجمه و طبع اولمشدر . نامق کمال بکک بو ترجمه یه اوزون برموأخذه -
نامه سی وار .

مکتوبلر

- شیر - ترجه لکنی تمیزده تردد کلفتی اختیار ایدن
عجوبه علم الیان عرب ، علامه بوالعجب عربجه اولیان
لاقر دیلره ترجه دیماک می ایستر؟.. بوراسی ده اوته دن
بری نزد جاهلانه سنده مجهول اولان مواد دندر. - لفظی
اولوب ده معناسی اولیان شیر - و ترجه یازیلوب ده
عربجه اوقونق لازم کلن - نسنه لر - و یا خود نسته لر
اکثریتله منطق مخصوصی اولان (حدیقه الیان) نده
گوریلور . فقط کنسینک دیدیکی کبی هم لفظی ، هم ده
معناسی مفقود برسوزه مثال نطق اللسان انسانیتی اولان
کتب بیانیه عربیه نک هیچ برنده کوریه میور . عجبانو
ظهور کهن فروش ، ترکلره الفاظ و معانیدن منز و مبرا
بشقه برلسان اوکرتمک می ایستر؟... یوقسه کنسینک
هرنصلسه اوکرده مدیکی برلسانک لسان عد اولنمامسی داعیه
واهیه سنده میدر ؟ ...

ینه تأمینات :

(حدیقه الیان) صاحبی شونندن ده امین اولسون که
سوزدن آ کلامیانلر زمره سنه ادخال ایتک ایستدیکی فقیر
یازی یازمه بی کونشک - شبنم قازیمسندن - و انسانلرک

مکتوبلر

اولدینگی کبی، کندیلری ده بوکون بر طبقه ارضیه یه تحول ایتمش اولان دور منسی خرافاتده یشار اباطیل کلیندن معدود اوله جقدر ؛ که بزجه اوله لرك تفوه ایتدیکی الفاظی تفهیم نصل میسر اوله میورسه آنلرده بزم تصور و تصویر ایتدیگمز معانی یی حتی تلفظ ایتک بیله نصیب اولیه جقدر.

بر ایکی سؤال :

ترجمان حقیق غزته سنک ۲۷ ایلول سنه ۱۲۹۸ تاریخلی نسخه سنده مندرج الحاج ابراهیم افندی مقاله سنده نسترن دن منقول برقچ بیتک ترجمه اولوب اولمدینی اهل انصاف دن (!) سؤال و او بیتلره معطوف - لفظ و معنایی اولمان - تعبیری ایله مغیشناس - اقدده اولان خصیصه ذی وقوفانه لری آورده مقال اولنیور که کوردم . اییات مذ کورده نك (تعلیم ادبیات) گبی معتبر بر اثر ده جای قبول احرازینه و خصوصیه حسن مثال اوله رق نقل ایدمک امتیازینه هیچ بروقده لایق اوله میه جنی و بونک محضا بزه بر سائقه شوق اولمق ایچون ارائه بیورلمش اوله جنی (نسترن) مؤلف نوهوسنک رعنا معلومیدر . آنجق بو

مکتوبلر

کیلرک مظلومه افکارنده قیامت قومش، کونش غربدن
طوغمش جهسنه بر لرزه‌بهن ودهشت سرزده اوله جغیچون
کندیلمندن بر چوق قال یقول صدالری حیقتمق دخی
ضروری در.

الحاج ابراهیم افندی امین اولسون که ثلثان انسانیه
اشعه‌نثار اولان بو صبح‌الطلوع حقیقته، بو یوم‌القیام
ادباده جواله مزار اولان ضیای کاذبه تجلی عرفان
نظر ایله باقلیه‌جقدر؛ که ظلمات ایچنده کورونان -
خیالتلرک - اجسام لطیفه‌دن اولیوب عین اوهام اولدیغی
بیلندیکچون بر لسانک قواعد بیانیه‌سنی هر لسانه منطق
بلاغت اعتبار اتمک صدده بوئان مرده پسندان فرسوده
فکرک مقالاتی عظام امواتدن روزکارک چیقاردیغی اصواته
نظیر عداولنه جقدر؛ که زیرکابوس عربیده خوابیده غفات
اولان اوسیه‌ست (قهوه‌تعب فرسای اتمت) اولان (قرغان
نوال عطا) [*] کر سکان فصاحتندن طویه جغسز نکات
بلاغت شبنده تحصیل معرفت بولمان پرهیز کاران لسان
الادب ذائقه‌لرنده هر درلو سیمه ولادتدن عاری و مستثنا
طوتوله جقدر؛ که صحاری بداوتده طولاشان افکار
قلندرانه‌لرینه معموره مدینت قیولری مؤبداً سد اولمش

[*] قوس ایچنده کی فقره‌لر الحاج ابراهیم افندی مرحومک نمونه
بلاغت صوتنده کوسرتومک ایستدیکی منشآتندور.

تأملات [*]

اکرم بك افندی امین اولسون که تعلیم ادبیاتک جمع و تألیفه مصروف اولان شتی اصحاب فکر سلیم عندنده الی الابد مشکوردر؛ که ادبیات عثمانیه بو یادکار عالی ایچون کندیسنک دائمی صورتده منتداری در؛ که بو خدمت جلیله ادبانه سنه مقابل عمومندن کوره جکی مکافات قریباً شعر و انشامزده کوره جکی ترقی در؛ که طول ادراک و تقرسی محدود و مطول اولان دهاته نحاتک - او کتب عربیه اصول بیانیه سندن - بشقه بر مدار جدل، بر سلاح تعریض بوله میان... حضراتک اعتراض یولنده کی لقلقه لری بربری اوسننه وضع اولنوبده ییقیلان - پلاو زرده - کاسه لرینک چنغرتیسی قیلندندر؛ که علوی و سماوی بر خارقه ظهور ایتدیکی وقتده اک زیاده سس چیقاران کیملر اوله جنی جمله مزجه معلومدر؛ که تعلیم ادبیاتک عالم بیانده طلوعیله الحاج ابراهیم افندی

[*] (تعلیم ادبیات) ه اولان اعتراضاته جواب اولمق اوزره (ترجمان حقیقت) غزته سنه کوندرلش بر مقاله درکه بحثک دوامی رسماً منع اولندیجی جهتله اوزمان انتشار ایدمه مامشدی.

مکتوبلر

شى. سن اوحالى پك بيله مزسين . چونكه تجرببهك واقع اولمامشدر. كچنده ويانهده سنك بلبلكى كورددم. صباحلين خيلى قونوشدق . سزك اك بيوك سياحت اودكلىدى ؟..
على فرخ بكا كر بلاسنى كوندروب تقريض ايستدى. هيچ برشى يازمهديغم ايچون پك محجوبم. اعتذارايتدم. اما بيلم مقبول اولديمى ؟. سوزى بوراده قطع ايتسه م ديورم . صباحدن برى پوسته ايله اوغراشدم . اقشامه ايكي ساعت قالدى . براز كونس كورونيور . بولوندره ايچون بيوك بر شيدر . بر آدم يغموره طوتله دن ، ياخوددومانه بوغلمه دن كونس گوره بيليرسه كون كورمش عداولنور . باقى اللركدن اوپرم قرداشم .

متحسرك

۱۷ ل ايلول سنه ۱۳۰۳

عبدالحميد مامر

لھامى

استاد محترمه مکتوب يازارسه ن عرض تعظيمات
وتحسرات ايتديكمى ده علاوه بيور .



رجائی زاده اکرم بک :

برادر عزیزم ،

بری (زینب) [*] ك كوندردلیكنه ، بری ده بیلیم
 نهیه دائر سكا چنلرده ایکی مکتوب یوللامش ایدم .
 ایکیسندن ده بر اثر ظهور ایتدی . یعنی جوابسز قالدیلر .
 یوقسه زینبی بزم همشیره زاده لرسكا اعطاده اهان و امهال
 ایتدیلرده انك ایچونمی جواب یازمك ؟ سزای تأهل
 ایتش . لطف و احسان ایدرده تبریکنامه می کمدیسنه ایصال
 ایدرسن نه قدر ممنون اولورم . جانم بن بزم انشته مزدن بنم
 ایچون بر ماذونیت استحصالی رجایتمشیدم . نداوت ، نه حایر ؛
 هیچ برشی سویلدیلر . اکر بنی اوزله دگسه بوایشی
 صورارسین . یوقسه لوندرده جمعیتی یقینده عودت ایدرده
 بن ده ایچندن برسنه دها حقیقه مم ! بزم عائله خلقنده بر حال
 وارکه بکا بردرلو سویله میورلر . بیلیم که سرلرینی
 کندیلری ده می بیامیورلر . مکتوبسزلق حلی نه قدر الیم بر
 [*] زینب تیه تروسی که عبدالحق حامد بکک انافس آثارندن

بریدر .

مکتوبلر

اوستریانک انکلتره ایله متفقاً روسیهیه پارس معاهده‌سینه
خلل کتیرمیه جاک صورتده تکالیف صاحیهده بولمسنی
اخطار ایتمش اولدقلری حقنده دوران ایدن حوادث صحیح
ایسه علا. دکسه آرقق ایشیز خراب!.. برجهت مطالعهده
روسیه‌نک انکلترهیه رسماً بزمله بوندن صکره برانفاق
تشکیل اینک ایچون شرائط مصالحهده التزام بخش ایتسی
احتمالی درکه اوده اولورسه آنجق بوزمان ایچون موجب
منفعقدر. باقی رسم سلام معلوم.

۷۷ کانون ثانی سنه ۱۲۹۳ ع.برالموم مبارک



پیری زاده ابراہیم و عثمان بگلرلہ : حسنی بکہ :

برادرلر ،

بوہفتہ پوستہ کلدیکندن ہنوز مکتوبلریکزی آلہ مدم ..
آلسہم دہ نہ جواب یازہ حق ایدم . آدکم حقہ قلم یوزی .
کورمک جانی ایستہ میور . بینمزدہ اولان اُزکینک اعصا .
بمزہ دہ کسیکلک ویردیکندن کلوب دہ بر تشویق ایدن .
اولماسہ آدم اوتوردینی یردہ قالوب کیدہ جک . ہر تفکرک
نتیجہ سندہ انسانک بلا اختیار لساندن صادر اولان سوز
شوندن عبارت قالیور : حکومت بزی باتردی . آئی دہ
موسقو باتیرہ حق !!

انکلترہ پارلمنتوسی دون آچلدی . قرالیچہ نک نطقی
کور دک . بکلدکلری کبی دکل . امیدکاه اولہ حق برایکی
کوشہ سی وار سہ دہ زندان کوشہ لری کبی آنلردہ قارا کلقي .
یعنی انسان اولنطقی اوقوینجہ تردداتندن قورتولہ میور . آئی
فنا بر طاقم شہانہ مجبور اولیور . انکلترہ بزہ معاونت ایدہ جک
اولسیدی شمدی یہ قدر اوروسی قاری کبی دوزکون
نقابلریلہ ستر دیدار ایتمز ، ناز واستغنا کوستر مز ایدی .

پیری زاده عثمان صاحب بک :

نور عینم افندم عثمان بك ،

چشمش اولسون برادر، ینه عملیات اجرا ایتدیر تمشسین .
 عملیاتك بودفعه کی حسن تأثیری ان سنا الله قطعی در . سن
 متین بر طبیعتہ مالکسین ، بیلورم . بن او یله مزعج
 بر راحتسزلعه اوغرایه جق اولسه م بتون فاملیام خلقنه
 دنیایی حرام ایدردم . کچنده اوچکزه خطاباً بر مکتوب
 یازمشیدم . سن راحتسزلفکدن اولملی جواب ویرمدك ،
 اته کیلرده آلدیرمدیلر . آه بوغائله تعیش مخابره عائله یه
 بیله ایراث فیصل ایدیور ..!

پدر بك افندمك و بیوك والده كز حاتم افندی ايله
 سوکیلی آبلامك آللرندن اوپرم . سزكده آیری آیری
 کوزلر کزدن اوپرم .

ابراهیم بك امواج اوراق ایچنده شناورلك ایدر ؛
 اسماعیل بكده چایده می یوزیور نه در ؟ احوال صحیه کی
 بکا یازده براز مستریخ اولهیم . باقی همیشه جمله صاغ ووار
 وبختیار اوله سکنز آمین بحرمة سید المرسلین .

ل ۶ حزیران سنه ۱۹۰۳ برادرک

عبدالحق حامد

اکرم ، کمال حرمت و محبتله او پدیمده سکوت ایدیم .
سکوة فریاد آمیز . باقی اخوت و دعای عافیت .

۲۱ شباط سنه ۱۹۱۱ منتدار و متجسس برادرک

عبدالحمید حامد

بکا لطف ایتده بر (نژادا اکرم) ارسال ایتدیر . برابر
آغلامش کی اولالم .



ظرفنده بزی برئانیه اولسون براقماق اوزره اون یدی،
اون سکنز یاشلرنده هیچ بیلمدیگمز برکوزل قزر فاقتمزده
بولندی . چیچکچی یی کوستردی ، چیچکلر یاپلنجه یه
قدر بکلیه جک یر کوستردی، صکرده مزارستانی و مزاری
کوستردی . بوقز هیچ یانمده کی آدمه باقیور ، دائماً بکا
باقیوردی . چیچکلری بنم مزارک اوستمه قویدینمی
ودو کیلان کوز یاشلرینی کورد کدن صکرده اوچ ساعت نبری
هیچ بینمدیکی و آلیله چکدیکی و دلو سیپتنه بینهرک سرعتمه
غائب اولدی . بوقز عینبله بنم برنجی حریم مرحومه یه
بکزیوردی . یانمده کی ذاته خطاباً - الله شو و دلو سیپتنه
کیدن قزه رحمت ایتسون ! . . . دیدم . مکر اوزات ده
بکزتمش ، بکا سویله میورمش .

صکرده لوندردیه طاشچی یه کیتدک . طاش اصمارلیه -
جقدق . بکا نمونه اوله رق برطاش رسمی کوستردیلر .
بو طاش رسمنده کوریلان اسم - فلانک سوگیلی زوجه سی
نه لی - ایدی . ایکنجی مرحومه نک اسمی . بو بر تصادف . .
لکن اولکی نمایش تصادفه بکزه میور . ویرالکی بیوک

رجانی زاده اکرم بکمه :

آه بنم مقدس اکرم بیوک برادرم!
خطاب اخوت نصابکه بنم امدادمه یتشدك . نصل
تعریف ایدهیم ؟.. بیلمم که « بنی کریان شکران وشادان
احزان ایتدك » اوت قرعه مصیبت ینه عینی شکل هیاتی
ایله بودادر بدبختکه اصابت ایتدی . شبهه یوق که هپ
اولومك تحت تهدیدنده یز . لکن بودرلو ضربه لر انسانی
حیاتدن یزار وبلکه ده ممانه انتظار ایله دمکذار ایدیور .
بن مغنویاته معنقدم ، یاخود دها طوغریسی معتقد
اولمق ایچون برچوق سبیلر آرایوب بولمشم در . شمدی
بوصحیفه نك اوبرطرفده اوقویه حغك حالی برکره تفکر
بیور : کچن گون بردوستمله برابر مرحومه نك مزارجغه
چیچك کوتورمشمدم - آه اوچیچکلی پك سوردی !..
هب برعائله دن ایدیلر دکلی یا ؟.. مزارستانی بوله میوردق .
یاکلش مزارلغه کیتدك ، طاغیر ، دره لر آشدق اینجه اینجه
یوللردن کچدك ، اوچ ساعت قدر طولاشدق دن صگره
نهایت مرقدہ واصل ومقصده نازل اولدق . بو اوچ ساعت

مکتوبلر

حکمت [*] ایشی کسب قوت ایدمه مامش . همشیره
اویلا یازیوردی . ان شاء الله خیر بونده در دیملی . چونکه
بشقه بر دیه جک بوله میورم .

آمان بکلر ، خی بودرجه اونو تمه یک . مناوبه ایله اولسون
هفته ده بر مکتوب یازیکز . تا که آره صره ظن ایدمه جک
اولدیغم کبی کندی منسی و متروک و مطرود بر حریف ظن
ایتمه یم . رسم سلام معلوم . جمله کیزی اللهه امانت ایدرم .
۲۷ ل مارت سنه ۱۳۱۲ برادریکز

عبدالحق حامد

[*] نوآد پشا حفیدی حکمت بک که عبدالحق حامد بکک
انشته سی ایدی .



صاحب بکمرزاده لره :

برادرلر ،

قورشون قلمی دیه حدت لازم دکل . سز او یله سنی ده
یازمیورسکنز آ . بنم یرمده اولسه کنز نه یا پاردیکنز بیلمم : ..
سفارتلرک استقبالی او قدر مظلم که ایاچیلر من طوائف
ظلمات دینلان مخلوقات آندیر یورلر . مارتک یکرمی یدیسی
حالا تشرین ثانی معاشنی ویرمدیلر . استقراض قبولری ده
مؤبداً کلیدلندی . مرتبه سفالتی شوندن آکلا یکنز که
کوره بیلدیکم اک سالم طریق ، استانبوله فرار طریق در .
مع مافیه بز ایکی کوندر بوراده سنبل سیرو صفاسیله مشغول
اولدق . مکر بوفلمنک بر سنبلستان ایمش ده بز بیلمیورمشز .
قیرلر ، دره لر هپ سنبل ، رنگا رنگ سنبل . هواده سنبل
ایدی . بو عالم بوراده هر سنه اون بش یکرمی کون دوام
ایدر مش . سز نه عالمده سکنز ؟ . نه یا پیورسکر ؟ هوائر یکنز
نصل کیدیور : .. بزینه رؤیا کورمک عزیمنده بولئیورز .
چونکه رؤیاده تعیش ده او جوزودها آزمسؤلیتلی اولیور .

مکتوبلر

يَقِيلُوب اِهالى قان آغلادىغى زمانده پيس بوغازم اچسون
مراجعت ، هم ده تىكرار مراجعت ايتىكى كوكل سوميور..
سزك ايشلريكنز نه مركزده ؟.. طوغله فابريقهسى اصل
كىديور. برادرلر نيه سكوتنه وارديلر. واقعا مشغوليتلرى
پك چوقدر. عثمان بك (راشد تاريخى) مطالعه سيلاه ،
اسماعيل بك ده حقوق ايشلريلاه مشغولدر . بشقه يازده حق
شى قالمدى . رسم سلام معلوم . جمله كنزى جناب حقه
امانت ايدرم ايكي كوزم .

متحسرك

۱۳ ل تموز سنه ۱۳۱۰

عبدالغنى حامد

برادرلر ،

طرخان بكى [*] بسكه آره صره كوررسكنز : كورد يىكنز
وقت كنديلرينه تقديم ايتىش اولديغى مکتوبى آلوب آلدقلىنى
آ كلامق ايسنديكىمى لطفاً بريكز سويلرده نهديرسه بكا اشعار
ايدرميسكنز ؟ بومهم برر جادر ، اهل ايتيهك .



[*] ارناود دولت مضمحل سىك ايلك وصوك صدر اعظمى
اولان طرخان پاشا .

پیری زاده ابراهیم بکه :

نور دیدم قداشم ،

ز ناله حقنده برازدها تفصیلاتی واحوال صحیه کز جه
تأمیناتی حاوی اولان ۴ تموز سنه ۱۳۱۰ تاریخی محبتنامه کی
دخی آلام . تشکر لر ایدرم . مملکت مزه مسلط اولان
آفتلر الویر میورمش کی ، شمدی ده زیر زمیندن آفات
سماویه ظهور ایدر اولدی ! ادر نه ده قولرا باشلامش ، بوده
موجب تلاش بر خبردر . عالمک صوگ کونلری می تقرب
ایتدی ، نه در بیامم ! .. بورایه ده بن کلدیم کله لی همان هر کون
یاغمور یاغیور . لوندردنک مشهور عالم اولان موسمی پک
ردیل برشی اولدی .

تلغرافی آلمشسکیز . مکتوبه خبر ویردیککز حالده
بالطبع تلغرافه جواب یازمغه حاجت کورلمز . بنم ایشلرم
بوزلمغه باشلادی . سزکده تخمین ایده جککیز وجهله
پاره لری حد ختامه رسیده ایلدکده آنکچون . تزید معاش
مراجعاتنه باشلادق بیله . لکن تأثیری اولیور . مملکت

مکتوبلر

بو قیش نصل ایدد جکسکز؟. قوناغه کیدد جکمیسکز؟..
بیلم بزمکیلر نصل ایدد جکلر...؟

عثمان بکک کوزلرندن اوپرم. اسمعیل بکک کذلاک .
وهانکیسنت یکی چیقمش رسمی وار ایسه بردانه ایسترم.
والدهلریکنر عصمتلو خانم افندیلرک و فرحنا خانم
والده مزک وحاجی کامله قاله نیک و جمال فردادینک آللرندن
اوپرم. سائر قاله لرله و آغالو سلام ایدرم . واهال ایتیموب
سوینه کزی رجا ایلرم . بومکتوبمک یازیسنی بن بیله
اوقویه میورم . سز نصل اوقویه جقسکز بیلم !.. بلکه
اوقویه اوقویه بزم یازییه آلمششکزددر . فاطمه خانم
بنم یازیمی اک کوزل یازیلردن دها آئی اوقور . آرتق
سوزی کیورم. برادرم حسنی بکه برمکتوب یازمق ایچون
بونی کسمک لازم کلیور . جمله کزی اللهه امانت ایدرم .
باقی اخوت .

پنجشنبه ۲۶ یاخود ۲۷ تشرین اول سنه ۱۲۹۳

برادر یکز

عبدالحق حامد



پاشا مخبره - موسقوفلرک ون ایکی بیک اسیر آلدقلرینی -
 خبر ویرمش. شیخ شاملک اوغلی [*] اوچیوز کئی ایله
 حربه کیرشمش. فقط آنجق یدی کئی ایله قورتوله بیلمش.
 حاصلی بوایشک حقیقی بزم ایچون پک فادر .
 سزی رؤیاده صقاللی کورددم . واقعا چهره کزه
 یاقشمش، فقط بیلیم رؤیام طوغریمیدر ؟.. اکر طوغری
 ایسه پک ممنون اولمادم . سزک یاشده صقال قویویرمک
 نهدن لازم کلیور ؟.. اکر بوده طریقکزک مقتضیات
 معنویه سندن ایسه بوکنج فکر ایله اوعتیق عاده امتثال
 ایدیشکزی تعیب ایدرم . بن سزی براقدیغم کبی بیقلی
 کورمک ایستردم . شمدی انشاءالله تعالی اورایه کلوبده
 سزی صقاللی کوردیکم کبی آرهدن پک چوق زمان چکمش
 اولدیغنه وکندمک اختیارله مش اولدیغمه ذاهب اوله جغمده
 تأسف ایده جکم ظن ایدرم . بونکله برابر انشاءالله سزی
 آق صقاللی کوریرم دیمکدن ده حکم که بوایکیمز ایچونده
 بردعادر .

[*] غازی محمد پاشا که فریقی اولدقدن صوکره برئیمک
 شامت افتراسیله مدینه منورهده اقامته مأمور اولهرق تقریباً اون
 بش سنه اول اوراده وفات ایتشد . حیتلی برمسلمان و بی نظیر
 برقهрман ایدی . مولی رحمت ایلیمه .

پیری زاده ابراهیم بک :

برادر ،

اون طقوز تشرین اول سنه ۹۳ بر محبتنامه کنزی
آلدم . طوغروسی اثبات محبت ایدیورسکنز . سچیکنز
مشکور اولسون .

مختار پاشا اوتنه کی آجی بی اونو تیرمه دن بر یاره دها
آچدی . دوه بویونی مواقعی ده ترک ایتش . اکر
مشارالیه بویله امداد سز بر اقلورسه طریزونه قدر رجعت
ایتمکه مجبور اوله جت در . بوده طبعی در . زیرا موسقوفلر
اوراده کی عسکر مزك اوچ درت مثلی عسکرله کلیورلر .
چوقلغه نصل مقاومت اولنور ؟ آلاجه طاغده قالانلرک
نه اولدیغنه دائر سفارته هیچ بر خبر کلدی . یعنی او خصوصده
اولان موسقوف تواتراتنی تکذیب ایده جک بر خبر رسمی
کلمدیکندن ایشه مع التأسف صحیح نظریله باقیلیور . یالکز
نم بیلدیکم برشی وارکه بایک آنی سز بیلمزسکنز :
مختار پاشانک اردوسنده بوراده کی - تان - غزته سنک
بر مخبری وار . او مخبرک بر تلغرافنی کوردم . کویا مختار

مکتوبلر

کوندرمدیکنزه شهیدلر کوندرمامکزی اخطارومع
زیاده سزکده اویله رذائل آثار مطالعه سنه تنزل ایتمامکزی
توصیه ایدرم .

مکتوبلرک آچامق تهلهکهنندن امین اولدیغنه حظ
ایتم . استانبول غزته لرندن یالکزی (حقیقت) ه آبونیم .
مدحت پاشا حقنده قوللانیدیغی اسانی - اوتکی بی ادبلرک
نشریاتنه باقهرق - بنده معتدل کوریورم . مبعوثلرک
اتخاب اولندیغی کون بز بوراده ایشی طویدق . شیخ
عثمان افندی یچون استعفا ایتمش بیامورمیسکز !..

ربیعہ ، یاخود رابعہ خانم افندینک بنده آلرندن
اوپریم . بز مکیلر ادرنه دن چاملیجه یه کله جکلرمش . ممنون
اولدم . باقلم ، خلیل پاشا بنی دکشیدیررمی ؟ برکسره
والده کنز حاتم افندی یه سویلسه کنزده ایشی پدر بک افندمزه
آچسه لر . زیرا بنی عزل ایدرلر ه بورجدن طولانی حالم
بتون بتون یمان اولور . بیوکلرک آلرندن اوپریم . اسماعیل
بکک کوزلرندن اوپریم . جمله یه سلام ایدرم . راست
کلدیکنزه سویله یکنز . باقی اخوت .

۵ مارت سنه ۱۲۹۳ برادرک

عبدالحق حامد

مارتده کلدی ها ! الله امثاله یتشدیرسون .

پیری زاده ابراهیم بکه :

برادرم افندم ،

۲۳ شباط سنه ۹۳ تاریخی مکتوبکزی پوسته
کونی آلام. مکتوبلرم سزی نمون ایدیورمش . بنده
سزی بووسیه ایله مخبره آله شیرمش اولدیغمدن طولانی
عرض محظوظیت ایدرم . شوقدر وار که مکتوبلرم
دیدیککز کبی انشا رساله سی ، هر بری ضرورتدن
باحث اولدیغیچون سرنوشت فلاکت آمیزینک برخطرۀ
مکدره سی در .

کاظم [*] بی حیا سنک عجویه سنی دکل ، مدحیه سنی بیله
مستکره کوره جکمدن بو مکتوبی آلدیغکز تاریخه قدر

[*] قویچه نی شاعر کاظم پاشا که مدحت پاشا مرحومک
آورویایه اغترابی وسیله عدایده رک عجویات بی ادبانه سیله اوزمانک
اکبرینه یارانق ایتمشدی . مدحت پاشانک وفاتنه قدر کاظم
پاشانک لسان تعرضی چرپندی ، طوردی .

مدحتی طرد ایتدی ملکمدن امیر المؤمنین ،

نته کیم شیطان جنتدن چیقاردی کردکار !...
بیت کفر آمیزی او عجویاتدر .

مکتوبلر

چونکه یوقدر نقد مزله مالیز حاصل اولمز سه نه وار آمالیز
فاعلات فاعلات فاعل [*]

اولدق آلام فقرايله سرسم نوله یار صونسه بر پیاله سم
فاعلات مفاعیلن فعلین

اشته یوقدر. باقی اخوت. محبت. سلام. دعا.

عبدالحمید حامد

مکتوبی بک افند مزه ویریکیز .

[*] (فاعلات) لر اصلنده اولدیغی کبی یازلدی .



مکتوبلر

بیم ایچون سویلدیکی شیلر صرف هذیاندر. بن آئی برمسلك
صاحبی دکل ایسه مده هیچ بروقتده محمود قدر
اولیه جغمی جناب اللهدن مأمول ایدرم اراذلك تعییبی،
تقییحی تقبیح وتعییب ایتدکلری شیئک محسناندن
اولدیغنی کویسترر .

والده لر کنز حانم افندیلرک و فرحنا حانم ایله حاجی کامله
وجالفر و لعلفر قاله لرک آللرندن واسماعیل بکک کوزلرندن
اوپریم . خواجه محمد افندیئک جبه سنک یقه سنی و خواجه
عبدالله افندیئک انقیه قوطیسنک اوست قیاغنی درخاطر
ایدرك اینکی سینه ده سلام ایدرم . رفعت بابانک ، کویلی
مصطفی اغانک آللرندن اوپریم . بزم حاجی اغالره و نازنین
یوسف اغایه ، بکقوزلی مهران اغایه ، حصارلی استفانه ودها
کیم وارسه هپسینه سلام ایدرم . راشداقدی کویده می ؟
صاغر احمد بک اولمش دیورلر . نصل بزم یازی او قونیورآ .
ای برادر حسنی بک ، بزم بوز کوردلکه حالمز نه اوله جق ؟ ..
بو بزمهم مسئله درکه محضاسندن صورمقله حل اولنور :

حل اولنمز حال مشکل حالمز فاعلات فاعلات فاعل
هانکی ساعت ساعت اقبالمز فاعلات فاعلات فاعل

پیری زاده ابراهیم و عثمان و حسنی بکگره :

۱۷ تموز سنه ۱۲۹۳

برادرلر ،

ایزیلی ، اوفاقلی ، یعنی مفصل و مختصر مکتوبلر کیزی
آلدم . حمد اولسون عافیتده ایمشسکز . بنده ، شکر ،
راحتم . خلیل پاشا کله جک هفته کیدیور . بزینه درال
دده نك دودوکی کبی قاله جغز . سزك مکتوبلرک قیصه -
لغندن شکایت ایدم . زیرا بنمکی ده قیصه اوله جق .
احوال سیاسیهدن یازمامغه مجبور اولدم . بوراچه شایان
تحریر برشی یوق . اخبار عافیتله اکتفا لازم کلدی . بنی
بوگونلرده برازمعذور کوریکز . زیرا بزعاتا مهماندار
اولدق . کیمنه قارشو کیدیورز ، کیمنی شنندوفره کوتوریورز .
آزابه پاردسی وبرمه دن بیقدق . استانبول بکلری ده هپ
پازسه کلیورلر . ادهم پاشازاده مصطفی بك بوراده ایدی .
دون صولره کیتدی . دو قنور آرسیتیدی بك ده یاننده در .
نه دیر سکز !! آرسیتیدی بك خرستیان اولدیغی خالد
شابقه کیمیور . طوغروسی فضیلتلی بر آدم ایمش . محمودك

دارالقون حق فاکولتہ سی ماڈولرن دن محمد جودت بک :

متشکر الطافی اولدیغم اقدام ،
لطفنامه عالیکنزی آلام . آثار نفیسه مجموعہ سی ده
کلدی . کرک بروکسلده ایکن و کرک بودفعہ واقع اولان
بوهدا یای قیمتداری ممنونیتله تلقی ایتمش اوله جعمی البته
بیلیرسکنز . لکن تأسف ایدرم که حال وموقع شو آراق
اثر اهداسنه مساعد دکلدر . مضایقه شدیدہ ایچنده
بولنسدیغمدن یالکنز تهوین حال ایچون بعض جرائد
ورسائله اثرلر، فقط بیوجکه اثرلر ویریورم . بوندن زیاده
تفصیلات اعطاسنه لزوم کورمزسکنز . چونکه دوشونور-
سه کز معذرتمی قبول ایله بنده کنزی عفو ایتکده تردد
بیورمزسکنز اقدام . باقی خلوص ومودت وعرض تبریک
ومحمدت .

بیک : ۱۴ اغستوس سنه ۱۹۱۳ عبدالحی هامر

مکتوبلر

والده جكمزك مزار جنى ياننه تصادف ايدن قويو
حقنדהكى تفصيلاته تشكرايدرم عقدم زائل اولدى. ذاتاً
اورادهكى مزارلرك هر برى بر قويودركه انسان ايچنده
كنديسنى كورر، ماضيسنى، استقبالى كورر، محب و محبوبه.
لرينى كورر، اويله دگلى ؟

اوت بومبايدهكى وبا پك شدتلى، حسنى بك مکتوبندن
عثمان بك بكامعلومات ویرسین. عثمان بك شورايه كيدوب
عاصم بكى [*] كورسون. وحسنى بك ايشنى آندن سؤال
ايتسون. كوزلرندن اوپرم وبونى كنديسندن رجا ايدرم.
اراهيم بك ده، چوجقلىرىنك ده كوزلرندن اوپرم.
بنم حمد اولسون صحتم يرينه كلكدهدر. هوالر ايولشمكه
باشلادى. الله دأئم اده. ديشلرمدن برينى دفع ايتدم.
طاريسى اوتنه كيلرك باشنه. پدر ووالده كزك اللرندن
واتكلرندن اوپرم. ان شاء الله جملة عافيتكنز بر كالد.
ينه جملة كزى الله امانت ايدرم. ايكي كوزم جانم اقدم.

ل ۲۴ مارت سنه ۱۳۱۴ برادر مشتاقك

عبدالحميد مامد

[۱] از ميروالى معاونى ايكن وفات ايدن آتنه سفير اسبق عاصم بك.



مکتوبلر

و موقتاً قونديغىز آپارتمانده دائىمى اقامت جا ئاۋولمىه جىغىدن
 بىشقه بىر مسكن آرامغه مجبورز . آپارتمانك ىرى آيى ايسه ده
 ايكي او طه و برده حمام و كنف آراقلرندن عبارت اولديغىدن
 طار كليور؛ هفتته ده درت بچق انكليز ليراسى و ىر مك ده بار
 كليور . باش كانىك بوراده اولوب اولماسى سياندر . بىم
 خدمت نتابتده بولنديغىم يوقدر . پاشا ايله يال كىز مذاكرات
 و مشاورتده بولنيورز . هر ايشى بىم ايله بالمشاوره كوريور .
 كندىسى غايت نازك و تربيه لى و سويللى برذاتدر . خصوصيله
 كندىسندن طعاميه ده آلميه حق اولور سه م بى سفير و كندىسى
 مستشار عد ايدى جكنده شبيه يوقدر . بكا طعاميه و يروب
 و ىر ميه جكى بو آيك نهايتده بللى اوله حق . صاعلق اولسون ده
 ان شاء الله هر شى يولنه كيىر .

نيسان اوائل ويا اواسطنه طوغرى يالى يه نقل
 ايدىر سكرىظن ايدىر . ناجيه خانم ، حامده قالان ايشلرينك
 تسويه سى ايچون نيسانى ده استانبولده كى اوده چيقارمق
 ايسنيورلرايدى . بىن ده موافقت جوابى و ىردىم . ناجيه خانم
 بيوك والده كىز خانم افندينىك چىن كونيورده يىنه براز زياده جه
 راحتىز اولدقلىرىنى و صكره يىنه ايولشدا كىرىنى يازيور .
 اللهم دن ديلرم كه ايولكارى دوام ايدى .

پیری زاده اسماعیل بکه :

نورعینم قرداشم افندم ،

۱۶ مارت سنه ۱۳۱۴ تاریخلی مکتوبکی اخذ ایله

کسب مسرت و بردرجه یه قدر تسکین حسرت ایلدم .
عافیت بشارت لرندن طولانی جناب حقه شکر و ثنایر و جمله کنزه
دعالر ایلدی . بزدرده حمد اولسون عافیتده یز . نیلی خانم
کودین عودت ایلدی . یازدیغک سلام و کلام لره تشکر
و مقابله ایدر . حسین ده آلار کز دن او پر . حسین سفارتخانه ده
اولدجه مناسب بر او طه یه صاحبدر . پاشا بکاده کندی
او طه سنک یاننده بر او طه ویردی که یالکیز اوتور مغه
و چالشمغه مخصوصدر . لاهیدن کلن معهود صندقلر
و عسکر طاققلری فلان ده یینه او طه مک یاننده بر آراقده
محفوظ بولنیور . اردولر صیغه جق قدر یرم وار دیمکدر
[*] . آحق یتاق او طه سی اولمدیغندن بز خار جده اوتور مغه

[*] قورشوندن کچوک عسکر رسملری وینه آلات وادوات
حربیه مودلر لیه تعبیه و حرکات عسکریه ترتیب و اجرا ایتک
عبدالحق حامد بکک تتره و قتلرنده اک زیاده سودیککی کلنجه لر دندر .

مکتوبلر

قارشيسنده کی دائره یه کچدم. لکن عزت و حکمت بکلرمز [*]
 غالباً قنایه لرك و ماصه لرك اوستنده قان قان مشق ایتشلر که
 بردانه صاغلام ایسکمله قالماش . تعمیر ایتدیرمکه مجبور
 اولدم. بودائره ائی فقط صیجاق . طوغروسى بوموسمده
 چاملیجه اوزلنور. سفیر پاشا [۱] یی دیدیککز کی بولدم.
 نصلسه حکمت بکه توافق ایتماش . بن لساندن ممنونم.
 چونکه هر کسه مساوی معامله ایدیور. باقی سلام و اخوت.

عبدالرحمن هاشم

۷ تموز سنه ۱۲۹۲



[*] صدر اسبق کیچه جی زاده فؤاد پاشا حیدلری

[۱] اسبق باش وکیل صادق پاشا.

مکتوبلر

تقبل ، هیچ برایشه یارامز بر مخلوق دنیایه نهدن کلمش ؟
 اوراسنی الله بیلیر . فاملیامز نازپرور ایمش ، فقط بن
 پرورده ناز دکم ، چونکه نفسی بیلیمکه باشلادیغم زمان
 مشاق سیاحتی تجربه ایتشیدم . ایران سفری بنم ایچون
 برآموزشگاه متاعب ایدی . آلام اغترابه نیچون آلهامدم ؟
 پارس که هر یولده لذاذ وجدانیه نک وطنی در ، بکا غربت
 کلیور . پارس که انوار معارفک شرقه خنده زن استخفاف
 اوله حق بر مطلقی در ، بکا ظلمت کورونیور . نه قابلیتسز
 آدم اولدیغمی کوردیکز می ؟ ... اشته بکم ! آل سکا
 بر مکتوب ... اخشام فهیم وعطا بکلرله اوپرایه کیتدک .
 - فائوست - وار ایدی . بن بوایونی و قتیله - شاتله رو -
 لیریک - ده سیر ایتشیدم . - غرانداو پراده - بشقه اولیور .
 بونی یازیشم باقی ایچون . آم نه اولوردی برابر بولنسیدق !
 درتیوز شوقدر قز هب برلکده چیقیور . باقی کورسه
 چیلدیرد له لریکزی مابیلده کوردیم . افکار می کچن
 کون باقیه یازدم . - پارفوموزه - ویاننده کی شکرچییه
 هر کون کیدیورز . هر کیدشه سزی آکیورم . ترک
 ایتدیککز اوطده عطا بک یاتیور ، بن فهیم بک

یا لکز با ققدن ایسه آلبته بیقار . اوت ، پارس با کر ایسه
 کوزلدر . هم ده سوسلی ، زینتلی در . هم ده معرفتلی ، درایتلی در .
 حسن وزینت جهتلرنجه بکا رسم کلدیسه درایت بختده
 نه صورت ، نه با کردر ، اوکنده رحله استفاضه بر استاد
 ماهر در ، اندام نازینی مستور ایسه اسرار قلبی ظاهر در .
 عشوه دلبرینسی سیر ایده مزسم پند خردمندانه سنی استماع
 ایدرم . وصلت شیطان فرینه قارشی مرارت چش مأوسیت
 ایسم خصلت ملک پسندانه سنه مقابل لذت یاب مأوسیت
 اوله بیلیرم . دیمک ایستیورم که پارسک ذوقیاتندن مستفید
 اوله مازسم معارفندن استفاده ایتمک اقتدارم واردر .

أ کلنجه لی بریده تحصیل ایتمک آلبته تحصیل اثناسنده
 أ کلنجه دوشونمکدن اولادر . بو حالد بکا شویله براستفهام
 مقدر وارد اولمازمی ؟ - مادام که چالشق آرزوسنده سین ،
 پارس کی مشاغل علمیه هریردن زیاده قابل اولان بر
 تدرسگاه عمومیده ایکی اوچ سنه قالمی ایسته مز میسین ؟ -
 حیفا که بوسؤاله ویره جکم جواب برآه یأسه ضمیمه
 - پارسده او قدر قالمه یی ایسترم . نه چاره که ایسترایسته مز
 قاله میه جغم - سوزندن عبارت اولور . یانم کی تحصیل کمالات
 امرنده عاجز ، مرتبه ترقیده بی امل ، جاهل ، استعدادسز ،

مکتوبلر

برسلام بيله يوق . او مکتوبی یازدیغکز زمانده ایسه
 بنم باقیه اولان کاغذلریمی او قومشسکزدورصانیورم . بنی
 قال و قلمه آلمغه نزل بیور مامشسکزه ، غریب قالمش بر مبتلای
 وطنه بومعامله غریبه ویا خیالات ایچنده یشار بروهامه
 بوسکوت توهم افزا ویا اخوان واجباسنه متحسر بر محزونه
 بوتغافل تسلی بر اندازانه لایقیمی ؟ سز گله وداع ایتمه
 کلدیکم ایچون مغبر اولدیکز ایسه اوبایده معذور ایدم .
 برادرانه کورشدیکم احبامدن (صوری وموقت اولسون)
 کوره کوره آیرملق ایسته نم . سودیکم ذواتک اُکسومدیکم
 حالی بنمله وداع ایتیمی در . حتی بوکا مبنی درکه باقی بکک
 بنی سلامتله مک ایچون واپوره کلامسنه برچوق وسیله لر
 بولمش ایدم . آنکله ده وداع ایتدم . مکتوبی اعذار
 مراسم پرورانه ایله طولدیرمیه لم .

پارسه کله لم : بیلیم نصل اولدی ده سز بوراده سکزه ،
 طقوز آی قدر اوتوره بیلدیکز : .. بن نصیب اولورسه
 چوق دورمیوب دونه جکم . صکره نیتیمی دکشدیررسم
 بیلیم آ ! شمدیلک پارس بنم ایچون دکلددر . پارس
 کوزل برقاری ، بنم ایچون برقزدر . یاخود برقزدرکه
 بکا کوره رسم کبی جانسزدر . انسان رسمه یالکزه باقار ،

سامی پاشا زاده داماد شہ یارمی نجیب پاشا

مرحوم :

برادر اعزّتم اقدام ،

بیانہ حاجت یوق ، مخبرہ یہ بو طرفدن باشلامق لازم . فقط بینمزدہ بونوع مراسمہ رعایت مجبورتی کورہم . اوجہتلہ ظن ایتیم کہ بندہ کزہ بر لطفنامہ احسان ایتیم ایچون بندن بر مکتوب بکلمہ مکز اقتضا ایتسون . بردہ پارسہ کلہ لی باقیہ [*] متصل مکتوب یاغدی ریورم . (اودہ بکا ایکی ورقپارہ اوچورمش کہ بری پارسہ بندن اول دوشمش ، بری دہ وصولی تعقیب ایتدی) . بومکتوبلر ایسہ سزک حقکزدہ پک چوق لقلقیاتی حامل اولدیغیچون بر درجہ یہ قدر سزہ دہ عائد اولہ بیلیر . دیمک ایسترم کہ بزجہ رسوم مکاتبہ یہ مراعات لازم کلش دہ اولسہ بن بولزومی اونوتامدم . فقط فہیم بکک [۱] کچن ہفتہ سزدن آلدیغی مکتوبدہ بندہ کزہ

[*] مشارالیک برادری عبدالباقی بک مرحوم .

[۱] صدراسبق صفوت پاشا زاده فہیم بک مرحوم .

مکتوبلر

بیورلدیغنی تصریحاً اشعار بیوررایسه کز ممنون اوله جغمی
انبا ایله اکتفا ایدرم. لطف و کرم و اراده حضرت عجب
محترم افندمکدر.

عبدالحق مامد

۱۷ مارت سنه ۱۹۰۸



صوابندن چوق بر مخلوق اولدیغمی کور یورم. بو حس و بو
اعتقاد ایله تکرار میدان ادبیاته حقیقه میه جغم آشکاردر.
اگر عمرم وفا ایدر، دوران ده جفا ایتمزه مجرد خطیئات
سابقه یی تصحیح ایچون بلکه ینه بعض اشعار و آثار نشرینه
اجتسار ایده بیلورم. مملکتیمزک ظاهرآ خارجده فقط
معنی باطننده دیمک اولان ممالکده ترکلکک، ترک
ادبیاتنک ترقی جهته طوغری آتدینی خطوه لری چشم
افتخار ایله کور یورم. اصلا غروب ایتمامک اوزره طلوع
ایدن شمس حریت انوار غدا بخشاشی قافقاس طاغلرندن
آفاق مظلومه مزه یواش یواش عکس ایتمه باشلادی.
مرکز دائماً ملحقات سایه سنده آبادان اولور. باکو دار
المعلمین اسلامی ذات فاضلانه کزگی یکانه برهادی
فیض بادییه آستانه حمیت فشانه ایکن شاگردان حقایق
داننک انتباهی انک ندای راستی اداسنه وابسته و بناء علیه
بوفقیترک فریاد محبوسانه و مأیوسانه سنی استماع احتیاجندن
وارسته اولمق لازم کلور. باقی هر حالده حصول موفقیتمز
دعاسنی جان و دلدن ادا و باعث مباحاتم اولان حسن
توجهاتکمزک دوامنی رجا وایلروده ایجابنه باقلمق اوزره
بندن نه کبی آثار ونه یولده معاونت قلمیه طلبنه تنزل

لکرینی ادراک ایلهرک هر برینی معنی افنا واهلاک
و شمدیکی کنج و دینج ادبامزک ساحه وجوده کتوردکلری
کنجینه حقایقه غبطه خوان اوله رق کندیسی بالاضطرار
اختیار مسلک امساک ایلشدر . - بو آدمک یازدیغی ترجمه
دکلدر؛ بو آدمک سوزلری آکلاشلماقدن معرادر؛ بو آدم
بعضاً مذاق پرورانه برشی سویلوب طوررکن صاپتور-
کی مطالعاده بولنانلر اولمش ایدی که البته بیلیورسکز.
بوقیلدن تنقیدات اوزرینه ایدی که بر ترجمه حالمده

حسناتم بتون اللهکدر ،

سیئاتمه بو کمرهاکدر ! ..

بیتی ایله ختم کلام ایتمش ایدم .

شبهه یوق که اونواقصک ، زواندک ، اوحشویاتک
ایچنده مصیب و مستحب بعض تلقینات و تنبیها تده اولمی که
ازچوق تقدیر خاص و عامی و خصوصیه ذات فاضیلانه کز
کعبنده ذوات مستوجب المباهات طرفلرندن حسن تلقی
تامی مستلزم اولمش . بورالرینی انکار ایتمک بر نعمت الهیه
اولان موهبه ازیله بی سوء تذکار ایتمکدر . دیدیکم بیتی
بو حسک سائقه سیله یازمشدم . محاسنم خالقه و قبایح
مخلوقته راجع اولمق و ایکنجی حال برنجی تجلی یه غالب
بولمق حسیله کناهی ثوابندن ، یعنی ادبیاتجه خطایی

باکوده دارالمعلمین اسلام مدیری ادبای

کرامدن محمدجودت بک افندی به :

توجهاتيله مباھى اولديغم مير فضائل سمير ،
كثرت مشاغل بوكوندن اول سزه جواب ويره بيلمك
شرقه حائل اولدى . معذرتله مستور اولان بوقصورك
عفو بيوريه جغدن اميم . لطفنامه كزك محتويات محاسن
اياق بنده كزجه بالطبع پك قلبى وصمى تشكراتى
موجب اولديغى كى هم ده برچوق تفكراتى استلزام ايتدى
مسلكم كال واكرم مسلكنه اقتدادن عبارت اولديغى
جهتله تقديرات اديبانه كزه كندى انلرك سايه فيضنده
نائل عدايدرك بوتشكراتى ده انلرك نامنه ادا ايتسه م سزادر .
تفكراته كلنجه كندى كندمه شوايكى سئوالى ايرادايديور :
بنده كز نه ياپدم ؟ بنده كز نه ياپه بيلورم ؟

او حقير و ذليل ، او مأيوس و مليل اثرلرمك محتويات
پر حشوياتى ايچونمى بوتقديرات و تبريكاته مظهر اوليورم ؟
انلرك مؤلف عاجز و ناچيزى مرور زمان ايله دكر سز -

مکتوبلر

مصون قاله جغه اعتماد ایتمکزی رجا ایدرم . رسمه کلنجه
بك اوغلنده کی عبداللهده بولنندن بشقه رسمم اولمدینی کی
یکسنی آلدیرمغهده اوشندیکم جهتله اورادن بر قوپیه سنی
استحصال بیورر سه کز ممنون اولورم . پدر پاشا حاضر تدرینه
عرض اخلاص واحترام ایتدیکمک تبلیغ بیورلمسی منوط
همم علیه کز در افندم .

۳۰ کانون اول سنه ۱۳۱۴

عبدالحق هاسد



ابن الامین محمد و کمال بک :

نور عینم عزیزم افندم ،

التفاتنامہ لریکڑہ جواب ویرہ مدیکمدن طولانی
ایتدیککز ستملردن پک متأثر اولدم . کیمسہ ایلہ مخابرہ
ایده مدیکم جھتلہ احبا و اخوانک جملہ سندن بویولده ستملر
کلیور . کرک ذات عالیکڑہ و کرک سائر ذوات کرامہ
جواب تقدیم ایده میشم اول امرده عدم انبساط مزاجدن
و ثانیاً مجبور ایفاسی اولدیغم وظائف رسمیه یومیہ نک
اکالندن صکبرہ استراحتہ احتیاجدن نشأت ایدیورکہ
بونک نہ دیمک اولدیغنی پک اعلا آکلار سکڑہ . اورادہ کی
برادرخانہ عاجزی بی تشریف کڑده سوال ایده جک
اولور ایسہ کز عائلہ مز افرادندن بیلہ کیمسہ مکتوب
یازمدیغمی و مکاتبہم بیوک برادرملہ تعاطی اخبار عافیتدن
عبارت اولدیغنی البتہ کتم ایتزلر . زیرا آنلردن ده
دائماً ستم و سرزنش طویبورم . الحاصل بندہ کزی
معذور کورمکزی و حقمدہ کی توجہات کزی مع التشرک
تقدیر ایلہ ذات عالیکڑہ اولان خلوص و محبتک خللدن

مکتوبلر

زیاده اوله رق علاوه مطالعه ده بیوریلورسه اشته
اوزمان حقیقه سیمک مکافاتنی کورمش اولورم . باقی
اخلاص و اخوت . [*]

جمعه ، ۹ حزیران سنه ۱۲۹۴

[*] بو مکتوب رجائی زاده اکرم بک مرحومک اوراقی
آراسنده امضاسز اوله رق ظهور ایتش وقارشیننده کی صحیفه ده
(لازمسه غزلندن بوراده ظهور ایتدی) سرلوحه سیله برغزل
کورلشدر . غزل اخیراً طبع اولنان (الهام وطن) ده مندرج
بولندیغندن بورایه نقلنه لزوم کورلدی .



رجائی زادہ اکرم بک :

معروض فقیرانہ مدر،

آثار عاجزانہ می مشمول نظر التفات ایدنلردن
اولدقلربی بیلمکله مفتخر وحق فقیرانہ مدہ مبذول اولان
نعم توجهات کریمانہ لرینی بشقه صورتله تحدیثه غیرمقتدر
مفتونان فضیلتلرندن اولدیغم ایچون یکی طبع ایتدیرلمش
اولان - نسترن - ناملی رساله می طرف دولت لرینه تسیر
ایدیورم . مأمول ایدرم که سائر نشریات شاگردانه مک
ذات والای استادیلرندن کوردیکی آثار التفاته بودفعه کی
تجربه قلمیه مدہ مظهر اولور .

- نسترن - مدللایه دخی کیده جکدر [*] . باقالم
اوراده نصل تلقی کورر . پک زیاده مشغول اولدقلری
برزمانده بوجسارتم محض تصدیع ایسه ده ینه اوزمان
مشاغله بنده کزک یازمش اولدیغمه ترحمأ ذات دولت لری ده
اوقومق زحمتی اختیار بیوررسکزر .

[*] یعنی نامق کمال بکده کوندربله جکدر .

مکتوبلر

پارسده در. کیمک برکیتلی ایرادی وارسه او آدم جنتک
عد اولیور. بو حالده بزم سفارتی غیا قویوسی عد ایده.
جکلرنده شبهه یوقدر. خلیل پاشا کلسه ده سفارته یمک
چیقارسه دیه بکلیورز. هیچ اولمازسه زفتلنمک غائله سندن،
یعنی یمک پاره سی آرامق زحمتدن قورتولیردق.

کچلرده برسالنامه ایستمش ایدم. برادریم بک افندی یه
سویلیکیز.

آرتق سوزی کسه لم. هانی آخشام طعامندن صکره
سزه بعض کره بر پینتی لک کلیردی ده شطرنج اوینارکن
بی باغرتیردیکز، خاطریکزه کلدی یا! اشته بنده پنجره لری
آچوبده اوتوردیغم کوندنبری طبق اوילה پینتی اولدم. بر
طرفم طوتمیور. رسم سلام معلوم باقی اخوت.

۱۷ مازت سنه ۱۲۹۳

پکده ای بیلیموزم، بوکون جمعه.

برادرک

عبدالحق حامد



بندن حوادث ایستورسکیز . نه یازیم ! برطرفه
 حقیقه میورم که کوردیکمی یازیم ؟ یالکز کچن کون
 سفارتک بغچه سنه چیققدق . بهارقوقوسی بهارمزی باشمزه
 چیقاردیغندن دلی کبی قوشدق ، یورولدق . ایکی کوندر
 دیزلرم آغرییور . بهارمن بخار اولدی . دون صباحده
 یتاقدن قالقدیغمده قندیلی قوشش بولدم ، قیزدم . اوطه نک
 هواسنی دکشدرمک ایچون نجره لرك هپسنی آچدم . براعلا
 صغوق آلام . شمدی بلیمی قلداته میورم . اشته زکوردلرك
 اکلنجه سی بویله اولور . یعنی اکلنجه لرمز هب سفارت
 داخلنده در . سوقاقد ، یعنی خارجدده هیچ برشی یاپدیغمز
 یوق . تیاترولرك ، بالولرك قپوسندن باقوب مایوسانه
 عودت ایتمکه اکتفا ایدیورز . سکونت دنیلان حالیده
 حقیقه کوره حکم کلدی . انسان نه طرفه کیتسه برنهر
 شارلیسی ایشیدیور . بوده آراهه کورلیسی در . اشته
 بومدنن وضعی مملکتک انهارى بویله در . قوشلری ده ،
 موزیکه آلاتی در . کلیسالدن زیاده بانقه لری مقدس
 بیلیورلر . پاپاسلری صرافلر ، معبودلری ده پاره در . طبیعت
 دنیلان صانع ازلی بصیر اولسه بومملکتک کندی آتاردن
 اولمادیغنی کورردی . فرانسلرك جنتی ده ، جهنمی ده

برادرم بك افدينك كوندرمش اولديغنى اشعار
ايتديككز درت ليرادن خبرم يوق . يالكز اوچ دانه
شمندوفر حصه سى يوللامش كه بوراده برپاره ايتديكيچون
بو هفته ينه اعاده ايدورم .

مجلس اعيان بر طاقم عليل وسقط اعضاسيله عادتاً
برخسته خانه . آنك ايچون اولملى كه برقاق ده طيب بولنديرمق
ايجاب ايتمش . حاصلى ملت مجلسى نه قدر مستعد آملره
مالكسه بو مجلس او قدر ايشه ياراماز حريفلرله طولمش .
بونكله برابر مجلس اعيانده ده اوچ درت كشى واركه
معلوماته شهرت بولمش بيلورز .

برادرم بك افدى ايچون استانبولجه بر مناسب مأموريت
بوله جق بك چوق اصحابمز وارسه ده بيلمم كه قدر مى مانع
اوليور ، نه در ؟ بردرلو صحابتلرينك ثمره سى كورليور .
مدحت پاشانك عودتى شمدليك متعسر كي در .
كوزل اميدلر ا كثر يا حصول بولماز .

ظاهر ملا افدينك خلايق نمونه سى اولمق اوزره
ايتديكي ببك هنوز دنيايه كلامش . آنك طبعنه موافق
بردانه بولنمق ايچون جناب حقك يكيدين بر عالم خلق
ايتمى لازم كليز .

بیری زاده ابراسیم بکه :

ایکی کوزم برادرم ،

۹ مارت سنه ۹۳ تاریخی بر مکتوبکزی آلدیم .
حاوی اولدینی حوادث و مباحث ممنونیت فوق العاده مه
باعث اولدی . (بصیرت) لرده آریجه تشکر ایدرم . نطق
همایون اولدجه مطلوبمزه مقرون کورونیور . مع مافیه
آندن دها کوزل اولمقده ممکن ایدی .

اذرنده کیلر چاملیجه یه کیتمش . سزده یالی یه نقل
ایتمک اوزره ایمشکنز . الله جمله کنزه عافیتلر احسان
بیورسون . طوغروسی او طرفلری پک آرزو ایدیورم .
اویانق ایکن پارسده ایسه م ، اویقوده دایما استانبولده ایم .
کوندوز اجنیلرله ، کیجه لری ده سزکله کوروشیورم .

آه خلیل پاشادن بنم ایچون برمساعده استحصالی
اولسه ده ایکی آی قدر استانبوللی اولسه م ! ... بومساعده نک
خلیل پاشادن اورا جه استحصالی ممکن اولدینی حالده دریغ
بیورلماسنی برادر بک افندی یه یازدم .

ابن الامین محمود کمال بک :

معروض عاجزانه مدر

مأموریت جدیدہ عاجزانه می [*] تبریک ایلہ تأیید بنیان
مصافاته واقع اولان هم والاری اوتہ دنبری مشاهدہ
آثاریلہ مباہی اولدیغم محاسن توجهات علیہ لرینک نوید
بهینی اوله رق ممنونیت مخصوصہ ناچیزانه می مستلزم بولنمش
ودعای دوام عمر و عافیت ادیبانه لری بو وسیله ایلہ دخی تکرار
قلنمش اولدیغمک و پدر پاشا حضر تلرینه ده عرض تشکرات
و تعظیمات ایلدکده اولدیغمک اشعارینه مسارعت ایلرم. لطف
واراده اقدمکدر .

لوندردن ، ۲۳ نisan سنه ۱۹۰۸
عبدالجبار صامد



[*] مادريد سفارت سنيه سی - که کیتمه دن بروکسله تحویل
ایتمشدی .

مکتوبلر

شمديلك كمال تحسّر و كمال حرمتله اللر گدن اوڤرم بنم محترم
برادر اكرم افندم .

۱۷ تشرین اول سنه ۱۲۹۸ برادر وجدان برابرک

عبدالحمید حامد

لھامشی

يازم اوقونمزالده . تبییض ایتک لازم ایدی . فقط اوزمان
بلکه ایکی اوچ آی دها اوزار ایدی . یازینک فناغنی عفوایت .
افاده مک فناغنی معذور کور . زیرا عقل وفکرم پریشاندر .

مکتوبلر

(نسترن) حقنده کی مطالعه کک اصابتی آگلادیغمدن
 بحث ایدیشم جمیله فلان دکل، حقیقی بیاندر. مطالعه ک
 عمومیت اعتباریله طوغریدر. برایکی یرده حقسنزلق حالا
 کوریورم. لیکن برایکی یرده. خزینه یه [*] ویرلسه استفاده
 اولنوردی. اما ایسته میورسین. بزم - برو اعظم برمو عظم -
 منظومه سنک همیچ برینی دکشدر مامشسین. باصلمش
 کورددم؛ فقط معارف برباد ایتمش. نصفندن زیاده طی
 اولنش. صکره دن کوندردیکم - ماضی یولجیسه آتی یولی -
 نک ده تجلیسی اوילה اولمق ایتمش. بیلسیدم ترجمان حقیقته
 کوندرمه کی رجا ایدردم. چونکه مدحت باصدیرردی.
 آرتق سوزی کسیورم. یقینده ملاقاتمزی امید ایدرم.

راسین Jean Racine فرانسز قلاسیق ادبیاتنک مولیه
 وقورنه یله برابر الک بیوک شاعر تماشانویسی در. اثرلرینک
 موضوعنی انتخاب ایله طابع اشخاصی تصویرده فوق العاده
 مقتدر و مکملیت لسان خصوصنده عادتاً بی نظیردر. یونان قدیم
 ادبیاتنک طرز اکمل انشاسنی ایکی بیک سنه صوکره احیا
 وتجدید ایدن شعرای متأخره نک اعظمندن عداوانور. ۱۶۳۹
 سنه سنده تولده ۱۶۹۹ ده وفات ایتشدر. لسانمز، بر چوق
 مخلصات ادبیه کی، راسینک آثار مترجه سندن ده بو گونه قدر
 محروم بولنیور.

[*] خزینه اوراق مجموعه موقوتیه سی.

قفيه الغا اولتمز . سزك بيله او قدر اشتها ركزله برابر
اثر كزه اقتفا ايدنلر بر اقلیت دكيدر ؟

ناقص حالده ورساله شكنده طبع اولتمشدر . وولترك ديكر آثار
مهمه سيده اصلنه لائق صورته لساعزه نقل ونشر اولنسه
عرفان مليزه پك بيوك خدمتلا ايدلش اولور .

قورنهي Pierre Corneille ۱۶۰۶ سنه سنده تولده
۱۶۸۴ ده وفات ايتمشدر . فرانسز فلاسيق ادبپاتنده اك كوزل
ابداع تماشا ايدن شعرای ثلثه دن بری عد اولنور . يونان
ولاتين ادبيات قديمه سيلاه برابر اسپانيول آثار و مآثرينك ده
قورنهيده تأثير بارزي واردر . لوسيد ، هوراس ، سينا ،
بولوق كبي آثاريله فرانسز تماشاسنك تحكيم اساسنه چالشدی .
وموفق اولدی .

اواخر عمرنده ايكي اوغلانی غائب ايتمشدی . بومصائبه عائله جه
اولان بعض اختلافات ده انضمام ايدترك ، قدرت ابداعيه سنده
بردن بره انحطاط و تدني كورنمكه باشلادی . هله نسل تالی
متصلفين صنعتك قورنهي حقنده كي كفران تقدیری بيوك شاعرك
ويچاره آدمك صوك كونلريني اولادينك مائه ضياعندن زياده
تأليم و تظليم ايتمشدی .

آثارينك موضوعلريني مناقب قهرمانانه تشكيل ايدر . لسان خصوصاً
سنده اوقدر اعتنا كاردكلدر . بووالو وراسين كي اعظم معاصرني
قورنهي حمايه و مدافعه وظيفه سنده پك بيوك همتلا كوسترديلر .
بوكون محقق اولان بر شي وارسه او ده قورنهيك فرانسه يه
وعالمه شرفبخش اولان بر شاعر اولديني در .

قالقشه جق اولور سه م كلك ، سنك آثار كز ميدانده طور ر كن نه اهميتي اولد بيلير ؟ . اهميتي اولسه بيله اصغا اولمز ، شعر دن ده

صعود ايده مامكه برابر ، زمانك ادبي ، حكيمى ، فسفى ، سياسى ، تاريخى ، دينى ، اجتماعى هر حادثه سنه صلاحيت وقوفيله مداخلة ايده رك صدای حا كفى هم مسمع حانه ، هم صماخ استقباله ايصال ايتشدرد . خصوصيله استهزائى بنیان اباطیلی اساسندن صار صه رق بر قسمنى زبر وزير ايتدى . بونك ايجوندر كه لو ترك دينده ايقاء ايتديكى انقلابى ، وواترك فكرده ابداء ايتمش اولدينى ادعا ايدلسه مبالغه اولماز .

عمر ميدينك قسم اعظمى دغدغه كونا كونا ايله امصار و هر برى عصر ينك سيمای ضلالتنه برر لطمه ايقاظ اولان اثر لريله تخليد نام ابد اشتهار ايتد كدن صوكره - ونهايت - مستحق اولدينى تجليل وتكريمى كوردى . و وطنداش - لرينك نوازش احترامى صوك كونونينى تسليه وتسرير ايتدى .

و فتندن يكرمى بش سنه صوكره طوغمش اولان ويقتور هوغو ، وواترك پك خار حيرانلرندن ايدى . يوزنجى سنه دوريه ارتخاى مناسبيله انشاد ايتديكى نطق بليغده ويقتور هوغو وواترى جناب مسيحك پيه بلندينه اصعاد و برينك ضلال وخسران آدمه قارشى كوزلرندن دو كولين رحم و شفقت ياشريله ديكر ينك - ينه انسا - نرك جهل و غفلتى استهداف ايدن - ابتسام استهزاسنى كازار بشر يتك آب وتابنه عين درجه ده خادم اعلان ايدر . بو نطق اوتوز سنه قدر اول عايت كوزل صورتده فقط بعض اقسامى اوزمانك ايجانجه - واکر تعبير جائز ايسه (سانسور زده) اوله رق -

الغایه قیام ایتسه ینه مثمر اولمازایدی . چونکه ادبیاتده
او قدر نفوذی یوق ایدی . بوکون کذلک بن او یله بردعوايه

فرانسه یه بر حمله عرفان و بشقه برحالت فکر و وجدان ايله
عودت ایدرک مخلصاتی پیدرپی ابداع و نشر ایتکه باشلادی .

انکلترونک، اسم و اثرلری اوزمانه قدر مانش دکیزینک بری
طرفنه چماش اولان، اعظم حکما و شعراسنی و بالخاصه شکسپیری
فرانسه یه ائ اول طانیدان و ولتردر . یازیلرینک ، خصوصیه
دیانت مسیحیه تعلق ایدن اقسامنده کی ، تعریضات ظریفانه سی
وطنه و جهان انقلاب و یرمک ایچون یرادلش اولان بوبیوک
آدمک حضورینی اخلاص ایدیوردی . اکثر اوقاتی پایتخت
خارجنده اصرار ایتدکن صوکره (بیوک) قبیله اشتهار ایدن
پروسیا قیرالی ایکنجی فرهددریقک دعوتی اوزرینه برلینه کیده رک،
سراینده اوچ سنه اقامتکزین اولدی .

بعض معایجویان مورخین - که بزم جلال نوری بکده بومیانه
داخلدر - وولتری (فرهددریقک طالقوغی) دییه تدلیل ویا
تهزیل ایتک ایستلر .

وولتری طالقواق قلی ایتدکن ایسه، فرهددریق وولترک
کاسه یس عرفنی صورتده کوروب ، کوسه ترمک دها زیاده
منصفانه و قدرشناسانه اولمازمی ؟...

مع مافیه قرال اولان فیلسوفله حقیقی فیلسوف آراسنده
اساسلی و دواملی برتوافق حس و فکر حصول پذیر اوله مدیغندن
آز زمان اینجده قلبا و برار صوکرده ده تماماً آیرلشلددر .

وولتر تماشا نویسکلده مولیه ر، راسین و قورنهی درجه لرینه

موزیقاللردخی خصوصی محللردر، عموم ایچون اولان قافه شانتانلردن دکل؛ یعنی هربری شعرايله موسیقینک عقد اخوت ایتدیکی بردرسخانه ادا بادر. بونلرایسه قافیه سز شعری طبعیلک نقطه نظرندن باقه رق بکنیرلردی ظن ایدیورم . (اون سکزنجی عصرده برآراق منظوم تیاترو یازلمسنی منعه قالدیلر) دیورسین . بوتشبت فرانسه ده حالا باقیدر . او عصرده ایسه بوکا وولتر مانع اولمش دیورسین . ظن ایدرم که وولتر دن [*] زیاده قورنه ی له راسین ک (وولتر دن سوکره کی حشیله ره مهاجعت) آثاری مانع اولمشدر . حتی وولتر قافیه یی

[*] وولتر Voltaire جهان تفکر و تحریرده اک بیوک انقلابلردن برینی وجوده کتیرمش اولان فرانسه ز اعظم ادبا و حکما سنندر . اصل اسمی فرانسوا ماری آرووه François Marie Arouet ایکن یگرمی یاشنده (وولتر) نامنی اختیار و بو نام ایله اشتهار ایتدی . ولادتق ۱۶۹۴ ، وفاتق ۱۷۷۸ سنه سنده در . خرافات خرستیانیه نك خصم هادی اولان وولتر ، غریبدرکه ، جز ویتلرک مکتبنده تحصیل علم ایتشیدی . کنج لکنک ادوار اولیه سنی ولوله دار بر صورتده امرار وهنوز کنج ایکن ابداع ایتدیکی آثار منظومه و منشوره ایله اشتهار ایدره ک ، بویوزدن حبس و ضرب کی جزالرده دوچار اولدقن سوکره لوندره یی دارالامان اتخا ایتدی . انکلتره نك پایتختده کچریدیکی اوچ سنه وولتری فوق العاده اکمال ایتشدر .

موفق اولورسه نه اعلا ! اوله مازسه قیامت قوپمازا ..
 بویولده چوق سیرم وار که دها باصلمادی . یالکز بردانه سنی ،
 ان اوفاق بر پارچه سنی خزینه اوراته یوللادم ، نمونه اوله رق
 دکل فقط . چونکه ان بکنمدکبر مدند . اسمی یا خود عنوانی
ملکودن **فلینیه** بر نظر در . اکر طبعلرینه خوش
 کیرسه با صارر ، کورر سین . شو بن سکا چون نسبت جهتی
 آرایه جقمشم . بوراسنی اکلایه میورم . قافیه سز منظومده ،
 منظوم غیر مقفاده باقیورم که هیچ بر اختلافز یوق .
 چونکه سن (مقفی اولیان منظوماتک سوز اعتباریه
 مردولو لطافت و مزیتدن خالی بولنه جغنی سویلدم)
 دیور سین ، و سویلیور سین . آنحق غیر مقفی منظومک منظوم
 مقفی قدر خوشه کیتدیکنی سویلیور سین که بنده عینله
 بوفکرده یم .

زیاده اوله رق به خوشه کیتما مک حالی مألوفیت
 ایجابیدر دیمش ایدم . موسه نک مجالس ادبیه سنده
 قافیه سز شعرلرینی بکنانلرک اوتوریتهلرینی [*] بنده بیلمم .
 بیلمکده زوم کورم . زیرا شعرلر موسه نک ، دیدیکم قولسر

[*] Autorité قدرت ، صلاحیت حکم .

پروژ[*] - آن ور - [۱] یولار نندن بشقه برده - آن ریم [۲] -
 یولی وار. بونک - آن وور - ایله بر معناده اولوب اولمدیغنی
 پارسده ایکن آئی تحقیق ایدم دیکمدن شهه دن قور تو لمامشدم.
 هر نه ایسه ، نه اولور سه اولسون (ترکجه ده بونلردن بشقه
 مقفی نامیله بر - ژانر [۳] - ده ا احداثه ده چالیشور سین.)
 دیور سین . احداث بنم ایشم دکل اما ، احداث اولنسه
 فامی اولور ؟ احداث اولنسه ده - منظوم و منشوردن
 فضله اوله رق - اسمنه مقفی ، یاخود مهجاً دنیاسه
 اولمازمی ؟ بکا قالیر سه هجایی ده اون بشک خارجه حیقما مق
 اوزره تحدید ایتسه ک ، یعنی تعداد هجاء کلفتنی تخفیف ایله
 او یولده یازیلان بر شیئه یالکیز مقفی دیسه ک خوش اولور.
 (ا کر مه نسبت ایچون بر امر مهمه مخالفت حامده
 چسبان دوشرمی دیر سک ؟ ..) بو نصل سوز قرداش !
 ینه می و همه باشلادک ؟ .. بنم مقصدم - استه سکا ایچسده کنی
 سویلیم - هجایه ده پک اعتبار ایتیه رک نثر ده بکزه مامک
 شرطیله مقفی نامنده بر - ژانر - احداث ایتکدر .

En prose [*] نثرأ .

En vers [۱] نظمأ .

En rime [۲] مقفی .

Genre [۳] نوع ، طرز .

مکتوبلر

بتیردکن صکره پشیمان اولیورم . فقط ندامت نه باشلا .
 دقدن صکره دوامه، نهده بتیردکن صکره طبع ایتمه
 مانع اولیور . ضیا پاشا ایچون بو حال بلکه برمانعه اوله
 بيلمشد . بوراده ضیا پاشا ایله مقایسه نفس ایتمکده بر
 مبالغه شاعرانه یاپیورسه م عفوایت . قافیه سز بر منظومه یی،
 هانی او چوجغاك [*] منظومه سنی بکندی کمی سویلشدم .
 مقفی اولسه ده ا زیاده بکنه جکی سویلشدم . مقفانك ده ا
 زیاده خوشمزه کیمسی اعتیاد بلاسی دکلیدر؛ اسکی شعر، اسکی
 یولده شعرا یمش، یعنی هو مرک یازدیغی ده قافیه سی اولدیغی
 خالد شعرا یمش . صکره بر قافیه بدعتی چیقمش در . قدما نك
 موزون و فقط غیر مقفی اولان سوزلرینه شعر دیما مك جائز
 اولور می ؛ مقفی شعر ده ا پارلاق اولدیغی ایهام ایتمش ایدم .
 اوت، ده ا پارلاق اولور . فقط قافیه سزی بکا ده ا طبیعی کلیور .
 بونکه بر ابر قافیه سز هیچ بر شعر سویلد بکم یوقدر . یالکنز
 قافیه سز بر سوزك موزون اولدیغی چون شعر اولدیغنه قائل
 اولورم . قائل اولمق ده دکل، انکار ایتیمورم . منظوم دیدیکك
 نستر نك موزون اولدیغی سن ده مو آخذه گده میدان قویمش
 ایدك . (کافئه السنه ده آثار قلمیه نك انقسام ایتدیکی نوعلر
 نثر یله نظم دن عبارت ایکن) پك اعلا لکن فرانسز جه ده - آن

[*] برنجی حصه ۱۹۳ و ۱۹۵ نجی تحویه تلریه مهاجعت .

آنک طبعندن مؤلفله مترجمک روحلری شاد اولمامشدر .
اونه در اویله الله عشقنه ! .

ابن کمالک حالی ده معلوم . (آنک حقندن ابوالضیا
کلسون ، بزم نه مزه لازم دیورسین .) طوغریدر .

طور باقهیم ، یینه تارتوف ترجمه سنه کلیورز غالباً . بنم
دیدیکم تارتوف بر اثری حقیله ابتدا نثراً ترجمه ایتدکن
صکره آنی تقفیه ده ضیا پاشا ایچون بر کوجلک
یوقدر دیمک ایدی . بونده استنادم پاشا مرحومک
اجتهادینه دکل ، پاشا مرحوم حقنده کمالک اعتقادینه در .
چونکه مرحومی بن ائی بیلیرم ، فقط ائی طانیمام . مع
مافیله سوزم بر ادعا دکل ایدی ، حسب حال ایدی . بوکبی
مسائلده سکا ابن کمال قدر دکل ، بلکه ده کالدن زیاده
اعتماد وارددر . چونکه بعض کره کمال بر آدمی خاطر
ایچون ده التزام ایدر . (ضیا پاشا ترجمه یی بتیردکن صکره
پشیمان اولمشدر) دیمکدن بطائت تمیز اسنادی حقیقه جغنی
دوشونه مدم . بعضاً بنده واقع اولیورکه بر اثری یازدیغمه
هم باشالادقدن صکره ، هم یازدیغم صروده ، هم ده

لسانمزه نقل ایتمش و فقط باصدیرمامشدی . وفاتندن صکره ایکی
دفعه طبع اولمشدر . بو ترجمه نیک انتشاری اوزرینه اوزمانکی
مطبوعات عثمانیه ده بر جوق مباحث و یا قیل و قال تکون ایتشیدی .

باقینک [*] اسلوبی سن ده بکنمکه باشلادگی؛ دیدیکک
کبی او چو جوق قلمنه صاحبدر. یازدیغی شیلرک چوغی مترجم
ایسه ده اسلوب و افاده سی دائما کنديسنکدر. بنم کبی ایجاد
تقلیددن کیتدی. چونکه بن تقلید ایله باشلادم. شمدیکی
چغیرم بشقه در ظن ایدیورم، اما ینه پک امین دکم.
اوراسنی سز بیلیر سگزر. سزانی کمالک شیوه سنی تقلید ایدیور.
ایلریده اوده دکشدریر البته.

سامی پاشاده آجنه جوق حال شبهه یوق که او یله اختیار
برادیبک زوالیدر.

ضیا پاشا-انک تارتوفنی [۱] کورددم. ظن ایدرم که

[*] سامی پاشا زاده باقی بک.

[۱] تارتوف Le Tartufe فرانسه نك اك بیوك شاعر
عاشا نویسی اولان مولیه Molière ك بش پرده لك بر اثر
منظوم و مقبولیدر. اك اول ۱۶۶۷ ده واون دردنجی لویتهك
حضورنده اویناندی. صاف برقادیكك حسیات دیندرانه سندن
مراثی برزاهدك ویا - تعبیر جائز ایسه - متراهدك نصل ردائتکارانه
استفاده ایتك ایستدیكنی اوائه ایدر. اثرده کی بالعموم اشخاص
ایله تصویر اولنان خصائل و خسائس جانلی و واضحدر. (تارتوف)
ادبیات بشری نك انافس آثارندن بری عد اولنور.
بو اثری ضیا پاشا مرحوم پرمق حسابیله و غیر منفی اوله رق

ريزه نك جهال و متعصبينى پوتيده آرانپور ديه بيليرم.
امين اول كه روسيه حكومتى متفرعات اداره ده بزدن بتردر.
روسيه استبدادك حكومت و بلكه تغلب ايتديكى بريردر.
ناپوليونك الكمدنى بر موسقوفى تشريح ايتسهك بر قزاق
سواريسى كورورز، ديديكى اصح نقول واحق سيردر.

ايكنجى مکتوبمده سندن جواب آلمديغمى برلندن
كاغدى آلدقن صكرهيه تعليق مخابره ايتديكه حمل ايلش
اولديغم حالده آلت طرفده ستم سويلديكمى غربب كوريوسين.
اوستم نصلسه قلمك اغزنندن قاچويرمش. كوكلدن چيقمه
بركتابه دكادر. عفو ايدرسين.

زو كوردلك سائر علل ساريه كى دكلده همزى بردن
اولديره جك ديورسك. اشته بنده اويله كوريورمده هپ
برابر اولمك ايچون استانبولده بولمق ايتيورم. چونكه
روسلر ايچنده زو كورتلكدن اولمك عييدر. بنسه دنياده
تركلرك لكه سنى تميزيه جك شى اولمكدن اعتقادنده يم.
استاد محترمله يوقارده ديديكيم كى بزم مخابره وجداناً
اوليور. خزينه اوراقك برقاج نسخه سى آله كچدى.
سنگ لافونتن پك خوشمه كيديور. شناسينك اويولده
شيلرينه بىم نظرمدده برقاج كره مرجدر.

سَنَك سَعْدَالله بَكه [*] اولان تعلیم ادبیاتکی بزم
همشیره [۱] پَك ایستوردی. اكا کوندردم. البته طارلمز سین.
اكا نسبتله سَعْدَالله بَك استاد ، سَعْدَالله بَكه نسبتله همشیره
شا کرددر. بر ائردن استفاده نی ایسه استاددن زیاده شا کرد
ایدر. مشارالیه اووقت یازوبده بکا ویردیکک مکتوب
ضایع و یاخود غائب اولمدی. اما بنده در. آرتق بزم
تصرفه کچدی صابلور، او یله دگلی:..

ریزه نَك مواقع طبعیه سی، هانی اوسنك دیدیکک کتاب
طبیعتك اَك معیندار محتویاتندن اولان اورمانلر، فلانلر
بوراده یوقدر. بوراسی طبیعتك دائمی صورته ایچنه
ایشه مکده اولدیغی بریتاقدیر، تعبیری معذور اوله. کوروبده
سودیکم یرلر، دوشونوبده بکنس دیکم موقعلر کوزمك اوگنه
کلمسه بزم ایچون بوراده توقف ممکنمی اولوردی:.. هیچ!..
اکرم، سنده طبیعتك بدايعندن وقدرتك اَك کوزل
صنایعندن سین. سنکله او یله بریرده بولمغه بزم ایچون لزوم
یوقدر، سنکله بولمق کافیدر.

[*] سَعْدَالله پاشا.

[۱] اوصرده بیوک برادرلری نصوحی بکله برلکده ریزه ده
بولان عبدالحق مهرالنسا خانم افندی.

دوشدیکم کوندن بری مستقل اولمش بر مسافر کی اوتور یورم .
 استیدان تشبثلرینه کلدیکم کون ابتدا ایتدم . هراستدیکمک
 عکسنی ویرن طالع ، یاخود تصادف ، الله ، یاخود انسانیت
 بزدن اوماذونیتی دریغ ایتدی . بر بلایه اوغرام که آندن
 قورتولمق ده بر بلادور . یعنی اذن ویرمیورلر دیه قالقوب
 کیده جاک اولسه م مسئل اوله جغم ، ییللرجه معزول قاله جغم .
 معزول قالمق بنم ایچون آچ قالمق دکلدر . فقط بوغازندن
 کچمیه رک یمیک یمیکدر . حال بویله اولماسه بنم ایچون
 معزولیتدن ، بلکه ده منکوبیتدن بیوک دولت اولمازدی .
 شهنبدرلکم ایچون معاشی آرسه ده سفارت معیتلرنده
 کتابتلره نسبت مستقل کی در ، دیورسین . واقعا غیرمستقل
 دکل ، استقلال تام ایله مستقل ، فقط معاشی ده آز دکل ، هیچ
 یوق ! — چولق چوجقله برابر کلیورم . بونه بیوک سعادت !..
 فقط آنلره برابر مضایقه چکمک ویا مضایقه مه آنلری
 تشریک ایلک نه بیوک مصیبت !.. بوبابده سنکه استانبولده
 سویلشورز . آرتق فراره قرار ویردم . ایسترلرسه عسکر
 فراریسی عدا ایتسونلر . قوقوزلق بر تحف تعیردر اما ،
 آنک آلتدن آخلق دنیلن دهشتلی که چیقیور . بوتحف
 سوزک معناسی پک آجیدر .

مکتوبلر

هانکیکز برنجی اولیورسکیز؟ اوراسنی سن دوشون .
 بورالینی یازدیغم سنک مکتوبکده او قودیغم (بنی او کړند کدن
 صکره حقمده کی غلط نظر کدن طولانی نه دیر سین عجا؟ ..)
 سوزی اوزرینه در . و بوفکرک نه قدر غلط اولدیغنی
 آکلاتمق ایچوندر . (نستر) مسئله سنده مناسبسنزلک
 ایتش ایدم . بونک ایچون او قدر اظهاردامت ایتدیکم حالده
 بردها یوزمه اورمق لایقمیدر ؟ نستر نه یازدیغم مطالعه پک
 طوغری ایدی . فقط الله ایچون اولسون طوغری سویله ،
 یازیشی ده پک طوغری میدی ؟ بعض یرلری تزییف کونه
 دکایدی ؟ اولسه بیله بن او بیله کوردم ، بمله برابر او قویانلرده
 او بیله کوردیلر . آنک اوزرینه معکوس بر جواب ویردم .
 مع مافیه اللهی اشهاد ایدرک سویلرم که او جوابک بر فقره سنه
 سنک ویردیکنک معنی خاطر مه کلامشدی . هر نه ایسه کچمش
 اونودیلور . بن ده هر شیئی اونو تدم . سن بنی عفو ایتدیکنک
 کبی بنم کو کلمده کمالیله تعمیر اولندی . بینلرنده بر مخابره
 وجدانیه موجود اولانلر ایچون بوشیلرک تذکاری ،
 خصوصیه تکراری جائز دکلدرد .

مکتوبکک جوابی بو کونه قدر ویره مدم . نیچون؟ ..
 بیلمز سین دکلی ؟ شونک ایچون که بن بو (پوتی) دنیلان برزخه

اوطه مده قیانونب شعرلر تنظیم ایدر، خیاللر تصویر ایلردم. بیلیم نصل بر قوه ممیزه او یازدیغیم شیلرک سنگکیلر قدر کوزل اولدیغنی بکا تفهیم ایدردی. اشته اوزمانلرده ایدی که سکا بوزلغان کمرنده، حتی کمرک آلتنده تصادف ایتدم. اوزاقدن کلدیکنی کوردیکم وقت (یارب، نصل اولسه ده شوا یچمک سودیکی آدمله الفت ایتسم!) دیمش ایدم. بر بر مزه یقین کلدی کمزده ابتدا سن کوله رک بکا دیدک که - دائما التفات کزده منتظر اولیورم، نیچون دریغ بیور یورسکز؟ - آنک اوزرینه سلاملاشمغه باشلادق. او تاریخ بنم ایچون بر کره کلش بر بیرام ایدی. آندن صکره بهالدین [*] ظهور ایتدی. الفتمزک هم دوامنه، هم تا اکدینه سبب اولان اودر. بن سنک پک بیوک اولدیغنی آکلامش ایدم. وسنکله قو گوشرکن بونی دوشونور ایدم. فقط سن کیم بیلیر بنم ایچون نه دیرک؟ سنکله قو کشمق بکا برادی کتـاب او قومق کبی کلیردی. دیمک ایسترم که اشته اوزمان سن بنم کو کلمده ادبیات ایچون بر بیوک شوق حصوله کتیردک. اوشوق ایله یازدیغیم شیلری تصحیح واکال ایدن کالدر. شمدی بکا خواجه لقدم

[*] زیور پاشا زاده.

مكتوبلر

درجه كافیده اولسهیدی اوچزده بزم مملکتک دکل، فقط
دنیاک اکی بویک شاعرلرندن اولوردق. کوریورسین که
وجدانده اولان مرموزاتی سویلیورم. برون سن بکا
(شناسی نه در؟..) دیمش ایدک. فی الواقع شناسی نه ایدی؟.
نه اولسه او بزم مملکتمزده هیچ برشی اولماز ایدی.
آنک اکی بویک فضیلتی کالی میدانہ چیقارمسیدر؛ ادبیات
کتبخانه سنک مفتاحلرینی اویله ماهر برآله ویرمسیدر.
اوصرف یامش ایدی. کمال آنی منطقه کوتوردی. سن چوق
شیئی کالدن اوکرنک. فقط استعدادی آندن اوکرنمک.
ذکا، فطانت، فلان، آنلر مکتب الهیده اوقونان
درسلدندر.

بکا کلنجه: ادبیات میلی بکاسندن کلدی، کالدن
کلدی. تصویر افکار چیقدیغی زمانلرده بن چوجوق ایدم.
سنک حقایق الوقایعه، ترقی یه یازدیعلک شیلر و سائر آثارک درکه
بنی ادبیات یولنه سوق ایتدی. حتی اسمکی، شخصکی
بیلوبده الفتکه مظهر اولمديغی زمانلرده سنی کوردکجه
ایچمدن (اشته اوکوزل شیلری یازان بو آدم دکلی؟.. آه
مکن اولسهده بنده شونک کبی ادیبانه شیلر یازسهم!..)
دیردم. اوزمانلرده ایدی که سنک آثار مطبوعه کی تقلیداً

رجائی زاده اکرم بکمه :

سزاوار حرمت برادرم اکرمم اقدام ،

بوندن ایکی آی اول دسترس اولدیغم لطفنامه کی
بوکون برکزه دها او قودم . تعلیم ادبیاتی ایسه هرکون
او قویورم . بکا سنک مقالک دکل ، خیالک بیله بر درس
ادبدر . یازدیغک شیلردن استفاده ایتدیکم کبی سنی
دوشونمکدن ده مستفید اولورم ، چونکه مملکت مزده بنم
استعدادمی بحق تقدیر ایدنلرک - ایکنه جیسی دیهم -
برنجیلرندن سین . عائله ادبیات ایچنده بریتیم اولدیغم خالد کمال
ایله سن بکا پدر ، برادر اولدیکنز . سنی دها او کر نمدیکمه
نصل حکم ایدر سین بیله مم ؟ . شو یوقارده سویلدیکم شیلر
وجدانمدن صادر اولدی . بوکاده کندی استعدادمدن
بحث ایدیشم بر علامتدر .

أوت بن مستعد علم و کالم ؛ فقط جاهلم . کمال آزشیده
چوق شی او کر نمشدر . سن ایسه آز ، چوق او کر نمش
اولدیغک شیلری هر کسدن آبی او کر نمش سین در . معلوما تمز

ابن الامین محمود کمال بک :

محب عزیزم افندم حضرتلری ،
بیرام مناسبتیه لطفاً ارسال بیوردیغکز التفاتنامه
خاطر نوازانه دن طولایی عرض تشکرات ایدرم . بنده کز
دخی ذات عالیکزی تبریک ایله تمنیات خالصانه می عرض
وتأیید ایلرم . پدرپاشا حضرتلرینه احتراماتکم تبلیغی آروجه
رجا اولنور . مکاتبه ده تکاسل واقع ایسه ده مراقبه ده اهل
وقوع بولیه جفندن امین اولملی یزه . باقی بقای توجه و محبتلری
اخص آمالم اولدیغنک بیانیه اکتفا ایلرم افندم .

لوندردن ، ۲۱ مارت سنه ۱۹۰۳ عبیرالحییه مامد

مکتوبلر

اونلری بردها یازده جق اولسه م ، بونقایصدن قورتارمغه
غیرت ایدردم .

شاعریته کلنجه : سنگز اقتضاسنجه بالطبع سزک
بزی چیقاردیغکنز مرتبه ده سزی کورمکه هنوز نفس
حقیرمی مستعد بولیورم . شو قدر وارکه استعداد کز طبقه
علیاده کورونیور . بو استعداد سزی استقبالكزدن امین
وامیدوار ایده بیلور .

محب محترم ومعزز رضا توفیق بنده متحسرانه آرایوب
طوریورم . نه فائده که نه وقتم بللی ، نه محلم معین ! . اوته ده ،
بریده ایم . او بنی بوله مازسه بنم اونی یاقه لامه دن کیتمک
احتمالم یوقدر ، بيلمش اولسون . خاصة عرض اخوت ایدرم .
رجا ایدرم سويليك عريزم .

عبدالحق همام

بك اوغلی، ۳ ایلول ۱۹۱۱

فاورينىلى ناظم بگه :

عزيزم ناظم بك افدى ،

بندە كزە گوجنە جكسكز، بيليورم. لکن نه ياپه يم؟ ..
يازمنه ، مطالعه بيان ايتمكه حال و مجالم يوق . جسماني ،
روحاني بر حال ناتوانيده يم . يالكز ديه چكهم كه حماسيات ده
ادبياتده بر موقع مخصوصه مالكدرد . السنه انامده الك چوق
آنلرداثر اولور . سزلك اوواديدە كي اشعار كز ايسه ديديكم
دورانه جدا سزادر .

ديكر شعرلر كزە كلنجه : طر زمتخد كز نقطه نظرندن
شايان استحسنادر . بر شاعر سوق طبعي ايله اتخاذايتديكي
طرزده دوام ايدرسه البته موفق اولور . شوني ده علاوه
ايدە يم كه عقل قاصرانه حجه اشعار كزدن بر قسمي ، بلكه ده
قسم كليسي مبالغه دن عاري دكل ؛ بونك بر نقيصه اولوب
اولمديغني تعين ايتمك قولاي كورلمز . — هر كس ايستديكي
يولده ذوقياب ادبدر . نفعي مبالغات ايله مالي اولديني حالده
بوكون الك بيوك شاعر لردن عد اولنيور . بنم يازد قلمر مده ده
خيالات مفرطه ، حتي حشويات طولودر . . لکن امينم كه

مکتوبلر

بونلری بو آقشام ممکن مرتبه طوغری سویلتمک همته کزده
متوقفدر. زیرا او یونک نه زمان یازلدیغنی بیلیمیانلر و خصوصیه
انکلتیره وانکلیرجه یی بیلنلر لوندرده ده یکر می سکز سنه
بولنش اولان بر آدمک اثرنده بویه یا کلشیر کورورلر سه
تعیب ایدر لر. باقی مودت اقدام.

بیک ، ۱۰ کانون اول سنه ۱۹۱۵ دوستک

عبدالحی حامد

هامشی

بالمناسبه زواره سویلمیسکیز که (دختر هندو) دور عبدالعزیز
خایده یازلش واوزمان باصله شد. وهندستانه اثرک نشرندن آلتی
یدی سنه صکره کیتمش ایدم. بورالینی و اشارت اینجه آلدیغم
فقراتی او یون باشلامه دن اول صحنه دن تماشا کرانه او قومق ده
اوله بیلور. دختر هندو دردنجی اثرشبا بیدر. اومارم که برچوق
یرلرینی ملی ایتمه سکیزدر. هر حالده موفق اوله جفکزدن امیم.
اعاده عافیت ایدنجه تمیلات آتیه کزده بوانورم ان شالله.

ممثل برهان الدین بکه :

عزیزم برهان الدین بك افندی ،

اون بش کوندنبری کیفسز بولندیغم جهته بو آقشام
تیارویه کله میه جکم . مدافعه ملیه بك اوغلی مرکزی
رئیسى نظیف بك افندی یه معذرتكم تبلیغی رجا ایدرم .
رفیقه دیکر برحانله برابر بوکون تیارویه کیده جکمندن
اویونك نه تاثیر حصوله کتیردیکی حقمنده آقشامه اونلردن
معلومات آلورم .

(دختر هندو) بی بن حتی بومبایه کیمه دن اول
یازمش اولدیغمندن ایچنده انکلیر لقب و عنوانلرینه
عائد اولان یا کاشقلرک تصحیحی آرزو ایدرم . مثلاً سیر
بورتلیرینه سیرجون بورتل، یاخود سیر ادوارد بورتل .
دیمک لازمدر ، یالکزر سیر بورتل دیمک یا کلشدر .
صوکره اونك زوجه سنه ده مادام الیزابت ، یاخود مادام
بورتل دیمک ده طوغری دکلدرد . له دی بورتل دیمک
اقتضا ایدر؛ یاخود له دی الیزابت بورتل دیمک ده اولور .

ممثل برهان الدین بک :

عنیزم برهان الدین بک افندی ،
بوکون - نسترن - تجر به سنده بولنه میه جغم ، تأسف
ایدرم . زیرا بر ایکی تصحیحده بولنمق ایستردم . اویون
باشلامه دن اول - یارین آقشام - بواثرک بوندن اوتوز
سکز سنه اول یازلمش اولدیغنی ، کنجلك محصولاتندن
بولندیغنی یاد ایدرسه کز ممنون اولورم . خانم کوندوز
تماشاسنه کیده جک ، بنده نصیب اولورسه آقشام بولنه جغم .
یکرمی اوچنجی صحیفه ده ،

بکا سنک آیاق قابک تاج سر
مصراع یاکلش باصلمش . طوغروسى ،
بکاسنک آیاق طوزک تاج سر
اوله جقدر . اگر اویونده او مصراع حیقارلامش ایسته
طوغریسنک سویلنمسنی رجا ایدرم افندم .

عبدالحمید حامد

۲۱ نیشان سنه ۱۹۱۵

رجائی زاده اکرم بکجه :

اکرمم قرداشم ،

لطفاً مملوف مکتوبی سزایی به ایصال ایت . یکرمی
بش کوندر عائله مدن خبر آله میورم . انشته رفیقکدر ،
اندیشلرا یچنده اولدیغمی کندیسنه سویلرمیسین ؟ کچن هفته
یوللادیغم مکتوبی آلمش اوله جغکده شهه یوق .

(زینب) ی کوردکی ؟ آه فصل اولیورده بنم
یورکدن دومان چیقمیور... ! ایچمک شوآنده انطفا بولماز
بر صورتده یاندیغنی طویورم . سبینی بیلمم . شمشکلردن
یغمور حاصل اولدیغنی کبی بنمده ایچمده کی نأره دن کوز
یاشری پیدا اولیور . آغلیورم ، شودقیقه ده آغلیورم ، سبینی
بیلمم . باقی اخوت .

برادر متحسرك

۲۰ اغستوس سنه ۱۸۸۷

عبدالحمید مامد

مکتوبلر

تدار کدن عاجز بر حالده دوچار ضرورت اولدقلرینی و ببناء
 علیه حرمنه بعض ارسالات تقدیه ده بولندیغنی سویلیوردی.
 غیرتمه طوقنوب ایجاب ایدن محالره بیان حال ایتدم . ان شاء
 الله بر ثمره سی کوریلور.

پدر بك افندمرك استغفاری اسبابی یاسن اطرافیه
 آكلاتمك ، یابن بك ائی آكلایه مدم . آكلا دیغم قدردن
 عبارت ایسه اهمیتسز و ببناء علیه بنجه لزومسز کورینور .
 قباحه کیمده ایسه آندن مصرانه اشتکا ایله اکتفا ممکن
 دکلیدی؟ معلوم آ! استغفار بك خوشه کیتمیورده آنک
 ایچون ممنون اولمیورم . لکن البته بك افندمرك بر مطالعه
 بحالری واردور.

بیوك سفارتلرمزه بر امام کوندریله جکنی موثوقاً
 اخبار ایدیورلر . عثمان بکه سویلمسهن ده بورانك امامته
 اوتشبت ایتسه ! نه کی آدملر انتخاب اولندی؟.. البته سز
 بیلیرسکز. لطفاً بکاده اشعارایت . رسم سلام معلوم . جمله کزی
 الله امانت ایدرم نورعینم حریف !

۱۸ نisan سنه ۱۳۰۷ جمله کزك متحسری

عبدالحق مام

پیری زاده اسماعیل بکمه:

نورعینم اسماعیل افندم ،
مکتوب وفا اسلوبی آلام. ویردیكك حوادثدن وعافیت
خبریکزدن طولایی نه قدر ممنون اولدیغمی تعریف ایده مم.
های الله سندن راضی اولسون! مکتوبلرمك اختصارینی
معذور کوریشكده موجب شکراندر .

یازدیغك زائر تشبیهی پك کوزل! کوکلمه سونك
سونك یانمقده اولان شوق ادبی بی بوقیلدن نفحات ذکا
وعرفانه محتاج بولیورم. عودتی مستحیل اولان ماضی بکا
اوزاقدن متبسمانه التقاتلرایدیورم، ویاخود برحسرت انکیز
رؤیانك حسن تعیری کلیورصانیورم. برزماندنبری برعالم
غریبك سیاح بی اختیارای اولان فکرم، وطن قدیمی
بولنان صحرای طبیعتسرای ادبیاتی موقتاً زیارته مأذون
اولمش کبی اولیورده اغترابم کیدیور .

بوراده برلورد استانی واردر، وفیق پاشا مرحومك
دوستلرنندندر . مرحومك عائله سنك رمضان خرجنی

مکتوبلر

خیرلیدر . مع مافیہ تمنی بر قباحت اوله میه جفندن ان شاء
الله تعالی مأذوناً استانبوله کلدیکم زمان بر تجربه طالعده
بولنورم .

یابکا ترقی ایستیان سز لر ، برر مناسب مأموریتیه صاحب
اولمخی نه زمان ایستیه جکسکیز ؟ . بوراسنی ده بن دوشو نیورم .
برادرک [*] استانبوله جلی حوادی کر چکمی ، دگلی ؟
بوکاده انتظارده بولندیغمی تکرار بیان ایدیم می ؟

والده مک آیاقلرندن اوپریم . بندن مکتوب آلاقلرینه
منون اولدقلرندن طولانی پک زیاده مسرور اولدم . ان
شاء الله کله جک هفتقهینه یازارم . دیگر بیوکلر مزک
آتکلرندن و آللرندن و برادرلرکله حامده نک و چو جقلرک
کوزلرندن اوپوب جمله کمزی الله امانت ایدرک ختم
کلام ایلم نوردیدیم افندم .

پنجشنبه ، ۲۱ . مارت سنه ۱۳۰۷ مشتاقمکز

عبدالحق مامد

[*] عبدالحق نصوصی بک .

مکتوبلر

ویرمکیزی پک زیاده رجا ایدرم . استعفا صحیح ایسه
سببی دخی یازوب بنی مراقدن قورتاررسکز . الله عشقنه
اهال ایتمه یك .

لوندرد غزته لرندده احمد وفق پاشانک ارتحال
تلغرافنامه سنی کوردرد پک متأسف اولدم . بی چاره آدم
خسته می ایدی؟ . یوقسه فجأة می وفات ایتدی؟ . . . او مارم که
خدمات قدیمه سنه مکافاة طرف شاهانه دن عائله سنه بر معاش
تخصیص بیوریلور . شعبان آینده - الله بشقه امثال
کوستر مسون - بزم فامایامزدن پک چوق رحات ایدنلر
بیلورم . بردرجه ده که هر نه زمان شعبان کدرسز کچرسه
بن رمضانک ایلک کوتی برعید مسرت عد ایدبورم . [*]

سفارت نکلیفلرک پک خوش ، اما تشبث مشمر
اولدجغندن امین دکلز که برشی یاپه لم . بن سه اکر برشی
استدعا ایدردده رد جوابی آلورسه هم پک زیاده مایوس
ومکدر اولورم . اکر ترقی مأموریت بنم ایچون مقدر
ایسه وقت مرهوننده ظهوره کلور . هم کندیاکنندن
اولان شیلر ، ایستنه راک حصوله کلان شیلردن دها

[*] احمد وفق پاشا عبدالحق حامد بک بدری خیرالله
انندیکنک دایسنک اوغلیدر .

پیری زاده اسماعیل بکمه :

نورعین اسماعیل اقدام ،

باق بن سنك كې آلتی آی صكره دكل ، آلتی كون
صكره مکتوبكه جواب ویریورم . كچن كون آلدیغم
مفصل محبتنامه كه تشكر ایدرم . فهمی افدینك چاقیسنی
برایکی هفته صكره ، یاخود دها اول خارجیه پوسته سیله
سنك نامنه اوله رق ارسال ایدرم . آنجی سزیالی یه نقل
ایتدیكزمی ؟ یوقسه حالا استانبولده میسكز ؟ بكا اشعار
ایت ، بیله میم ده یالیده ایسه كز مکتوبلری طوغریجه انجیر
کوینه کوندریم .

استانبولدن کلان فرانسیزجه غزته لرك بریسند . بك
افدمزك [*] شورای دولت محاکات ریاستندن استعفا
بیورمش اولدقلرینی بوصباح کوردیم . کرچکمی ، یا کلشمی ؟
بیله مم . بكا بوخصوصده سریعاً تفصیلات ومعلومات

[*] پیری زاده صاحب بك .

مکتوبلر

بو قدر جقله اکتفا ایدیم . میدان سطر نجهده یکانه ورستم
زمانه اولدم . بوجهتده معلوم ممارسه ملزوم سبقخوانیلری
اوله والسلام .

هپکزک مشتاق

نصفالیل ۲۰ مایس ۱۹۰۷

مامر



مکتوبلر

هواده منزوی اولوب فورطنه چیقنجه دکزه چقار .
 آدمه مکتوب یازار، (جواب ایسته‌م) دیر . بکا کچنلرده
 اویله دیمش ایدی . بنده عناده جواب یازدم . کیم بیلور
 بلکه مجرّد بکا راقی کتورمک ایچون برکون سلانیکدن،
 همده بحرّاً لوندرده کلوب برایی ساعت صکره ینه سلانیکه
 عودت ایدر . بویله برسیاحت قرق‌اللی لیرا ایله قرق‌اللی کونده
 اولور ایسه ده نجیب بک اورالرینی دوشونمز . راقی‌یی کوندرمز،
 کتورر .

حامی پاشا [*] ایله کورشدیکک ایچونده حظ ایتدم .
 ازپک عقیف و مستقیم ، حتی وفا کار بر آدمدر . آنجق
 زمانه بیوفا اولدیغندن اوده زمانه اقتفا ایدیور .
 عیید سکا و برادرکه خاصه عرض تشکرات و تحیات
 ایتدیکنک اشعارینی اشعار ایدیور . آکاده، سزانی‌ده
 سلامکزی یازدم .

فی الواقع برآراق یازی ایله مشغول اولدم . آنجق
 بو کونلرده برشی یازدیغم یوق . خلقتک هر طرفه کیدوبده
 یالکنز بو طرفه کلیم یازی ایله مشغول اولمق آرزو سنده‌یم .
 نلی حاتم و حسین ایله برابر رسم سلامی ایفا و شمذیک

[*] صدراسبق حسین حامی پاشا .

پیری زاده عثمان صاحب کلمه :

نور دیدم عثمان بك ،

مكتوبك بنی پك ممنون ایتدی . تشكر ایدرم . بك
افدمنز قیویه دوامه باشلامشله . عائله جهده هپ عافیتده
ایمشکنز . بونلردن طولایي مبشر اولوب جناب حقه
شکرلر ایلدك . بزمده حمد اولسون حوال نخیه من
أیولشدی . نلی حائله برابر رسمی ملفوف اولان نقاهتخانهده
بولیورز . لکن هوالر برباد . ممالکنده کونش باتمیان
انکلترونك تختگاهنده کونش طوغماز اولدی . دنیا کی
بو طرفلرده کونشده یالانچی .

سلانیکده نجیب بکله [*] کورشمسین . دیدیکات کی
راقی کوندرمك ایچون واسطه بوله میوب بالاخره کندیسنه
کندیسی توسط ایتش اولمی که اوزهرک بورایه برقطره
ویا برشمه سی بیله کلدی . نجیب حقیقه پک عجیبدیر . بر
ضیافته دعوتسز کیدر . ودعوت ایدیلورسه کیتمز . برکوزل

[*] نجیب پاشا حفیدی .

ابراهيم بك ! دهـا نظيره لر كلدی . اما مدحت
پاشادن ايشتديكمه كوره شيخ عثمان افدينك [*]
نفي وتبعیدی سويلنمكده ايمش . كرچكمی ، يالانمی ؟..
بوصلشی :.. مملكتمز دن برر برر انسانلری حيقاروبده
جانورزی می براقه جقلر ؟.. بو قدر عدار ، بو قدر خونريز
پادشاه اولماز . تختنده قالمسنة تحمل عثمانيلر ايچون برلكه دركه
والله تميزلنمز . دولت محو اوليور ، ملت باتيور .

شمدي پوسته كلدی . مکتوبلريكمزی آلدق . تشكر
ايدرم . فقط بنده جواب يازمغه مجال يوق . ذاتاً سرك
مکتوبلر دهده جواب ويريله جك برشی يوق .

مدحت پاشا ينه ناپوليدن بورايه كلدی بو آلافرانغه
آيك اون يديسنده اچله جق اولان پارلمنتونك كشاننده
حاضر بولنمق و آلندن كلديكي قدر انكلتره دي روسيه عليهنه
محاربه يه تشويق ايتك ايچون برقاج كونه قدر لوندره يه
كیده جك . روسيه انكلتره نك توسطنی قبول ايتدی .
باقه لم ، انكليزلر نه يه قرار ویررلر ؟.. رسم سلام معلوم .
جانم آله قلم المق ايسته ميور . او قدر نشئه سزم ، او قدر
حدتلي يم . باقي اخوتلر ، محبتلر .

جمعه كيجه سی ، ۲ كانون اول سنه ۱۲۹۳ برادر يكنز

عبدالحی هانم

[*] يكي قپو مولوی دركاهي پوست نشینی .

پیری زاده اراسیم و عثمان بگلرله قاین برادری حسنی بکه :

بك افندیلر حضراتی ،

بو هفته سزه آیری آیری کاغد یازده میه جغم . حتی
مشرتک یازدیغم بو مکتوبده بیلله تفصیلاته کیریشه میه جگم .
سببی نه در ؟ دیرسه کز حالا پوسته کلمدیکندن ، سزك
مکتوبلری آله مدیغمندن . بو کیجه ، جمعه کیجه سی ، هیچ
بو قدر پوسته نك ککدیکی یوغیدی . یوق یوق وایدی .
بن اونو تمشم .

حسنی بك افندی ، کجن هفته نجیب بکه [*] یازدیغم
مکتوبی اوقویکمز . یاخود مآلنی سؤال ایدی کمز . سزه نیم
حقمده خیلی افکار بخش ایدر . عطا بکه یازدیغم مکتوب
دخی تفصیلاتدن ، ایضا حاتدن خالی دکلدر . سزه هراولانی
یازده میورم . سببی معلوم .

بزم منظومه لری شیخ حسین افندی یه ویردکی ؟

[*] سامی پاشا زاده .

مکتوبلر

سودادن قورتولورم. سودانك هر درلو رنكلیسی باشمدن
كچدی . یالکیز قره سنه اوغرامدیغم قالدی . یوق یوق،
بكا مکتوب یازارسهن حقیقهٔ ثواب اولور . آمان مخابره
ایدهلم !.. لیکن برکردهده حامی صورمدك ! بآس یوق .
اکرمه حامد بردر . ناقي اخوت یکوجودانه .
برادر . کدر وکترک

عبدالحمید حامد

تاریخ : رمضانہ برهفته وار .



رجائی زاده اکرم بک :

محترم برادرم اقدام اکرم ،
عودت مدن بری حضور اخوتگه چیقہ مدم . بوگا اہمال
وقصوردن بشقہ برنام بولہمام نہاستادہ ، نہا کر مہ ، نہدہ
سزاییہ هیچ برشی یازہمامق نہبیوک محرومیت اولدیغنی
تقدیر ایدرسین . او محرومیتی خود بخود دعوت ایچون بنم
نہ حالده بولمقلغم لازم کله جکنی ده دوشونورسین . شمدی
حالم یولنہ کیردی دہمی بومکتوبی یازیورم؟ .. خیر . محرومیتہ
طاقت کتیرہ مدم ، آنک ایچون یازیورم . بوغلوسخی برباد
ایده جک ، معلومکز اولہ . کمالہ ده بوکون یازہ بیلیرسہم
موفقیت اولور . ہلہ سزاییہ جواب ویرہ مدم . نہ قدر
محبوب ونادیم . نہ یاپیورم بیلیرمیسین؟ .. صباحدن آقشامہ
قدر دوشونمک ، اویقودہ ینہ دوشوندیکنی کورمک :
اشتہ مشغولیتیم .. کندمی محبوس ظن ایدیورم . حاملہ
آمالم مزار قغوغندن سمواتہ باقق .. قباحتمی عفوایت
اکرم .. بکا جواب یازارسہن سایہ کدہ بیل کہ برقرہ

مکتوبلر

عربی ایله فارسی درسلى فصل بردوامى : آمان
چالشكز!.. عربى ایله فارسی یه چالشدیغكزى كر چكدن
تمنى ایدرم. همده هر بر عثمانلى ایچون بوایكى لسانی او كر نمك
فرائضندور. لکن اكا منحصرا اولقده فرائضدن دكلدر آ!..
اشته سوزى كسیورم . بیوك ، كو چوك بوراده ایجابى وجهله
ایفای مراسم سلام ایديورلر. باقى اخوت .

عبدالحق ماسد



مکتوبلر

حجته حيقه جنى يازيايور. هيچ مأمول ايتيم، اما باقم .
اكرم بك بنى مدافعة برشى يازمايدى . قورقيورلر
ديهيم . اوفكر كياكلش . بلكه قورقيورلر . كندمى آنلره
زوراييه التزام ايتديرديم كه كوستردكلرى سكوت ومجانبت
ايچون سم يازديم .

منظومه ك خوش، اما گيرشى ائى دكل . يوقسه معناسى
بك كوزل . باشدهكى ايكي مصراعى بشقه برله قوى .
برده آشاغيدهكى (جاننوازي) قالدوروب (نازين) ياز .
آفرين عثمان! ائى يازيورسين . لكن خط مبارك بزم
يازى يهده رحمت اوقوتسه كرك .

بيوك والدهك حنم افدينك وبك افدمزك ائتكلرندن
اوپرم . والده كز حنم افدى همشيرمك آللرندن اوپرم .
اسماعيل بكك كوزلرندن اوپرم . دها نه يازديم ! هم كيجه
ياريسى اولدى، همده سر سملشدم .

فاطمه حنم يوقايدده بيانو چاليور . حسنى بك كنانه
مشغول . برطرفندن ده خروسلراوتيور . امان شمدى كدى
كله جك ! مبارك بعض كيجه نر پنجردمك اوكنه كئوب پارل
پارل يانان كوزلرييه جامدن بنى سيرايديمور . كورنجه عقلم
باشمدن كيديور .

پیری زاده عثمان صاحب بکیم:

عثمانم قرداشم ،

نثرلی، نظملی و ستملی ، اعتذارلی بر مکتوبکی آ م .
هیچ بر بریمزه ستم ایتمه حکمز یوق. حاللره بر نحوست،
قلملره بر فتور در عارض اولدی. سبی نه در بیلیم! ...
- بهار یلدری - عنوانی پک خوشمه کیتدی. بیلیم
معناسی قدر کوزلمی اوله! ...

احمد مدحت آبی مدافعه لر یازدی [*]. نه فائده که انک
مدفاعاتی اکثریت نظر نده پک مقبول طو تلیور. مع مافیه
نجی پک زیاده ممنون ایتدی. کندیسنه بالخاصه تشکر یازدم.
کالدن مدافعه بکلرایدم. سکوت اینسی براز کوجه کیتدی.
سکوتنک مشروع بر سبی و ارایسه بکا بیلدیرمک یوقی؟.
لکن اکر مدن بو هفته آلدیغم بر مکتوبده کالاک ده میدان

[*] (تعلیم ادبیات) ک انتشارینی متعاقب تحدث ایدن
عربده قلمیه که بومیانده اک چوق عبدالحق حامد پک هدف تعرض
اولمشدی .

بر تذکره [۴]

دون آخشامکی یغمور هنکامه سنده مطریه بخشای
 وقوع اولان معامله احبّا نوازیلری بنده کزی حقیقه
 مستغرق دریای سرور ایتشدرد. شو قدر وار که بو بخشایش
 کرم نمایش، قولکزی صیانت یولنده کندیکگزیه رحمتی
 زحمت ایده جک بر نوازش دیمک اولدیغیچون مانند سیحاب
 دریده نقاب، عرق ریز شرم و حجاب اولدیغمی ده کتم ایده مم.
 کفش کله بخش کل نقشم حوصله م کبی تنک و پای گریوه
 یمای اقتدارم پیوسته دامن حصول اوله میان دست امیدم
 گبی لنک اولماسیدی آثار بر کزیده لرینی ولتخانه لرینه
 قدر ایصال ایده جکدم.

هر نه ایسه اخشامدن برو زیور زبان ایلدیکم ترانه
 شکرانه بی آمیخته کیف معتاد سحر خیزی قیلدیغمک عرض
 واشعارای ومع المحجوبیه مطریه مزبورده نک افاده اعاده
 وتسیاری شو تشکر نامه عجمانه نک تحریرینه مجبوریت
 ویرمشدر.

صام

[*] عبدالحق حامد بکک اون سکیز، اون طقوز یاشلرنده
 مکتوبی مالیه قامنه مداوم ایکن یاغورلی برکونده شمسیه سنی
 اعاره ایتش اولان زیور پاشا زاده بهاء الدین بکه یازدینی تذکره در.

مکتوبلر

انتشار ایدہ جکی ہر کس کی کندم دہ بیلیمورم .
عیدک کوزلرندن اوپریم . بن اوکا طارغین دکل، اما
قیزغیم . چونکہ یازدیغم کاغدلرہ جواب ویرمدی . برادر مک دہ
سمتنہ اوغرامیورمش زیادہ یازہ میہ جغم . سنی اللہہ امانت
ایدرك قلمی دیکلندیرہ جکم اوغلم .

عم متحسرك

۲ تشرین ثانی سنہ ۱۹۱۰

عبدالحق حامد

ہر کسلہ انی کچنمکہ باق !..



مکتوبلر

بولدم . انقلاب اخيردن صکره بزده برچوق احوال ايله
برابر نانکورلک ده اجرای احکام ایتمه باشلادی .
بو حاله قارشى استعمال اولنه جق لسان سنک بوجوابکدر .
سن کالدن مکمل برپدره مالک اوله مازدک . کمال ده ظن
ایدرم که سندن دها آئی براوغل تمنی ایده مزدی . سنی
نه قدر سوردی بن بیلیم . مرحومک آثار دها تندن بری ده
سنسین او غلم .

سلطان سایم فاجعه تاریخیه سنک بر قسمنی مجموعه لرک
بریسنده کورمش ایدم صانیورم . (صانیورم) دیدیکمه شاشمه ؛
چونکه بو کونلرده عادتاً بوناق کییم .

مرحومک مکتوبلرینی بکا اعاده خصوصنده استعجالک
لزومی یوق . مأذوناً استانبوله کلدیکم زمان بن اونلری
سندن آلورم .

تشکیل ایتدیکنک ادبیات انجمنی حقنده تفصیلات
ویره جککی وعد ایدیورسین . بکلرم .

(الحان) دکل (ایلخان) نامنده فی الواقع بر فاجعه
یازمشم . عیدده ^[۱] کورمش ، بکنمشدی . بونک نه زمان

[*] از میر مبعوثی عیدالله افندی

کمال زاده علی اکرم بکه :

نورعینم او غلم اکرم ،

بکله کو جنمزسین ، بیایرم . لکن مکتوبلرکه وقتیه ..
جواب ویرمدیکم ایچون البته براز قیزارسین . حالبوکه
نیم حالمی بیاسهن قیزمغه ده وقتک اولماز . بنده بروقتدن
بری عظیم و الیم بر مشغولیت ذهنیه وار ، اوده رفیقهمک
خسته لغی در . بویله زمانلرمدده هیچ کیمسه ایله مجبور
اولدقجه مخابره ایده میورم . نصفی صاغ ، نصفی خسته
برآمدن نه بکلرسین !..

مکتوبلرکک و کوندردیکک رسائل محتویاتنک بنی نه قدر
منون ایتمش اولدیغنی اشعاره نروم کورم . [کلیات کمال] امر
معظمنده صرف ایتدیکک مساعی بتون ملقله برابر مرحومک
روحنی ده ساد ایدر . آنک نام ابدیی روحی کبی سرمدی
و قنادن منزله ایسه ده آناری جمع ایدلمدیکی تقدیرده
پیشانلقدن مصون اوله مازدی . بیاننامه نک طرز تحریرینه
اعتراض ایدنلره ویردیکک جوابی پک مسکت و ملزم

مکتوبلر

استانبوله کله جکم . سز لری کورمکه پک مشتاق و محتاجم .
شمذیلک یثاقلر کدن اوپه رک سنی و چوجوقلر کی الله
امانت ایدرم سوکیلی قازدشم اقدم .

ماتمزده برادرک

عبدالحق مامد



رشاد فواد بک :

بروکسل ، ۷ مارٹ ۱۹۱۱ .

نورعینم رشاد جی ،

فلاکتمدن متأثر اوله جغی بیلدیکم حالده سندن ینه
برکمه تأثر، بر سطر تعزیت بکلرایدم . ایش بکله دیکم کبی
اولدی . تشکر لر ایدرم . هله مکتوب بگده کی او فارسی بیت
[*] بنی نه قدر آغلانندی بیلمز سین . درد مک نه قدر الم
اولدیغی شوندن آ کلامی که یالکز آ غلامقندن حفظ
ایدیورم .

بن بو طرفلرده چوق قاله میه جی . نلی جکمک طاشنی
رکز ایتدیردکن صکره مأذوناً ، یاخود بأذن الله تعالی

[*] کربهار آید و پر زوستان
کوبای صبا که آن همه کلها کیاشند

خسرو دهلوی

کچجی زاده رشاد نواد بک :

نوردیدم افندم رشاد ،

والده محترمه ك خانم افدينك ارتحال دارنيم ايلش
اولديغى خبر اليندن نه قدر متالم و مكدر اولديغى بيانه
حاجت كوره نم . كدر و سرور كه جان و دلدن اشتراك
ايدە جكمى بيلورسين . سزدن طولاي اولان محبتدن و مناسبتدن
بشقه مرحومه مشارالياهو بنم آيروجه برخلوص و حرتم
وارايدى كه بالدفعا كنديلرندن آلمش اولديغم خير خواهانه
و مادرانه نصيحتلردن تولد ايتمشيدى . برده وجودلرياه
افتخار اولنان كبار نسواندن ايديلر . الله مرحومه
والده كى غريق بجر غفران و سز لرده طول عمر و عافيت
احسان بيورسون افندم قارداشم .

لوندردن ، ۱ شباط سنه ۱۹۰۵ . برادر مكدرك

مامد



مکتوبلر

صحيح دكلسه نيچون دولت تكذيب ايله ذهاب عمومي يي
تصحيح ايتيور ؟ . . . بوده بر سر !

حسنى بك افندى برادرمدن بو هفته مکتوب آله مدم .
أللرندن او پرم . بو ، وعدى خلافته در . او حالده بو
هفته بنده سكوت ايدرم .

مارسيليايه عزيزتم وپارسته عودتم اوچ درت كون
ظرفنده اولوب بيشمش ايدو كندن پوسته كوننى قاچر مامش
ايدم . واو هفته سز لره مکتوب يازمشدم . سز لره يازوب
يازمدىغمى بك بيلمورم ، اما فاطمه حاتمّه يازمشيدم .
حالبو كه اوده (مکتوب المادم) ديور . اكر مکتوبك
خارجيه دن اوچوب ده كلسنى بكلر ايسه كز البته آله مازسكز .
شمى كوكر جينده تاتارلق ايتيور . آدم كوندريلورسه
بولنور . رسم سلام معلوم . باقى اخوت .

قرا دشكن

عبدالحق مام

جمعه ۱۱ ، تشرين ثانى سنه ۱۲۹۳



پیری زاده ابراهیم بکه :

برادر ،

۲ تشرین ثانی سنه ۱۲۹۲ بر مکتوبکزی آلام. سرزده
 بزم کبی احوال حربیه دن شکایت ایدیورسکزر . بوراده
 بولنسیدیکز دها زیاده داغدار کدر اولور دیکز . نهایت
 قارصده اُلزردن کیتدی . مختار پاشا شمیدیکی حال ضعفنده
 براقیلورسه ارضرومی ده اونوتمق لازم کلیر . آرتق
 موسقوفلر ایستدکلری کبی ارمنستانده کشت وکذار ایدرلر .
 انسان تدبیرده قصور ایدوبده مساعدۀ تقدیره انتظار
 ایتمک تحقیر ایلدیکی بر ولی نعمتدن مقابله لطیفه بکله مک
 قیلندن اولور .

قارصک ضبطنی بورا مطبوعاتی پک اعظام ایتدی .
 بن کندجه آلاجه طاغ هزیمتدن دها چوق متأثر
 اولمشیدم . حتی بو مغلوبیت آنک نتایجندندر .
 قارصده اوچوزطوپ ، اون بیک اسیر ، بر چوقده اسلحه
 ومهمات حربیه ویرمشز . موسقوفلر اوپله یازیورلر .

کریدجه برقاریشقلق ظهور ایدم جکنه دلائل حس
ایدیورم . اختلال کزیده دکل ، مملکتک هر طرفده ،
استانبولک هرأونده ظهورایتسه لایق در .

نسیب افندی رفعتلو اولمش . بوتوجیه مومی الیهک
درایتته دکل ، بزم برادرک بنده پرورلکنه دلالت ایدر .
نه ایسه آییلک فنا برشی دکلدر . باقی رسم سلام معلوم .
همان صاغ اولاسکز .

۲۸ کانون ثانی سنه ۱۲۹۲ برادریکز

عبدالحمید همام



مکتوبلر

بی چاره بهاء الدین بك [۱] بریره یتیمش که ظنمجه
برقاچ کون اوتوره بیله جکدر. چونکه ضیاپاشانک سوریه ده
براقیله جغنی عقم کسمز. اوزواللی یی ده توندن تونه آتارلر
ظن ایدرم. هر نه ایسه حاللر یمان، فکرلر راحت دکل.
ابراهیم بکده او قبلک وار ایکن بکا مکتوب دکل،
سلام بیله یازماز. بن قطع امید ایتدم. سویله یکنز که
استانبوله کلدیکم زمان صقالی چکه جکم.

ادر نه مبعوثلری - کبی در قاعده سنه
توفیقاً مناسب کوردم. هله رفعت افندی حقیقه اذکیاندرد.
تکلیف لک ردی بوراده نصل تأثیر ایده جک؟ فرنکلرک
شابقه لری باشلرندن فیرلادی. مدحت پاشایی بیلیمین،
نامنی آکیمیان بر غزته، بر رساله، بر بند، بر دیپلومات،
بر شاعر، بر آدم، بر قادین، بر چوجوق قالمادی. دشمنلر
بیله منفعت شخصیه لری خلافه اوله رق مدحتک نه بیوک
مدحت اولدیغنی اعتراف ایتدیلر. بونک اوزرینه
- با اراده سینه! - ممالکدن اخراج اولندیغنی خبری
کلیرسه نه دیمزلر؟..... اوراسنی سزدوشونکیز.

[۱] زیور پاشا زاده بهاء الدین بك که اوصره ده سوزیه والیسی
اولان ضیا پاشانک کتات خصوصیه سیله شامه کیتمشدی.

قاین برادری حسنی بکه :

برادرم اقدام ،

۱۸ کانون ثانی سنه ۱۲۹۲ تاریخی مکتوبگزده آلدی .
منون اولدم . لکن بومنونیتہ غلبہ ایدہ جک کدرلر
ایچنده ایم . (نه در؟ ...) دیرسه کز مدحت پاشانک انفصالیله
آندن دولت و ملتجه حاصل اولان ادباردن بشقه سبب
یوقدر . بوبابده نه یازسه م افکارمی بیتره م . وطنی ، ملتئی
سونلر نه دیدیلر سه بن آنلرک بیك قات زیاده سنی سویلیورم .
هر مکتوبگزده بکا بورجک مضرت اتندن بحث ایله
(بورج ایتمه ! ..) دییورسکمز . بر بورجلی آدمک قارشو سنده
(بورج ایتمه ! ..) دیمک پاره ایتمز . بر کره بورجلی اولدم .
شمد نصکره بورج ایدہ جکمی نه بیلیورسکمز ؟ ... هر نه ایسه
سزک آلکزدن کلن او یله دیمکدر .

ذات شاهانه [*] کوزدن دوستدی . بوراده غرته لرک
هیسی هم پادشاهی ، هم ملتئی تعیب ایدیورلر .

[*] سلطان عبدالحمید ثانی .

پروتن تلغراف :

رجائی زاده اکرم بک :

۱۲ مایس ۱۳۰۱

اللہ کدن او پر م . نفس من بشقہ کیمسہ یہ طارغین
دکلم . بر آیا غم مزارده اولدیغی چون گله میورم . مع مافیه
اختیار والدم بنی چکیور .

عبدالحق حامد



مکتوبلر

بيك غروش كسوب برطاقم او كوزلرله كچيلرك آيلقلرينه
ضميمه ايتديلر . بردوستمك ، كچنلرده يازديغى كې، بن
حرّيت يولنده برچوق فداكارلقلر ايدى بيلورم . لكن او
حرّيتى استحصال ايچون افكار عموميه يي حاضرلايانلردن
اولديغ جهتله حكومت ده بنى فدا ايتماك لازمكلوردى .
ذاتاً بزده نانكورلك پك زياده حكمفرمادر .

طين غزته سنده كى (خاطرات) صاحب محترّمى [*]
حقنده وقتيله يازيلان هذيانلر نه ايدى ؟... بن پاشانك
بيوكلكنى، دولتمزك اك بيوك بر مرد سياسي اولديغنى
بيلوردم . بو خاطرات ميدانه چقنجه شمدى او بيوكلكى
انكار ايدنلرده بيلوب البته يازدقلرينه پشيمان اولمشلردر .
باقى اخوت افدم .

عبدالحى هامد

بروكسل ، ۵ شباط ۱۹۰۹



[*] صدر اسبق سعيد پاشا .

ابن الامین محمود کمال بک :

نورعینم اقدام حضر تلی ،

لطفنامه کزه در حال جواب ویره مدیکم ایچون بند کزه
ایچکز دن ستملو ایتکده اولدیغیزی حس ایدیورم .
آه بك افندی! .. بن آرتق کیمسه ایله مکاتبه ایده من اولدم .
یکیدن یازی یازمغه حتم مساعده دکل . بونده نه دور
سابقك ، نه ده دور لاحقك اصلا دخلی یوقدر . بنده کز
کندمده یازی یازمغه استعداد کوردیکم زمان هر هانکی
دورده اولورسه اولسون ایستدیکمی یازارم .

أوت ، استانبولده ایستدیکمز کبی کوروشه مدك . طالع
وجود ایله مساعده سز بولندی . (یاران نوظهور) بیوردیغکز
ذوات ایچنده هر کیمکله مخابره ویاخود محاوره ایتمش
ایسه نشر آثار صورتیله تهوین ضرورت ایتك سائقه سیله
اولمشدر . زیرا بنم بونجه سنه لك خدماته خارجیه نظارتی
برچوق صدمات ایله مقابله ایتدی . حقم اولان ترقی
دریغ ایتدکری شویله طورسون ، معاشمدن ده اون بر

مکتوبلر

(مدفن) ناميله بر مقبر دها يازمغه ، ياخود مزارقازمغه
ميلم پك زياده [۱] . جسماني و روحاني اسكي قوتم يوق .
هاني بوندن يكرمي بش، اوتوز سنه اولكي حامد ؟
كل سنكله برابر اونك ايچون ده ،

محو اولدي او هپ، وهم و خيال اولدي دكلي ؟...
ديهيم و دست اخوتكي او پهره ك سني اللهه امانت ايدهيم .
معزز قرداشم اقدام .

۶ مارت سنه ۱۹۱۱ مائزده برادر كمترك
عبدالحق حامد .



[۱] ايكنجى حرملرى نيلي خانم ايچون مرثيه .

کتابک ایچون « اسکی ادبیاتک اولوسمالی بر نمونه
باردی » دیورسین . بو کتاب که بنجه بتون آثار ادبیة
عثمانیه نکه الی الابد فوقنده تجلی ایدم جک، دوشوندیره جک،
گوز یاشلری دو کدیره جک و برچوق نصیحتلر و تسلیتلر
ویره جک مکمل و معلا بر یادکار ، معظم و محترم بر اثر
استادانه در . وار اولاسین قرداشم .

برده اسکی ادبیات نه دیمک اولیور؟ . ادبیات کوزل لکلی
اسکیمز . او قزلر ، « بنات فکر » دنیان کوزل لر ، ملکر کبی
هر دم تازه در . وهانکی قیافته گیرسه لر اختیار کور نمزلر .
فجر آتیده ده پر شباب ، غروب ماضیده ده مالک آب
و تاب کور و نور لر که پک اعلا بیلیرسین .

فجر آتیدن خاطر مه کلدی : بن جلال ساهری پک
بکنیورم[*] . و دیه بیلیرم که کنج شاعر لر مزایچنده یکانه در .
کمال زاده اکرم بکا تعزیه قیلقلی برشی یازمدی . بلکه
خبردار اوله مامشدر دیورم . بشقه نه دیهیم؟

بن حالا بیلدیکک حالد ، فقط بروکسلده براولمدهیم .
کندمی هر یرده مسافر کبی بولدیغمدن یازمق ایستدیکم
شیلری باشمدن آلر مه کحیرمه موفق اوله میورم . یوقسه

[*] (بیاض کواکه لر) شاعری جلال ساهر پک .

۱۳۱۵ تاریخنده کی آرابه ایله سیاحتکنز بنم خاطر مده در .
 یانمده کی قادینه برابر سزه نه قدر آجیمش دق!.. استقبال ماتم
 انکیز آرابه کزی تعقیب اید یوردی . حتی او آراق بزم آرابه یه ده
 برالتفاده بولمیش ده بن گورمک ایسته مشم . شمدی حس
 اید یورم . بزم ایله ده اگلنمش! سنک علاج مسئله سندن منبعث
 اولان تأثرات ندامتکارانه کی بن زائد ، حتی کندی نفسکه افترا
 کبی تلقی ایتدم . خسته لر او لا حکیم مطلقک ، صکره ده
 هکیملرک ائنده در . او علاجی طیب ویرمیدی ، خسته
 شفایاب اوله جقمی ایدی؟ . بیلنمز که ... علاجک ویرلمس نه
 مانع اولایدکده ینه او نتیجه و خیمه کورلمش اولسیدی
 بلکه اوزمان سن کندگه عتاب ایده بیلیردک . حال حاضرده
 معصومسین . فقط اصل کناهکار بنم . اشته او تاریخده
 یانمده کوردیکک قادینه برابر بولمق کبی زوجه مشروعه مه
 ایشله دیکم کناهدن طولانی درکه کندمی بر درلو عفو
 ایده میورم . صوک پشیمانلق ده بر شیئه یارامیور . اونک ایچون
 ماتم پک بیوکدر . بزلرک ، یعنی شاعرلرک تأثراتی بشقه لر ککنه
 بکزه میور . درین ، لزومندن زیاده درین دوشونیورز .
 صکره ده بشقه لرک اوکجه دن دوشوندکلری برحالی بز
 صکره دن دوشونیورز .

رجائی زاده اکرم بک :

آدرس سفارتخانه در -

برادر معزز و محترم افندم اکرم ،

ایسته دیکم کتابک کوندرلدیکنه دائر اولان التفاتنامه کئی
آلدم . کتابده سالماً واصل اولدی . برچوق یرلرینی
اوقودیم بو کتاب ، یاخود بو معظم کتابه عالم تراب نی
نه قدر آغلادی ! وبونک ایچون سنک نه درجه متدارکم !..
زیرا آغلامغه بک احتیاجم وار . مصابیت حاضره مک
بونده اصلادخلی یوقدر دیمم . فقط باشمده بوتازه بلای
مصیبت اولمسه ، اوموزلرمده برر سنک مزار ، برر ملک
جنازه سی بولماسه ده بو کتاب نی آغلاته جق ایدی . سنک
ایچون ، نژادجغک ایچون ، وانسانیتک حالی ایچون
آغلایه جقدم . اوت ، هانیا ، نروده سنک نژادک کی اولاد !..
فقط هانیا ، نروده سنک کی برپدر عالینژاد !..

کتابکده ده حکایه سی آغلایه رق اوقودیم ۲ شباط

مکتوبلر

بیلمم که معادلی در ، دگلی در ؟ .. دها یازہ جق چوقشی
وارسہ دہ کیفسزلک مجال براقیور . باقی صاغ اولہ سین
قرداشم . برادر احقر مکدرک

عبداللہ حامد

مکتوب ایسترم مکتوب !

حامد



مکتوبلر

چندر ، بحردر ، کهساردر ، صبح ربیعی در ،
بویرلرده طوغان برشاعر اولمق پک طبیعی در .

شو و حش کلبه بی مأنوس حبّ مادری گوردم ،
که پک چوق خانقاهی بن اوزینتدن بری گوردم ،
خصوصا انده سا کن بریشیل کوزلو پری گوردم ،
(بنم ملکم ! ...) دیدی ، ملکنده گزدم ، هریری گوردم :
چندر ، بحردر ، کهساردر ، صبح ربیعی در ،
بویرلرده طوغان برشاعر اولمق پک طبیعی در ! .

بوجانبده وطندر ، بونده هپ شوق حمیتدر ،
بویانده فکر حریت که نور آدمیتدر ،
بویانده لاجورد و سبز گیمش سرمدیتدر ،
بوشیلر شاعریتدر ، فضیلتدر ، مزیتدر ،
چندر ، بحردر ، کهساردر ، صبح ربیعی در ،
بویرلرده طوغان برشاعر اولمق پک طبیعی در ! .

منظومه نك - که اولکی اسمی «ایکنجی استغراق» ایدی . -
بعض پارچه لرینی دکر سنز لکاری جهتیله بورایه یازمدم .
ذاتاً منظومه ، سنك بکنندیکك (استغراق) منظومه سنه

مکتوبلر

سزادر مشرقی عد ایتسه آدم مطلع اشعار ،
نه شاعر در که قدرت ، شعر سویلر یابدیغی آثار!..

چندر ، بحردر ، هساردر ، صبح ربیعی در ،
بویرلرده طوغان بر شاعر اولق پک طبیعی در!..

صبا ایلر قدوم نوبهاری کوهدن تبشیر ،
ایدر طفل محبت آسیاب عالمی تدویر ،
کلیر بریانده سنکستاندن آواز پلنک و شیر ،
اولور برق قضا اوردقجه روشن چهره تقدیر ،

یاخود

اولور شمشکلرک عکسیله روشن چهره تقدیر ،
چندر ، بحردر ، کهساردر ، صبح ربیعی در ،
بویرلرده طوغان بر شاعر اولق پک طبیعی در!..

سحر بیک جویبار حسن اهنک و صدایکدم ،
قیلار مکث ایتدیکم وادی صمتی حزن ایله خرم ،
کلیر مهرومه آسا فکرم احیایه (کمال ، اکرم) ،
دوئر قارشیده هر دم شعردن مصنوع بر عالم :

مکدر حسنی یارک منظر سودا نموندن ،
چندر ، بحردر ، کهسارددر ، صبح ربیعی در ،
بویرلرده طوغان برشاعر اولمق پک طبیعی در !!

شواهددن سقوط ایتمکده منبعلر منار آسار ،
بتون طاغلر آغاجلقددر ، آغاجلر هپ چنار آسا ،
اینوب برشی سادن کوکلم اوقشارزلف یار آسا ،
روان ایتسه عجمی اشک چشمم جویبار آسا؟
چندر ، بحردر ، کهسارددر ، صبح ربیعی در ،
بویرلرده طوغان برشاعر اولمق پک طبیعی در !!

اشارت قلمهده اشجار ، سمت لاتناهی بی ،
اوپر امواج قالقوب پرده قدر تپناهی بی ،
ایدر کوکبلره ایصال طائرلر الهی بی ،
اوهاتفارده ، کل ، سیرایله تقریر وجاهی بی .
چندر ، بحردر ، کهسارددر ، صبح ربیعی در ،
بویرلرده طوغان برشاعر اولمق پک طبیعی در !!

صباحه قارشی دولمش آفتابه منتظر ازهار ،
طلوع نور ایله هرغنجه ایلر خنده سین تکرار ،

فقط قوری بر تماشای .

سکز بچاق بر چتال

نه عالمدر بو عالم ، تنده جانم بی قرار ایلر !..
 هپا عجزات قدرت پیش چشمه مدن گذار ایلر .
 سماوی خنده لر در کوك یوزندن حق ، نثار ایلر ،
 سراسر نور لر در رنگرله استار ایلر ،
 چنדר ، بحر در ، کهسار در ، صبح ربیعی در ،
 بویرلرده طوغان بر شاعر اولمق پک طبیعی در !...
 نه یه دوش اولسه چشمه بونده هر دم تازه و تر در ،
 بلونلر کتز کوهر در ، مرصع ساز مشجر در ،
 شعاع مهر انور پاره پاره کرم اختر در ،
 طوغان اقشاملری بر منائی یلدیز رو چرور در ،
 چنדר ، بحر در ، کهسار در ، صبح ربیعی در ،
 بویرلرده طوغان بر شاعر اولمق پک طبیعی در !..

شفق بر نهر حزن ایلر ره آمیدی خونندن ،
 منور ماهتابک فکر نور نیلکونندن ،
 دوشربیک شعر مظلم اول ضیائک هر ستونندن ،

خارجیه یه کیده جک راپورظلرک حالنی کورمه . بو حکایه دن مقصدم آتیده کی منظومه نك وجه تسمیه سنی آکلاتمق . لکن انکلیرله قارشى اوکون عادتاً رذیل اولدم . برکت ویرسون که باشمده سیاحت کلاهی وارایدی . برده بئم اوراقه بعض کره بویله یمورطه لر ، قاورمه لر قاریشیور . سنک اوراقکه بئم هذیانلرم قاریشه مزمی ؟...

پونا شهرینی بیلمک ایسترسهن طاغلرله محاط ، غایت کنیش براووه تصور ایت . اووه نهایتسز برچنله ، چن ایسه نهایتسز بر خیابان ایله مزین . اولر هپ بر رقارت ، بو آغلرک اره سنه صاقلانمش وهپسی یکدیگرندن اوزاق ، بیاض . یوللر اوروپا کی ، اقشاملری بر ایکی ساعت قدر اوروپا کور یورز . بر بیوک شهر . بر قاج موزیقهللی ملت باغچه سی . نه رده بر سلاله که ندیم اتحاد ایتدم . قوشلر ماتهرانده اولدیغی قدر چوق دکل . چیچکلر دخی خانه باغچه لرینه منحصر کی ایسه ده ، قادینلر هر طرفه کور یلیور . بونلر آنلردن ده ها کوزل دکلی در ؟ .. پوناده اون بیك قدر انکلیر عسکری بولندیرلدیغدن ضابطان فامیلیلری بزم کی بومبایدن نقل ایدن موسم جیلرله برابر اقشاملری عربیه و آنلرله چیققدلرندن خیلی خوش تماشالر اولیور .

(براز زقطنه يم!) ديدم . مبارك سبت ايكي طرفندن
 آچلور ، قباقلی ، قوللی برچاشیر سبتی . قباقلرينك
 ايلشديره جك یری اولدیغندن آدم ایچندن بر ایلله يمك
 چیقارمق ایچون دیگر ایلله قباقلرينی طوتمق لازم کلیوردی .
 آچوب باقدم که ایچنده شونلر وار : برکاسه ایچنده
 قاورومه که برازی دوکولمش ، برطبق ایچنده برقاچ
 یمورطه که هپسی قیریلوب حولیلری وخارجیه یه کیده جك
 بعض اوراقی برباد ایتمش؛ طاق ، ائمک ، سکز دانه
 بیچاق ، برچتال ، برده سکا بو هفته کوندره جکم منظومه .
 برطرفدن شمندوفر یلدرم کبی اوچیور ، برطرفدن بن
 يمك ییه جك اولدم . ائلی صوقار صوقاز سکز بچاقلرك
 بریسیله پارمغی کسدم ، انکلیزلر بیق آلتندن کرک بنم
 حاله ، کرک سبتک حالنه کولیورلردی . سبتی آچمش
 ویمکه حاضرلنش بولندیغمن آرتق پارمغ کسادی دیه
 نصل طور دیم ؛ اوطاندم . زقطنمکه باشلادم . حجابمدن
 ایسه صوا ایچنده قالمشیدم . هر نه حال ایسه ییه جکمی ییدم .
 کبریت قوطیسی دخی سبتک ایچنده ایش ، سیغاره می یا قق
 ایچون لازم اولدی . لکن نه ممکن!... تمام یارم ساعت کبریت
 قوطیسی آرادم . سبتک ایچنده نه وارسه بر برینه قارشیدی .

مکتوبلر

اۆلجه کلن بر مکتوبگه ماتهراندن اوزونجه بر جواب
یوللادیغم کبی ، زمزمه یه قارشى ده بر مکتوب کوندرمشدم .
بوایکی کاغدمده هنوز مقابله ایتمک . (مکتوبلرم ده
جوابلری یازلمه دن اوراق پریشانه می قاریشیور ؟) باق ،
بو سؤالدن مقصدم بلکه سنی قیزدیرمقدر . یازدقدنصکره
چیفیتلر کبی کولمکه باشلادم .

سزای سنک زمزمه ک حقه ده بر شی یازمش . بوکون
آلدیغم مکتوبنده اویله سویلیور .

زمزمه ده اولان «هبلهل ومنهل» سوزلری بنم بیلدیکم
کبی دکل ، سنک یازدیغک کبی ایمش . بوراده تحقیق ایدوب
آکلادم . سنک بکنمدیکک ،

لبلزلین چرخدن قیلوب ایصال ،

او پرازهاری شمس بی پروا

بیتنی سزای ده بکنمیور .

کالدن هیچ خبر آله میورم . استادمنک حانده بوتغیر

عمومی نه در ؟

شمدی بن پونادهیم . ماتهراندن بورایه نصل کلدیکمی

بیلر میسین ؟ واغونده کلیرکن یانمده ایکی انکلین

واردی . آجیقدم . یمک سپتیه یانمه ییه جک قویمشله .

بکه اولان او مکتوبی و (تذکره) سنه کیره جک آناری
 اولجه و طوغریجه سکا کوندردم . ابراهیمده یازدم که
 اکر سن مناسب بولماز ایسهن روحی بکه کیده جک شیلری
 بکا اعاده ایتسون . مادام که او مبارک سوز کوجکه کیتمش،
 قلمکله ازاله ایدیورسن قیامتی قوپاردی ؟ . . یاخود
 روحییه اولان مکتوبی توقیف ایتسهن ده یالکز شعرلری
 کوندرسن نه اولوردی ؟ . . نه اوله جق ؟ . . . بن بویله
 مکدر اولماز ایدم . سنک بکا، بیلیم، محبتک واردر.
 فقط کوریورم که امنیتک یوق . سنمی امنیت ایتز بر
 قرداشسن ؟ . . یوقسه بنمی امنیت اولماز بر ادم ؟ . .
 اوراسنی الله بیلیر . بن او یله اغبرار، فلان بیلیم . شو
 سوزدن نه معنی چیقاردیگی بکا یازده بیلیم . پک مشکل
 موقعده بولئورم . تمنی ایدرم که - هیچ مأمول ایتم آ -
 روحییه کیده جک کاغذر هنوز کیتماش اولسونده
 یوقارده دیدیکم کی مکتوب معهود توقیف اولنمش
 وشعرلرده، فقط شمدی، ارسال اولنه جق اولسون .
 فقط، فقط مأمول ایتم . چونکه سن بنی بنم ایستدیکم
 قدر یاربیلیمورسین . نه ایسه کچلم . و - مادام که بر
 ملاحظه منزلقده بولنشم - تمنی عفو ایدلم . بیلمدیکم
 قصورمی عفو ایت قرداشم ! . . .

رجائی زاده اکرم بکه :

پونا - یاخود - یشیل مملکت ، ۲۰ محوز سنه ۱۸۸۴

برادر محترم اقدام اکرم ،

بو مکتوبمده بر از سویلنه جکم . المدن کلسه سکا بر
آز کوجنمکی بیله استر ایدم . یاسن بر شیئی پک چوق
دوشنیورسین ، یاخود بن آز دوشونیورم . همشیره زاده م
ابراهیم یازیورکه روحی بکه یازدیغم مکتوبده نزدکده اولان
بعض آثارم ایچون « اگر اوراق پریشانلرینه قارشمدیسه »
دیدیکمه پک زیاده مغبر اولمشسین . بی چاره حامد حالاسنک
امینتکی قزانه مامش . ابراهیمده طوتمشده بر طاقم تأویلات
هرض ایلش . حالبوکه بن کندم او عبارهدن نه معنی
چیقاردیغکی حالا بیلیمورم . اثرلرم اوراق پریشانکه قار -
شمدیسه دیمک ، نیجه اوراقک ایچنده غائب اولمدیسه
دیمکدن بشقه بر شی دکلدر . بوندن بشقه جه بر مقصدم
وارسه اومقصدله برابر قهر اولهیم . خصوصیه بن روحی

مکتوبلر

سن بیلیر سین که والدہ بنم دائمی صورتده سبب حیاتمدر .
اک بیوک اضطراب و اغتراب ایچنده اولدیغم زمان اضطرابمی
تسکین ابله بکاتسلیت بخش اولان شی والدہ مک تحطری در .
ان شاء الله یقینلرده کلیر ، مبارک آیاقلرینه قانورده بتون
اکدار و آلامی اونودیرم . چوجقلرمی یانمه آلهرق
والدہ مک قارشیسنده اوتورمق بنم ایچون اک عالی مرتبه ،
اک روحانی منظره در . باقی ایفای رسم سلام و جمله کزی
اللهه امانت ایدرک ختم کلام ایلرم قرداشم .

برادر متحسرك

عبدالحمید حامد



پیری زاده عثمان صاحب بکه :

نور دیده ام افندم عثمانم ،

۱۴ مارت تاریخی مکتوبی حظ و مسارایله آلدیم .
نصایحک طوغری ، اما اوق کی مؤثر برطوغری . مع مافیه
حقیقتک مجروحی اولمق بر قلب ایچون شفادر .
قطع الفته پک کیریشه میه حکم . اوداهییه برطوپال کی
آغر آغر کله جک ، فقط کله جک . استقباله حاجت یوقدر .
نیم کوکلدن نیجه بیک رشته لر قوپمش ، کیتمش ،
نیجه اورتباطلر افتراقه تحول ایتشدیر . برکون بوزنجیرده
قیریلیر ، کیدر . لکن شوراسنی آکلایه میورم که بو حیات
دنیلان بارکران بلایی بویله زحمتلرله چکمکده نه معنی
واردیر ! آرده صررده وظیفه دن بشقه برمسبب حیات
بوله میورم .

بردها پوسته نك قپانمنسه بر چاریک قالمدیغی و رشکده
برایکی ویا اوچ مسافر بولنمدیغی زمانلرده مکتوب یازارسن
دها لطیف اولمازمی ؟ والد مک آیا قلدن اوپرم . رؤیامه
کولملشر . بکا ایسه اوفرده بی اوقورکن آغلامق کلدی .

سلیمان نظیف بك افندی بنم « فینتن » تیاتروسنی
غزته سنه [*] قبول ایتدی. او یون محضا اوسایه ده کسب
قیمت ایده جکدر. [۱]

ملفوظاً کوندر دیککز منظومه لری اوقودم . دهاده
اوقویه جغم . بکندی کم شیلری بالدفاعه اوقومق عادتدر .
سلیمان نظیف بك افندی دن « فینتن » ک صکره دن کوندر دیکم
قسمنک اولجه استنساخ ایدلمسی و بعدم مستنسخ پارچه لرك
مرتبه ویرلمسی و خط دستمله اولان اصلنک اعاده سی
خصوصلرینی رجا ایتشدم . رجامک اخطارینی سزدن رجا
ایدرم . و کندی سنه عرض اشتیاق واحترام ایلرم . کتاب
مطبعه یه خط دستمله ویریله جک اولورسه مرتبلا اوقویه .
میجقلرندن پک چوق یا کلشلا اولور . ایشته بویله عزیزم .
تشکراتمله برابر دعوات خیریه کنزی تکرار ایله ختم کلام
ایدرم اقدام .

بروکسل ، ۴ نیسان ۱۹۱۲

عبرالحق هاس



[*] حق غزته سنه .

[۱] بر التفات متواضعانه که مظهر کمترینی مؤبداً شرمسار

ایدر .

فلورینه‌لی ناظم بکه :

محبّ ادیم، عزیزم ناظم بك افندی ،

یکانه برادرچکمک ارتحالندن طولایی ارسالنه همت
بیوردیغکز ورقه وفاکاری شمدیه قدر جوابسز
براقدیغ ایچون جدّا متأسفم . حتی تأخر واقعک اهلادن
بشقه برسبی اولدیغنی دوشوندکجه برازمجبوبیتده حس
ایدیورم . فقط آثارینی کورمکله مفتخر اولدیغ توجه
ومحبتکز سزه بنم بوقصورمی عفوایتدیرر .

برادرمک غیوبت ابدیهسی عائله مز ایچون پک عظیم
ضایعات تشکیل ایدیو . بونلری تعداده حاجت یوق .
شوقدروارکه ذات عالیکز کبی صمیمی دوستلردن نائل
اوله کلدیکمز تسلیتله تخفیف آلامه خیلی مدار اولیور .
اونک ایچونده سزه خاصه تشکر اندرم .

یالکمز بزم دکل ، بتون عثمانیلرک محبّی ومحبوبی
اولان رضا توفیقندن کلن صدای تعزیتده بنی کندیسنه
مجلوب ایتدی . همان جواب یازوب بکه کوندردم .

بکا دها زیاده قناعت کلیر. البتّه برشی دیر سین . سکوت
ایدر سهن فنا علامت .

آرتق بنده سکوت ایده ایم . بش اون کون صکره
ینه کوروشورز . باقی اخوت و محبت ابدیه .

لونده ، ۶ اغستوس سنه ۱۸۸۷ حسرتزدهك

عبدالحمید مام



بوکوزلک هریری نور ، فقط قلبی ظلمتدر ؛ ظلمت
اولدیغه کوره یوقارده کیجه یه تشیه اولنان بدبخته برتعالقی
اولمی دکلیدی ؟.. حیفا که برنقطه قدر نسبتی یوق ...
اشته بنم سودامه طوقنان بوراسیدر .

بنم اورایه نه زمان کله بیله حکم دها بللی دکل . بر
کوزل آل بنی چکملی درکه یورو یه بیله یم .
بهاءالدینک متانت ورصاتی مسلم ، شمدی متصرفلره
رخصت ویرمأمک عادت .

مستر کیبی منیف [*] نشان ایله تلطیف ایتدیسه سن
برمکتوب ایله مجلوب ایتلیسین ظن ایدیورم .
سزاییه ایصال خطاب ایتدمسده استحصال جواب
ایده مدم . بلکه بوکون یارین بر نتیجه سنی کورر ، مسرور
اولورم .

سکا پوسته ایله (زینب) ی کوندریورم . او قودقدن
صکره همشیره زاده لرمه ایصال ایدرسین . مطالعه کئی ده
بن ایسترم . بنجه کتاب پک قصورلی در . بیله بیله تصحیح
ایتمیورم . بونکله برابر نقایصی سنک طرفکدن کوستریلیرسه

[۱] معارف ناظر منیف پاشا .

نجوم ظاهره سنك سایه سنده در . آنده بو معالی مشهود ،
یا خود بو مآل منضم اولسه ، نظر ادراك و تخیله عماران
نه فرقی قالیر ؟ حتی اوکائنات منوره تفکرینه برده بر
کوزل تحسری منضم اولملی درکه کیجده ماضی یه دائر
دوشونله جک ، یا خود مستقبله عائد دوشویدر بر حال
اوله بیاسون . الحاصل نور اولسه ظلمت هیچدر . واقعا
نورکده کالی ظلمتله تعین ایدر . آنجق بو ، خالقک بیوکلکی
مخلوقاتندن آکلا شلق کنی در . هر نه حال ایسه سزکله
بن ، انوار ایله ظلمت کی ، ادبیات عثمانیه خدمتده صرف
ایام و لیلایدوب طور یورز .

انکلیر شاعرینک تشبیه کانه : « برگاک اللی کره
آچلمسی » خوش . ذات خیال متبسم ، فقط قرالیچه یه
نسبتی دوشونلیرسه کولنج اولیور . « تشبیه کنج بر قزک
مرثیه سنده پک یاقشیر » دیورسین . مثلا اون سکزنده
آچوب صولمق ، نهایت محو اولمق خیالی جامع اولورسه می ؟
نه مناسبتله پک یاقشیر ..

لوندردنک هواجه شمدی اک کوزل موسمی در .
جنت ایسه ده ملسکاک چوغی اوچوب کتیدیلر . بن ایسه
اسویچرده بر طاغ تپه سنده اولان ملکمله مخابره ایدیورم .

رجائی زاده اکرم بک :

قرداشم، واجب التکریم اکرم ،
ینه مکتوبک امدادمه یتشدی . وار اول ، سن بنی
طوتدقجه بن دوشمیه جکم ! سنی کوزلرم کورمیورسه ده
قلم طویور . اولدیغ یردن کونش کی دور ایسه نه ده
شعاعک یانمده در . خایر، بن سنک علوی کالکدن مستفیض
اولدقجه عته کتیرمیه جکم !
سومک ، آه سومک ! شمدی یه قدر نه یاپدمسه هپ
سومک یوزندن دکلیدر ؟

بیلیرم سن ده بندن آکلارسین ،
بلکه بندن آئی سن آکلارسین !

آه نیم پروانه لرم کندیلری یانه حق یرده بنی یاقیورلر!
کیجه نک علوتی معلوم ، بن کندمه تشبیهده یالکز
ظلمتنی مراد ایتشدم که کونشک استراحته کیتدیکی زمانده
پیدا ولور ، موقتدر ، مستعد زوالدر ، عین ظلالدر ،
اولیه دکللی ؟ علوتی ایسه سمانک ، شمسک ، قمرک ،

شیء اوله بیلیر. بنده هر کسی سومک، یاخود هر شخصک
سویلیر یرینی بولوب بکنمک وبتون قصورلرینی عفو
ایتمک خصاتی، یاخود غفلتی واردر.

عفریتلرک ده قلبی واردر،

قلبک سه طریق جلبی واردر.

دیورم. بوکا برده هوائلک ضم ایدرسهک حامدک اصل
واساسی شو حالدن عبارت قالور.

ادبیات ایله اشتغال ایدیاه میورد کلی؟.. سنک اوراده
هیچ اولمازسه توفیق فکرتک وار. بن نه یاپهیم؟. واقعا
لوندره دینیلن کائنات ایچنده عالم ادبیات ده موجوددر.
فقط بنم پنجره لرمدن، یاخود دورینمله کورنیمور،
کورلیور. ویاخود پک آز کوزوکیور. او، نه قدر اولسه
بزم ایچون اجنبی در. بزده آنک ایچون غریبزه. هر قوشک
دیلی بشقه در. بن کندی دینده اوتتمک وکندی ایلمدن
اولان قوشلرله اوتوشمک ایسترم. حالبوکه بزم قوشلر
هپ محکوم سکوت. یوقاریده دیدیکم فریاد باشلایه جق.
باری صوصهیم. باقی آلرکدن اوپرم.

لوندردن، ۱ نisan ۱۸۹۴ بردار کترب

عبدالطیر حامد



اولان دعا لر مده سنی اونو تامغه مجبورم . سندن نه قدر
 آجی سوزلر ایشدی کی بیلیرسک . بنی چوق گره قیرمق
 ایشدی کک حالد قیرلدم . نیچون ؟ .. او آجی سوزلرک بکا
 آجید یغکن و بر ازده کندی آجیلر کن نشئت ایتدی کی
 بیلورم ده آنک ایچون . دها ای یاپلش بر آدم کورمک
 مقصدیه قیرمق ایشدی ککن امینم ده آنک ایچون
 قیرلیورم . حال بویه اولمه شمدی زهرلنش ، همده کیم
 بیلیر ، بلکه زهرلی بر حالد بولوردم . سکا قارشو بنم
 کو کلمده حس شکران و منت ، حس نعمت و حرمت
 و حس کمال و فضیلتدن و برده اشتیاق و حسرتدن بشقه
 حسیات اوله میه جفی بیلدی کی ایسترم ، بیلمه کی رجا ایدرم .
 بعضاً بنی نائل خطاب ایت . کمال ایله اکر مک حامده
 ویرمش اولدقلری او کوزل نامی محافظه ده بن سنک ظن
 ایتدی کک درجه ده قصور ایتدی ککن امینم . البته خاطر -
 لرده درکه سن بر زمان بنی شهرت پرستکه - همده تحریراً -
 اتهام ایتمش ایدک . بر کونده احمد مدحتک یاننده بنم ایچون
 - بوشاعر شمدی ماهر اولدی - دیمشدک . اولکی تهمت
 اوزمانلر آزچوق موجود ایدی . فقط صوکره کی هیچ
 بر زمانده واقع اولماشدر . او مهارت مهارتدن بشقه هر

رجائی زاده اکرم بکه

— لونده دن —

برادر محترم و مکرمم افندم اکرمم ،

فخرالدین بکه [*] کوندر دیکم سلامی بر ستمله اعاده
ایتمشک بن سکا قارشوایتدیکم سکوتدن طولای ذاتاً پک
متأثر ایدم . بو ستمله او تأثرم مزداد اولدی . آنجق
سکوتمک ایکی سبی واردر : برنجیسی ، اولجه بالتجربه ثابت
اولدیغی اوزره ، سنی بنمله مخا بریه غیر مائل کوروشم ،
ایکنجیسی ده یازه جغم سوزلرک فریاد وفغاندن عبارت
اوله جغنی بیلشمدرد . سنکله مکاتبه دن محرومیت بنم دائماً
حس ایتدیکم بر عقوبت ایکن سنی اونوتمقلغم نصل قابل
اولور ؟ .. بو محرومیتدن بشقه بنم بر چوق موفقیتلرمده
واردر که آنلرده دائماً بکا سنی اخطار و اظهار ایدر لر . ایش
بونکله ده بیتمز . بنم کندمه مخصوص بر دیاتم ، بر طرز
عبادتم واردر . اودیانت اقتضاسنجه ینه کندمه خاص

[*] سفرای عثمانیه دن الیوم پترسپورغ سفیر وکیلی بولنان

فخرالدین رشاد بکه که اوتاریخده لونده سفارتی باش کاتبی ایدی .

صاحب بک زاده لره

— بروکسلدن —

سوکیلی قرداشلرم ،

ییدیکمز ضربه شدیده نك آجیسی کیتدکجه تازه نیوره
برطرفدن بوقرم خبر، برطرفدن انی تعقیب ایدن خبر سنزلک!
احوال عائله دن برآن اول خبردار اولور سهق کدرمز
اکسیلمز سهده بلکهده آرتماش اولور . او غلم حسینک
بکا یازمش اولدیغی مکتوبی لف ایدیورم . چوجق هم
آغلایور، هم آغلایور . حمله کزی اللهه ، ینه او بزى
بوسفر آغلایتمش اولان اللهه امانت ایدرم .

ماتمزده داییکمز

۸ ل تموز سنه ۱۹۱۰

صاحب



مکتوبلر

مجرّوح مجروح کزہ جکز . حقیقت حال انسانی بودر .
مصاب اولدق نور عینلرم ، مصاب اولدق والسلام .
سوکیلی خیاللرکز کوزمک اوکنده طور یور . جمله کزی
معنی کوریورم وهر بریکزک ناصیه پاک ونجییکزدن اوپر کبی
اولیورم . دنیا فانی و اخوت باقی .

ماتمزده داییکز

۶ تموز سنه ۱۹۰۱

عبدالحق مامد



صاحب بک زاده لره

نور دیده ام ابراهیم و عثمان و اسماعیل بک لر حضراتنه :

دامادم امین بکدن تلغرافله آلدیغم قره خبر بزه بر
یلدیرم کی اصابت ایتدی. حالا بومکتوبی لرزان و سوزان
اوله رق یازیورم. بو اوقدر آغیر بر مصیبت ، اوقدر نا کیهانی
بر صدمه که انسان بتون جان و دلیله آنک آلتنده ازیله مک
قابل دکدر .

هم فریاد ، هم حدت ، هم ده دنیانک شو حاله
لغت ایدیورم . سز لره والدۀ ماتم زده کزک حال صحتده
بولنمسی تسلیت بخش اوله جغی کی ، آکاده سزدن بشقه
تسلی ویره جک یوقدر . یعنی بو صدمه عظمایه قارشو
متانت و رصانت کو سترمک صورتیله والدۀ کزک حیاتی
محافظه ایده جکسکر . بزده بو حالی دوشونه رک کویا
متسلی اوله جغز . سزه بو سوزلری یازمق زاندر .
بینم زده کی روابط ابدیه محبت ترک عالم فنا ایتدکن
صکره ده باقیدر . قلبلر مزده بر جریحه ده اچدی .

مکتوبلر

عافیتده کورمکله قابل اوله بیلور . تکرار تکرار مبارک
اللر کزدن اوپر وسزی وجمله کنزی ربمه امانت ایدرز ،
سوکیلی همشیره م ، باشمزک تاجی افندم .

برادرهم کدرکنز

۶ تموز سنه ۱۹۱۰

عبدالغنی مامد



بیوک مشیرہ لری فاطمہ فخر النساء خانم افندیہ

سو کیلی آبلانچم ، ایکی کوزم افندم ،

کندم اوزاقدہ ایسہم دہ قلباً سزک یانگزدهیم .
خاصۃً اللرگزدن و آیاقلرگزدن اوپیورم و آغلایہ رق
یالواریورم . واقع اولان امرحقہ تحمل واللہ توکل ایدہ لم .
ہیمز بو یولک یولجی سی یز . بر کون ہیمز او بر عالمده
برلشہ جکز . بویلہ شدید بر صدمۃ افتراقہ قارشو طور مق
ممکن دکل ایسہدہ افراط کدردن کندیگزنی خستہ
ایدہ جک درجہ لردہ بولنمہ کزہ مرحومک [*] روحانیقی
راضی اولمازہ اولاد و احفاد کزی دوشونکز . آنلردہ
سزی عافیتدہ کورمک ایستلر . اللہ سزہ و آنلرہ عمرلر
وعافیتلر وصبرلر احسان بیورسون .

نلی خانم اٹکلرگزدن اوپیور . اوغرا دیغمز کدروتہ
وجلہ مزک آلام واکدار مزہ مقاومت ایتمکلہ کمز سزی

[*] مخاطبۃً محترمہ نک زوج مکرمی صاحب بک .

مکتوبلر

ایدر!.. خاطرده بوندن بشقه یازده جق برشی اولمدیغندن
سوزی اوزاده میه جنم .

مراد بک بزه مکتوب کوندرمز اولدی . عجباً سببی
نه در؟..

والده کنز حاتم افندیلرک وفر حتما حاتم والده مزک آللرندن
واسماعیل بکک کوزلرندن اوپرم . دادیلره و آغالره سلام
ایدرم . باقی اخوت .

جمعه ۷ تشرین اول سنه ۹۳

برادریکز

عبدالحی همام



پیری زاده ابراهیم بکه

برادرم اقدام ،

ایکی قطعه رسمکزله برابر ۲۰ ایلول سنه ۹۳
تاریخی بر محبتنامه کزی آلهرق کسب مسروریت ایلدم .
فقط بومسوریتی پک بیوک برکدر تعقیب ایلدی : اوده
مختار پاشانک هزیمتی در . بوهزیمتک درجه اهمیتتی بالطبع
استانبولجه معلوم اوله میه جفندن سزله اوقدر زیاده
تأثیر ایتماشدر ؛ فقط بزایشی پک فنا ایشتدیکمزدن
- روسلردن آلدیغمز خبرله پک اعتماد ایتماکله برابر -
فوق العاده اضطراب ایچنده یز . غورچاقوفک بوراده کی
روسیه سفارتنه کوندردیکی تلغرافله وسائر روس خبرلرینه
نظراً ، مختار پاشانک اردوسی تارمار ایدلمش و معیتنک
نصفی التی ، یدی پاشا ایله برابر اسیر اولمش . بو خبر - معاذ الله
تعالی - صحیح چیقارسه بزم ایچون برابدی ماتم ایچنده
قالمق طبعی در . باقلم مرور وقت ایشی نه درجه یه ایصال

مکتوبلر

یاخود کندی سلاهمزله مدافعه ایدرسهك ایده جکمز .
بشقه لرندن فائده یوق .

مدحت پاشایی بوراده ایکن هر کون کورردم .
شمدی لوندره ده در . لوندره یه دعوت اولنشی رسمی
دکلدر، یعنی شخصه محبتی اولان بعض لوردلرک کندوسنی
لوندره یه چاغرمسندن بشقه بر شی دکلدر . مقصد
اصلیسی انکلتراهی تشویق ایدی . کیتدی، تشویق ایتدی،
بر ثمره سنی کوره مدی . یقین ده عودت ایدر . کندوسی
پک مایوس در . شمدنصکره انکلتراه - فرض محال
اوله رق - روسیه یه اعلان حرب ایتسه ده فائده ویرمز .
روسلر هم کلیولی یه ، هم استانبوله آنلردن اول واصل
اولمش اولورلر .

مکتوبی والده کزه ویریکنز . باقی اخوت .

۳ کانون ثانی سنه ۹۳ برادریکنز

عبدالحق همام



تفریق ایدہ جکاری قطعہ دہ ادرنہ ولایتک دہ داخل اولمسنی
شرائط صلحیہ ادخال ایدہ جکلرمش . ایشتدیکمزہ
کوره ، موسقوفلر چورلی یه یاقلاشمش ، برطرفندہ
کلیولی یه طوغری یوریورلرمش . خنزبرلر مقصدلرینی
ایستہ دکبری قدر کتم ایتسونلر ، ینه هرکس بیلیرکه
استانبوله کیرمک مقصدندہ درلر . وبوکیدشله حرباً
اولمازسه صلحاً کیره جکلردر ظن ایدرم .

اشته سوء اداره نک مجازاتی کورییورز . حالاقلندر
مشرّب ملتزم تحمّل وتوکل ایدہ طورسون .
مجلس مبعوثان سوزده پک اعلا ! .. یعنی اولدجه
اعضا ایچنده لاقردی سویلینلر وار . فقط فعلیاتہ کلنجہ
هپسی طاش کسلیور .

اتفاق مثلثه قارشو بر دیگر اتفاق مثلث تشکیل
اولنه جنی سوزی کلیاً بی اساسدر . آوروپا دولترینک
جمله سی بزم علیهمزده متفق در . بوکا قویاً اعتماد ایدیکمز .
نه ایستیورلر سه سوزدر ، خیالدر ! ..

آوروپا بزم لهمزده اولسه ، محاربه بی ابتدا سندن
منع ایدردی . شمدی بز آنحق روسلرک انصافنه قالدق ،

پیری زاده ابراهیم بکه

برادرم اقدام ،

چکن هفته آلمسی لازم کلن مکتوبکزی اولکی کون
آلدم . بو هفته نك پوسته سی دها کلمدی . باقه لم نه زمان کلیر .
کمال بکک نوری بکه یازدینی مکتوب صاحچه برشی :
ظن ایدرم صاحچه اولمه سنی التزام ایدرک یازمش . اصل
کمال بکدن بن بر مکتوب آلدم که تمام اون ایکی صحیفه
وصحیفه لرده چارشاف قدر برشی ؛ یعنی باصلسه بر کتاب
اولور . صورتی المق حدم دکل که آلوب ده سزه کوندره ایم .
کندیسیله مخابره مز اکسک اولیور .

آمان قرداش ! .. بن ده سندن رجا ایدرم ، خریطه ،
فلان ایسته مه . زیرا آله مم ، کوندره مم ، یاپه مم ، اویدیره مم ،
تنبل ، منحوسم ، مردارم .

هم خریطه بی نه یاپه جقسین ؟ .. ممالک محروسه نك روم
ایلی جهتی یوق که باقمقدن برشی حاصل اولسون ! ..
روسلا ادرنه یه کیردیله . هم ظنم (بلغارستان) نامیله

مکتوبلر

یالان ویا کلش بر خبردر . لطفاً تحقیق ایدوب بکایازیکز .
نجیب بکه [*] اولان مکتوبی ایصال ایتکده اهل
ایتامکزی رجا ایدرم . معهو . شعرلری ایستدیه ویره .
بیلیرسکز . بندن سؤاله نه حاجت !! ..

بوکیجه کیچ یاتدم . او یقوسزم . بشقه ده ایشلرم
وار . سوزی کسورم . رسم سلام معلوم . باقی اخوت .
۱۶ کانون اول سنه ۹۳ برادریکز

عبدالحق همام

کچنده لفا کوندردیککز فرانسزجه مکتوبک جوابی اولکی
کون بکایولادیلر . بنده سزه کوندریورم . سزده پدر بک
افندی حضرتلرینه تقدیم ایدیکز . زیرا طرفک اوزری نام
عالیرینه یازلمشدر .



[*] سامی پاشا زاده داماد شهریارى نجیب پاشا .

پیری زاده ابراهیم بکه

برادرم افندم ،

۷ کانون اول تاریخلی محبتامه کزی آلدیم . اشته
حسینک رسمنه مقابل ، سزه عثمان پاشانک [*] رسمی
کوندریورم . بورسملرک ایکسی ده بنجه غایت قیمتداردر .
چونکه بری بنم او غلمک رسمی در ، بری ده بتون عثمانلیلرک
پدری اولان برذاتک تصویریدر . فقط کوره جکسکز آ ! .
کوزل یاپلش بر رسم دکل ، بونگله برابر نظرلره گوزل
کورونیور . بیلیم صاحبی اولان شخص بینظیره بکزمی ؟ .
آنی بیلنلردن سز تحقیق ایدیکز . وایحاجانک اجرا سندن
صکره کوندردیکم رسمی ینه بکا اعاده ایتلی . زیرا محاربه
حاضره احوالنک حاصل ایتدیکی کدرلر ایچنده بکا عثمان
پاشانک رسمنه باقمقدن بشقه تسلی یوقدر .

بوراده - دهبا - غزته سنده مشارالیهک حریمی وفات
ایتدیکنی او قودم . فوق العاده تأسف ایتدم . انشاء الله .

[*] پلونه قهرمان لایموتی عثمان پاشا .

۳

بر هیئت مخصوصه طرفندن طبع ایتدیرلشدور



1030603



الحق

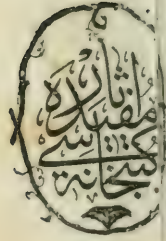
کلیات آثار

مکتوب

— ۲ —

استانبول — مطبعة عامه

۱۳۳۴



الحمد لله

کلیات آثار

مکتوبه

— ۲ —

استانبول — مطبعة عامره

۱۳۳۵

PL
248
T396M4
v.2

Tarhan, Abdülhak Hamit
Mektûblar

PLEASE DO NOT REMOVE
CARDS OR SLIPS FROM THIS POCKET

UNIVERSITY OF TORONTO LIBRARY
